



مجله سیاست دفاعی

نشریه علمی - پژوهشی مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)

(شماره استاندارد بین‌المللی ۵۰۸۷-۱۰۲۵)

سال هجدهم، شماره ۷۰، بهار ۱۳۸۹، شماره پیاپی ۷۰

نشانی: دانشگاه جامع امام حسین (ع) - مرکز
مطالعات دفاعی و امنیت ملی

شماره تماس مستقیم: ۷۷۱۰۵۷۶۵

دورنگار: ۷۷۱۰۵۷۴۷

نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۱۶۷۶۵-۳۴۵۹
مرکز فروش: تهران - بزرگراه شهید بابایی - بعد

از پل لشکرک - دانشگاه جامع امام حسین (ع)

ساختمان شهید بروجردی - طبقه دوم - مرکز

مطالعات دفاعی و امنیت ملی

شماره تماس: ۲ - ۷۷۱۰۵۷۴۱

صاحب امتیاز: دانشگاه جامع امام حسین (ع)،
مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی

مدیر مسئول: علیرضا فرشچی

سر دبیر: دکتر سید یحیی صفوی

دبیر تحریریه و مدیر داخلی: علی قنبرزاده

حروف چینی و صفحه‌آرایی: حسین سرمدی

ناظر چاپ: اندیشگاه علم و صنعت جهان معاصر

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: انتشارات شکیب

قیمت: ۴۰,۰۰۰ ریال

درجه علمی مجله سیاست دفاعی، طبق نامه شماره ۱۰۳۵۵/و مورخ ۱۳۸۸/۰۶/۱۱

کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور، به عنوان نشریه علمی - پژوهشی،

مورد تأیید قرار گرفته است.

هیأت تحریریه، مشاوران علمی و داوران مجله سیاست دفاعی (به ترتیب حروف الفبا)

هیأت تحریریه

دکتر محمدابراهیم سنجقی (استادیار مدیریت استراتژیک، دانشگاه مالک اشتر)	دکتر علی اکبر احمدیان (استادیار مدیریت، دانشگاه امام حسین (ع))
دکتر سیدیحیی صفوی (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه امام حسین (ع))	دکتر محمدحسین افشردی (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه امام حسین (ع))
علیرضا فرشچی (رئیس مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی)	دکتر همایون الهی (استاد علوم سیاسی، دانشگاه تهران)
دکتر جهانگیر کرمی (استادیار روابط بین الملل، دانشگاه تهران)	دکتر بهادر امینیان (استادیار روابط بین الملل، دانشگاه امام حسین (ع))
دکتر منوچهر محمدی (دانشیار مطالعات بین الملل، دانشگاه تهران)	دکتر حسین حسینی (استادیار علوم سیاسی، دانشگاه امام حسین (ع))
سیدحسین محمدی نجم (پژوهشگر دانشگاه امام حسین (ع))	دکتر حسین دهقان (استادیار مدیریت، دانشگاه مالک اشتر)

هیأت داوران

دکتر حسین ظریف منش (فرمانده دانشگاه امام حسین (ع))	دکتر حسین اردستانی (استادیار علوم سیاسی، دانشگاه امام حسین (ع))
دکتر اصغر قائدان (استادیار تاریخ، دانشگاه امام حسین (ع))	دکتر سیدعلی حسینی تاش (استادیار دانشگاه امام حسین (ع))
غلامرضا محرابی (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع))	دکتر محسن رضایی (استادیار اقتصاد، دانشگاه امام حسین (ع))
دکتر پرویز میرعباسی (دانشیار حقوق، دانشگاه تهران)	اکبر رمضان زاده (رئیس پژوهشکده عالی جنگ)
	دکتر الله مراد سیف (استادیار اقتصاد، دانشگاه امام حسین (ع))

مشاوران علمی

محمدحسین قنبری جهرمی (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع))	دکتر هادی مراد پیری (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع))
احمد محمدزاده (مشاور مرکز راهبردی سپاه)	سیدکمال الدین محمد رفیعی (پژوهشگر دانشگاه امام حسین (ع))
دکتر عباس مهري (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع))	دکتر محمدعلی سبحانی (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع))
مهدی نطاق پور (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع))	احمد غلامپور (عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع))

شرایط تدوین و ارسال مقاله‌های علمی - پژوهشی برای چاپ در مجله سیاست دفاعی

پژوهشگران گرامی لطفاً هنگام ارسال مقالات به نکات زیر توجه فرمایید:

الف) ملاحظات کلی

- ۱ - مقالات فقط مربوط به حوزه‌های دفاعی، امنیت ملی و امنیت بین‌المللی و در سطوح راهبردی و عملیاتی باشند.
- ۲ - مقاله باید تحقیقی و حاصل کار پژوهشی نویسنده یا نویسندگان باشد. مقالات مروری از نویسندگان صاحب‌نظر و حائز اثرات و مقالات پژوهشی در زمینه مورد بحث، به شرطی پذیرفته می‌شود که منابع معتبر و متناهی، مستند تحقیق قرار گرفته باشد.
- ۳ - مقاله‌های ارسال‌شده قبلاً یا همزمان برای چاپ یا ارائه به نشریات دیگر و یا همایش‌ها ارسال شده باشد.
- ۴ - نام نویسنده یا نویسندگان همراه با رتبه علمی، محل اشتغال و نشانی کامل و تلفن تماس همراه مقاله باشد.
- ۵ - نشانی کامل نویسنده عهده‌دار مکاتبات: شامل نشانی پستی، شماره تلفن، شماره دورنگار و نشانی پیام‌نگار (E-Mail) به فارسی و انگلیسی.
- ۷ - چنانچه مخارج مالی تحقیق یا تهیه مقاله توسط مؤسسه‌ای تأمین شده باشد باید نام مؤسسه در صفحه اول درج شود.

ب) ساختار و شکل ارائه مقاله

- ۱ - رعایت ساختار پیشنهادی الزامی است: عنوان، چکیده (حداکثر ۸ سطر)، کلید واژه (حداکثر ۵ واژه)، مقدمه (دربرگیرنده بیان مسئله و ضرورت، سؤال یا فرضیه و روش تحقیق)، چارچوب نظری (تحلیلی)، داده‌ها و مباحث تفصیلی تحقیق، نتیجه‌گیری، چکیده انگلیسی (حداکثر ۲۵۰ کلمه)، کلید واژه انگلیسی (حداکثر ۵ کلمه)، فهرست منابع (منابع لزوماً باید در متن مقاله استفاده شده باشد).
- ۲ - تیتراهای اصلی با شماره‌های ۱، ۲، ۳ و... و زیر تیتراها با شماره‌های ۱-۱، ۲-۱، ۳-۱ و... و به ترتیب با فونت‌های B Zar Bold ۱۱، ۱۰، ۹ مشخص شده باشد.
- ۳ - متن مقاله حداکثر در ۲۵ صفحه با نرم‌افزار Word 2003 به بالا و قلم B Lotus و فونت ۱۲ و متن انگلیسی با Calibri 10 آماده و ارسال گردد.
- ۴ - مقاله باید سلیس و روان و بدون هیچ‌گونه غلط‌های املائی نگارش یابد و از آوردن اصطلاحات خارجی که معادل دقیق و ابلاغ شده فارسی دارد، خودداری گردد. معادل خارجی اسامی و اصطلاحات خارجی در پانویس به صورت اتوماتیک آورده شود و در هر صفحه به طور مستقل شماره‌گذاری گردد.
- ۵ - نمودارها، جداول و اشکال با یکی از نرم‌افزارهای Office به زبان فارسی و در اندازه‌های ۸×۱۲ یا ۱۶×۱۲ طراحی شود و اختصارات آنها در پانویس توضیح داده شود. نمودارها، جداول و اشکال باید دارای شماره‌های متوالی باشند و بدون نیاز به مراجعه به توضیحات متن گویا باشند.
- ۶ - تیتراهای عنوان و نوع قلم مربوط مطابق جدول شماره ۱ که در انتهای این راهنما خواهد آمد، می‌باشد.

ج) روش ارجاع به منابع

۱ - در متن

- ۱-۱ - مأخذ در متن مقاله داخل کمان به صورت (نام خانوادگی، سال انتشار: شماره صفحه)؛ مانند (متقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۵)؛ (Smith, 1990: 23)

۲-۱ - اشاره به منابع دارای چند نویسنده به صورت (نویسنده و همکاران، سال انتشار، شماره صفحه) مانند (متقی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸)؛ (Smith, etal, 2004: 8)

۳-۱ - اشاره به آدرس‌های اینترنتی به صورت (نام‌خانوادگی نویسنده / نام مرجع تدوین‌کننده، سال)

۴-۱ - در تمامی منابع اگر نویسنده دارای دو یا چند منبع در یک سال باشد، پس از ذکر سال لازم است فصل یا ماه نشر اثر آورده شود، مانند (احمدی، پاییز ۱۳۸۸) و (احمدی، بهار ۱۳۸۸)؛ (Digman, Jan 1999) و (Digman, Apr 1999)

۲ - در پایان مقاله

فهرست منابع در پایان مقاله به ترتیب حروف الفبا به صورت زیر آورده شود:

۱-۲ - کتاب تألیفی: نام‌خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کتاب، محل نشر، نام ناشر.

۲-۲ - کتاب ترجمه‌ای: نام‌خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کتاب، نام مترجم، محل نشر، نام ناشر.

۳-۲ - مقاله: نام‌خانوادگی، نام، «عنوان مقاله»، نام مجله، دوره، شماره، شماره صفحات (ابتدا و انتهای مقاله)، سال نشر.

۴-۲ - آدرس اینترنتی: نام‌خانوادگی، نام و نویسنده و نویسندگان / مرجع تدوین‌کننده، عنوان مطلب، آدرس صفحه اینترنتی، تاریخ بارگذاری، تاریخ مشاهده.

(د) تذکرات

۱ - آرا و دیدگاه‌های ارائه شده در مقالات الزاماً بیانگر نظر و دیدگاه مجله نیست.

۲ - مسئولیت ناشی از صحت علمی یا دیدگاه‌ها و ارجاعات مندرج در مقاله به عهده نویسنده یا نویسندگان است.
۳ - مجله حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد و از بازگرداندن مقالات رد شده معذور است.

۴ - دریافت مقاله از سوی مجله الزاماً به معنای پذیرش قطعی آن برای چاپ نیست.

جدول شماره ۱

عنوان	نوع قلم	عنوان	نوع قلم
عنوان مقاله با تیتراژ ۱	B Zar 11 Bold	متن چکیده و کلیدواژگان	B Lotus 10 Italic
عنوان چکیده، کلید واژگان، مقدمه و ... نتیجه‌گیری (تیتراژ ۲)	B Zar 10 Bold	متن پانویس فارسی	B Lotus 9
عناوین فرعی زیرمجموعه‌ی تیتراژ ۲ با تیتراژ ۳	B Zar 9 Bold	متن پانویس انگلیسی مانند:	Calibri 8
عناوین فرعی زیرمجموعه تیتراژ ۳ با تیتراژ ۴	B Lotus 11 Bold	متن مقاله	B Lotus 12
تیتراژ جدول‌ها، نمودارها و عکس‌ها (تیتراژ جدول‌ها و نمودارها باید بالای آن‌ها و تیتراژ شکل‌ها پایین آن‌ها و در وسط ذکر شود).	B Lotus 10 Bold	ارجاعات منابع داخل متن به فارسی مانند:	B Lotus 10
		ارجاعات منابع داخل متن به انگلیسی مانند: (Smith, 1990: 23)	Calibri 9

کلیه حقوق برای مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی دانشگاه امام حسین (ع) محفوظ است.
نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ آزاد است.

فهرست مطالب

مجله سیاست دفاعی، سال هجدهم، شماره پیاپی ۷۰، بهار ۱۳۸۹

صفحه

عنوان

مقاله‌ها

- نقش کنگره‌ی آمریکا در زمینه‌ی اعمال ملاحظه‌های امنیتی - راهبردی مربوط به «سیاست کنترل صدور فناوری» ۹
/ سیداصغر کیوان حسینی
- انقلاب فناوری و تأثیر آن بر سیاست بین‌الملل ۳۱
/ سعید وثوقی
/ احسان شیخون
- تدوین و ارزیابی راهبردهای نظامی با تأکید بر روش تحلیلی «SWOT» ۵۹
/ سعید کافی
- تبیین صحنه‌های عملیات ج.ا.ا در هشت سال دفاع مقدس ۸۱
/ هادی مرادپیری
- نقش عوامل و مؤلفه‌های پدافند غیرعامل در امنیت کشور ۱۱۹
/ عباس مهری
- جایگاه سیاست در اقتدار ملی از دیدگاه علی (ع) ۱۶۵
/ محمدباقر بابایی
- تعیین نوع دانش و مهارت‌های مدیریتی مورد نیاز مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی ۲۰۵
/ محمدرضا مردانی

چکیده انگلیسی

/ سیدسعادت حسینی دمایی

سخن سردییر

هرچند بیش از پنج قرن است که تحلیل محیط امنیت بین‌المللی مبتنی بر گفتمان اثبات‌گرایی انجام گرفته، اما همیشه به رویکرد مکانیکی نیوتنی محدود نبوده و متناسب با تغییر پارادایم علم و فناوری تطور و تکامل یافته است. به کارگیری نظریه سیستم‌ها در اواسط قرن بیستم توسط مؤسساتی مانند رند، گام مهمی در این سیر تکامل به حساب می‌آید.

کاربست نظریه سیستم‌ها برای تحلیل محیط امنیت بین‌المللی در اصل نتیجه مطالعات مربوط به سیستم‌های پویای فیزیکی و بیولوژیکی بود. از این منظر، سیستم‌های سیاسی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی بیشتر شبیه به موجودات ارگانیک هستند تا ماشین‌های مکانیکی.

کشف قابلیت سیستم‌های بیولوژیکی مبنی بر حرکت به سوی تعادل یا خود‌پایداری و تعمیم این قابلیت به محیط امنیت بین‌الملل، سبب گردید تا این محیط، سیستمی دینامیک فرض شود که می‌توان با استفاده از مداخله‌های حساب شده، زمینه بروز الگوی تغییرات مورد نظر را در آن ایجاد کرد. مداخله‌های نظامی آمریکا در گوشه و کنار دهه‌های پنجاه و شصت قرن بیستم با همین منطق قابل توجیه است. اما ناآرامی‌های سیاسی دهه ۶۰ و فراز و نشیب‌های اقتصادی دهه ۷۰، اصل تمایل سیستم‌های دینامیک برای رسیدن به تعادل را با چالش جدی مواجه ساخت. به بیان دیگر، وقایع پدیده سیاسی - اجتماعی قرن بیستم در اثبات تعمیم نابه‌جای نظریه سیستم‌ها به محیط امنیت بین‌الملل نقش مهمی داشتند. امروزه پس از افول نظریه سیستم‌ها، نظریه‌های آشوب و پیچیدگی مبنای تحلیل محیط امنیت بین‌الملل قرار گرفته‌اند. رفتار پویای محیط امنیت بین‌الملل که حاصل اندرکنش دایمی بازیگران گوناگون ملی، فراملی و فراملی است، صرفاً با استفاده از نظریه‌های آشوب و پیچیدگی قابل توصیف و پیش‌بینی است.

نشریه علمی - پژوهشی سیاست دفاعی با نگاه غیرخطی به مقوله امنیت، در تلاش است تا به معرفی عناصر و مؤلفه‌های تأثیرگذار در این حوزه بپردازد. در این شماره، به بررسی نقش فناوری، راهبردهای نظامی، صحنه‌های عملیات، پدافند غیرعامل، ملزومات مدیریتی بازیگران و اقتدار سیاسی کشورها بر این محیط خواهیم پرداخت. امید است بضاعت اندک این گروه، کور سوی فراروی محققان و دانش‌پژوهان پرتلاش این مرز و بوم باشد.

دکتر سیدیچی صفوی

نقش کنگره‌ی آمریکا در زمینه‌ی اعمال ملاحظه‌های امنیتی - راهبردی مربوط به «سیاست کنترل صدور فناوری»^۱

سیداصغر کیوان‌حسینی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۸/۱۰/۸۸

تاریخ تأیید مقاله: ۱۹/۱۲/۸۸

صفحات مقاله: ۲۹-۹

چکیده

حوزه‌ی تصمیم‌سازی خارجی آمریکا بر محور صدور فناوری، همواره از نوعی «هماهنگی و مشارکت میان سازمانی» برخوردار بوده است. به عبارت دیگر، در کنار قوه‌ی مجریه، کنگره نیز سعی داشته از طریق طرح و تصویب قوانین و مقررات مربوط به این مقوله، به شرایط اجرایی مورد نیاز برای پیشبرد اهداف ناظر بر سیاست کنترل صدور اقلام فناورانه مساعدت نماید. این الگوی تعامل میان ارکان تقنینی و اجرایی آمریکا، جلوه‌ی خاصی از نظام مشارکت بین سازمانی در این کشور را ارائه می‌دهد؛ مشارکت و تعاملی که فراتر از دغدغه‌های حزبی و منفعت‌طلبانه، در مواردی تا سطح اجماع نسبی بر محور خطوط راهنمای رفتار خارجی نیز معنا و هویت یافته است. در این مقاله سعی می‌شود که چگونگی نقش‌آفرینی کنگره در ارتباط با موضوع مورد اشاره (صدور فناوری) در دوره‌های قبل از جنگ سرد، جنگ سرد و بعد از آن مورد بررسی قرار گیرد. فرضیه‌ی اصلی نیز که بر محور اثبات این الگوی همکاری میان کنگره و قوه‌ی مجریه معنا می‌یابد، در جریان بررسی تحولات مربوط به دوره‌های زمانی پیش‌گفته قابل اثبات خواهد بود.

۱ - این مقاله برگرفته از پروژه‌ی تحقیقاتی است که با عنوان «نقش‌آفرینی کنگره‌ی آمریکا در ارتباط با سیاست ناظر بر صدور فناوری» در دانشگاه فردوسی مشهد به تصویب رسیده است.
۲ - استادیار رشته روابط بین‌الملل و عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد.

کلید واژگان

سیاست کنترل صدور فناوری، قانون اداری صادرات، قانون مهار صادرات، قانون تجارت با دشمن، قانون نبرد، اصلاحیه‌ی سمینگتون

مقدمه

در چارچوب خطوط راهنمای ناظر بر راهبرد کلان آمریکا در دوره‌ی جنگ سرد و بعد از آن، سیاست معطوف به اعمال نظارت و کنترل بر جریان صدور فناوری‌های پیشرفته به دیگر کشورها، از موقع بسیار مهمی برخوردار بوده است. در واقع، در کنار انگیزه‌ها و محرک‌های فرهنگی و تمدنی که آبخور نرم‌افزاری قدرت این دولت برای پاسداری از موقع «برتری طلبی فناوریانه» باید قلمداد شود؛ سیاست مزبور (کنترل صدور) بر نوعی جهت‌گیری در عرصه‌ی امنیتی - راهبردی دلالت دارد. در این میان، پرسشی اصلی عبارت است از اینکه «در چارچوب نظام تصمیم‌سازی ایالات متحده بر محور سیاست کنترل صدور فناوری، رکن تقنینی آن خاصه کنگره چه نقشی بر عهده دارد؟» به نظر می‌رسد که برای پاسخ‌یابی منطقی و روش‌مند برای این پرسش، بررسی روند فعالیت‌های قانونگذارانه‌ی نهاد مزبور در ارتباط با روند تصمیم‌سازی‌های اجرایی در قوه‌ی مجریه، بهترین گزینه باشد. بر این اساس، نوشتار حاضر فرضیه‌ی زیر را مدنظر دارد:

”در چارچوب نظام تصمیم‌گیری معطوف به سیاست کنترل صدور (فناوری) الگوی تعامل میان کنگره و قوه مجریه از ویژگی «مشارکت میان سازمانی» برخوردار شده و تا مواردی تا سطح «اجماع نسبی» نیز به پیش می‌رود.“

روش مورد نظر در این تحقیق «اسنادی» (کتابخانه‌ای) خواهد بود. در ادامه با اتکا بر شیوه‌ی توصیفی - علی سعی می‌شود که مسیر مورد نظر برای بررسی و اثبات فرضیه به پیش رود. الگوی سازماندهی این نوشتار در چهار بخش طراحی شده، که در چارچوب آن چگونگی تعامل میان در رکن تقنینی و اجرایی آمریکا بر محور سیاست کنترل صدور فناوری به دیگر کشورها بویژه کشورهای تهدیدزا و ناسازگار مورد توجه قرار می‌گیرد. بستر زمانی مورد نظر

نیز دوره‌های زمانی قبل از جنگ سرد، جنگ سرد و بعد از آن و بویژه فضای بعد از یازدهم سپتامبر را دربر خواهد گرفت.

۱ - نقش کنگره در ساختار و روند تصمیم‌سازی خارجی آمریکا

مفهوم «سیاست کنگره‌ای»، در چارچوب سیاست و حکومت در آمریکا، بیش از هر چیز از جایگاه منحصر به فرد نهاد کنگره در این نظام سیاسی، در مقایسه با دیگر دموکراسی‌های غربی حکایت دارد. (Ornstein and Mann, 2006: 27) مبنای این موقعیت ساختاری در اصول حاکم بر فرایند تدوین و تصویب قانون اساسی این سرزمین باید پی‌جویی شود. به کلام دیگر، در سایه‌ی دکترین دوگانه‌ی «تفکیک قوا» و «مقابله و توازن»^۱ به عنوان اصل حاکم ساختار سیاسی این دولت، شرایط لازم برای نقش‌آفرینی این رکن تقنینی در تعامل با دیگر ارکان اجرایی و قضایی آن فراهم می‌شود. در این وضعیت کنگره از طرق گوناگون چون کنترل بودجه، حق تأیید صلاحیت مهم‌ترین مقام‌های سیاسی چون سفرا، حق اعلان جنگ، ... بر قوه‌ی مجریه اعمال نظارت نماید. در این ارتباط، باید از اختیارات قانونی رئیس‌جمهور در مورد مصوبات هر دو مجلس قوه‌ی مقننه سخن گفت؛ چرا که بدون امضای وی شرط قانونی شدن مصوبات مزبور متحقق نخواهد شد. بر این مبنای، مقوله‌ی «وتوی رئیس‌جمهور» از موضوعات بسیار مهمی است که می‌تواند پی‌آمدهای خاصی را برای عرصه‌ی مدیریت امور داخلی و خارجی کشور به همراه داشته باشد. (وایل، ۱۳۸۴: ۱۰ و ۲۱۳) در این میان، عرصه‌ی تصمیم‌گیری خارجی به صحنه‌ی دیگری برای تعامل میان کنگره و رئیس‌جمهور تبدیل شده است، (Hamilton, 2002: 208-209) در این ارتباط، باید از دهه‌ی هفتاد به عنوان یک نقطه‌ی عطف سخن گفت. در واقع، ناکامی آمریکا در نبرد ویتنام که به عنوان حادثه‌ای غیراخلاقی بعد از واترگیت، موجبات تضعیف اعتبار جهانی «استثناء‌گرایی آمریکایی»^۲ را فراهم آورد؛ (Davis & Jones, 1987: 20) از سوی کنگره به عنوان نمادی از پایبندی شدید دستگاه

1 - Checks and Balances

2 - American Exceptionalism

دیپلماسی به آرمان‌های قدرت محور تلقی شد؛ وضعیتی که ضرورت تأثیرگذاری نافذ این نهاد در عرصه‌ی سیاست خارجی را بیش از پیش موجه جلوه می‌داد. به این ترتیب، در سایه‌ی حمایت‌ها و دخالت‌های گسترده‌ی نمایندگان کنگره، زمینه‌های قانونی لازم برای تعیین مضمین حقوق بشرگرا در نظام تصمیم‌سازی خارجی این دولت شکل گرفت، ابتکاری خاص که می‌توانست موجبات ارتقای دوباره‌ی اعتبار جهانی ایالات متحده را فراهم آورد، (Forsythe, 1988: 1-5) این شیوه‌ی برخورد تنش‌آلود میان کنگره و قوه‌ی مجریه، در دهه‌ی پایانی قرن بیستم نیز با جلوه‌های جدید همراه شد؛ یعنی در شرایطی که رهبری آمریکا در مسیر تعیین و ترسیم خطوط راهنمای راهبرد کلان این دولت، بویژه از زاویه‌ی هویت‌بخشی به اصول ناظر بر الگوی رفتار خارجی، با چالش‌های جدیدی مواجه بود. (Kupchan & Trubwitz, 2007: 76-77)

با توجه به توضیحات بالا می‌توان گفت که در طول دوره‌ی طولانی فعال‌گرایی بین‌المللی ایالات متحده از جنگ جهانی دوم، همواره روند طراحی، اجرا و دگرگونی‌پذیری اصول ناظر بر سیاست خارجی این دولت به حمایت کنگره نیازمند بوده است. در این زمینه می‌توان به سیاست مهار شوروی (سابق) به عنوان اصل بنیادین رفتار خارجی ایالات متحده در دوران جنگ سرد اشاره کرد، که به زعم برخی تحلیل‌گران بدون پشتیبانی کنگره متحقق نمی‌شد. (Nye, 2006: 143) این رویه‌ی تأثیربخشی در رفتار خارجی، در حوزه‌ی جهت‌گیری‌های کلان امنیتی و راهبردی، خاصه در عرصه‌ی تصمیم‌گیری‌های مربوط به صدور فناوری پیشرفته و ضوابط و مقررات ناظر بر آن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که این طیف از ملاحظه‌های امنیتی بر الگوی نقش‌آفرینی این دولت در سطوح منطقه‌ای و جهانی، تأثیر بسیار مهمی داشته و خواهد داشت.

۲ - کنگره و اعمال محدودیت‌های صدور (اقلام و کالاهای فناورانه) به دیگر کشورها قبل از آغاز

جنگ سرد

پیشینه‌ی نظام قانون‌سازی آمریکا بر محور اعمال محدودیت‌های اقتصادی و فناورانه علیه دیگر دولت‌ها، حداقل به سال ۱۸۹۸ باز می‌گردد. در این سال و در واقع، سه روز پیش از اعلام جنگ با اسپانیا در همان سال، کنگره این اختیار قانونی را به رئیس‌جمهور واگذار کرد

که از صدور زغال سنگ یا دیگر مواد قابل استفاده در جنگ از طریق بنادر ممانعت به عمل آورد. در همان سال مصوبه‌ی دیگری از سوی کنگره، به قوه‌ی مجریه این حق را می‌داد که از صدور تسلیحات یا مهمات به هر کشوری که درگیر شورش‌های داخلی بوده و بهره‌مندی از اقلام پیش گفته زمینه‌ساز تشدید شرایط بحرانی آن می‌شود، جلوگیری کند. (علیخانی، ۱۳۸۰: ۱۹)

همگام با ورود ایالات متحده به صحنه‌ی جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۷، دیگر مصوبه‌ی کنگره یعنی «قانون تجارت با دشمن»^۱ این اختیار را به رئیس قوه‌ی مجریه می‌داد که برای آن بخش از فعالیت اقتصادی مراجع دولتی یا خصوصی که منافعی را برای دولت‌های مخالف یا دشمن به همراه داشت، محدودیت‌هایی را اعمال نماید. در سال ۱۹۳۵، اولین قانون ناظر بر کنترل صدور تسلیحات تحت عنوان «قانون بی‌طرفی»^۲ به تصویب کنگره رسید. این قانون به انگیزه‌ی ممانعت از کشاندن آمریکا به جنگ توسط دیگر دولت‌های مخاصم، اختیار لازم برای مهار صدور سلاح، مهمات و ملزومات جنگی به این قبیل کشورها را به رئیس جمهور اعطا می‌کرد. در سال ۱۹۴۰ که دامنه‌ی جنگ در اروپا گسترش یافت، کنگره در خصوص کنترل صدور تسلیحات و نیز تمامی اقلام و فناوری‌های حساس نظامی، اقتدار خاصی را برای رئیس جمهور قایل شد. (Wallerstein, 1991: 70-71)

۳- کنگره و قوانین ناظر بر تحدید صدور فناوری بر محور سیاست مهار

ابعاد کیفی رقابت امنیتی / نظامی میان دو ابرقدرت در دوره‌ی جنگ سرد که بویژه نظام تولید تسلیحات و فناوری‌های نظامی و دو کاربردی^۳ مربوط را شامل می‌شد، به مقدمه‌ای برای تقویت نظام قوانین ملی آمریکا بر محور ممانعت از صدور اقلام فناورانه به بلوک رقیب تبدیل شد. به عبارت دیگر، در بستر جریان «مفهومی‌سازی امنیت ملی آمریکایی»، رهبران این دولت بر مبنای سه

1 - Trading with the Enemy Act.

2 - Neutrality Act.

3 - Military Technology and Dual Technology.

اصل بنیادین «فعال‌گرایی جهانی، کمونیس‌ستیزی و سدابندی»، درصدد طراحی الگوی نظام قانونی مناسبی برآمدند که از قابلیت لازم برای پیوندآفرینی میان سه مقوله‌ی کنترل فناوری، رقابت اقتصادی و امنیت ملی برخوردار باشد. در این زمینه «قانون انرژی اتمی»^۱ که در سال ۱۹۴۶ به تصویب کنگره رسید، افزون بر اهتمام به تنظیم و قانونمندسازی روند آزمایش‌های اتمی دولت ترومن، درصدد سامان‌بخشی به رفتار خارجی این دولت در حوزه‌ی صدور فناوری هسته‌ای به دیگر دولت‌ها برآمد، (Elliot & Reginal, 1989: 245) در همین ارتباط، «کمیسیون انرژی اتمی» نیز از نهادهایی است که در جهت زمینه‌سازی برای تحقق اهداف قانون پیش گفته، بویژه ممانعت از انتشار اطلاعات مربوط به فناوری هسته‌ای ایالات متحده شکل گرفت. «قانون مک ماهون»^۲ نیز برای تقویت قانون انرژی اتمی بویژه در حوزه‌ی «تحدید جریان گسترش خارج از کنترل اطلاعات» در سال ۱۹۵۴ به تصویب کنگره رسید. (Ibid: 246-247)

تحولات تأثیرگذار بر پایان عصر انحصارگری هسته‌ای آمریکا که بیش از هر چیز با دستیابی مسکو به فناوری تولید سلاح هسته‌ای در سال ۱۹۴۹ و تصویب قانون امنیت ملی (NSC-۶۸) در نیمه دوم دهه ۵۰ مشخص می‌شد، روند قانونگذاری معطوف به اعمال محدودیت بر جریان صدور فناوری‌های پیشرفته را با نوآوری خاصی مواجه کرد. در این زمینه «قانون مهار صادرات»^۳ از اولین گام‌های نظام تقنینی این دولت در زمان صلح باید تلقی شود، حرکتی که در جهت تکمیل رویکرد نظام‌مند رویارویی با تهدیدهای فناورانه / تسلیحاتی متصور از سوی شوروی و متحدانش طراحی شد. بر اساس این قانون فراگیر، رئیس جمهور برای جلوگیری از صدور هر نوع کالا یا اقلامی که با منافع امنیتی آمریکا مغایرت داشت، از اختیارات خاصی برخوردار گردید. به این ترتیب، منطق ناظر بر قانون مزبور، تضعیف بنیه‌ی نظامی بلوک شرق و متحدانش را از طریق تحدید عرصه‌ی صدور اقلام فناورانه مدنظر قرار

1 - Atomic Energy Act

2 - The Mc Mahon Act

3 - Export Administration Act(EAA).

می‌داد. لازم به اشاره است که در پی وقوع جنگ کره در سال ۱۹۵۱ و ملموس‌تر شدن خطرات ناشی از قدرت نظامی چین، مهلت اعتبار قانون مزبور که در ۳۰ ژوئن همان سال به پایان می‌رسید، تمدید شد. (همان، ۵۲-۵۱) با آغاز دوره‌ی «تعارض نوسانی»^۱ که با به قدرت رسیدن جمهوری خواهان به رهبری آیزنهاور در اوایل دهه‌ی پنجاه و اعلان آموزه‌ی «تلافی بزرگ»^۲ مقارن شد، رویکرد راهبردی کنترل صدور (اقدام فناورانه نیز تحت تأثیر قرار گرفت). (Gaddis, 1982: chapter 1) اولین مورد به اصلاح قانون انرژی اتمی در سال ۱۹۵۴ ارتباط می‌یابد؛ که بر مبنای آن زمینه‌ی مناسبی برای انتقال اطلاعات علمی مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای معطوف به تولید سلاح اتمی به متحدان اروپایی بویژه انگلیس فراهم می‌شد؛ راهکاری قانونی که تحدید بیشتر جریان برخورداری دولت‌های دیگر از اطلاعات مزبور را نیز مدنظر داشت. (کوهن؛ ۱۳۸۱، ۱۱۹-۱۱۰) در همان سال کنگره به تصویب «قانون امنیت متقابل»^۳ مبادرت ورزید که بر مبنای آن جریان صدور سلاح، مهمات و دیگر ملزومات جنگی زیر نظر وزارت جنگ قرار می‌گرفت. تمدید قانون مهار صادرات تا دهه‌ی شصت از دیگر موارد تصویبی کنگره در این برهه است. (علیخانی، همان، ۵۳)

رفتار خارجی آمریکا در دهه‌ی شصت یعنی دوره‌ی زمامداری کندی، بیش از هر چیز با بازنگری در سیاست «مقابله به مثل با تمام قدرت» (به عنوان شعار محوری آیزنهاور) مشخص می‌شود. بر این اساس، استیلای نوعی واقع‌بینی فراگیر همراه با مشرب رفتارگرایی، به مقدمه‌ای برای طراحی راهبرد کلان کابینه‌ی نوپا بر محور آموزه‌ی «پاسخ انعطاف‌پذیر»^۴ تبدیل شد؛ واکنشی مهم که همگام با حذف کارآیی سنتی سیاست سد نفوذ، در پی ترسیم رفتار خارجی نوین این دولت در ارتباط با جهان خارج برآمده بود. (Bacevich, 2007: 76-77) در این میان، جریان پرهیز از به کارگیری سیاست‌های تکراری بویژه در سطح بسیج منابع قدرت ملی، در فضای تصویب قوانین

1 - Oscillatory Antagonism.

2 - Mass Retaliation

3 - Mutual Security Act.

4 - Flexible Response.

معطوف به اعمال کنترل بر صدور فناوری پیشرفته نیز اثربخش بود؛ چنانکه کنگره نیز در این مورد به اعمال اصلاحات خاصی مبادرت ورزید؛ چون موارد اصلاحی که از رئیس جمهور می‌خواست که علاوه بر اقلام مهم نظامی، کالاهای مهم اقتصادی را نیز در جریان صدور مجوز صادراتی لحاظ نماید. بر این مبنا، وی از اختیار لازم برای ممانعت از صدور کالا به هر کشوری که تهدیدی برای امنیت (نظامی و اقتصادی) و رفاه ایالات متحده محسوب می‌شد، برخوردار گردید. (همان، ۵۴-۵۳) در همین زمینه، می‌توان به قانون کمک‌های خارجی^۱ اشاره کرد. در فصل ب-۵۰۲ آن، فروش اقلام نظامی و خدمات آموزشی به دولت‌هایی که مرتکب به «نقض دایمی و فاحش» حقوق بشر هستند، ممنوع شده بود؛ هرچند که در عین حال در «شرایط فوق‌العاده» رئیس جمهور از اختیار لازم برای نقض این محدودیت برخوردار بود. (بشری، ۱۳۸۵: ۱۶-۱۵) به قدرت رسیدن نیکسون در سال ۱۹۶۹، آغاز دهی پیچیده‌ای از تعامل ایالات متحده با نظام بین‌الملل در قالب «تنش‌زدایی» را مشخص می‌کند. در این دوره «سیاست منعطف‌سازی راهبرد بازدارندگی» به عنوان پی‌آمد چالش نبرد ویتنام. (Kissinger, 1994: 124) با نقش‌آفرینی جدیدی از سوی کنگره مقارن شد. به عبارت دیگر، ناکامی‌های گسترده در حوزه رفتار خارجی خاصه شرایط ناگوار حاصل از این عارضه (ویتنام) که اعتبار جهانی این دولت و اسطوره‌های تمدنی آن بویژه «استثناگرایی آمریکایی» را مخدوش ساخت؛ به مقدمه‌ای برای ظهور دوره‌ی خاصی از چالش میان دو نهاد تقنینی (کنگره) و مجریه تبدیل شد. در این ارتباط، حداقل می‌توان با دو نمونه از موارد اعمال نفوذ کنگره مواجه شد: اولین مورد به تعبیه‌ی «اصل پایبندی به حقوق بشر» در جریان کمک‌های امنیتی و اقتصادی به دولت‌های متهم به نقض حقوق مزبور مربوط می‌شد، (Forsyth, OP.cit: 171) و مورد بعدی، به مساعی این نهاد در جریان طرح و تصویب یا اصلاح قوانین ناظر بر صدور اقلام فناورانه ارتباط می‌یابد. در توضیح این مطلب باید افزود که در سال ۱۹۷۱ کنگره مصوبه‌ی جدیدی را تحت عنوان «قانون اداره‌ی صادرات» مطرح کرد؛ قانونی منحصر به فرد که فضایی متفاوت از نص و روح «قانون مهار

1 - Foreign Assistance Act (FAC)

صادرات» را پیش می‌کشید. در روند تدوین این قانون، کنگره کوشید اصلاحات عمده‌ای را در موارد زیر ایجاد کند: تحدید اقلامی که بنابر دلایل امنیت ملی، صدور آن مشمول قوانین مهار (صادرات) می‌شد، حذف ممنوعیت از صدور کالاهایی که بر اساس اصلاحیه‌ی سال ۱۹۶۲ و به دلیل «کمک بالقوه به توان اقتصادی کشور مخاصم»، قابل صدور نبود، ضرورت اعمال انعطاف بیشتر در مرحله‌ی صدور مجوز صادراتی و تنظیم فهرست کالاهای ممنوع‌الصدور؛ ضرورت هماهنگی بیشتر قوه‌ی مجریه با اعضای کمیته‌ی هماهنگی مهارهای صادراتی چند جانبه (کوکوم)^۱ به منظور ارتقای سطح تجارت و... این حرکت کنگره با مخالفت نیکسون مواجه شد و در مقابل، وی تمدید قانون مهار صادرات تا سال ۱۹۷۳ را خواستار شد. همچنین دولت افزایش حوزهی تعیین اقلام ممنوع‌الصدور در سطحی فراتر از ملاحظات اعضای کوکوم را مورد تأکید قرار داد، چرا که این کشورها صرفاً بر مبنای «افزایش بنیه‌ی نظامی» به عنوان معیاری برای صدور یا تحدید (صدور) و منع آن، اکتفا می‌کردند. افزون بر آن، کابینه درصدد برآمد که در روند تحدید صدور اقلام خاص، به جای دلایل مربوط به امنیت ملی، به ادله‌ی جاری در حوزهی سیاست خارجی استناد نماید. ماحصل این سطح از اختلاف میان کنگره و دولت، به پیروزی دولت در چهره‌ی تصویب قانون مهار صادرات منجر شد؛ و بر این اساس، قوه‌ی مجریه علاوه بر حفظ حق مهار صادرات، در جریان اعمال آن نیز می‌توانست به دلایل امنیت ملی، سیاست خارجی و حتی اهداف آرمانی استناد نماید. مورد دیگر به «قانون تجارت با دشمن» ارتباط می‌یابد. لازم به ذکر است که در اوایل سال ۱۹۷۳ که فضای بحرانی حاصل از جنگ ویتنام و واترگیت نیز کاملاً محسوس بود؛ کنگره روند بازنگری در اختیارات صادراتی رئیس جمهور را بر محور قانون مزبور متمرکز کرد که به اتخاذ رویه‌های جدیدی انجامید. (همان: ۴۷ و ۵۷-۵۵) به قدرت رسیدن فورد در سال ۱۹۷۴ به عنوان پی‌آمد بحران واترگیت و عزل نیکسون، با ابتکارهایی از سوی کنگره در خصوص صدور

1 - Coordinating Committee for Multilateral Export Control (COCOM)

شایان توجه این که کوکوم قدیمی‌ترین ترتیب چندجانبه‌ای است که در سال ۱۹۴۹ با مشارکت دول غربی به محوریت آمریکا برای اعمال نظارت و کنترل بر جریان صدور فناوری‌های پیشرفته خاصه دومانظوره به بلوک شرق شکل گرفت.

فناوری و دیگر اقلام مربوط همراه بود. در این ارتباط باید از «اصلاحیه‌ی سمینگتون»^۱ سخن گفت. بر مبنای قانون مزبور که در سال ۱۹۷۶ به تصویب رسید، قطع کمک‌های نظامی و اقتصادی به کشوری که از طریق واردات درصدد دستیابی به تأسیسات و تجهیزات غنی‌سازی اورانیوم باشد، امری قانونی و اجباری تلقی می‌شد. «اصلاحیه‌ی گلن»^۲ که در سال ۱۹۷۷ تصویب شد، مورد دیگری است که بر منع کمک به کشورهایی که در پی وارد کردن فناوری برای تولید پلوتونیوم بودند، اصرار می‌کرد. (Nye, 1995: 152-153)

دوره‌ی کارتر از زوایای گوناگونی مورد نقد و بررسی‌های راهبردی قرار گرفته است. اما در این میان، به نظر می‌رسد که دیدگاه آنانی که خطوط راهنمای راهبرد کلان آمریکا در این دوره را به دو حوزه‌ی لیبرال‌گرایی و بین‌الملل‌گرایی ستیزه‌جویانه محدود می‌نمایند، از جامعیت بالاتری برخوردار است. بر این مبنای، در نیمه‌ی اول دوره‌ی زمامداری وی باور به همگون‌سازی سیاست خارجی این دولت با ارزش‌های مطلوب پدران بنیانگذار بویژه آرمان‌های ویلسونستی که ضرورت پاسداری از اقتدار اخلاقی ایالات متحده را تجویز می‌کرد، (Cohen, 1993: 207) از جلوه‌ی مهمی برخوردار شد. به این ترتیب، «حقوق بشرگرایی» به عنوان واکنشی لیبرال به ناکامی‌های حاصل از واترگیت و ویتنام و راهکار احیای نقش «رهبری اخلاقی»^۳، خطوط راهنمای این دوره (۱۹۷۶-۷۸) از راهبرد کلان دولت کارتر را تحت تأثیر قرار داد. به طور طبیعی، در این شرایط که با آرام‌سازی فضای ستیزه‌جویی با شوروی همراه بود؛ (هالیدی، ۱۳۶۴: ۳۰۱-۳۰۲) نمی‌توان انتظار داشت که موضوع طرح و تصویب قوانین ناظر بر تحدید صدور فناوری، از جایگاه قابل تأملی در دستور کار کنگره برخوردار باشد. با این وصف، در دو سال پایانی این دوره که با استیلای نوعی «بین‌الملل‌گرایی ستیزه‌جویانه» بر الگوی رفتار خارجی آمریکا مقارن شد. (Forsythe, 1989: 114) تغییراتی بروز کرد. در این میان، سیاست منع اشاعه^۴

1 - Symington Amendment

2 - Glen Amendment

3 - Moral Leadership.

4 - Nonproliferation Policy

بویژه در حوزه‌ی انتشار خارج از کنترل فناوری‌های هسته‌ای مورد توجه کابینه‌ی وقت قرار گرفت. در این زمان مهم‌ترین قوانین و مقرراتی که درخصوص تحدید شرایط صدور فناوری بویژه فناوری مربوط به تولید سلاح اتمی مورد توجه کنگره واقع شد، عبارتند از:

- اعمال محدودیت شدید در زمینه‌ی صدور فناوری بازپروری پلوتونیوم و غنی‌سازی اورانیوم از آمریکا به دیگر کشورها.
 - اتفاق نظر کنگره درخصوص شناسایی «دو فاکتو» پادمان‌های فراگیر^۱ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی. (Nye, op.cit (IAEA): 154-164)
 - اصلاحیه‌ی کنگره در سال ۱۹۷۷ مبنی بر توسعه‌ی اختیارات رئیس جمهور در عرصه‌ی اعمال ممنوعیت یا کاهش صادرات فناوری. (علیخانی، همان: ۵۸)
 - تأکید کنگره بر اجرا شدن قانون اداری صادرات و خط‌مشی گسترش صادرات در سال ۱۹۷۹. شایان توجه این که با توجه به سوءاستفاده‌ی رئیس جمهور از اختیارات صادراتی که به افزایش فزاینده‌ی کسری تراز تجاری در این دوره (سال‌های ۷۹-۱۹۷۸) منجر شد، کنگره از طریق پافشاری بر موارد قانونی پیش گفته، دامنه‌ی ممنوعیت‌های صادراتی را در حد اقلام ضروری محدود کرد.
 - تصویب قانون «اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی» در سال ۱۹۷۹ که دامنه‌ی تحریم صادراتی شوروی را به حوزه‌ی فناوری پیشرفته (در کنار غلات و فسفات) تسری می‌داد؛ لازم به اشاره است که در چارچوب قانون مزبور، ملاحظات امنیت ملی و سیاست خارجی مندرج در قانون اداری صادرات نیز اعمال می‌شد. (همان: ۶۰-۵۹)
 - مصوبات قانونی مربوط به محدودیت‌ها یا ممنوعیت‌های صادراتی که اقلام و تجهیزات مرتبط با فعالیت‌های تروریستی را دربر می‌گرفت. (U.S Export 1992: 202-203)
- همگام با ورود جمهوری خواهان به کاخ سفید در سال ۱۹۸۱، آرمان «تجدید بنای توانایی

1 - Full-Scop Safeguards.

کشور» با شالوده‌ای قوی از احساسات وطن‌دوستی ملهم از ارزش‌های سنتی، بر روند طراحی و پردازش خطوط راهنمای راهبرد کلان کشور حاکم شد؛ (Smith, 2005: 119-120) در این فضای مقابله با روند برتری‌طلبی راهبردی بلوک رقیب، رویکرد تحدید و کنترل شدید روند دستیابی مسکو به فناوری پیشرفته، به یکی از اولویت‌های کنگره تبدیل شد، (Bryen, 1999: 3) در این ارتباط موارد زیر مورد نظر و تصویب کنگره قرار گرفت:

- تشدید سیاست‌ها و قوانین نظارتی بر جریان صدور کالا و اقلام مربوط به تصفیه‌ی نفت و گاز طبیعی و دانش فنی مربوط، به عنوان مقدمه‌ای فنی - اقتصادی برای تقویت بنیه‌ی نظامی شوروی. (همان: ۱۱۵-۱۱۴)
- اعلام موافقت با ضرورت حمایت از «گروه بین‌سازمانی انتقال فناوری راهبردی»^۱ به عنوان نهادی تخصصی که از تابستان ۱۹۸۲ مسئولیت هماهنگ‌سازی میان مراجع مرتبط با سیاست کنترل صدور فناوری پیشرفته را بر عهده گرفته بود. (مک فارلند، ۱۳۶۹: ۱۹)
- موافقت با تمدید مهلت زمانی اجرای «قانون اداره‌ی صادرات». در این زمینه باید متذکر شد که سال ۱۹۸۳ از زاویه‌ی تعامل چالش‌برانگیز میان قوه‌ی مجریه و کنگره از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چرا که در این زمان کنگره بر مبنای تقویت جهت‌گیری توسعه‌ی صادرات، بازبینی قانون مورد اشاره را امری ضروری می‌دانست. از آنجا که این امر با سیاست‌های ریگان در زمینه‌ی تحدید عرصه‌ی صادرات در تعارض بود، در نهایت، در پی عقب‌نشینی کنگره، رئیس‌جمهور در مسیر پیشبرد رویکرد مورد نظر از فرصت‌های جدیدی برخوردار شد.
- موافقت نهایی با تصویب «اصلاحیه‌ی قانون اداره‌ی صادرات»^۲. لازم به توضیح است که در نیمه‌ی اول دهه‌ی هشتاد میان کنگره و سنا از یک سو و از سوی دیگر میان این دو مرجع تقنینی و قوه‌ی مجریه، بحث‌های مفصلی درخصوص چگونگی ایجاد توازن میان

1 - Senior Interagency Group on the Transfer of Strategic Technology (SIG-TT)

2 - Export Administration Amendment Act(EAAA).

«منافع اقتصادی حاصل از حضور فعال در صحنه‌ی تجارت جهانی» و «ملاحظه‌های امنیتی مربوط به گسترش یا جابه‌جایی خارج از نظارت فناوری‌های پیشرفته» جریان داشت؛ که در نهایت، بر مبنای اعلام نظر کنگره، اصلاحیه‌ی پیش گفته از وجهه‌ی قانونی لازم برخوردار شد. بر این مبنای، کنگره ضمن مجاز شناختن روند جدید صدور مجوزهای معتبر صادراتی و بازرسی‌های مربوط به اقلام و فناوری‌های حساس دارای کاربرد نظامی یا دفاعی (بویژه فناوری‌های دو منظوره)، رئیس جمهور را موظف می‌کرد که قبل از برقراری ممنوعیت‌های صادراتی بر مبنای مصالح امنیتی و دفاعی مورد نظر، با قوه‌ی مقننه (کنگره) مشورت و رأی‌زنی لازم را به عمل آورد. (Lindstrom, 1987: 48-50)

- تصویب «قانون منع گسترش هسته‌ای آمریکا» بر مبنای قانون مزبور که در سال ۱۹۸۷ از سوی کنگره به تصویب رسید، صدور اورانیوم غنی شده و پلوتونیوم همراه با تسهیلات مربوط، ممنوع اعلام شده و افزون بر آن، تمامی شرکت‌های آمریکایی برای ساخت نیروگاه هسته‌ای در دیگر کشورها، به اخذ مجوزهای لازم موظف شدند. (Melliot & Heginald, 1989: 262-263)
 - تصویب «اصلاحیه‌ی پرسلر»^۱ این اصلاحیه که در سال ۱۹۸۵ توسط کنگره تصویب شد، در پی برقراری تحریم‌های اقتصادی و نظامی علیه پاکستان برآمد، تا از این طریق روند دستیابی این دولت به سلاح اتمی را تضعیف یا خنثی نماید. (برزگر، ۱۳۷۸: ۴۴-۴۲)
- در پایان این بحث، باید اشاره کرد که دو قانون اخیر از نمادهای هویت‌یابی جهان سوم در چارچوب رویکرد جنگ سردمحور آمریکا بر محور کنترل صدور فناوری مربوط به تولید سلاح‌های کشتار جمعی تلقی شده است.

۴ - کنگره و سیاست کنترل صدور بر محور رهنامه فرا سددبندی

همگام با پایان جنگ سرد و دستیابی آمریکا به فرصت‌های منحصر به فرد در جهت باز

1 - Pressler Amendment

تعریف نقش جهانی خود، بازنگری در روند تقنینی ملهم از ادبیات این دوره، در دستورکار رهبران این دولت قرار می‌گیرد. نکته‌ی قابل تأمل این است که حذف شوروی به عنوان تهدیدی جهانی، الگوی جهت‌یابی راهبرد کلان ایالات متحده در فضای جدید را به سوی بهره‌مندی از نوعی «منطقه‌گرایی» سوق می‌دهد. به این ترتیب، «راهبرد دفاع منطقه‌ای» به عنوان بستری مناسب برای شناسایی و رویارویی با طیف‌های گوناگون تهدید مورد توجه قرار می‌گیرد. در این میان تهدید ناشی از گسترش فناوری‌های پیشرفته‌ی معطوف به تولید سلاح‌های کشتار جمعی، به عنوان متغیری که از نقش تعیین‌کننده‌ای در جریان قانونگذاری کنگره (بر محور اعمال نظارت و کنترل بر جریان صدور فناوری به دیگر کشورها) برخوردار است، مورد تأکید قرار می‌گیرد. در این ارتباط، به مهم‌ترین مصوبات کنگره در دهه‌ی پایانی قرن بیستم (دوره‌های بوش و کلینتون) اشاره خواهد شد.

الف) دوره‌ی بوش

در سال‌های ۹۱-۱۹۹۰ فضای تقنینی کنگره برای طرح و تصویب قوانین مشخصی که نوعی تفسیر موسّع و فراخ‌نگر را برای سیاست کنترل صدور فناوری فراهم آورد، مناسب بود. شرایط مزبور از این باور ریشه می‌گرفت که بهره‌مندی مناطق بحرانی (چون جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته) از فناوری‌های پیشرفته، در رشد اقتصادی و در نهایت، ثبات سیاسی این مناطق از نقش قابل توجهی برخوردار خواهد بود. این پیش‌فرض به مقدمه‌ای برای حرکت‌های قانونی زیر تبدیل شد:

- تمدید مهلت اعتبار قانون اداره‌ی صادرات (مصوب سال ۱۹۷۹). در این دوره (۹۱-۱۹۹۰) کنگره به دو اقدام اساسی مبادرت کرد؛ اولین اقدام، تصویب «قانون تسهیلات صادراتی»^۱ بود که می‌توانست به عنوان مقدمه‌ای برای تمدید و اصلاح قانون مورد نظر (اداره‌ی

1 - Export Facilitation Act(EFA)

صادرات) لحاظ شود، اما حرکت مزبور با وتوی (جیبی) رئیس جمهور^۱ مواجه شد. دومین تلاش، به ابتکار رئیس دموکرات کمیته‌ی نمایندگان که مسئولیت بررسی قانون اداری صادرات را نیز بر عهده داشت، انجام گرفت. لایحه‌ی نهایی که بر اعمال تسهیلاتی در خصوص صدور تجهیزات مخابراتی و ارتباطی، تجدید نظر در مورد رویه‌های نظارتی و کنترلی وزارت بازرگانی و وزارت خارجه در امر صدور کالا و فناوری، ...، تصریح داشت، در اکتبر سال ۱۹۹۱ به تصویب رسید؛ اما به دلیل بروز ناهماهنگی میان نهادهای اجرایی و تقنینی از سرانجام مشخصی برخوردار نشد. (علیخانی، همان: ۶۶-۶۴)

- تصویب قانون اقتدار دفاع ملی.^۲ بر اساس این قانون که در ۵ نوامبر ۱۹۹۰ در کنگره مورد تأیید نهایی قرار گرفت، رئیس جمهور از مجوز لازم برای اعمال محدودیت علیه اشخاص حقوقی آمریکایی (یا غیرآمریکایی) که به نقض قوانین مربوط به منع صدور تسهیلات و فناوری مبادرت نمایند، برخوردار می‌شود. در این میان، معیارهای صادراتی «رژیم کنترل فناوری موشکی»^۳ سرلوحه‌ی رفتار وی قرار داشت. افزون بر آن، بر اساس قانون مزبور، آمریکا می‌توانست با کشورهای غیرعضو این رژیم مذاکره نموده و در صورت موافقت آنان با اصول ناظر بر آن، در جریان صدور فناوری (موشکی) به این دولت‌ها، با آنان مانند دول عضو برخورد کند. (Boudreau, 1992: 1355)
- قانون کنترل صدور تسلیحات و جلوگیری از جنگ.^۴ تصویب این قانون در سال

۱ - بر اساس قانون اساسی آمریکا، در چارچوب مبحث «تصمیم رئیس جمهور به عنوان شرط قانونی شدن لایحه»، برای وی سه نوع حق وتو یعنی جیبی یا تأخیری، معمولی و خطی در نظر گرفته شده است. وتوی جیبی (یا تأخیری) به موردی اشاره دارد که لایحه ۱۰ روز پیش از پایان دوره‌ی کنگره برای رئیس قوه ی مجریه ارسال شود و وی برای جلوگیری از تصویب لایحه ی ارسالی، از طریق وقت‌کشی تا زمان پایان یافتن دوره‌ی کنگره از پذیرش آن خودداری کند.

2 - National Defense Authorization Act (NDAA).

3 - Missile Technology Control Regime (MTCR).

لازم به توضیح است که رژیم مزبور در سال ۱۹۸۷ به محوریت کشورهای چگون آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان غربی، ...، در جهت همسوسازی محدودیت‌های صادرات تجهیزات و فناوری مربوط به تولید موشک‌هایی که از قدرت حمل ۵۰۰ کیلوگرم برخوردار بوده و تا مسافت ۳۰۰ کیلومتر برد دارند، شکل گرفت.

4 - War Prevention and Arms Transfers Control Act.

- ۱۹۹۱، به منزله‌ی رهیافتی نو در جهت کاهش جریان صدور تسلیحات امحای جمعی و فناوری‌های مربوط بود؛ مبنی بر اینکه برای تحقق این هدف، افزون بر مذاکره و دیپلماسی، از نمایش قدرت سیاسی و اقتصادی آمریکا نیز بهره‌گیری شود. قانون مزبور از معیارهای زیر (جهت تحدید صدور اقلام فناورانه مورد نظر) تبعیت می‌کرد.
- هدف قراردادن کشورهای مورد نظر رئیس‌جمهور، بویژه آنانی که از طریق برخورداری از جریان انتقال فناوری نظامی و مواد لازم برای تولید سلاح‌های کشتار جمعی، صلح جهانی را مورد تهدید قرار می‌دهند.
 - ایجاد محدودیت در انتقال تسلیحات و فناوری نظامی از سوی آمریکا بر اساس مفاد «قانون کنترل صادرات» (ECA) و «قانون اداره‌ی صادرات». (Mc Cain, 1992: 87-86)
 - برنامه‌ی نان-لوگار^۱ که توسط دو تن از نمایندگان کنگره مطرح شد و در سال ۱۹۹۱ از سوی این نهاد به تصویب رسید. این قانون که بر اصل «کاهش تهدید از طریق همکاری»^۲ مبتنا یافته بود، تقویت جریان کنترل صدور مواد شکافتی قابل استفاده در تولید تسلیحات، جلوگیری از سرقت یا خروج غیرقانونی تسلیحات کشتار جمعی، مواد و فناوری مربوط از انبارها و زرادخانه‌های شوروی (سابق) را از طریق معاضدت و هماهنگی با این دولت، مدنظر قرار داده بود. (Brezekjnski, 2007: 94)
- آخرین مورد به اقدام چند عضو کنگره در زمینه‌ی تنظیم کردارنامه‌ای برای صدور تسلیحات و فناوری‌های مربوط ارتباط می‌یابد. بر اساس این چارچوب قانونی، که در اوایل دهه‌ی نود مطرح شد، برخورداری دیگر کشورها از این طیف کمک‌های آمریکا، به احراز شایستگی آنان منوط می‌شد؛ شایستگی که درخصوص پایبندی به دموکراسی و حقوق بشر باید به اثبات می‌رسید. (بشری، همان: ۱۷)

1 - Nunn-Lugar Program.

2 - Cooperative Threat Reduction(CTR)

ب) دوره‌ی کلیتون

پیروزی دموکرات‌ها به رهبری کلیتون در جریان مبارزه‌ی انتخاباتی سال ۱۹۹۲، شرایط لازم برای تبدیل شدن آرمان «پیشبرد دموکراسی»^۱ به شالوده‌ی «رهنامه فرا سددندی»^۲ آمریکا را فراهم آورد. تأثیرگذاری این رویکرد نرم‌افزاری بر نظام تصمیم‌سازی خارجی، مانع از آن نمی‌شد که نظام تقنینی خاصه کنگره از اعمال نظارت بر جریان صدور فناوری‌های پیشرفته بویژه نوع دو کاربردی آن، غفلت نماید. در واقع، سیاست نوین «درگیری پیش‌رونده»^۳ کلیتون در دهه‌ی پایانی قرن بیستم، از ارتباط متقابل و مکمل هر دو جزء «صدور فناوری در بستر تحولات فناورانه امنیتی» و «گسترش دموکراسی» معنا و هویت می‌یافت. در جهت اثبات این مهم می‌توان به موارد زیر توجه کرد:

- نظارت قانونی بر مبنای مقوله‌ی «استفاده نهایی»^۴: در این دوره (دهه‌ی نود) رویکرد قانون‌گرایانه‌ی کنگره بر محور صدور مجوزهای صادراتی با مشخصه‌های نوینی مواجه شد؛ که در این میان باید از زمینه‌سازی برای دخالت کارگزاران رسمی دولت آمریکا در حیطه‌ی ملی سیاست‌های فناورانه‌ی دیگر دولت‌های دریافت‌کننده [فناوری] سخن گفت. شایان توجه این که در مواردی دامنه‌ی این دخالت‌های یک‌جانبه‌گرا، موجبات نگرانی دولت‌های اروپایی و حتی اعضای ناتو (به عنوان مهم‌ترین طیف دریافت‌کننده فناوری) را فراهم می‌آورد. (Bruke and Scoville, 2002: Chapter 7)
- مورد دیگر به مشارکت کنگره و بویژه «کمیسیون ناظر بر امور هسته‌ای» در روند بین‌سازمانی مربوط می‌شود که در اواخر دوره‌ی کلیتون شکل گرفت. این روند با مشارکت وزارت خانه‌های امور خارجه، بازرگانی، دفاع و انرژی در کنار محافل اطلاعاتی و آژانس کنترل تسلیحات و خلع سلاح، بازننگری در قوانین، سیاست و

1 - Promotion of Democracy
 2 - Post-Containment Doctrine
 3 - Progressive Engagement
 4 - End-use

اهداف ملی معطوف به کنترل صدور فناوری خاصه بر محور رویکرد «منع اشاعه»^۱ را در دستور کار داشت. (Barker, 1999)

ج) بعد از یازدهم سپتامبر

حملات غافلگیرانه به ارکان اقتصادی و دفاعی آمریکا در سپتامبر ۲۰۰۱، به مقدمه‌ای برای طراحی راهبرد کلان دولت بوش بر محور پیوندآفرینی میان فعالیت‌های تروریستی و گسترش خارج از کنترل تسلیحات کشتار جمعی و فناوری‌های مربوط تبدیل شد. (Newman, 2004: 59) رویکرد مزبور که در مهم‌ترین اسناد امنیتی این دولت بویژه سند راهبرد امنیت ملی سپتامبر ۲۰۰۲ انعکاس یافت؛ در سطح سیاست‌های ملی ناظر بر کنترل صدور فناوری نیز به شدت اثرگذار بود. در این میان، کنگره درصدد برآمد که از طریق مصوباتی خاص، زمینه‌های تحقق هدف مزبور را تسهیل نماید:

- مصوبه‌ی ۲۹ اکتبر ۲۰۰۱ مبنی بر ضرورت لغو قانون تحریم پاکستان که در سال ۱۹۹۹ در جهت رویارویی با کودتای نظامی در این کشور به تصویب رسیده بود. (همان: ۱۹) به‌طور منطقی این حرکت کنگره در شرایطی که پاکستان از نقشی محوری در روند پیشبرد سیاست سرکوب القاعده برخوردار بود، نوعی تبعیت از رهنمود رئیس‌جمهور تلقی می‌شد.
- طرح و تصویب قوانین لازم برای اعمال فشار به دیگر کشورها در جهت «بهبود نظام‌های ملی کنترل صدور» آنان که با هدف ارتقای سطح مشارکت این دولت‌ها در جهت تقویت نظام کنترلی ترتیبات چندجانبه‌ی ناظر بر صدور فناوری صورت می‌گرفت. (www.bxa...2001)
- حمایت قانونی از اهداف امنیتی - راهبردی ابتکار امنیت اشاعه: در پی طرح رویکرد

1 - Non Proliferation

نسبتاً نوین بوش در سال ۲۰۰۳ مبنی «ابتکار امنیت اشاعه»^۱ که بر ضرورت نظارت و بازرسی بر جریان جابه‌جایی تسلیحات کشتار جمعی و اقلام فناورانه مربوط خاصه در سطح آب‌های بین‌المللی تأکید داشت؛ کنگره نیز به تصویب برخی اختیارات قانونی مبادرت ورزید که به کمک آن، شرایط لازم برای توقیف اموال توزیع‌کنندگان تسلیحات و فناوری‌های مزبور و حامیان آنان تسهیل می‌شد. (Winner, 2005: 129-135)

کلام پایانی

با توجه به توضیحات بالا، مشخص شد که بخش مهمی از نظام تصمیم‌سازی خارجی آمریکا بر محور اعمال نظارت و کنترل بر روند صدور فناوری‌های پیشرفته متمرکز شده است. این وضعیت که حتی در سال‌های پیش از ورود این دولت به فضای «بین‌الملل‌گرایی فعال» نیز قابل مشاهده است، به جایگاه تعیین‌کننده‌ی رویکرد «منع / ضد‌اشاعه» در رفتار خارجی آن اشاره دارد، جهت‌گیری که عرصه‌ی پراکندگی و انتشار تسلیحات کشتار جمعی و فناوری‌های پیشرفته را بر مبنای دغدغه‌های امنیتی ایالات متحده (در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی) مورد توجه قرار می‌دهد. نکته‌ی دیگر به الگوی نقش‌آفرینی ارکان اجرایی / تقنینی در این محیط حساسیت‌برانگیز امنیتی / راهبردی مربوط می‌شود. مسأله‌ی مهم الگوی همکاری و در مواردی نوع همپیوندی است که بر حول سیاست مزبور در بین این دو حوزه‌ی اجرایی و تقنینی شکل گرفته و زمینه‌ی لازم برای تحقق منافع مورد نظر را تأمین می‌کند. به عبارت دیگر، بر خلاف موضوعاتی چون «حقوق بشرگرایی» که در دهه‌ی هفتاد به بروز تنش و ناهماهنگی میان کنگره و کابینه منجر شد، سیاست کنترل صدور [فناوری] به فصل مشترک خاصی میان این دو تبدیل شده است. این مهم برای نهادهای چندجانبه‌ای که در ارتباط با مقوله‌ی کنترل صدور فناوری در عرصه‌ی بین‌المللی فعالیت می‌نمایند و نیز کشورهای مخاطب این بخش از جهت‌گیری امنیتی آمریکا، حائز اهمیت خواهد بود.

1 - Proliferation Security Initiative (PSI)

منابع

الف) فارسی

- ۱ - بشری، اسماعیل، فروش‌های تسلیحاتی آمریکا بعد از سپتامبر ۲۰۰۱، پژوهش‌نامه خلع سلاح، شماره‌ی ۳ (مرداد ۱۳۸۵).
- ۲ - برزگر، کیهان، برنامه تسلیحات اتمی پاکستان، فصلنامه خاورمیانه، سال ششم، شماره‌ی ۴ (زمستان ۱۳۷۸).
- ۳ - علیخانی، حسین (۱۳۸۰)، تحریم ایران، شکست یک سیاست، ترجمه‌ی محمد متقی‌نژاد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۴ - کوهن، اولر (۱۳۸۱)، اسرائیل و سلاح‌های هسته‌ای، ترجمه‌ی رضا سعیدمحمدی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۵ - مک فارلند، نیل، رقابت ابرقدرت‌ها در جهان سوم در دهه‌ی ۱۹۹۰، ترجمه‌ی علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال چهارم، شماره‌ی ۳۵ (فروردین - اردیبهشت ۱۳۶۹).
- ۶ - وایل، جی‌سی (۱۳۸۴)، سیاست و حکومت در ایالات متحده آمریکا، ترجمه‌ی قربانعلی گنجی، تهران: قومس.
- ۷ - هالیدی، فرد (۱۳۶۴)، تکوین دومین جنگ سرد جهانی، ترجمه‌ی هرمز همایون‌پور، تهران: آگاه.

ب) انگلیسی

- 8 - A. Newman, "Arms control, Proliferation and Terrorism: The Bush Administration's Post Sep 11 Security Strategy" , *The Journal of Strategic Studies*, Vol.27, No.1 (March 2004).
- 9 - Bacevich, Andrew J, "Field Marshal McNamara", *The National Interest*, (May-Jun 2007).
- 10 - Barkery, J, "Hearing on the Reauthorization of the Export Administration Act and Managing Security Risks for High Tech Exports (March, 16, 1999), in, **File://A:/barker.htm**.
- 11 - Boudreau, D.G, "An Advancing Nonproliferation", *Strategic Analysis*, Vol. XIV, No.111 (Feb 1992).
- 12 - Brezezinski, Zbigniew (2007), *Second Chance, Three Presidents and the Crisis of American Super Power*, NewYork: Basic Books.
- 13 - Bruke, F.A. and Scoville, H (2002), *How Little is Enough? U.S. End-Use Monitoring and Oversight of Weapons Trade* , Center Washington: for Defense Information.
- 14 - Bryen, Stephen D, "Strategic Export Controls Remain Necessary: Testimony", JINSA Online (12/6/1999).
- 15 - Carothers, Thomas, "Democracy Promotion Under Clinton", *Washington Quarterly*

- , Vol.18, NO.4 (Autumn 1995).
- 16 - Cohen, Warren (1993), *The Cambridge History of American Relations, (Vol.IV), America in the Age of Soviet Power*, Cambridge: Cambridge University Press.
 - 17 - Davis, Tami R. and Jones, Sean M.L, "City Upon a Hill", *Foreign Policy* , No.66, (Spring 1987).
 - 18 - Elliot J.M. and Regional R (1989), *The Arms Control, Disarmament and Military Security Dictionary* , Colifornia: ABC-CLIO,Inc.
 - 19 - Forsythe, David.P (1988), *Human Rights and U.S. Foreign Policy, Congress Reconsidered*, Florida: University Press of Florida.
 - 20 - Forsythe, David (1989), *Human Rights and World Politics* , Lincoln: University of Nebraska Press.
 - 21 - Gaddis, John (1982), "Strategies of Containment", NewYork.
 - 22 - Hamilton, Lee; "The Making of U.S. Foreign Policy: The Roles of President and Congress over four Decades", in, J.A. Thurber(ed), *Rivals for Power, Presidential-Congressional Relations* , (U.S:Rowmax and Little Field Publishers Inc, 2002).
 - 23 - <http://www.bxa.doc.gov/factsheets/facts1.htm> (2001).
 - 24 - Kissinger, Henry, "Reflection on Containment", *Foreign Policy* , vol.73, No.3 (May-Jun 1994).
 - 25 - Kupchan Charles.A and Trubwitz, Peter.L, "Grand Strategy for a Divided America", *Foreign Affairs*_Vol.86, No.4 (July-August 2007).
 - 26 - Lindstrom, Talbot, "A Defense Department Perspective on Export Control" , in, B.L. Seward (ed), *Technology Control, Competition and National Security, Conflict and Consensus*, (America: University Press of America, Inc, 1987).
 - 27 - Mc Cain, John, "Controlling Arms Sales to the Third World" , *Washington Quarterly* , (Spring 1992).
 - 28 - Milliot, Jeffery and Heginald, Robert (1989), *The Arms Control, Disarmament and Military Security Dictionary*, Santa Barbara: Oxford.
 - 29 - Nye, Joseph.S, "Transformational Leadership and U.S. Grand Strategy", *Foreign Affairs*, Vol.85, No4 (July-August2006).
 - 30 - Nye, Joseph. S, "Maintaining a Non-Proliferation Regime", in, Mohammed Balam, *Essays on Nuclear Proliferation*, New Delhi: Vikas Publishing House, 1995.
 - 31 - Ornstein, Norman J and Mann, Thomas E, "When Congress Cheeks Out" , *Foreign Affairs* , Vol.85, No.6, Nov-Dec 2006.
 - 32 - Smith, Geoffrey, "Who won the war?" , *The National Interest*, (Spring 2005).
 - 33 - "U.S. Export Foreign Policy Controls", *Strategic Digest* , Vol.xxii, NO1.2 (Feb 1992).
 - 34 - Wallerstein, Michel, "Controlling Dual-Use Technologies in the New world Order", *Issue in Science and Technology*, Vol.VII, No.4 (Summer 1991).

انقلاب فناوری و تأثیر آن بر سیاست بین‌الملل

سعید وثوقی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۹/۴

احسان شیخون^۲

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۱۲/۱۵

صفحات مقاله: ۳۱-۵۸

چکیده

امروزه با تغییرات ژرفی که در جهان سیاست رخ نموده، همگان به دنبال یافتن پاسخی هستند که چه عواملی باعث شده چنین تغییراتی دامن‌گیر سیاست جهان شود. بدون شک یکی از این عوامل ظهور فناوری‌های نوین یا به عبارتی انقلاب در فناوری است. به خصوص در دنیای کنونی فناوری نوین با ایجاد انقلابی در مقوله اطلاعات و به تبع آن ارتباطات باعث شده که بسیاری از معادلات سیاسی گذشته در هم ریخته شود، به گونه‌ای که برخی از اصطلاحات و مفاهیم در علم سیاست نیاز به بازتعریفی دوباره پیدا کرده‌اند. به واسطه همین انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی، افراد نسبت به قبل توانایی تحلیلی و مهارتی بیشتری یافته‌اند. به گونه‌ای که قادر گشته‌اند به صورت مستقیم در سرنوشت سیاسی خود و در برخی موارد نیز در سرنوشت دیگران تأثیرگذار باشند. از این جهت فاصله‌های زمانی و مکانی با سرعت فوق‌العاده‌ای در حال رنگ باختن هستند، وابستگی متقابل میان واحدها شدت یافته است، شیوه زندگی انسان‌ها تغییر پیدا نموده، و فرایند «جهانی شدن» در حال گسترش می‌باشد و در این گیروداد سیاست جهان در میانه‌ای از ثبات و تغییر در حال جان دادن است.

۱ - استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.

۲ - دانشجوی کارشناسی‌ارشد رشته روابط بین‌الملل.

کلید واژگان

فناوری، انقلاب اطلاعات و ارتباطات، انقلاب مهارت‌ها، میکروتکنولوژی، بیوتکنولوژی،

نانوتکنولوژی

مقدمه

قرن بیست و یکم دوران فرو ریختن آوار فرضیاتی است که تاکنون بشر آنها را اصل مسلم و لایتغیر جهان می‌پنداشته و تصور نمی‌کرده که مثلاً روزی ممکن است قدرت دانایی از قدرت نظامی بیشتر شود و این گفته فردوسی پس از گذشت حدود هزار سال چنان در جامعه بشری مصداق پیدا کند که حتی تافلر هم فریاد برآورد: *«توانا بود هر که دانا بود»* و نیز در قرن آینده همه در همه جا هر زمان آغاز سخن کنند، ابتدا بگویند: *«به نام آنکه جان را فکرت آموخت.»*

در این میان مهم‌ترین عاملی که باعث چنین رخدادی شده است، فناوری‌های نوین می‌باشد. فناوری نه تنها ابزار و نه تنها دانش بلکه مجموعه‌ای از دانش‌هاست با دسته‌ای گسترده؛ دربرگیرنده معارف سامان‌مند و اصول‌مند و معارف غیرسامان‌مند (یعنی تجربه‌های به دست آمده از محیط زیست، محیط اجتماعی و خانواده و...) و زمانی که آنها در راستای حرکت‌ها و تلاش‌های اخلاقی، آموزشی، پیوندها و بستگی‌های اجتماعی و... استفاده می‌شود به معارف سامان‌مند بدل می‌شود، منتهی با این ویژگی این دانش‌ها نه به خاطر اینکه دانش هستند کنار هم قرار می‌گیرند، بلکه کنار هم قرار گرفتن آنها در جهت هدف معینی طرح‌ریزی شده است. از زمانی که انسان توانست برای راحتی و تسریع در کار خود از وسایل و ابزار استفاده کند، فناوری نمود یافت. در هر دوره‌ای از تاریخ بشریت فناوری باعث تحول‌های ژرف و گسترده‌ای در زندگی انسان‌ها شد بر این اساس جوامع انسانی روز به روز با استمداد از فناوری، مهارت‌های تحلیلی خود را افزایش داده و قادر گردید حیاتی‌نوتر برای خود به ارمغان بیاورد. به دلایل مختلف از پیشرفت فناوری اطلاعات گرفته تا ظرافت‌های بیشتری که زندگی در یک دنیای به هم وابسته دارد امروز افراد بهتر می‌توانند بفهمند که چه جایگاهی در

امور بین‌الملل دارند و چگونگی رفتارهایشان می‌تواند یک کاسه شود و به نتایج جمعی بزرگ و مهمی منتهی گردد. و سرانجام دیری نخواهد انجامید که در میان این تحولات نظم نوینی متولد خواهد شد و حیات انسان‌ها برای چندمین بار انقلابی دیگر را پشت سر خواهد گذاشت. این مقاله با این فرضیه که انسان در دنیای کنونی در معرض یک انقلاب اجتماعی و سیاسی تسریع شده و قدرتمند می‌باشد که ناشی از علم و فناوری است، درصدد یافتن پاسخ برای این پرسش است که آیا ظهور فناوری‌های نوین می‌تواند باعث تشدید آشوب موجود در سیاست بین‌الملل و در نتیجه خلق دوره‌ای جدید از حیات بشر شود؟ در این مقاله همچنین کوشیده شده است به سؤالاتی چون تأثیر فناوری نوین بر ارتباطات میان افراد، جمع‌ها، گسترش مهارت‌ها و اطلاعات در سطح خرد و سرانجام وابستگی هرچه بیشتر میان جوامع انسانی پاسخ داده شود.

فناوری از گذشته تا کنون

دوره کشاورزی؛ در دوره کشاورزی بیشتر پیوند و بستگی انسان با محیط و طبیعت یک جانبه بود. به این معنی که انسان خویش را به طور کامل مقهور طبیعت و در چنگال آن می‌دید. هنوز اندیشه چیرگی بر طبیعت پدید نیامده بود و چشمداشت بشر به طبیعت و محیط بود تا او برایش چه می‌سازد، چه وقت می‌سازد و چه زمانی به او تسلیم می‌کند. در این دوره بود که انسان به تدریج دریافت که می‌تواند از ابزارهایی که محیط در اختیارش قرار داده است برای تأمین نیازهای اولیه‌اش سود ببرد.

تمدن موج اول به ناگزیر ریشه در خاک داشته و دارد. این تمدن، فارغ از هر شکل محلی که به خود بگیرد و هر زبانی که مردمش به آن تکلم کنند و هر مذهب یا نظام اعتقادی که داشته باشد، حاصل انقلاب کشاورزی است. (تافلر، ۱۳۷۴: ۴۱)

بنابراین در این زمان بود که صنعت و فناوری نمود یافت. البته منظور از صنعت کاری است که از سوی انسان بر روی مواد انجام می‌گیرد تا مواد خام را در اثر ترکیب یا دگرگونی شکل ظاهری یا شکل‌دهی به آنها به گونه‌ای درآورد که بتواند یکی از انگیزه‌های نیازمندی انسان را در زمان کنونی یا آینده برآورده سازد. صنعت قبل از کشاورزی و از زمانی که انسان

به صیقل دادن سنگ‌ها برای شکار پرداخت ایجاد شد. (کاپلینسکی، کوپر، ۱۳۷۲: ۱۸۱-۱۷۶)

دوره صنعتی؛ دوره کشاورزی که ۸ تا ۱۲ هزار سال به درازا کشید در فاصله سال‌های ۱۶۵۰-۱۷۵۰ جایش را به مرحله صنعتی داد. در این دوره دگرگونی‌های بنیادی در زندگی انسان و به تبع سیاست به دلیل ظهور فناوری‌های جدید رخ داد. شیوه تولید، بافت جمعیتی، ساختار قدرت، نظام اقتصادی، نگرش دینی، شیوه زندگی، سامان اجتماعی، محیط زیست و... به طور باور نکردنی دگرگون گردید و یک نظام ارتباطی، اطلاعاتی جدید به وجود آمد. (خبرگزاری آفتاب، ۱۳۸۶: ۶-۱)

دگرگونی‌های بنیادین در موج دوم که ناشی از فناوری جدید بود سبب انبوهی جمعیت و دگرگونی بافت اجتماعی شد. بسیاری از مردم در شهرها گرد آمدند و حیات اجتماعی انسان‌ها در سازمان‌ها و نهادهای کوچک و بزرگ هدایت گردید. قدرت در یک جا جمع شد و به صورت سلسله مرتبه‌هایی بخش‌پذیر درآمد، به این ترتیب با توجه به دگرگونی‌های ساختاری کارآیی رهبری و حاکمیت غیرشخصی شد و بر دانش و تخصص وابستگی و اتکایی شدید پیدا شد. مشروعیت حاکمیت نه ارثی بلکه به دست آوردنی شد و با رأی مردم پیوند پیدا کرد. (تافلر، ۱۳۷۴: ۳۸-۳۰)

دگرگونی‌های یاد شده بویژه دگرگونی‌های ساختار و مشروعیت قدرت از آثار قطعی و همیشگی فناوری است، فناوری باعث گردید که قدرت در عین تمرکز سلسله مرتبه‌ای شود، ابزارهای فناوری یا فناوری مرحله صنعتی همچون؛ رادیو، تلویزیون، هواپیما، قطار، وسایل نقلیه موتوری، پیوسته باعث کم شدن فواصل زمانی و مکانی شد، روند همراهی و همگامی سیاسی را شتاب بخشید و دستیابی به رأی بیشترین را فراهم ساخت. بنابراین فناوری به دارنگانش قدرت و توانایی بیشتر بخشید و در عرصه سیاسی قلمرو حاکمیت و به کار بستن قدرت را گستراند، چنانکه تا سال ۱۸۰۱ م. یک سوم جهان را اروپاییان در اختیار داشتند و تا سال ۱۸۵۵ م. ۸۵ درصد سرزمین‌های کره زمین و ۷۰ درصد جمعیت آن را از نظر سیاسی رهبری می‌کردند.

در دوره جدید انسان طبیعت را با خود همراه می‌سازد، این امر سبب شد که روند خارج شدن از قالب‌های زندگی قبیله‌ای شتاب گیرد. نوعی سامان جدید اجتماعی متفاوت از قبل ظهور

نمود. رونالد اینگهارت در این زمینه می‌گوید: «در جامعه صنعتی برای داشتن محصول خوب، دعا می‌کردند. با کشف میکروب‌ها و آنتی بیوتیک‌ها بیماری‌ها دیگر مجازات الهی به شمار نمی‌رفتند، تأکید بر خواسته‌های مادی در جوامع فزونی چشم‌گیری داشته است و همه در فکر یافتن راه‌هایی جدید برای کسب ثروت و رفاه بیشتر هستند.» (اینگهارت، ۱۳۷۶: ۲۷۹-۱۷۷)

دوره سوم، عصر انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی؛ در مرحله سوم که آغاز آن به گفته جیمز روزنا بعد از جنگ جهانی دوم می‌باشد، جهان با افق‌های جدیدی در انقلاب صنعتی مواجه شد. با ساخت دستگاه‌های کشف رمزهای دشمن توسط مؤسسه بریتیش کالوسس و سپس دستگاه‌های کمک محاسباتی که آلمانی‌ها برای تقویت سیستم‌های هوایی خود طراحی کردند، انقلاب صنعتی وارد مرحله‌ای تازه شد. پس از آن متفکین برای حمایت از ارتش خود تحقیقاتشان را در زمینه الکترونیک در برنامه‌های تحقیقاتی «ام‌آی‌تی»^۱ متمرکز کردند. مدتی بعد با حمایت ارتش آمریکا آزمایش‌های علمی گسترده‌ای در دانشگاه پنسیلوانیا صورت گرفت. آنها در سال ۱۹۴۶ م. نخستین رایانه همه منظوره «انیاک»^۲ را که ۳۰ تن وزن داشت ساختند و به این ترتیب جهان وارد عصر اطلاعات شد. شرکت ای‌بی‌ام که با قراردادهای نظامی حمایت می‌شد با اتکا به تحقیقات مؤسسه ام‌آی‌تی در سال ۱۹۵۳ م. رایانه‌های پیشرفته‌تری ساخت و وارد بازار کرد و به این ترتیب بزرگ‌ترین انقلاب بشریت در عرصه فناوری، انقلاب پیشین را به حاشیه کشانید. بعدها میکروالکترونیک، انقلابی در درون انقلاب دیگر پدید آورد و به دلیل در دسترس بودن و هزینه‌های رو به کاهش همراه با افزایش کیفیت، جهشی کیفی در انتشار گسترده فناوری‌های جدید در کاربردهای تجاری و غیرنظامی رخ داد و موجب گسترش روزافزون این انقلاب در تمام عرصه‌های زندگی بشریت گردید و این به گونه‌ای است که انسان در متن دگرگونی هرگز نمی‌تواند زندگی بدون این تحولات را تصور کند. (بیایان‌نورد، ۱۳۸۶)

موج سوم شیوه‌ای به راستی نوین از زندگی با خود می‌آورد. این شیوه مبتنی است بر منابع

1 - MIT

2 - ENIAC

انرژی متنوع و احیاءپذیر؛ مبتنی است بر روش‌های تولیدی که خطوط مونتاژ اغلب کارخانه‌ها را منسوخ و بی‌مصرف می‌سازد، مبتنی است بر خانواده‌های جدید و غیرهسته‌ای، مبتنی است بر نهادی نوین که می‌توان آن را «کلبه الکترونیک» نامید؛ مبتنی است بر مدارس و شرکت‌های تجاری آینده که از اساس دگرگون شده است. این تمدن نوحاسته قواعد رفتاری جدیدی برای ما وضع می‌کند و ما را به حوزه‌ای می‌کشاند که فراتر از همسان‌سازی و همزمان‌سازی و تمرکز است، حوزه‌ای فراتر از تراکم و تمرکز انرژی، پول و قدرت. این تمدن جدید جهان‌بینی خاص و متمایز خود را دارد و با زمان و مکان و منطق و علیت به شیوه خاص خود رفتار می‌کند و برای سیاست آینده هم اصول خاص خود را دارد. (تافلر، ۱۳۷۴: ۳۲)

تغییرات بنیادینی که در این مرحله ظهور فناوری نوین در عرصه سیاست ایجاد نمود عبارت بود از: دگرگونی در سرچشمه قدرت، افزایش گستره آزادی‌های انسان، تکثر و تنوع در افکار، دگرگونی در روش حکومت. فناوری در این مرحله چند ویژگی دارد؛ گوناگونی، شتاب، ریز شدن با کارآیی چند برابر و بخش‌پذیری. سیاست بر دانش و توانایی تکیه می‌زند نه بر بالش و دارایی، فناوری کمیت و کیفیت اطلاعات را گسترش داد، بر این اساس دو بازدارنده بزرگ فیزیکی زمان و مکان و از سوی دیگر بازدارنده‌های اجتماعی و فرهنگی را دگرگون نمود. افراد مهارت تحلیلی فوق‌العاده‌ای نسبت به قبل کسب کردند و قادر گشتند به صورت مستقیمی در زندگی سیاسی خود تصمیم بگیرند و این باعث گردید که جایگاه مردم در نظام سیاسی ملی و فراملی استوار و تثبیت شود. (شاف، ۱۳۶۹: ۸۱-۷۲ و ۲۵۲-۲۴۰)

انقلاب اطلاعات و ارتباطات

«اگر می‌خواهید جهان را خلع سلاح کنید همه رایانه‌ها را به دور بیندازید.» بی‌تردید انفجار اطلاعات و جامعه اطلاعاتی چالش امروز و فردای بشریت است. در عصر کنونی انفجار اطلاعات و انقلاب ارتباطات پیام و فرهنگ و تمدن جامعه جدیدی شده است که نظام‌های ارزشی، ساختارها، الگوهای رفتاری، جهان‌بینی و فلسفه خاص خود را به همراه دارد. جهانی نوین در حال شکل‌گیری است، جهانی که دیگر نه مسطح است و نه کروی بلکه کاملاً

شبکه‌ای است. با کمی اغراق می‌توان گفت که در این زمانه فناوری تبدیل به شیوه هستی انسان‌ها شده و به نوعی بر بشر تسلط یافته است. دانشمندان، پیشرفت‌های حیرت‌انگیز دهه‌های اخیر در زمینه فناوری اطلاعاتی و ارتباطی را زمینه‌ساز عصر تازه‌ای به نام «عصر اطلاعات» در فرایند تحول تمدن بشری می‌دانند. در این دوران، ارتباطات و فناوری اطلاعاتی نه عنصری در کنار سایر عناصر، بلکه محور و مدار و اساساً موتور اصلی پدیده «جهانی شدن» و آشوب جهانی است، زیرا جهانی شدن ارتباطات در هزاره سوم میلادی، تقریباً تمامی گستره‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زندگی بشر را بیش از پیش تحت تأثیر قرار خواهد داد. اینک چهره جهان دگرگون شده و عنصر بسیار شاخص در روند این تحول و دگرگونی، فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی است. اکنون در سال‌های اولیه قرن جدید، سلطه اطلاعات و ارتباطات بر افکار عمومی، سیاست، اقتصاد، فرهنگ و دیگر زمینه‌های زندگی انسان، بی‌سابقه و دارای پیچیدگی‌های منحصر به فردی است.

انقلاب اطلاعات به مجموعه‌ای از دگرگونی‌های اساسی در حوزه اطلاعات و اطلاع‌رسانی گفته می‌شود که سرعت فوق‌العاده، گستردگی و وسعت انتشار آزاد مطالب مهم‌ترین ویژگی‌های آن است. سرعت فوق‌العاده پردازش اطلاعات و ایجاد ارتباط منطقی میان میلیون‌ها داده اطلاعاتی در گستره وسیع جهانی در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و در دسترس قرار دادن آزاد این نوع اطلاعات از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی جهانی به انقلاب اطلاعات شکل داده‌اند. (عراقی، ۱۳۸۷: ۶) این فرایند، دو جنبه دارد؛ اول از میان رفتن فاصله‌ها، با شکل‌گیری شبکه گسترده جهانی، رایانه‌یی شدن سیستم‌های ارتباطات دوربرد با ظرفیت‌های بیشتر و جدید برای انتقال صدا و تصویر؛ دوم همگرایی الکترونیک و ارتباطات دوربرد؛ که ابزارهایی برای گردآوری، ذخیره‌سازی، پردازش، سازماندهی، انتقال و نمایش اطلاعات در اختیار انسان قرار می‌دهد. (طیب، ۱۳۷۹: ۱۵-۱۳)

امروزه اندیشه‌ها و اطلاعات با چنان سرعت و وضوحی از طریق تلویزیون، ویدئوها، شبکه‌های رایانمند، دستگاه‌های نامبر، ارتباطات ماهواره‌ای و شبکه‌های تلفنی و فیبر نوری و بسیاری ادوات میکروالکترونیک دیگر جریان می‌یابد که مرزهای ملی، نفوذپذیرتر و سیاست

جهان در برابر تقاضاهای آبشارگون آسیب‌پذیرتر شده است. رویدادهایی که زمانی هفته‌ها و ماه‌ها طول می‌کشید تا برملا شوند، اکنون ظرف چند روز و چند ساعت دیگر نقاط از آنها با خبر می‌شوند. معاملات مالی که زمانی با تأخیر زیاد صورت می‌گرفت اکنون ظرف چند ثانیه انجام می‌شود. (روزنا، ۱۳۸۲: ۸۶-۸۴) بنابراین، فناوری‌های گوناگون به صورت عمده باعث کاهش فواصل زمانی و مکانی شده‌اند و نوعی فشردگی سازمانی و شبکه‌ای را به ارمغان آورده‌اند. (Rosenau, 2007: 92-93)

بنابراین انقلاب اطلاعات و فناوری‌های وابسته جوامع را با تحولی شگرف و بی‌سابقه مواجه ساخته است، تحولی که اینک از انتخاب و اختیار به سمت نوعی اجبار سوق یافته است. فناوری اطلاعات توانسته است با توجه به اصل نیاز انسان به ارتباط، به دلیل اجتماعی بودن او، فناوری‌های جدید و پیشرفته در ذخیره‌سازی، ارائه و انتقال اطلاعات فراهم آورد و جوامع بشری را به هم نزدیک کرده و کل دنیا را به دهکده‌ای کوچک تبدیل نماید. در چنین جهانی سرعت توسعه و پیشرفت در گروی دستیابی به اطلاعات بیشتر است و نبود دسترسی به اطلاعات، جوامع را به حاشیه رانده و از این دهکده طرد می‌کند. این انقلاب درصدد است علاوه بر پیشروی و استفاده از منابع موجود در طبیعت ظرفیت‌های ذهنی انسان را از روش‌های مختلف از جمله از روش دستکاری‌های ژنتیک افزایش دهد و به گونه‌ای تحت کنترل خود درآورد. در اینجا است که تفاوت اساسی عصر صنعت و اطلاعات آشکار می‌شود و آن را در اصل و ایده محوری عصر صنعت یعنی کار بر روی طبیعت برای افزایش قدرت و توانایی انسان و چیرگی بر آن است، در صورتی که در عصر اطلاعات علاوه بر تأکید بر اهداف و ایده محوری عصر صنعت، گسترش ظرفیت‌های انسانی نیز مدنظر بوده و بیشتر تلاش‌های انسان برای اصلاح‌های ژنتیکی نیز به همین دلیل است. در مجموع ما اکنون در برابر جهان واقعی که جهانی سرشار از محدودیت هاست، جهانی مجازی را تجربه می‌کنیم که محصول انقلاب اطلاعات است و مبادلات مختلف ما را به سادگی هرچه تمام‌تر انجام می‌دهد. در عصر اطلاعات واسطه‌های الکترونی باعث شده است انسان در چارچوب انتقال نمادها در همه جا حضور داشته باشد. انسان توانسته است با پیشرفت‌های خود جهان جدیدی را سوای

جهان واقعی در فرا روی خود قرار دهد، جهانی که با حضور نامرئی خود مفاهیم پایه‌ای زندگی بشریت را تغییر می‌دهد.

بر این اساس جهان به‌طور فزاینده‌ای به سمت وابستگی متقابل واحدها کشیده می‌شود. ارتباطات در دنیای امروز، تغییرات بنیادی شدیدی را در جوامع سستی پدید آورده است. اتخاذ تصمیم در ابعاد اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در جهان، پیامدهایی را در جهت تغییر و دگرگونی ساختار کشورها به دنبال خواهد داشت. انقلاب ارتباطات و بویژه اینترنت و امکانات ناشی از آن، نه تنها ابعاد جدیدی به «جهانی شدن» داده، بلکه در فضای زمان و مکان تغییراتی ایجاد کرده و زمان و مکان را به صفر نزدیک کرده و به «فشرده‌گی زمان» انجامیده است. (تافلر، ۱۳۷۱: ۶۷)

به‌طور کلی، تنوع، وابستگی متقابل فزاینده، سرعت و تمرکزگرایی و شبکه‌ای شدن روابط، روندهایی هستند که به تدریج در حیطه‌های عملکرد نهادهای مختلف تمدن امروز رسوخ یافته و زمینه‌های پیدایش جهانی شدن را بنیان می‌نهند. با شکل‌گیری عصر اطلاعات و انقلاب ارتباطات، نظام‌های سیاسی و رژیم‌های حکومتی نیز برای استمرار و تداوم بقای خویش ناگزیرند تعدیل‌هایی در مبانی و نحوه عملکرد خود به عمل آورند و این امر البته یکی از خصایص تفکر سیستمی است و کشورهای در حال توسعه خود جزء کوچکی از سیستم جهانی به‌شمار می‌روند.

قدرت و گستره فناوری نوین اطلاعاتی، از جمله ایستگاه‌های متعدد رادیو، شبکه‌های وسیع خبری، بزرگراه‌های اطلاعاتی، اینترنت، ماهواره و جز آن، دیگر مجال نمی‌گذارند تا ایدئولوژی‌های اقتدارطلب در کشورهای جهان سوم وضعیت موجود را توجیه کرده و توده‌های یکدست و فاقد تمایز را که به راحتی قابل بسیج باشد، به وجود آورند. پیتز فردیناند معتقد است: *«اینترنت، به‌وضوح، یک تهدید راهبردی درازمدت قابل توجه برای رژیم‌های اقتدارگرا است؛ تهدیدی که این‌گونه رژیم‌ها را از مقابله مؤثر با آن ناتوان می‌سازد. اخبار جهانی، به درون ملت‌هایی که تحت استیلا رژیم‌های اقتدارگرا هستند، انتقال داده می‌شود و این اخبار با اخبار تحریف شده از سوی حکومت‌ها برخورد می‌کند و در نتیجه اعتبار و مقبولیت چنین رژیم‌هایی را تضعیف و ناآرامی‌ها را تشویق می‌کند.»* (Ferdinand, 2000: 12) شکل‌گیری دهکده جهانی به

وسیله شبکه‌های گسترده ارتباطی و اطلاعاتی، امکان دسترسی آسان، سریع و ارزان و جریان‌های متنوعی از داده‌های گوناگون را در جامعه امکان‌پذیر ساخته است. بنابراین، فناوری‌های جدید ساختار علائق و اندیشه‌های ما را به‌طور ریشه‌ای دگرگون ساخته و اعطای معانی و کاربردهای تازه به آنها و حتی وسایل تعقل و اندیشه، مفهوم و تعبیر دیگری از اجتماع پدید می‌آورد و فضای رشد اندیشه‌ها و زمینه‌های آن را تغییر می‌دهد. (پستمن، ۱۳۷۲: ۳۷)

مک لوهان تلاش نموده است تا با تأکید بر نقش محوری «ارتباط» به‌عنوان مدار هستی اجتماعی، شکل‌گیری افکار و جهانی‌بینی‌های گوناگون را در رابطه با فرایند تحول شیوه‌ها و فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی بررسی و تبیین کند. به نظر او، بزرگ‌ترین نیروی وسایل ارتباطی در این بوده که افکار و ادراکات ما در هر عصر و دوره‌ای، تحت نفوذ اصول مربوط به کار خود قرار داده‌اند. وسایل ارتباطی جدید در هر دوره‌ای، به مجرد اینکه جای وسایل ارتباطی متداول را می‌گیرند و در حقیقت خود را بر محیط تحمیل می‌کنند، به صورت منابع مفروضات و اصول فکری جدیدی درمی‌آیند و از همین راه می‌توانند موجب تغییراتی در اهداف و آرمان‌ها بشوند. (لوهان، مارشال، ۱۳۷۷: ۲)

می‌توان گامی فراتر نهاد و گفت که فناوری‌ها، هدف‌آفرینی و آرمان‌آفرینی هم می‌کنند و در تعامل دوسویه، هم به تحقق آرمان‌ها کمک می‌کنند و هم موجب خلق آرمان‌های دیگر می‌شوند.^۱

۱ - برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

- Smarr, Larry, "Digital fabric", R&D Magazine, Vol. 41, No. 7, June 1999, pp. 50-54
- Handley, Richard., Robert H. Anderson, Tora K. Bikson, James A. Dewar, Jerold Green, Martin Libicki, and C. Richard Neu, **The Global Course of the Information Revolution: Political, Economic, and Social Consequences**: Proceeding of an International Conference, RAND, CE-i 54-NIC, <http://www.rand.org/publications/CE/CF154/>, Santa Monica, California, 2000.
- Anderson, Robert H., Philip S. Anton, Steven C. Bankes, Tora K. Bikson, Jonathan P. Caulkins, Peter I. Denning, James A. Dewar, Richard. Hundly, and C. Richard Neu, **The Global Course of the Information Revolution: Technology Trends**: Proceeding of an International Conference, RAND, CE 157-Nic, <http://www.rand.org/publications/CF/CF157/>, Santa Monica, California, 2000.

تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر ابعاد سیاسی جهانی شدن

بازتاب سیاسی فناوری ارتباطات و فهم چگونگی تأثیرپذیری حوزه سیاست از فناوری ارتباطات و حوزه فرهنگ، منوط به فهم تفاوت منابع گوناگون قدرت، نظیر خشونت، ثروت و اطلاعات است. با انقلاب اطلاعات مبانی قدرت سیاسی از ثروت و خشونت (زور نظامی) به اطلاعات منتقل شده و می‌شود. (برزگر، ۱۳۸۲: ۱۵۱)

تنوع، سرعت و جهانی شدن شبکه‌های اطلاعاتی، موجب می‌شود که هیچ دولت یا گروهی نتواند بر آنها تسلط پیدا کند. انقلاب اطلاعاتی موجب می‌شود که دگرگونی عظیمی در ساختار توزیع قدرت صورت گیرد. دسترسی شهروندان به اطلاعات گسترده و تشکیل کانون‌های جدید قدرت و نفوذ، مراکز قبلی را تحت تأثیر قرار دهد. دقیقاً همان سان که دانش اولیه پزشکی قدرت را از دست جادوگر قبیله خارج کرد، گسترش اطلاعات در مورد شیوه‌ای گوناگون زندگی در سایر کشورها نیز اعتبار برخی از آیین‌های رسمی و در نتیجه اعتبار برخی از مبانی قدرت دولت‌ها را مورد تهدید قرار داده است. (بورستون، ۱۳۶۸: ۲۱) بنابراین آنگونه که روزنا بیان می‌دارد: "فرایند جهانی شدن موجب تکثیر حوزه‌های اقتدار و چالش‌هایی عمده برای حاکمیت جهانی شده است، البته افزایش حوزه‌های اقتدار به این معنی نخواهد بود که حاکمیت جهانی غیرممکن است، اما پیامدهای مطلوبی را در بر نخواهد داشت. در عوض حاکمیت سرانجام تعامل و همپوشانی حوزه‌های اقتدار را از طریق گسترش هنجارها، قواعد غیررسمی و رژیم‌ها پدیدار خواهد نمود." (Rosenau, 2007: 88)

از این رو نوعی جامعه اطلاعاتی و شبکه‌ای شکل گرفته است که نقاط اتصال این شبکه‌ها را گروه‌ها و نهادهای مدنی، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، جنبش‌های اجتماعی و سیاسی، فعالان سیاسی، گروه‌های مخالف حکومت و دولت‌ها شکل می‌دهند و این نقاط، از طریق اطلاعات و اخباری که در شبکه جریان می‌یابد، به هم متصل می‌شود. به همین علت روبرت لاتهام، حاکمیت در جهان امروز را از آن گروه‌های اجتماعی و سیاسی می‌داند نه دولت‌ها. (Latham, 2000: 8)

این جابه‌جایی در قدرت موجب می‌شود که دولت‌های اقتدارگرا که به تمرکز قدرت

دست می‌زنند روزبه‌روز در محدودیت بیشتری قرار گیرند. دانایی به‌عنوان سرچشمه اصلی توانایی و دسترسی شهروندان به داده‌ها و اطلاعات بی‌شمار، به آنان فرصت می‌دهد تا بر اعمال و تصمیمات رهبران تأثیر بگذارند، چرا که دستیابی به اطلاعات بیشتر به معنی توانایی کنترل افزون‌تر است. (برزگر، ۱۳۸۲: ۱۵۲) به این ترتیب قدرت از شکل مکانیکی مبتنی بر چیرگی یکی بر دیگری و از حالت یک کنش ارتباطی یک طرفه، خارج می‌شود و به صورت کنش ارتباطی دوسویه و تأثیرگذاری متقابل درمی‌آید. همچنین تنوع اطلاعاتی موجب نوعی بحران هویت در نظام‌های سیاسی اقتدارگرا می‌شود که می‌کوشند نوعی اطلاعات یکدست و همسو با ارزش‌های حاکم را پراکنده سازند.

نظام نوین رسانه‌ای با عرضه سیلی از تصاویر، شعارها و افکار متناقض، انسان‌ها را در انتخاب ارزش‌های قبلی و ارزش‌های جدید متحیر می‌سازد. (تافلر، ۱۳۷۴: ۲۱۸) با پیدایش جامعه شبکه‌ای و اطلاعاتی (مجازی)، گونه‌های پیشین سانسور منسوخ گشته و حاکمیت دولت بر رسانه‌های نوین ارتباطی و سانسور محتوای رسانه‌ها به گونه چشمگیر دشوار شده است. ماهواره‌ها، اینترنت، وب سایت‌های خبری و گروه‌های سیاسی مجازی، کم‌تر قابل کنترل هستند. این فضای دیجیتالی و الکترونیک، همچون فضایی غیرمتمرکز و آزاد است که هیچ ساختار اقتدار در آن نمی‌تواند نهادینه شود، زیرا، نه مرکز ویژه‌ای دارد و نه مالک و دارنده خاص. هیچ کشوری، با ادعای این که حاکمیت سیاسی دارد، نمی‌تواند مدعی شود که قوانین و مقررات آن کشور در بزرگراه اینترنتی، ساری و جاری گردد. (Sussman, 2000: 22) فراتر از آن، انقلاب اطلاعاتی و دسترسی شهروندان به منابع و ابزارهای اطلاعاتی موجب می‌شد تا آنان به اطلاعات و داده‌های بیشتری از دنیای پیرامون خود و جهان و سبک‌های گوناگون زندگی در نقاط مختلف دست یابند و درصدد ابراز و تحقق آنها برآیند. فروپاشی شوروی و جنبش دانشجویی ۱۵ آوریل ۱۹۸۹ م. در چین و طرح تقاضایی نظیر دموکراسی و حقوق بشر از سوی دانشجویان از سیستم سیاسی، ناشی از گسترش رسانه‌های ارتباطی و بسط آشنایی شهروندان چینی از الزامات زندگی سیاسی در غرب بود. (برزگر، ۱۳۸۲: ۱۵۳) اکنون، شاهد آن هستیم که «نظام‌های باز» پدید آمده و جریان آزاد اطلاعات، با کم‌ترین موانع صورت می‌گیرد. اطلاعات در داخل سیستم جهانی و بین مرزها در حرکت است. جریان بین‌المللی

عقاید، اخبار و نمادهای سیاسی، اقتدار سیاسی دولت‌ها را به چالش می‌طلبد. در حال حاضر، دولت‌ها نمی‌توانند وظایف ویژه پیشین خود - مبتنی بر کنترل مرزهای فضایی - را مانند گذشته ایفا کنند. (Luck, 1995: 873)

به این ترتیب، اطلاعات، سیلی از تقاضاها را متوجه سیستم سیاسی می‌سازد و در واقع موجب شکل‌گیری انقلاب انتظارات از سیستم سیاسی می‌شود. ناکامی دولت‌ها در فراهم آوردن امکانات و محدودسازی خواسته‌ها (همچون قیل) موجب بازخورد در ورودی سیستم می‌شود و در نهایت با دامن زدن به بحران پاسخ‌گویی و مشروعیت موجبات فروپاشی نظام را فراهم می‌سازد. بنابراین هماهنگ با سرعت یافتن زندگی سیاسی، باید دیوان‌سالارها و دستگاه‌های تصمیم‌گیری نیز توانایی تصمیم‌گیری سریع منطبق با آن را داشته باشند. در صورتی که تصمیمات دیر اتخاذ شود یا بی‌تصمیمی بر امور حاکم باشد و شتاب تحولات بیش از تصمیمات نهادها باشد، فروریختگی سیاسی و حکومتی تشدید خواهد شد. (تافلر، ۱۳۷۰: ۵۵۷)

تمرکز منابع و مجاری اطلاعات در رژیم‌های اقتدارگرا به گونه‌ای است که به نخبگان فرصت می‌دهد تا سیاستی متمرکز اتخاذ کنند و نظارت مستقیم خود را بر تمام تصمیمات حکومتی، از بالاترین تا پایین‌ترین سطح، اعمال کنند. اما با حضور فناوری‌های نوین اطلاعاتی، محیط سیاسی تازه‌ای پدید می‌آید و تصمیم‌گیری‌های متمرکز بی‌کفایت می‌شوند و کارآیی خود را از دست می‌دهند. انقلاب اطلاعات را می‌توان به منشوری تشبیه کرد که وحدت نظام‌های متمرکز و اقتدارگرا را به طیف‌های مختلف تجزیه می‌کند.

از سویی دیگر، دسترسی مردم به اطلاعات آزاد با سه ویژگی آن، یعنی حجم زیاد، سرعت بالا و تنوع و گوناگونی آن، موجبات بروز نوعی «بحران هویت» را بویژه برای کشورهای جهان سوم فراهم می‌کند. این امر به کیستی و چه کسی بودن مردم بعدی جهانی می‌بخشد. در گام بعدی، به دلیل بافت غالب فرهنگ غربی در تعاملات فرهنگی جهانی، فرهنگ‌های دیگر دست به مقاومت می‌زنند. این مقاومت در قالب «خاص‌گرایی فرهنگی» جلوه‌گر می‌شود. خاص‌گرایی فرهنگی، مقاومت و واکنش بومی در قبال جهانی شدن و همگون و یکدست‌سازی فرهنگی جهانی است؛ (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۲-۱۵۳) بویژه که وجه

غالب آن فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری و فرهنگ آمریکایی است. محصولات فرهنگی در عصر جهانی شدن به سرعت از بسترهای محلی خود رها و جهانی می‌شوند. پس فرهنگ جهانی هرچه باشد، صرفاً حامل هویت فرهنگی - جغرافیایی یا ملی خاص نخواهد بود. فرهنگ نیز در این عصر، همچون اقتصاد و سیاست، در قالب جریان جهانی قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، عناصر فرهنگی مختلف از بستر و سرزمین مادری، جدا و در فضایی جهانی معلق می‌شوند. از تعامل و در کنار هم قرار گرفتن آنها، عام‌گرایی فرهنگی شکل می‌گیرد، اما به دلیل وجوه خاص فرهنگ‌ها در بسیاری موارد این عناصر با یکدیگر ناسازگارند و بنابراین، کار به ستیز و مقاومت و خاص‌گرایی فرهنگی می‌انجامد. (همان: ۱۲۲-۱۲۱)

خاص‌گرایی فرهنگی، عبارت است از توسل به ایدئولوژی‌هایی که در آن بر بی‌همتایی و حتی برتری شیوه زندگی، اعمال و باورهای گروه یا جماعتی معین تأکید می‌شود. این پدیده در انواع رفتارهای جمعی خشونت‌بار و غیرخشونت‌بار، مانند خیزش‌ها و ستیزهای قومی، جنبش‌های ملی‌گرایانه، بنیادگرایی دینی، نژادپرستی‌های جدید و نظیر آن نمود می‌یابد. (همان: ۱۳۸۱، ۱۲)

خلاصه آنکه فرایند جهانی شدن به واسطه فناوری‌های نوین نوعی بحران هویت و معنا را در جوامع جهان پدید می‌آورد. افراد و اقشار گوناگون برای حل این بحران به روش‌ها و راهکارهایی متوسل می‌شوند که خاص‌گرایی فرهنگی در قالب‌های قومی و دینی یکی از آنهاست.

از این رو، امروزه جوامع مختلفی به «تهاجم فرهنگی» در قالب فناوری اطلاعات، واکنش‌های مختلفی نشان می‌دهند. برخی از فرهنگ‌ها برای سازگاری با فناوری نوین بسیار باز و منعطف برخورد می‌کنند، اما سایر فرهنگ‌ها نگران به مخاطره افتادن سنت‌های فرهنگی خود هستند و می‌ترسند بار فرهنگ جهانی این سنت‌ها را به زوال بکشاند. (Handley, 2000: 212)

داریوش شایگان نیز به نقل از صاحب‌نظران می‌گوید: جهانی شدن به جای نزدیک کردن ملل، غالباً در کشورهای جنوب تأثیری معکوس به‌جا می‌گذارد. این حرکت تمایزات قبیله‌ای را از میان نمی‌برد و دیدگاه‌ها را به هم نزدیک نمی‌کند، بلکه متضمن این خطر است که واکنش‌های هویت‌طلبانه را تشدید کند. این واکنش‌ها از جانب کسانی صورت می‌گیرد که

جهانی شدن را «توطئه» می‌دانند. از سوی دیگر، چون تکنیک‌های مدرن ارتباطات، گران و پرهزینه است و اکثر برنامه‌های رایانه‌ای آن آمریکایی است، [به همین جهت است که از سال ۲۰۰۶ تا کنون نیمی از نیروی کار آمریکا درخواست استخدام در هر یک از صنایع عمده و اصلی تولید کننده فناوری اطلاعات و خدمات مرتبط با آن را داشته‌اند]. (Skip Laitner, 2000: 6) «دهکده جهانی» مارشال مک لوهان بر اساس الگوی غربی شکل خواهد گرفت. می‌توان گفت که پیروزی ارتباطات تا حدی آگاهی نسبت به دگربودگی (غیریت و هویت) را بیدار می‌کند و این آگاهی در واکنش‌های تند و رادیکالی تظاهر می‌یابد. اما به نظر وی نمی‌توان در مقابل این موج مقاومت کرد و هرچه بیشتر در برابر آن مقاومت کنیم، از مسیر حرکت جهان بیشتر کنار می‌مانیم. (شایگان، ۱۳۸۱: ۶۴)

در مجموع می‌توان مشاهده کرد که انقلاب اطلاعات و ارتباطات جهانی در آستانه قرن ۲۱ تأثیرات چند سویه‌ای برجای گذاشته است:

۱- در هم آمیختن مرزهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی؛ ۲- تضعیف مرزهای جغرافیایی به لحاظ سیاسی؛ ۳- از لحاظ فرهنگی الگوهای جدید ارتباطات جهانی، همواره یک نوع فرهنگ کالاگرایی را تبلیغ می‌کند؛ ۴- مفاهیم اجتماعی قالب‌های سنتی خود را از دست می‌دهند؛ ۵- جوامع بشری از تعاملات مختلفی در زمینه زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و اقتصادی برخوردار می‌شوند؛ ۶- افراد در جوامع مختلف از حالت انفعالی خارج شده و نقش فعال و تعیین کننده می‌یابند.

بنابراین فناوری ارتباطی و اطلاعاتی تغییرات بنیادی شدیدی را در جوامع سنتی و مدرن پدید آورده و به دگرگونی در تمدن انسانی و ایجاد جهان‌بینی جدیدی منجر گردیده و نیز باعث پیدایش زمینه‌های جهانی شدن شده است، این امر علاوه بر دسترسی آزاد مردم به انبوه اطلاعات، به تغییر فضای رشد و اندیشه‌ها و زمینه‌های آن کمک شایان نموده است. فناوری، ارتباطی و اطلاعاتی نقش مهمی در جامعه‌پذیری سیاسی، شکل‌دهی و جهت‌گیری سیاسی داشته و ضمن خارج ساختن کشورها از یک بعدی و یک‌سونگری، به انحصار دولت‌ها در زمینه اطلاع‌رسانی و محدود شدن حاکمیت و تجدیدنظر در رفتار و عملکرد دولت‌ها منجر

گردیده است، و همه این عوامل دست به دست هم داده‌اند و سبب تشدید آشوبی شده‌اند که هم اکنون دامن‌گیر سیاست بین‌الملل شده است.

انقلاب در مهارت‌های فردی

ظهور فناوری‌های جدید و به تبع آن انقلاب در اطلاعات و ارتباطات، افراد را با دنیایی جدید روبه‌رو می‌سازد که برای زیستن در آن ناچارند مهارت‌های خود را افزایش دهند. امروزه به لطف انقلاب مهارت‌ها که خود معلول فناوری است، یادگیری افراد دو چندان شده است. با توجه به عظمت پیامدهای انقلاب ارتباطات، جای تعجب ندارد که مردم همه کشورها، از نظر مهارت‌های تحلیلی پیشرفت کرده، برای معارضه‌جویی با مراجع اقتدار حاضر آماده‌تر شده و برای اقدام دسته جمعی برای رسیدن به خواسته‌هایشان توانایی بیشتری یافته‌اند.

به گفته الوین تافلر ما درد زایمان تمدنی جدید را از سر می‌گذرانیم که نهادهایش هنوز در جای خود قرار نگرفته‌اند. سیاست‌گذاران و سیاست‌مداران و شهروندان فعال سیاسی امروز اگر به راستی می‌خواهند بدانند که چه می‌کنند باید خود را از مهارتی مقدماتی برخوردار سازند، و آن هم چیزی نیست جز تشخیص وجوه افتراق بین پیشنهادهایی که به منظور زنده نگهداشتن نظام محتضر و در حال نزاع موج دومی طرح می‌شوند، با پیشنهادهایی که هدف از نشر و اشاعه‌ی آنها تسهیل‌گذار به تمدن موج سوم است. (۱۳۷۴: ۱۰۹-۱۰۸)

از آنجایی که می‌توان برای نظام جهانی سه پارامتر خرد، کلان و تلفیقی از این دو در نظر گرفت باید گفت با رخداد انفجار فناوری و انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی سه پارامتر اصلی نظام جهانی دستخوش دگرگونی شده است. یکی از این پارامترها به شهروندان موجود در سطح خرد بازمی‌گردد. شهروندان همه کشورها نوعی انقلاب مهارت‌ها را از سر گذرانده و می‌گذارند که آنها را قادر می‌سازد جایگاه خود را در مسیر رویدادها بهتر بشناسند و از همین رو، به شکل مؤثرتر در اقدامات جمعی که برای پیشبرد منافعشان ترتیب داده می‌شود شرکت جویند. دگرگونی دوم در سطح خرد - کلان در حال وقوع است. این پارامتری است که از طریق آن، افراد خود را به جمع‌هایشان پیوند می‌دهند. در همه نقاط جهان، جمع‌ها اعم از حکومت‌ها و سازمان‌های غیرحکومتی به یک اندازه دستخوش بحران مرجعیت و اقتدار شده‌اند. در این بحران مفاهیم سنتی مشروعیت، جای خود را به

معیارهای کارآیی برای مشروع شناخته شدن می‌دهد و از همین رو بی‌نظمی سازمانی، بن‌بست تشکیلاتی، تجدید ساختار و تکثر سازمان‌ها رواج می‌یابد. این نیز به نوبه خود آمادگی افراد را برای به کارگیری مهارت‌های تازه‌یاب خویش در جهت منافی که برای خود متصور می‌دانند بالا می‌برد. سومین دگرگونی در ساختار کلان یا ساختار جهانی در حال وقوع است. روندهای دو گونه‌کننده، به دو عالم سیاست جهان راه برده است که هر یک هنوز در حال شکل دادن و بسط قلمرو خود به عنوان شالوده‌های نظم بالنده جهانی است، یک جهان چند مرکزی مرکب از بازیگران غیرحکومتی مختلف که از جهان دولت محور مستقل است و اعضای آن اغلب با همتایان خود در جهان دولت محور به ستیز، همکاری یا نوع دیگری از تقابل می‌پردازند. در این بین فعالیت‌های چند پارچگی‌زا، با متوجه کردن مردم به امکان تغییر مبانی هویت و شهروندی خودشان، انقلاب مهارت‌ها را تقویت می‌کند (روزنا، ۱۳۸۲: ۳۹-۳۶ و ۶۴-۶۰) و (روزنا، ۱۳۸۴: ۴۱-۳۸) و (Rosenau, 2007: 96) در این میان نقش فناوری‌های نوظهور بسیار حائز اهمیت است، فناوری نوین، فروپاشی نظام‌های کهن را تشدید کرده، سرعت دگرگونی اجتماعی و سیاسی را دو چندان ساخته، توده‌ها را فعال‌تر و آگاه‌تر ساخته‌اند و به تبع آن، آگاهی و بیداری سیاسی مردم به برخوردها و ستیزها بین دولت‌ها و مردم منجر شده است. (اسلامی، ۱۳۸۱: ۷۵) می‌توان گفت که با پیدایش فناوری‌های ارتباطی، یک حوزه عمومی جدید شکل گرفته است که در آن احزاب، گروه‌های سیاسی و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی که در زمینه حقوق بشر، محیط زیست، دفاع از حقوق نویسندگان و آزادی بیان، زنان، فعالان سیاسی، گروه‌های خبری، اتاق‌های گفتگو، کنفرانس‌های از راه دور، حضور الکترونیکی (مجازی) دارند. (Norris, 2001: 3)

بنابراین تغییرات مهمی که امروزه به یمن انقلاب مهارت‌ها در سیاست جهان رخ نموده است عبارتند از: قدرت یافتن اقلیت‌ها، حضور مستقیم مردم در سیاست‌ها، توزیع تصمیم‌گیری و سرانجام ازدیاد نخبگان. همه این رخدادها باعث ایجاد لرزش در پارامترهای ذکر شده می‌گردد، پارامترهایی که در تعامل شدید با همدیگر هستند و تغییر در یکی بقیه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مجموع افراد با افزایش توانایی تحلیلی و تصمیم‌گیری خود قادر گشته‌اند در سرنوشت سیاسیشان دخالت نمایند و خود رقم زننده آن باشند، که این خود باعث ایجاد تحولاتی در پارامترهای دیگر شده است.

ظهور فناوری‌های نوین و نوید انقلابی دیگر^۱

ترکیب پیشرفت‌های بیوتکنولوژی، نانوتکنولوژی، تکنولوژی‌های مواد و اطلاعات هم‌اینک امکان ساخت و تولید دستگاه‌ها و سیستم‌هایی را فراهم ساخته که تأثیراتشان بر سلامتی و ایمنی فردی و عمومی؛ نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی؛ کسب و کار و بازرگانی، جهان شمول خواهد بود. انقلاب نوظهور فناوری همراه با فرایند پیوسته «جهانی شدن» که در سایه پیشرفت فناوری اطلاعات و بهبود مداوم حمل‌ونقل تقویت شده است، از یک سو امکانات نویتی را برای افزایش طول عمر، رونق اقتصادی و ارتقای کیفیت زندگی در دسترس ما قرار می‌دهد. (Friedman, 2000: 217)

از جمله فناوری‌های نوین که امروزه باعث تشدید آشوب در جهان سیاست شده و نوید انقلاب دیگری را می‌دهد و به عنوان انقلابی درون انقلابی دیگر از آنها یاد می‌شود، عبارت‌اند از: میکروتکنولوژی؛ دسته‌ای از سیستم‌هاست که از لحاظ فیزیکی کوچک بوده و شامل دو قسمت الکترونیکی و مکانیکی می‌باشد. سیستم‌های میکروالکترونیکی (میکروالکترومکانیکی)^۲ اصولاً برای بهبود مواد و تکنیک‌های ساخت مدارهای مجتمع^۳ و به منظور تولید قطعات مکانیکی بسیار کوچک به کار می‌رود. حسگرها و فعال‌کننده‌ها دو مقوله سیستم‌های میکروالکترونیکی هستند.

هرچه این حسگرها (و فعال‌کننده‌ها) پیچیده‌تر و با کارایی محاسباتی منسجم‌تر شوند فایده آنها به شدت افزایش خواهد یافت. این دانش یک تکنیک تولید است که دیگر حوزه‌های کاربردی را نیز توانمند می‌سازد. (Anton, 2001: 28-29) امروزه این فناوری در بخش‌های گوناگون زندگی انسان استفاده می‌شود.

۱ - برای مطالعه بیشتر در این مورد رجوع کنید به؛

www.irannanobiotech.ir , www.nanosociety.ir , www.nani.ir , www.nanoclub.ir , www.autnano.org , www.nanomaterials.ir , www.nanoshop.ir , www.tco.ac.ir , www.nano.sharif.ac.ir , www.nanomedicine.ir , www.isfahannanotech.ir

2 - MEMS: Micro Electro-Mechanical System

3 - IC

نانوتکنولوژی و نانوالکترونیک؛ فناوری نانو رشته‌ای از دانش است که جستارهای گسترده‌ای را پوشش می‌دهد. نانو از لغت یونانی «نانوس» به معنای کوتوله گرفته شده و در اصل عملی است که درباره اجسام بسیار کوچک مطالعه می‌کند.

نانوتکنولوژی، توانمندی تولید مواد، ابزارها و سیستم‌های جدید با در دست گرفتن کنترل در اندازه مولکولی، اتمی و استفاده از ویژگی‌هایی است که در آن سطوح ظاهر می‌شوند. کاربردهای بسیار وسیع این حوزه همراه با پیامدهای اجتماعی، سیاسی و حقوقی آن، این فناوری را به عنوان یک زمینه «فرا رشته‌ای و فرا بخشی» مطرح نموده است. (آنتون و دیگران، ۱۳۸۰: الف)

یک نانو متر یک میلیارد متر است، یا به عبارتی یک میلیونم میلیمتر، طول یک جفت دی‌ان‌ای نزدیک به دو نانومتر است. (ویکی‌پدیا، فناوری نانو) برای اولین بار ریچارد فاینمن برنده جایزه نوبل فیزیک توان علم نانو را در یک سخنرانی تکان دهنده و جالب با نام «آن پایین فضای بسیاری است» مطرح کرد. فناوری نانو نقطه همگرایی علوم مختلف در آینده است، که در این بین یکی از پرکاربردترین شاخه‌هایش نانوالکترونیک می‌باشد. امروزه افزایش ذخیره داده‌ها، افزایش سرعت انتقال آن و کوچک‌تر کردن هرچه بیشتر وسایل الکترونیکی دارای اهمیت بسیار است، زیرا کوچک‌تر شدن ابعاد وسایل الکترونیکی علاوه بر افزایش سرعت پردازش، توان مصرفی را نیز کاهش می‌دهد. بنابراین ما شاهد پیشرفت‌های زیادی در زمینه افزایش قابلیت ذخیره اطلاعات روی حافظه‌ها و نیز کاهش اندازه آنها بوده‌ایم که نتیجه آن دو برابر شدن سرعت پردازش در عرض هر ۱۸ ماه بوده است. بنابراین به زودی شاهد رخداد ژرفی در علوم اطلاعاتی و ارتباطی خواهیم بود که نتیجه آن افزایش توان تحلیلی افراد و وابستگی متقابل شدید میان جوامع است. (سمیرا ابراهیم‌خانی، پارس بیولوژی و علیرضا اسدی‌فر و باشگاه نانو)

در مجموع فناوری نانو، این دستاوردهای کلی را در آینده نزدیک ایجاد خواهد نمود:

- فعالیت‌های نانوفناورانه، بالاترین حد همگرایی رایانه‌ها، شبکه‌ها و فناوری زیستی را فراهم خواهند ساخت و محصولاتی را ایجاد خواهند نمود که تا قبل از آن غیرقابل تصور بوده‌اند.

- استفاده از نانو ابزار نامرئی، هوشمند و نیرومند در همه صنایع، مرزهای توانایی ما را گسترش خواهد بخشید.
 - شرکت‌های غذایی مبتنی بر نانو تکنولوژی با سامان‌دهی اتم‌ها به صورت مواد غذایی، غذاهای سریع، کم هزینه و مرغوب را تولید خواهند کرد.
 - نانو بات‌های کوچک‌تر از سر سوزن، در داخل بدن انسان به جراحی خواهند پرداخت.
 - فناوری نانو از بیماری‌ها جلوگیری کرده، عمر را طولانی و میزان سلامت افراد را افزایش خواهد داد.
 - فناوری نانو، موجب افزایش توان فیزیکی، فکری و حسی افراد خواهد شد.
 - فناوری نانو، منابع ارزان و قابل حصول انرژی را فراهم خواهد نمود.
 - کارخانه‌های فناوری نانو، محصولاتی ارزان، قابل تعدیل و تنظیم و با فرایند تولید سریع را تولید خواهند کرد.
 - فناوری نانو، سازوکار تولید جهانی را تغییر و تجهیزات توانمندی را فراهم خواهد نمود که محصولات پیشرفته‌ای را با هزینه اندک و منابع ابتدایی تولید می‌کنند.
 - فناوری نانو، انتخاب‌های جدیدی را برای بشر به وجود خواهد آورد و موجب ایجاد تحولات بنیادی در زندگی انسان‌ها خواهد شد.
- بیوتکنولوژی؛ یکی از نوین‌ترین فناوری‌هایی که امروزه مطرح است و روزه‌روز نقش بیشتری در حوزه‌های مختلف توسعه ایفا می‌کند، فناوری زیستی است. بیوتکنولوژی یعنی کاربرد روش‌های علمی و فنی در تبدیل بعضی از مواد به کمک عوامل بیولوژیک (میکروارگانیسم‌ها، یاخته‌های گیاهی، جانوری، آنزیم‌ها و...) برای تولید کالا و خدمات در پزشکی، داروسازی، کشاورزی، صنعت غذایی و سایر منابع. (خلیل‌پور، ۱۳۸۶)
- زیست فناوری را در یک تعریف کلی به کارگیری فرایندهای زیستی در صنایع تولیدی یا خدماتی دانسته‌اند. در تعریف دیگر زیست فناوری را چنین تشریح کرده‌اند: فونونی که از موجودات زنده برای ساخت یا تغییر محصولات، ارتقا کیفی گیاهان یا حیوانات و تغییر صفات میکرو ارگانیسم‌ها برای کاربردهای ویژه استفاده می‌کند.

بیونانو تکنولوژی؛ یک حوزه نوین ناشی از تلفیق علوم زیستی و مهندسی در حوزه نانو است، که افق‌های جدیدی را در زمینه ساخت و توسعه سیستم‌های تلفیقی ایجاد کرده، و محققان را امیدوار نموده که بتوانند از نانو ساختارهایی استفاده کنند که در آنها از مولکول‌های بیوتکنولوژی به عنوان ابزار سیستم مورد نظر استفاده کنند. این علم در زندگی انسان آینده نقش مهمی را ایفا خواهد کرد، به گونه‌ای که آدام شاف بیان می‌دارد؛ برای انسان این امکان فراهم خواهد آمد که نه تنها طبیعت جاندار را به طور کلی زیر سلطه خویش درآورد بلکه در مورد «من» خود نیز به دورنمایی رویایی و شگفت‌انگیز دست یابد، امری که همزمان خطرات عظیمی در زمینه زندگی اجتماعی به همراه خواهد داشت. (شاف، ۱۳۶۹: ۳۲)

بیونانو تکنولوژی روش‌های پیشگیری و معالجه بیماری‌ها و عفونت‌ها را بهتر خواهد کرد. رویکردهای نو در برابر ورود عامل بیماری‌زا به بدن یا تحرک آن موانعی را ایجاد کرده، آسیب‌پذیری آن را افزایش داده، سازوکارهای تدافعی تازه‌ای را به وجود آورده و قادر گردیده‌اند که واکنش ایمن به شناسایی عامل‌های بیماری‌زای جدید را تنظیم یا تقویت کنند. (Anton, 2001: 10-11) بنابراین تکنیک‌های جدید ساخت، تولید و فناوری اطلاعات نیز ساختارهای زیست پزشکی با ابعاد و شکل دلخواه را امکان‌پذیر کرده‌اند. مثلاً در آینده شاهد ساخت و استفاده استخوان‌های سفارشی سرامیکی برای دست و پا و مجسمه خواهیم بود. این کار با استفاده از تکنیک‌های توموگرافی رایانه‌ای و نمونه‌سازی سریع که شامل مهندسی معکوس و لایه با لایه استخوان است، عملی خواهد شد. (Hench, 1999: 139) در نتیجه مسأله سلامتی و افزایش طول عمر انسان‌ها قوت می‌یابد. در همین زمینه است که فرانسیس فوکویاما در آخرین کتابش پایان تاریخ را نه دموکراسی لیبرال بلکه انقلاب فناوری زیستی و ملحقانش می‌داند. او از فرا انسان صحبت می‌کند:

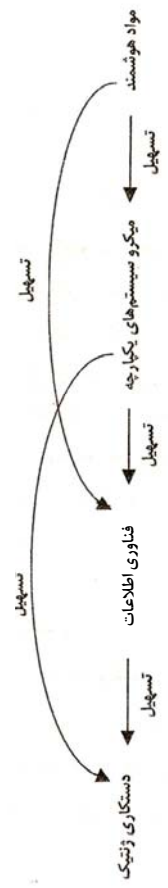
“آینده‌ای را تصور نمایم که در آن سیمای جهان نوین و دگرگونی در برابر خواننده شکل بگیرد: گروهی از افراد که عمرشان از صد سال گذشته است و در درون یک کوچ‌نشین یا شهرکی زندگی می‌کنند که گروهی از مردمان را با ویژگی‌های ژنتیکی تعدیل یا درمان شده دربرمی‌گیرد. زنان همانند عروسکان باربی

و مردان، افرادی نیرومند با بازوهای نیرومند هستند که تندرستی و زیبایی از چهره‌شان می‌یارد. آنان از بیماری‌های دوره سالمندی به دورند و خوراکشان از جنبه ژنتیکی، مهندسی شده و آمیخته به داروی «بروزاک» است که خواسته‌ها و آرزوهای انسان را از میان می‌برد. در همان حال، کودکانشان در سال‌های چهل یا شصت سالگی، معرفت را به واسطه داروی «ریتالین» جرعه می‌کنند. اما در بیرون از دیوارهای بلندی که آنان را از انگل‌های سربار اجتماع حمایت می‌کنند، گروه‌هایی از افراد سالمند با سن کم‌تر و شانس بدتر زندگی می‌کنند. اینان معلولانی با بیماری علاج‌ناپذیر و محروم از مزایای ژن درمانی هستند.^۱

این سیمای جامعه‌ای است که بنابر تصور فوکویاما بر اثر انقلاب فناوری زیستی پدید خواهد آمد. علاوه بر این همواره مسأله شبیه‌سازی حیوانات و حتی انسان‌ها بسیار جنجال برانگیز بوده است. مشابه‌سازی سازوکاری غالب در تولید سریع خصلت‌های ژنتیکی و مهندسی شده برای بازار، حفظ و نگهداری مستمر این خصلت‌ها و تولید ارگانیزم‌های مشابه برای تحقیقات آزمایشگاهی و تولید خواهد بود. بنابراین افراد و حتی بعضی کشورها شاید درصدد مشابه‌سازی انسان و حیوان برآیند، اما نتایج آن مشخص نیست. (Eiseman, 1999: 73) دغدغه‌هایی همچون مسائل اخلاقی، احتمال اتفاق افتادن اختلالات پزشکی در نوزادان و افراد، تردید در مورد مالکیت ژن‌های مفید و خوب و به نژادی از موضوعات اصلی چنین بحث‌هایی هستند. اما احتمال انجام مشابه‌سازی غیرقانونی همواره وجود دارد. (Weiss, 2000: 87)

۱- ر.ک. قرن بیولوژی [گفتگو با فرانسیس فوکویاما]، اعتماد، ۸۳/۵/۱۷ - پل ویریلیو، حادثه بزرگ در راه است: گفت‌وگو با پل ویریلیو فیلسوف معاصر فرانسوی (درباره تجربه جنگ جهانی دوم و ادامه مسائل مربوط به جنگ و فناوری‌های جدید اطلاعاتی) ترجمه محمدرضا ارشاد، همشهری، ۸۰/۱۰/۹ - آلون تافلر، نگاه تازه به آینده: جدیدترین گفت‌وگو با آلون تافلر، نظریه‌پرداز و آینده‌شناس معروف، ترجمه وحیدرضا نعیمی، همشهری، ۸۵/۲/۹ - آلون تافلر، مانوئل کاستلز، هزاره هراس: مختصات دنیای آینده در نگاه مانوئل کاستلز و آلون تافلر، همشهری، ۸۲/۵/۳۰ - کامبریج بوک ریویو، نتوکراسی و زندگی فرا سرمایه‌داری دموکراسی دیجیتال [برگرفته از کتاب نتوکراسی نوشته الکساندر بیردو جان سودرگفس]، ترجمه: یوسف عزیزی بنی‌طرف، همشهری، ۸۱/۹/۱۸ و ۱۷

محدوده برخی حوزه‌های بالقوه تعاملی و اثرات انقلاب فناوری



دستکاری ژنتیک	فناوری اطلاعات	میکرو سیستم‌های یکپارچه	مواد هوشمند
<p>دستکاری گسترده ژنوم گیاهان و حیوانات اصلاح شده ژنتیکی برای تولید مواد غذایی و دارو، انسان‌ها، ترکیب‌های ارگانیک ژن درمانی</p> <p>اثرات طول عمر بیشتر بهبود کیفیت زندگی و بهداشت بهبود غلات و مقاومت در برابر خشکسالی کاهش آفت‌کشها و جنگل‌زدایی تغییرات محتمل اکوسیستم ... مثلاً... مثلاً...</p>	<p>انفجار مستمر فوتونیک: پهنای باند، محاسبه اتصال جهانی محاسبات همه‌جانبی حسگرهای فراگیر تجهیزات اطلاعاتی جهانی تیمه‌ها: در مقیاس نانو، روز، سربم‌ارزان‌تر ترجمه طبیعی و بهبود روابط انسانی</p> <p>اثرات چیزی تجارت الکترونیک تخریب خلاق صنایع استمرار جهانگردی محدود شدن حربه خصوصی افراد گسترش جهانی فرهنگ غرب وسایل دیجیتال نو</p>	<p>یکپارچه‌سازی گسترده چندحالتی تخلیل آزمایشگاهی بر روی یک تراشه حسگرهای فراگیر (بیوزنک، نسبی، بوی و غیره) میکرو و نانوموادها میکرو روباتها</p> <p>اثرات تسهیل اکتشاف دارو، تحقیقات ژنومیک، تخلیل فو سنتز شیمیایی کشف و تخلیل اسلحه‌های شیمیایی و بیولوژیک کاهش هزینه‌های وسایل بزرگ تکثیر محتمل فرآیندهای تحت کنترل امروزی (مثلاً چنا سازی ایزوتوپ هسته‌ای)</p>	<p>سیستم‌های فراگیر تحقیق یافته پایش مستمر کارکرد بدن رسانش غیرتهاجمی هدفدار دارو حسگرها و وسایل‌نگوهای فراگیر (پوشیدنی، سازهای) بناهنگهای واکنش‌دهنده به شرایط آب و هوایی قطعات تغییر شکل‌دهنده وسایل نقلیه</p> <p>اثرات طول عمر بهتر بهبود کیفیت زندگی و بهداشت افزایش بازدهی انرژی و کاهش اثرات نامطلوب زیست‌محیطی رشد مستمر صنایع تفریحی</p>

منبع: Science, 2007, 316: 1182

(رک. آنتون فلیپ و...، ۱۳۸۰: ۲۴)

نتیجه گیری

پس از انقلاب‌های کشاورزی و صنعتی گذشته، اینک نوبت به انقلاب یا بهتر بگوییم انفجار فناوری است. در این انفجار دستاوردهای فناوری به پیشرفت‌های چشمگیر، کاربردها و مفاهیمی نوین منجر خواهد شد. انقلاب جهانی فناوری با تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فردی در سراسر گیتی همراه است. همانند انقلاب‌های کشاورزی و صنعتی در گذشته این انقلاب فناوری نیز از پتانسیل دگرگون‌سازی کیفیت زندگی، طول عمر، متحول‌سازی کار و صنعت، تغییر و تبدیل ثروت و اقتصاد، جابه‌جایی قدرت در سطح ملت‌ها و در درون آنها و افزایش تنش و تعارض همراه می‌باشد. با تحولاتی که هم اکنون به دلیل ظهور فناوری نوین مشاهده می‌کنیم، جهان در حال تحول و دگرگونی عمیقی دیده می‌شود. در آینده نزدیک تقریباً تمام فرایندهای صنعتی و نیروی کار کنونی از رده خارج خواهند شد، کالاهای مصرفی به وفور یافت شده، ارزان، شیک و بادوام خواهند بود. صنعت داروسازی و داروها یک جهش بسیار سریع به جلو را تجربه خواهند نمود. و انقلابی جدید در اطلاعات و ارتباطات رخ خواهد داد، این انقلاب سیبرنتیک آینده‌ای را به ما نشان می‌دهد که دموکراسی و ارزش‌های مادی آن از لحاظ کیفی به مراتب غنی‌تر خواهد بود، با پیدایش عصر فراوانی پایه اقتصادی برای ایجاد دموکراسی واقعی یعنی مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها به وجود می‌آید به نحوی که در آن، انسان‌ها دیگر خود را در بند نیروها و تدابیر اجتماعی که از نظارت و درک آن به دور است، حس نکنند. به این دلایل و دلایل دیگر سبک‌های زندگی روزمره در جهان به صورت زیربنایی متحول خواهد شد و الگوی رفتاری انسان‌ها تحت‌الشعاع این روند قرار خواهد گرفت. بدین ترتیب انسان در معرض یک انقلاب اجتماعی تسریع شده و قدرتمند است که ناشی از فناوری است. خوب یا بد راه بازگشتی وجود ندارد، دسته‌ای از کشورها در مسیر این انقلاب قرار گرفته‌اند و برای بهره‌برداری حداکثر از نتایج و منافع آن آماده گشته‌اند. روند جهانی شدن نیز محیط زندگی همه جوامع را تغییر خواهد داد. نقش‌آفرینی این پیشرفت‌ها در صحنه جهانی، سیمای دنیا و سیاست جهان را به کلی متحول و دگرگون خواهد کرد. به راستی

که فناوری همانند آتشفشانی است که از گذشته وجود داشته است، این آتشفشان هر از چند گاهی به اشباع می‌رسد و فوران می‌نماید، همه چیز را از میان برمی‌دارد و پس از مدتی زندگی جدیدی را خلق می‌کند. اما نمی‌توان نقش خود انسان را نادیده گرفت، به گونه‌ای که آدم شاف می‌گوید: "آینده نه به صورت قدری و جبری و نه از طریق توسعه فنی و صنعت، بلکه فقط به وسیله انسان که خالق آینده است تعیین می‌پذیرد. در طول تمام تاریخ تکامل، انسان خود آفرین عرصه هستی و رقم زننده تقدیر بوده است." (شاف، ۱۳۶۹: ۲۴۶)

منابع

الف) کتب و مقالات

- ۱ - آنتون، فیلیپ، ریچارد سیلبرگ لیمت، جیمز اشنايدر (۱۳۸۰)، انقلاب جهانی تکنولوژی: روند جهانی در بیوتکنولوژی، نانوتکنولوژی - تکنولوژی مواد و هم‌افزایی آنها با تکنولوژی اطلاعات تا سال ۲۰۱۵، ترجمه وحید وحیدی مطلق و عقیل ملکی‌فر، تهران، کمیته مطالعات سیاست نانوتکنولوژی با همکاری نشر آتنا.
- ۲ - اسلامی، محسن (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۱)، تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت، «ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی»، سال شانزدهم، شماره ۱۷۴ و ۱۷۶.
- ۳ - اینگهارت، رونالد (۱۳۷۵)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته فرهنگی، ترجمه مریم وتر، تهران، نشر روزنه.
- ۴ - برزگر، ابراهیم (۱۳۸۲)، «ابعاد سیاسی جهانی شدن و جهان اسلام»، (مجموعه مقالات) جهانشمولی اسلام و جهانی‌سازی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- ۵ - بوریستون، والتر (مرداد و شهریور ۱۳۶۸)، پیشرفت تکنولوژی و حاکمیت دولت‌ها، ترجمه علیرضا طیب، «مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی»، شماره ۳۰.
- ۶ - پستمین، نیل (۱۳۷۲)، تکنوپولی، تسلیم فرهنگ به تکنولوژی، ترجمه صادق طباطبایی، تهران، نشر سروش.
- ۷ - تافلر، الوین (۱۳۷۰)، جابه‌جایی در قدرت، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، نشر نو.
- ۸ - تافلر، الوین (۱۳۷۱)، موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: نشر نو.
- ۹ - تافلر، الوین و هایدی تافلر (۱۳۷۴)، به سوی تمدن جدید «سیاست در موج سوم»، ترجمه محمدرضا جعفری، تهران، نشر سیم‌غ.
- ۱۰ - روزنا، جیمز (۱۳۸۴)، آشوب در سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران، انتشارات روزنه.
- ۱۱ - روزنا، جیمز (۱۳۸۲)، جهان آشوب زده، ترجمه علیرضا طیب، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی.
- ۱۲ - شاف، آدام (۱۳۶۹)، جهان به کجا می‌رود؟، ترجمه فریدون نوایی، تهران، نشر اخوان.
- ۱۳ - شایگان، داریوش (۱۳۷۱)، افسون‌زدگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیار، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران، نشر فرزانه روز.
- ۱۴ - طیب، علیرضا (۱۳۷۹)، تکنولوژی اطلاعات، تهران، نشر سفیر.
- ۱۵ - عراقی، مهدی (۱ مرداد ۱۳۸۷)، انقلاب اطلاعاتی - رسانه‌ای و مفهوم دولت - ملت، «همشهری».
- ۱۶ - کاپلینسکی، رافائل و چارلز کوپر (۱۳۷۲)، تکنولوژی و توسعه در سومین انقلاب صنعتی، ترجمه جمشید زنگنه، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۷ - گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱)، جهانی شدن؛ فرهنگ و هویت، تهران، نشر نی.

۱۸ - لوهان، مک و هربرت مارشال (۱۳۷۷)، برای درک رسانه‌ها، ترجمه سعید آذری، تهران، مرکز مطالعات و سنجش برنامه‌ریزی صدا و سیما.

(ب) لاتین

- 19 - Anton, Philip S., Silberglitt, Richard and Schneider James. (2001), The Global Technology Revolution: Bio/ Nano/Materials Trends and Their Synergies with Information Technology by 2015, RAND's National Defense Research Institutes, US.
- 20 - Eiseman, Elisa, Cloning Human Beings: Recent Scientific and Policy Development, (August 1999) RAND, MR-1099.0-NBAC, <http://www.rand.org/publications/MRIMRJO99.pdf>, Santa Monica, California,.
- 21 - Ferdinand, Peter, The Internet, Democracy & Democratization (2000), London, Frances Publisher.
- 22 - Friedman, Thomas L., The Lexus and the Olive Tree (April 2000), Anchor Books, New York.
- 23 - Handley, Richard., Robert H. Anderson, Tora K. bikson, James A. Dewar, Jerold Green, Martin Libicki, and C. Richard Neu, The Global Course of the Information Revolution: Political, Economic, and Social Consequences(2000): Proceeding of an International Conference, RAND, CE-i 54-NIC, <http://www.rand.org/publications/CE!CF154/>, Santa Monica, California.
- 24 - Henche, L. L., "Medical materials for the next millennium" (May 1999), MRS Bulletin, Vol. 24, No. 5, <http://www.anl.gov/OPA/news96/news961203.html>.
25. Latham, Robert, Social Sovereignty Theory (2000), Culture & Society, Vol. 17, No.4.
26. Luck, Timothy, "Informationalism & Culture" (1995), History of European Ideas, Vol.20, No.4-6.
- 27 - Norris, Pippa, Digital Divide (2001), Cambridge, Cambridge University Press.
- 28 - Rosenau, James N., Governing the Ungovernable: The Challenge of a Global Disaggregation of Authority (2007), Political Science Department, the George Washington University, Washington, DC, USA, Journal Compilation, Regulation & Governance.
- 29 - Skip Laitner, John A., The Information and Communication Technology Revolution: Can it Be Good for Both Economy and the Climate? (Revised January 31, 2000) , EPA Office of Atmospheric Programs Washington, DC, December 15, 1999.
- 30 - Sussman, Leonard R, "Censor dot Gov. the internet & press Freedom(2000), Journal of Government Information, Vol.3, No.13
- 31 - Weiss, Rick, "Human cloning's 'numbers game'"(October 10, 2000), Washington Post, p.A01

ج) اینترنتی

- ۳۲ - ابراهیم خانی، سمیرا، پارس بیولوژی، www.parsbiology.com
- ۳۳ - اسدی فر، علیرضا، شبکه تحلیل گران تکنولوژی ایران، www.material.itan.ir
- ۳۴ - بیابان نورد، علیرضا (۱۳۸۶)، انقلاب اطلاعات و مجازی سازی، فرصت ها و چالش ها، www.arnet.ir
- ۳۵ - خبرگزاری آفتاب (۱۰ بهمن ۱۳۸۶)، اثر تکنولوژی بر کارها، ارزش ها و نیازهای انسانی، www.aftab.ir
- ۳۶ - رجب کاوه خلیل پور (۱۳۷۶)، بیوتکنولوژی ابزاری جهت رسیدن به توسعه پایدار، www.bio.itan.ir
- ۳۷ - ویکی پدیا، نانو فناوری، www.wikipedia.com

تدوین و ارزیابی راهبردهای نظامی با تأکید بر روش تحلیلی «SWOT»

سعید کافی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۱۷

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۱/۱۸

صفحات مقاله: ۵۹-۸۰

چکیده

تدوین و ارزیابی راهبردهای نظامی فرایند بسیار پیچیده‌ای است که مستلزم یک رویکرد سیستماتیک برای تحلیل دقیق عوامل محیط داخلی و خارجی است. این عوامل می‌تواند کمی و کیفی باشد. پیشرفت‌های فناورانه تأثیر شگرفی در راهبردهای نظامی داشته است: فرماندهی و کنترل، شناسایی هوایی، تکنیک‌های توپخانه‌ای، خودروهای زرهی و امثال آن. اما در هر صورت فرماندهان یک مسئولیت بیشتر ندارند و آن کسب پیروزی در جنگ است. فرماندهان در فرمول‌بندی راهبردها باید انعطاف‌پذیر باشند. فرماندهان در میدان نبرد به دلیل پیچیدگی قابل ملاحظه میدان نبرد برای تدوین و ارزیابی راهبرد نیازمند رویکرد سیستماتیک به منظور تحلیل دقیق در خصوص عوامل داخلی و خارجی هستند. در این تحقیق لزوم استفاده از ابزارهای تحلیلی در میدان نبرد بویژه بر اساس برنامه‌ریزی راهبردی عملیاتی و تصمیم‌گیری ارائه می‌شود. به همین دلیل استفاده از روش تحلیلی «SWOT» (قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها) به عنوان روش تدوین و ارزیابی راهبرد در میدان نبرد مطرح شده است. با وجود آن که کاربردهای مربوط به استفاده از فرایند سلسله مراتبی تحلیلی در ادبیات روش تحلیلی «SWOT» وجود دارد، یک مدل با ساختار جدید با بسط روش تحلیلی کمی «SWOT» به منظور تأمین فواید این رویکرد ارائه شده است.

۱ - دانشجوی دکتری تخصصی (PhD) مدیریت راهبردی نظامی دانشگاه عالی دفاع ملی.

کلید واژگان

روش تحلیلی «SWOT»، فرایند سلسله مراتبی تحلیلی (AHP)، راهبردهای نظامی، تدوین و

ارزیابی راهبرد.

مقدمه

تدوین و ارزیابی راهبردهای نظامی همواره یک وظیفه دشوار فرماندهان محسوب شده است. در شرایطی که فرماندهان با صحنه‌های پیچیده و به سرعت متغیر جنگ روبه‌رو هستند، تصمیم‌گیری در خصوص انتخاب راهبردهای صحیح اقدام بسیار دشواری محسوب می‌شود. برای این منظور استفاده از ابزارهای تدوین و ارزیابی راهبردهای نظامی نه تنها لازم بلکه ضروری می‌باشد.

تحلیل «SWOT» ابزاری تدوین و ارزیابی راهبردهای نظامی و غیرنظامی می‌باشد. از این ابزار برای ارزیابی سازمان و محیط آن نیز استفاده می‌شود. استفاده از این ابزار نخستین مرحله‌ی برنامه‌ریزی محسوب شده و به برنامه‌ریزان راهبردی کمک می‌کند تا بر روی مسائل کلیدی تمرکز پیدا کنند. (Shrestha, 2004: 89) «SWOT» از چهار حرف اول کلمات انگلیسی که معادل فارسی آنها به قرار زیر است، تشکیل شده است:

«S» حرف اول کلمه‌ی «Strengths» به معنای قوت‌ها، «W» حرف اول کلمه‌ی «Weaknesses» به معنای ضعف‌ها، «O» حرف اول کلمه‌ی «Opportunities» به معنای فرصت‌ها و در نهایت «T» حرف اول کلمه‌ی «Threats» به معنای تهدیدها می‌باشد. قوت‌ها و ضعف‌ها عوامل داخلی و فرصت‌ها و تهدیدها عوامل خارجی محسوب می‌شوند. (Kangas, 2003: 33)

در تحلیل «SWOT» ضعف‌ها و قوت‌ها عوامل داخلی محسوب می‌شوند. برای مثال، به موارد زیر به عنوان قوت‌های سازمان اشاره می‌شود: (Saaty, 1980: 16)

- ۱ - تخصص ویژه‌ی کارکنان و نیروهای زیر امر
- ۲ - محصول و یا تجهیزات جدیدی حاصل نوآوری.

۳ - موقعیت استقرار نیروهای نظامی در یک منطقه‌ی جغرافیایی و یا موقعیت مکانی یک واحد تجاری

۴ - روش‌های کنترل کیفی محصولات

۵ - ابعادی از فعالیت نظامی که موجب افزایش توان رزم نیروهای خودی می‌شود.

مثال‌های نقاط ضعف به قرار زیر می‌باشد: (Shinno, 2006: 65)

۱ - کیفیت پایین تجهیزات مورد استفاده

۲ - فقدان تخصص کاری

۳ - ورود به صحنه‌ی نبرد با بازیگر قوی با تکیه بر تاکتیک‌های متقارن

۴ - موقعیت استقرار نیروهای نظامی در یک منطقه‌ی جغرافیایی و یا موقعیت مکانی یک واحد تجاری

۵ - کیفیت پایین تجهیزات مورد استفاده

۶ - از دست دادن اعتبار توانایی انجام امور محوله در نزد نیروهای زیر امر و یا مافوق

فرصت‌ها و تهدیدها عوامل خارجی می‌باشند. مثال فرصت‌ها به قرار زیر است:

(Kotler, 1988: 76)

۱ - فضای رو به توسعه مانند فضای سایبری

۲ - اتحاد بین دو بازیگر

۳ - ورود به یک منطقه‌ی جغرافیایی که مزیت قابل ملاحظه‌ای را ایجاد می‌کند.

۴ - خلاء حضور رقیب در یک صحنه‌ی خاص

مثال‌های تهدیدها به قرار زیر است: (Kurttila, 2000: 25)

۱ - وجود رقبای توانمند

۲ - افزایش هزینه‌های عملیاتی

۳ - وجود تجهیزات جدید و ناشناخته در دست رقیب

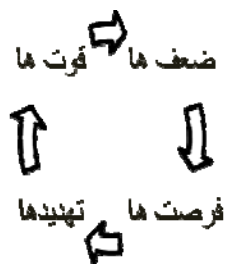
۴ - موقعیت مکانی مناسب رقیب

نکاتی که در تحلیل «SWOT» باید مدنظر قرار گیرد، به قرار زیر است: (Shinno, 2006: 32)

- ۱- واقع‌بینی در تعیین نقاط ضعف و قوت
- ۲- استفاده از «SWOT» به گونه‌ای که بین موقعیت فعلی سازمان و موقعیتی که در آینده به آن می‌رسد، تمایز ایجاد شود.
- ۳- در تحلیل «SWOT» همواره باید به نکات روشن توجه داشت و از مسائل مبهم پرهیز کرد.
- ۴- به کارگیری «SWOT» باید در ارتباط با رقیب و در فضای رقابتی صورت گیرد.
- ۵- تحلیل «SWOT» باید کوتاه و ساده باشد و از پیچیدگی و تحلیل بیش از اندازه باید پرهیز شود.

تحلیل «SWOT» را می‌توان در ارتباط با سایر ابزارها مانند تحلیل «PEST» و تحلیل ۵ نیرویی پورتر به کار برد. در هنگام انجام تحلیل «SWOT» بهتر است عوامل مربوطه در جداولی فهرست شود. (Leskinen, 2006: 51)

بررسی ماتریس «SWOT» از جمله عوامل مؤثر در تحقق و پیشبرد اهداف یک سازمان محسوب می‌شود. (Kurttila, 2006, 11) تهیه نقاط قوت و ضعف موجود در سازمان به عنوان عوامل داخلی و فرصت‌ها و تهدیدها به عنوان عوامل خارج از سازمان به تعیین راهبرد به منظور رسیدن به اهداف سازمان در محیط‌های رقابتی کمک می‌کند و نگرش کلی به این قضیه در شرایط مختلف می‌تواند در موفقیت یک سازمان در شرایط گوناگون نقش بسزایی داشته باشد. (Huang, 2006: 43)



تصویر ۱- تحلیل «SWOT»

ماتریس «SWOT» همان نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدید می‌باشد. هر سازمانی در سطوح مختلف می‌تواند دارای برنامه باشد (سطوح کلی، میانی و وظیفه‌ای). (Masozer, 2006: 31) برای تدوین راهبرد در مرحله اول باید تحلیل جامعی از وضعیت موجود بر اساس روش «SWOT Analysis» صورت گیرد تا با استفاده از آن نقاط قوت، ضعف، فرصت و یا تهدید مشخص شود و پس از استخراج این نقاط سازمان آمادگی پیدا می‌کند تا آینده خود را بسازد. (Kurttila, 2000: 48)

اما برای استفاده از تحلیل «SWOT» در تدوین و ارزیابی راهبردهای نظامی پیش از چیز باید تعریف کوتاهی از مدیریت راهبردی داشت.

هنر و علم تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیمات وظیفه‌ای چندگانه که سازمان را قادر می‌سازد به هدف‌های بلندمدت خود دست یابد مدیریت راهبردی نام دارد. فرایند مدیریت راهبردی در برگیرنده سه مرحله است: (Hill, 1997: 35)

۱ - تدوین راهبرد

۲ - اجرای راهبرد

۳ - ارزیابی راهبرد

راهبرد نظامی به مدیریت منابع نظامی در شرایط جنگی اطلاق می‌شود. (Stewart, 2002: 75) این راهبرد به طرح‌ریزی عملیات نظامی، کنترل واحدهای نظامی بزرگ، جابه‌جایی و آرایش نیروها و فریب دشمن می‌پردازد. تاکتیک نیز عبارت است از اجرای طرح‌ها و مانور نیروها در میدان نبرد. راهبرد در مقیاس بزرگ و تاکتیک در مقیاس کوچک مطرح می‌باشد. (Kajanus, 2004: 55)

اجرای جنگ شامل مواردی مانند تصرف سرزمین، انهدام توانایی دشمن در تعقیب اقدامات نظامی و امثال آن است. (Kurttila, 2000: 14) هر اقدام نظامی با واکنش نیروهای نظامی یک یا چند حریف مواجه می‌شود. پیروزی در جنگ نیز با غلبه بر حریف، انهدام توان رزم دشمن در میدان نبرد و یا وادار کردن دشمن به تسلیم و فرار به دست می‌آید. (Leskinen, 2006: 76)

پیشرفت‌های تکنولوژیکی تأثیر شگرفی در استراتژی‌های نظامی داشته است: فرماندهی و کنترل، شناسایی هوایی، تکنیک‌های توپخانه‌ای، خودروهای زرهی و امثال آن. اما در هر صورت فرماندهان

یک مسئولیت بیشتر ندارند و آن کسب پیروزی در جنگ است. (Shrestha, 2004: 56) فرماندهان در فرمول‌بندی استراتژی‌ها باید انعطاف‌پذیر باشند. ارتش‌های امروزی برخوردار از واحدهای بزرگ نظامی زرهی با پشتیبانی نیروهای هوایی و دریایی هستند. با افزایش استعداد رزمی و تکنولوژی ارتباطات و کنترل فرمول‌بندی تدوین استراتژی دشوارتر می‌شود. (Wheelen, 1995: 36)

فرماندهان در میدان نبرد به دلیل پیچیدگی قابل ملاحظه میدان نبرد برای تدوین و ارزیابی راهبرد نیازمند رویکرد سیستماتیک به منظور تحلیل دقیق در خصوص عوامل داخلی و خارجی هستند. (88: 68 Kurttila, 2000; 70: Yuksel, 2006) رویکردهای راهبردی و ابزارهای تصمیم‌گیری تحلیلی برای این منظور در میدان نبرد مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. در این تحقیق لزوم استفاده از ابزارهای تحلیلی در میدان نبرد بویژه بر اساس برنامه‌ریزی راهبردی عملیاتی و تصمیم‌گیری ارائه می‌شود.

به همین دلیل استفاده از روش تحلیلی «SWOT» (قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها) به عنوان روش تدوین و ارزیابی راهبرد در میدان نبرد مطرح شده است. با وجود آن که کاربردهای مربوط به استفاده از فرایند سلسله‌مراتبی تحلیلی در ادبیات روش تحلیلی «SWOT» وجود دارد، یک مدل با ساختار جدید با بسط روش تحلیلی کمی «SWOT» به منظور تأمین فواید این رویکرد ارائه شده است.

با ارائه رویکرد پیشنهادی این انتظار وجود دارد که امکان حمایت از تصمیمات فرماندهان برای رفع مشکلات مختلف و سازماندهی فرایندهای نامحدود تصمیم‌گیری راهبردی در خصوص موضوعات مختلف در میدان نبرد فراهم آید.

ساختار تحقیق حاضر به قرار زیر است: ابتدا رویکرد پیشنهادی با توصیف چارچوب نظری روش‌های کمی «SWOT» و فرایند سلسله‌مراتبی تحلیلی ارائه شده است. علاوه بر این، گردش کار فرایند رویکرد پیشنهادی مطرح شده است. برای آزمایش قابلیت اجرای رویکرد پیشنهادی یک سناریو آمده است. سرانجام این که در قسمت آخر کاربردهای یافته‌های تحقیق بررسی شده و رویکرد پیشنهادی مورد بحث قرار گرفته است.

بیان مسأله

مسأله اصلی این است که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نیاز به تدوین و ارزیابی راهبردهای نظامی بر اساس تحلیل صحنه نبرد دارند. یکی از نیازهای امروزی فرماندهان در صحنه نبرد تحلیل موقعیت خود و دشمن و اتخاذ تصمیم بر اساس این تحلیل است. پیچیدگی‌های صحنه نبرد ضرورت بهره‌گیری از روشی را مطرح می‌کند که امکان تحلیل کامل عوامل مؤثر بر صحنه نبرد را فراهم آورد.

در شرایط جنگی هر تصمیم فرماندهان می‌تواند آثار بزرگی در نتیجه جنگ به همراه داشته باشد. از این رو، اتخاذ هر تصمیم باید با تحلیل کامل شرایط جنگی و اطمینان از صحت آن و این که تصمیم اتخاذی بهترین تصمیم بوده است، صورت گیرد. در گرد و غبار برخاسته از جنگ و قرارگیری مستمر در برابر شرایط جدید که مستلزم اتخاذ تصمیمات سریع و صحیح است، بدون بهره‌گیری از یک روش سیستماتیک تحلیلی به سختی می‌توان تصمیمات صحیح گرفت.

در نتیجه، این پرسش مطرح می‌شود که چه روشی می‌تواند امکان تدوین و ارزیابی راهبردهای نظامی را با تحلیل صحنه نبرد برای اتخاذ تصمیمات صحیح فراهم آورد؟ بدون تردید، یکی از نیازهای اساسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران برخورداری از یک روش تحلیلی برای تدوین و ارزیابی راهبردهای نظامی در شرایط سخت و دشوار تصمیم‌گیری در صحنه‌های نبرد است. بدون برخورداری از چنین روشی امکان ورود به عرصه نبردهای پویا نیست. به عبارتی، فرماندهان هر اندازه که به سازویرگ‌های نظامی آراسته باشند و از عده و غده مناسبی برخوردار باشند، بدون برخورداری از روش‌های تحلیلی برای تدوین و ارزیابی راهبردهای نظامی و تحلیل شرایط صحنه نبرد نمی‌توانند با موفقیت از صحنه جنگ خارج شوند. بنابراین، بر کسی پوشیده نیست که یکی از پیش شرط‌های مهم ورود به صحنه نبرد برخورداری از دانش مناسب برای تدوین و ارزیابی راهبردهای نظامی است.

اهداف و سؤال تحقیق

هدف اصلی تحقیق حاضر ارائه رویکرد تحلیلی برای تدوین و ارزیابی راهبردهای نظامی می‌باشد. هدف فرعی شناخت و تدوین گام‌های مختلف تدوین و ارزیابی راهبردهای نظامی مبتنی بر رویکرد تحلیلی «SWOT» هدف فرعی تحقیق در نظر گرفته شده است و سؤال اصلی تحقیق چه روشی برای تدوین و ارزیابی راهبردهای صحنه‌ی نبرد با توجه به تحلیل صحنه به منظور اتخاذ تصمیمات صحیح مناسب است؟، سؤالات فرعی تحقیق عبارتند از:

- ۱- روش مناسب برای تدوین راهبردهای صحنه‌ی نبرد از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟
- ۲- کدام راهبرد برای تدوین راهبردهای صحنه‌ی نبرد بهترین راهبرد می‌باشد؟

روش تحقیق

تحقیق حاضر به روش موردی - زمینه‌ای صورت گرفته است. پیش از هر چیز مبانی نظری تحقیق تبیین شده و پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم نسبت به تجزیه و تحلیل اطلاعات مورد گردآوری اقدام شده است. با استفاده از روش دلفی نظر صاحب‌نظران به‌دست آمده است. در تحقیق حاضر برای تدوین ادبیات و چارچوب نظری از مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و برای جمع‌آوری اطلاعات میدانی از پرسش‌نامه استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات بدین قرار بوده است که اطلاعاتی که از طریق پرسش‌نامه و اسناد و مدارک جمع‌آوری شده است دسته‌بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از آزمون χ^2 دو (X²) و یا مجذور کا برای اطمینان از معنی‌دار بودن سؤالات و گزینه‌های پاسخ استفاده شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر در حدود ۱۰۰ نفر می‌باشد که دربرگیرنده‌ی افراد صاحب‌نظر در حوزه پژوهش است. نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌بندی انجام شده است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران با ضریب اطمینان ۹۵ درصد حدود ۱۵ نفر محاسبه شده است.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

رویکرد پیشنهادی

رویکرد پیشنهادی مبتنی بر روش تحلیلی کمی «SWOT» است. تکنیک استفاده از روش سلسله مراتبی تحلیلی در روش تحلیلی «SWOT» به نام «A`WOT» شناخته می‌شود. (Saaty, 1980: 43) در سایر تحقیقات از تکنیک ترکیبی استفاده از فرایند سلسله مراتبی تحلیلی در تحلیل «SWOT» به عنوان روش «A`WOT» نام برده شده است. این روش ترکیبی برای نخستین بار با هدف رفع نقاط ضعف در سنجش و ارزیابی گام‌های روش تحلیلی «SWOT» ارائه شده است. (Kajanus, 2004: 25) روش تحلیلی «SWOT» یک ابزار متداول برای ارزیابی محیط‌های داخلی و خارجی به منظور دستیابی به رویکرد سیستماتیک و حمایت از موقعیت تصمیم‌گیری است. روش سلسله مراتبی یک روش تصمیم‌گیری چند معیاره است که درخصوص معیارهای کمی و کیفی کاربرد دارد. (Kajanus, 2004: 55) به کارگیری روش سلسله مراتبی تحلیلی در روش تحلیلی «SWOT» اولویت‌های تحلیلی را برای عوامل موجود در روش تحلیلی «SWOT» ارائه داده و اولویت‌ها را قابل انطباق می‌نماید. در استفاده ترکیبی از این روش در حالی که روش تحلیلی «SWOT» از موقعیت تصمیم‌گیری حمایت می‌کند، فرایند سلسله مراتبی تحلیلی اهمیت نسبی عوامل «SWOT» را می‌سنجد. (Kurttila, 2000: 48)

از این روش در حوزه‌های مختلفی مانند محیط زیست، گردش‌گری، مدیریت پروژه، کشاورزی و تولیدات صنعتی استفاده می‌شود. (Stewart, 2002: 71) تحقیقات دیگری نیز انجام شده است که به جای ترکیب روش سلسله مراتبی تحلیلی با روش «SWOT»، روش‌های دیگری مانند «SMART»، «SMAA-O» و فرایند تحلیل شبکه‌ای¹ «ANP» با روش کمی «SWOT» ترکیب می‌شوند. (Yuksel, 2007: 64)

در اغلب تحقیقاتی که درخصوص روش تحلیلی کمی «SWOT» انجام یافته است، تمرکز بر اولویت‌بندی عوامل و زیرعوامل «SWOT» است و هیچ‌یک از استراتژی‌ها و آلت‌رناتیوها در ساختار سلسله مراتبی مبتنی بر عوامل استراتژیک گنجانده نشده است. (Kurttila, 1997: 31) در رویکرد

1 - Analytic Network Process (ANP)

پیشنهادی این مسأله با بسط تحلیل کمی «SWOT» با توجه به روابط میان عوامل «SWOT» و راهبردهای پیشنهادی مورد توجه قرار گرفته است. روابط واگذاری میان عوامل «SWOT» و راهبردهای پیشنهادی شرایط لازم را برای آزمایش این که بالاترین سطح عوامل «SWOT» در راهبردهای پیشنهادی مورد خطاب قرار گرفته‌اند یا خیر فراهم می‌آورد. راهبردهای پیشنهادی در نتیجه استفاده از رویکرد پیشنهادی با استفاده از ماتریس روابط رده‌بندی شده و سرانجام برخی از آنها برای به کارگیری انتخاب می‌شوند. گردش کار فرایند چارچوب پیشنهادی در تصویر دو آمده است.



تصویر ۲ - گردش کار فرایند رویکرد پیشنهادی

علاوه بر این، ستانده نهایی رویکرد پیشنهادی، تدوین راهبرد و ماتریس ارزیابی در تصویر ۳ نشان داده شده است. جزئیات گام‌ها نیز در سناریو آمده است.

راهبردها		
اقدامات		
ماتریس روابط	اهمیت نسبی عوامل «SWOT»	عوامل «SWOT»
اهمیت قطعی راهبردها		
اهمیت نسبی راهبردها		
تعیین توالی راهبردها		

تصویر ۳ - تدوین راهبرد و ماتریس ارزیابی

۱- وضعیت

در این قسمت برای توصیف فرایند تدوین و ارزیابی راهبرد دو فرمانده تیپ تصویری در میدان نبرد به عنوان سناریو در نظر گرفته می‌شود. در این سناریو دو فرمانده تیپ علیه یکدیگر درگیر عملیات نظامی می‌باشند. تمام داده‌های این مطالعه فاقد طبقه‌بندی است. هدف از ارائه سناریوی حاضر معرفی کاربرد رویکرد پیشنهادی است. از رویکرد پیشنهادی درخصوص سناریو استفاده به عمل آمده است.

۲- تحلیل «SWOT»

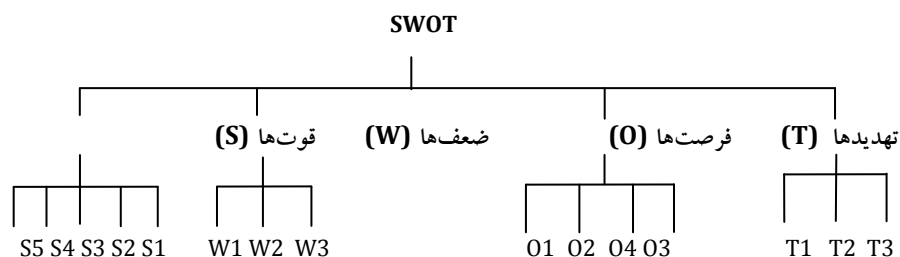
تحلیل «SWOT» با استفاده از تکنیک طوفان مغزی انجام شده است. عوامل مربوط به محیط داخلی و خارجی (قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها) تعیین شده و در تحلیل «SWOT» همان‌طور که در جدول ۱ آمده است گنجانده شده‌اند.

جدول ۱ - عوامل «SWOT»

عوامل «SWOT»	اختصار	گروه «SWOT»
واحدهای مؤثر زرهی	S1	قوت‌ها
اسکادران بال‌گردهای تک	S2	
ثبات سیستم‌های فرماندهی و کنترل	S3	
توان مانور سریع	S4	
رهبری توانمند و روحیه بالا	S5	
فقدان استتار	W1	ضعف‌ها
نقصان اطلاعات درخصوص دشمن	W2	
سازمان تاکتیکی نادرست در میدان نبرد	W3	
پشتیبانی هوایی نزدیک	O1	فرصت‌ها
پشتیبانی توپخانه	O2	
پشتیبانی لجستیکی و انعطاف‌پذیری	O3	
وجود نیروهای احتیاط بنا به ضرورت	O4	
مشکلات جغرافیایی	T1	تهدیدها
شرایط جوی ناپایدار	T2	
حملات هوایی دشمن	T3	

۲-۱- ایجاد ساختار سلسله مراتبی تصمیم‌گیری

نتیجه تحلیل «SWOT» یک ساختار فهرست شده است. ساختار سلسله مراتبی برای انجام مقایسه‌های زوجی «AHP» مربوط به عوامل و گروه‌های «SWOT» ایجاد شده است.



نمودار ۱ - ساختار سلسله مراتبی تحلیل «SWOT»

۲-۲- تعیین اولویت وزن‌های عوامل «SWOT» با استفاده از روش سلسله مراتبی

مقادیر مقایسه زوجی (مقیاس ۹-۱) پس از تکمیل ساختار سلسله مراتبی تعیین می‌شود. سپس اولویت وزن‌های عوامل و گروه «SWOT» با استفاده از روش سلسله مراتبی و مبتنی بر مقایسه زوجی به دست می‌آید (جدول ۲). قوت‌ها (S)، ضعف‌ها (W)، فرصت‌ها (O) و تهدیدها (T) در نمودار ۱ آمده است. این نمودار به فرماندهان برای مقایسه نیروها و ارزیابی موقعیت خود در میدان نبرد کمک می‌کند. تعیین عوامل «SWOT» با بیشترین وزن از اهمیت بسزایی در این مرحله برخوردار است. این اقدام موجب ایجاد بینش در فرایند برنامه‌ریزی راهبردی می‌شود.

بدون تردید برای قوت‌ها و فرصت‌ها مقادیر بیشتر و برای ضعف‌ها و تهدیدها مقادیر کم‌تر مطلوب است. با مراجعه به نمودار ۲ می‌توان دریافت که تیپ دارای قوت‌های قابل ملاحظه مانند واحدهای زرهی مؤثر (S1)، اسکادران بال‌گردهای تک (S2) و غیره است. علاوه بر این، تیپ برخوردار از فرصت‌های چشم‌گیر مانند پشتیبانی هوایی نزدیک (O1) و پشتیبانی توپخانه (O2) است. از سوی دیگر، برخی ضعف‌ها و تهدیدها مانند سازمان تاکتیکی نادرست در میدان نبرد (W3) و حملات هوایی دشمن (T3) و غیره مطرح می‌باشد.

جدول ۲ - عوامل «SWOT» و وزن‌های آنها

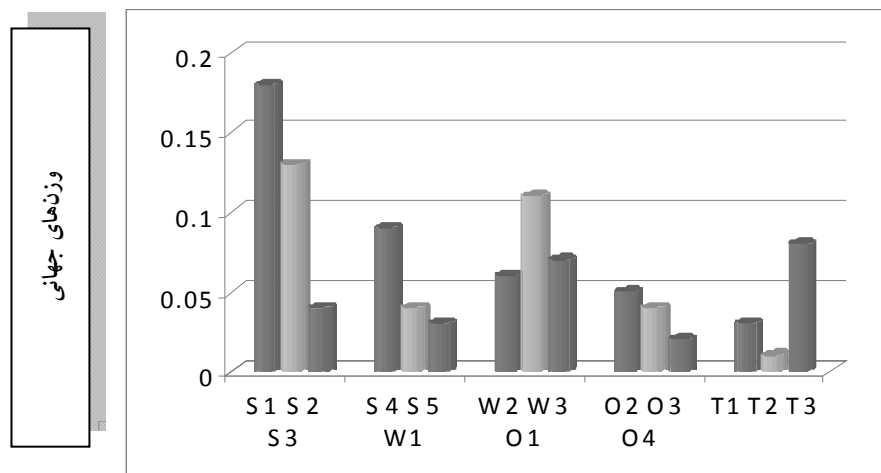
وزن‌های جهانی	وزن‌های محلی ^۱	عوامل «SWOT»	اختصارات	اولویت گروه	گروه «SWOT»
۰/۱۸۱	۰/۳۸۰	• واحدهای زرهی مؤثر	S1	۰/۴۷۴	قوت‌ها
۰/۱۲۹	۰/۲۷۱	• اسکادران بال‌گردهای تک	S2		
۰/۰۴۰	۰/۰۸۳	• ثبات سیستم‌های فرماندهی و کنترل	S3		
۰/۰۸۸	۰/۱۸۵	• توانمندی مانور سریع	S4		
۰/۰۳۷	۰/۰۷۷	• رهبری توانمند و انگیزه بالا	S5		
۰/۰۳۳	۰/۱۶۲	• فقدان استتار	W1	۰/۲۰۵	ضعف‌ها
۰/۰۶۳	۰/۳۰۹	• نقصان اطلاعات در خصوص دشمن	W2		
۰/۱۰۹	۰/۵۲۹	• سازمان تاکتیکی نادرست در میدان نبرد	W3		
۰/۰۶۹	۰/۳۶۲	• پشتیبانی هوایی نزدیک	O1	۰/۱۸۹	فرصت‌ها
۰/۰۵۴	۰/۲۸۴	• پشتیبانی تویخانه	O2		
۰/۰۴۴	۰/۲۳۳	• پشتیبانی لجستیکی و انعطاف‌پذیری	O3		
۰/۰۲۳	۰/۱۲۱	• وجود نیروهای احتیاط بنا به ضرورت	O4		
۰/۰۳۱	۰/۲۳۸	• مشکلات جغرافیایی	T1	۰/۱۳۰	تهدیدها
۰/۰۱۶	۰/۱۲۱	• شرایط جوی ناپایدار	T2		
۰/۰۸۴	۰/۶۴۱	• حملات هوایی دشمن	T3		

۲-۳- تدوین راهبرد برای دستیابی به اهداف عملیاتی

راهبردهای عملیاتی و اقدامات لازم برای اجرای این راهبردها با استفاده از عوامل ارزیابی شده‌ی کمی «SWOT» که با رویکرد پیشنهادی تعیین شده‌اند، با هدف ایجاد قوت‌ها، رفع ضعف‌ها، بهره‌برداری از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدها تدوین می‌شوند. مهم‌ترین موضوع در این مرحله توجه به عوامل «SWOT» با بیشترین اولویت است.

راهبردهای پیشنهادی برای دستیابی به اهداف عملیاتی در میدان نبرد در جدول ۳ آمده است. چهار راهبرد اصلی وجود دارد: آفند، پدافند، عملیات تأخیری و عقب‌نشینی.

۱ - وزن‌های محلی و جهانی با انجام محاسبات مبتنی بر روش سلسله مراتبی تحلیلی «AHP» به دست آمده است.



عوامل «SWOT»

نمودار ۲ - عوامل «SWOT» و وزن‌های آنها

راهبرد آفندی برای هدایت واحدهای نظامی به منظور انجام حملات اجرا می‌شود. راهبرد آفندی بخشی از یک طرح با هدف درگیر کردن بسیاری از واحدها بوده و عملیات هوایی و زمینی را دربرمی‌گیرد. (Kangas, 2003: 47) این راهبرد یک طرح بزرگ‌تر است که شامل چندین واحد تک‌ور، واحدهای تقویت و واحدهای احتیاط و یا استفاده از موفقیت می‌شود. راهبرد پدافندی با هدف سد کردن مانور و جابه‌جایی واحدهای نظامی و ورود به وضعیت پدافندی در موقعیت جاری اجرا می‌شود. راهبرد عملیات تأخیری به منظور هدایت واحدهای نظامی برای اجرای تاکتیک تأخیری و معاوضه زمین با زمان استفاده می‌شود. (Kottler, 1988: 24) این راهبرد به منزله صرفه‌جویی در قوا است و به موجب آن نیروها در مواضع متوالی نبرد می‌کنند و تنها زمانی مواضع را ترک می‌نمایند که ناچار به انجام چنین عملی شوند و در حین اجرای این تاکتیک از درگیری قاطع با دشمن اجتناب می‌نمایند. (Kajanus, 2004: 21) راهبرد عقب‌نشینی برای احیاء توان رزم واحدهای نظامی و یا درگیری

در یک موضع دیگر اجرا می‌شود.

از سوی دیگر، روابط بین عوامل «SWOT» و راهبردهای پیشنهادی با استفاده از متغیرهای زبانی در جدول ۴ تعیین شده است. روابط مشخص بین عوامل «SWOT» و راهبردها امکان تعیین توالی راهبردها را داده و در نتیجه می‌توان راهبردهای کاربردی را انتخاب کرد. در هنگام تعیین روابط باید توجه داشت که یک راهبرد ترکیبی پیشنهادی برای عوامل «SWOT» وجود دارد (تقویت قوت‌ها، رفع ضعف‌ها، بهره‌برداری از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدها). با در نظر داشتن این روابط به عنوان داده می‌توان وزن‌های راهبردها را محاسبه کرد. روابط تعیین شده به مثابه نمادهای گرافیکی در تدوین راهبرد و ارزیابی ماتریس می‌باشند (جدول ۳).

۲-۴ - وزن‌های راهبردهای پیشنهادی به عنوان داده محاسبه می‌شود.

$$T_i = \sum_{j=1}^n G_j R_{ij}$$

در این معادله:

T_i : وزن کل راهبرد i

G_j : وزن‌های جهانی عامل «SWOT» j

R_{ij} : میزان رابطه بین راهبرد i و عامل «SWOT» j

n : تعداد عوامل «SWOT»

مقادیر نرمال شدهی وزن‌های راهبرد:

$$N_i = \frac{T_i}{\sum_{i=1}^m T_i}$$

در این معادله:

N_i : وزن نرمال شدهی راهبرد i

m : تعداد راهبردها

جدول ۳ - تدوین راهبرد و ماتریس ارزیابی

گروه «SWOT»	وزن	عوامل «SWOT»	وزن محلی	وزن جهانی	راهبردها		
					آفند	پدافند	عملیات تأخیری
قوت‌ها	۰/۴۷۴	S1	۰/۳۸۰	۰/۱۸۱	•	•	•
		S2	۰/۲۷۱	۰/۱۲۹	•	○	○
		S3	۰/۰۸۳	۰/۰۴۰	•	○	○
		S4	۰/۱۸۵	۰/۰۸۸	□	△	•
		S5	۰/۰۷۷	۰/۰۳۷	△	△	△
ضعف‌ها	۰/۲۰۵	W1	۰/۱۶۲	۰/۰۳۳	○	•	•
		W2	۰/۳۰۹	۰/۰۶۳	•	○	○
		W3	۰/۵۲۹	۰/۱۰۹	○	•	○
فرصت‌ها	۰/۱۸۹	O1	۰/۳۶۲	۰/۰۶۹	○	△	△
		O2	۰/۲۸۴	۰/۰۵۴	•	•	•
		O3	۰/۲۳۳	۰/۰۴۴	•	○	△
		O4	۰/۱۲۱	۰/۰۲۳	•	△	○
تهدیدها	۰/۱۳۰	T1	۰/۲۳۸	۰/۰۳۱	•	○	○
		T2	۰/۱۲۱	۰/۰۱۶	○	○	○
		T3	۰/۶۴۱	۰/۰۸۴	•	△	○
		وزن کل		۴/۲۴۶	۲/۸۰۰	۲/۳۸۳	۲/۵۱۵
		اهمیت نسبی %		۰/۳۵۵	۰/۲۳۴	۰/۲۰۰	۰/۲۱۱
		توالی		۱	۲	۴	۳

جدول ۴ - میزان روابط، نمادهای گرافیکی و اعداد مربوطه

میزان رابطه	نماد گرافیکی	عدد
صفر		۰
بسیار ضعیف	○	۱
ضعیف	•	۳
متوسط	△	۵
قوی	□	۷
بسیار قوی	◆	۹

ترتیب و توالی راهبردهای پیشنهادی بر اساس وزن‌های نرمال شده‌ی آنها و از بالا به پایین در جدول ۳ مشخص شده است.

۲-۵- نتایج مطالعه موردی

نتایج تحلیل موردی نشان‌گر آن است که روش پیشنهادی تحلیلی کمی «SWOT» می‌تواند زمینه‌ساز تدوین راهبردهای موفق درخصوص دستاوردهای عملیاتی در میدان رزم باشد. طرح مؤثر عملیاتی در سطح راهبردی با بررسی وزن‌های نرمال شده‌ی راهبردهای پیشنهادی با توجه به عوامل «SWOT» قابل ارائه است.

در این مورد، راهبردهای پیشنهادی شامل آفند، پدافند، عملیات تأخیری و عقب‌نشینی دارای اهمیت نسبی ۰/۳۵۵، ۰/۲۳۴ و ۰/۲۱۱ هستند. راهبرد آفندی بهترین راهبرد برای اجرا می‌باشد. فرماندهان می‌توانند طرح‌های عملیاتی را برای هر عملکرد و یا عنصر راهبرد آفند مانند آفند مبتنی بر خودروهای زرهی، انهدام خودروهای زرهی دشمن با استفاده از بال‌گردهای تک، از بین بردن امکانات تدارکاتی دشمن، پرتاب موشک‌های دور برد، اجرای جنگ فیزیولوژیکی، پشتیبانی از واحدهای نظامی با کمک یگان‌های احتیاط، اجرای جنگ الکترونیک و امثال آن ارائه دهند.

در دنیای واقعی بر خلاف آنچه که در این مثال خیالی دیده می‌شود عوامل بسیاری وجود دارد که فهم محیط نبرد را برای فرماندهان دشوار می‌کند. علاوه بر این، راهبردها و اقدامات عملیاتی به مراتب بیشتری در محیط واقعی وجود دارد. بنابراین، رویکرد پیشنهادی می‌تواند به ایجاد بینش در فرایند برنامه‌ریزی راهبردی به فرماندهان کمک کند.

۳- نتیجه‌گیری

روش تحلیلی کمی «SWOT» با ساختار جدید برای تدوین و ارزیابی راهبردهای صحنه‌ی نبرد با توجه به تحلیل صحنه به منظور اتخاذ تصمیمات صحیح روشی مناسب می‌باشد. به موجب رویکرد پیشنهادی فرماندهان باید داده‌های کمی و کیفی را در فرایند تصمیم‌گیری راهبردی در میدان نبرد مدنظر قرار دهند. عوامل «SWOT» که با انجام محاسبه‌های فرایند سلسله‌مراتبی تحلیلی تعیین وزن شده‌اند، سطح اشراف موقعیتی را افزایش می‌دهد. برنامه‌ریزی راهبردی عملیاتی مبتنی بر عوامل «SWOT» قابل انجام است. به عبارتی

دیگر، رویکرد پیشنهادی عوامل مهم محیطی داخلی و خارجی را که می‌تواند مبنای مناسبی برای تدوین راهبرد موفق باشد ارائه می‌دهد.

ویژگی‌های روش پیشنهادی برای تدوین راهبردهای صحنه‌ی نبرد عبارت است از:

- ارائه الگو برای راهبردهای عملیاتی مانند آفند، پدافند، عملیات تأخیری و عقب‌نشینی
- کمک به تدوین راهکار
- تسریع در فرایند تصمیم‌گیری
- کمک به فرماندهان در برخورد با ابعاد پیچیده جنگ
- تعیین قوت‌ها و ضعف‌های نیروهای نظامی و فرصت‌ها و تهدیدهای محیط جنگ

در روش تحلیلی کمی «SWOT» با ساختار جدید که برای تدوین و ارزیابی راهبردهای صحنه‌ی نبرد به کار می‌رود، بهترین راهبرد برای اجرا راهبرد آفندی می‌باشد. در نتیجه، این تحقیق به فرماندهان کمک می‌کند تا با رویکردی علمی و انعطاف‌پذیر بتوانند به تدوین و ارزیابی راهبرد در جنگ پردازند.

همچنین، برای انجام تحقیقات بیشتر پیشنهاد می‌شود یک نرم‌افزار مبتنی بر رویکرد پیشنهادی به منظور تدوین و ارزیابی راهبرد با توجه به معیارهای چندگانه تهیه شود.

منابع

- 1 - Chang, H.H., Huang, W.C. (2006), "Application of a quantification SWOT analytical method," *Mathematical and Computer Modelling*.
- 2 - Hill T. and Westbrook R. (1997), "SWOT analysis: it's time for a product recall," *Long Range Planning*.
- 3 - Kajanus M., Kangas J. and Kurttila M. (2004), "The use of value focused thinking and the AWOT hybrid method in tourism management," *Tourism Management*.
- 4 - Kajanus, Kangas and Kurttila, 2004.
- 5 - Kangas et al., 2003.
- 6 - Kangas J., Kurttila M., Kajanus M. and Kangas A. (2003), "Evaluating the management strategies of a forestland estate - the S-O-S approach," *Journal of Environmental Management*.
- 7 - Kotler P. (1988), *Marketing Management: Analysis, Planning, Implementation, and Control*, 6th edition, Prentice-Hall International Edition.
- 8 - Kotler, 1988; Wheelen and Hunger, 1995.
- 9 - Kurttila et al., 2000.
- 10 - Kurttila et al., 2000; Chang and Huang, 2006; Shinno et al., 2006.
- 11 - Kurttila et al., 2000; Hill and Westbrook, 1997.
- 12 - Kurttila et al., 2000; Leskinen et al., 2006; Pesonen et al., 2000; Masozera et al., 2006; Kangas et al., 2003.
- 13 - Kurttila M., Pesonen M., Kangas J. and Kajanus M. (2000), "Utilizing the analytical hierarchy process (AHP) in SWOT analysis - a hybrid method and its application to a forest-certification case", *Forest Policy and Economics*, p: 25.
- 14 - Leskinen et al., 2006; Kajanus, Kangas and Kurttila, 2004.
- 15 - Leskinen L.A., Leskinen P., Kurttila M., Kangas J. and Kajanus M. (2006), "Adapting modern strategic decision support tools in the participatory strategy process - a case study of a forest research station," *Forest Policy and Economics*.
- 16 - Masozera, M.K., Alavalapati, J.R.R., Jacobson, S.K. and Shrestha, R.K. (2006),

- "Assessing the suitability of community-based management for the Nyungwe Forest Reserve, Rwanda," *Forest Policy and Economics*.
- 17 - Pesonen M., Kurttila M., Kangas J., Kajanus M. and Heinonen P. (2000), "Assessing the priorities among resource management strategies at the Finnish Forest and Park Service," *Forest Science*.
- 18 - Saaty T.L. (1980), *The Analytic Hierarchy Process*, McGraw-Hill, NewYork, p: 43.
- 21 - Saaty, 1980.
- 19 - Shinno et al., 2006; Yüksel and Dağdeviren, 2007.
- 20 - Shinno, H., Yoshioka, H., Marpaung, S. and Hachiga, S. (2006), "Quantitative SWOT analysis on global competitiveness of machine tool industry," *Journal of Engineering Design*.
- 21 - Shrestha et al., 2004.
- 22 - Shrestha, R.K., Alavalapati, J.R.R. and Kalmbacher, R.S. (2004), "Exploring the potential for silvopasture adoption in south-central Florida: an application of SWOT-AHP method," *Agricultural Systems*.
- 23 - Stewart A.R., Mohamed S. and Daet R. (2002), "Strategic implementation of IT/IS projects in 9: a case study," *Automation in Construction*.
- 24 - Stewart, Mohamed and Daet, 2002.
- 25 - Wheelen T.L. and Hunger J.D. (1995), *Strategic Management and Business Policy*, 5th edition, Addison Wesley, Reading, MA.
- 26 - Yüksel and Dağdeviren, 2007.
- 27 - Yüksel İ. and Dağdeviren, M. (2007), "Using the analytic network process (ANP) in a SWOT analysis: A case study for a textile firm", *Information Sciences*.

تبیین صحنه‌های عملیات ج.ا.ا در هشت سال دفاع مقدس

هادی مرادپیری^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۲/۱۹

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۲/۱۱

صفحات مقاله: ۸۱-۱۱۷

چکیده

جمهوری اسلامی ایران و کشور عراق در جنگ برای رسیدن به اهداف خود مناطق مختلفی را با عنوان صحنه‌های عملیات انتخاب نموده‌اند و در این صحنه‌ها، عملیات‌های آفندی و پدافندی متعددی انجام گرفته، ولیکن متأسفانه تدوین نگردیده است. لذا با توجه به شروع جنگ توسط ارتش عراق و تحمیل نمودن صحنه‌های فوق به جمهوری اسلامی ایران، این مقاله درصدد تبیین صحنه‌های عملیات زمینی و دریایی می‌باشد که در این راستا سعی گردید با استفاده از اسناد و منابع متعدد و متنوع از مراکز علمی و دفاعی تدوین گردد.

* * * * *

کلید واژگان

صحنه، صحنه عملیات، جنگ، عملیات، دفاع مقدس

مقدمه

انقلاب اسلامی در تعمیق مبانی فکری و فرهنگی و اعتقادی خود به میزان قابل ملاحظه‌ای با جنگ تحمیلی که یک دهه عمر انقلاب را به خود اختصاص داد آمیخته شده

۱ - استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع).

است. آثار ویژگی‌های دوران دفاع مقدس از نظر دفاع، خلاقیت، ابتکار، مقاومت و روحیه انقلابی به گونه‌ای است که در صورت لحاظ کردن آن به طور ساختاری در نظام سیاسی جمهوری اسلامی، آینده انقلاب اسلامی را تضمین کرده و می‌تواند به عنوان یک مدل و الگوی پویا برای انقلابیون و آزادی‌خواهان سایر کشورهای اسلامی به شمار آید.

جنگ ایران و عراق پیوندی تنگاتنگ با انقلاب اسلامی دارد به گونه‌ای که بدون درک درست آن، نمی‌توان به تحلیلی فراگیر از انقلاب اسلامی دست یافت. همچنین این پدیده به دلیل تأثیرات و پیامدهای فراوانش، دست کم تا چند دهه آینده بر همه موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران مؤثر خواهد بود.

جنگ ابعاد گوناگونی دارد که برجسته‌ترین آنها بعد نظامی می‌باشد. در طول تاریخ معاصر ایران همواره در پی بروز هر جنگی، شاهد جدایی بخش‌هایی از این سرزمین پهناور به دست بیگانگان بوده‌ایم.

اسناد تاریخی گویای این نکته است که در دویست سال گذشته تا کنون نزدیک به یک میلیون کیلومتر مربع از خاک ایران جدا شده است. اما در طول هشت سال دفاع مقدس که با وجود پشتیبانی قدرت‌های بزرگ از متجاوز، نه تنها یک وجب از خاک عزیز جمهوری اسلامی ایران در دست نیروهای عراقی باقی نماند، بلکه هنگامی که عراق قرارداد سال ۱۹۷۵ میلادی الجزیره را بار دیگر پذیرفت و سپس دبیر کل وقت سازمان ملل، آن کشور را متجاوز اعلام کرد، حقانیت جمهوری اسلامی ایران نیز به اثبات رسید.

بدون شک برای بررسی جنگی چنین بزرگ، لازم است تمام ابعاد نظامی آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بر این اساس، مطالعه ابعاد مختلف این واقعه بزرگ تاریخی و نظامی در ابعاد تاکتیکی و راهبردی می‌تواند تجربه‌ای بزرگ برای آیندگان تلقی شود و بویژه آموزه‌های بزرگ برای سازمان نیروهای مسلح در فرایند اتخاذ تصمیمات نظامی و طراحی طرح‌های عملیاتی و تبیین راهبردهای نظامی محسوب شود. لاجرم در این تحقیق با هدف پرداختن به یکی از زوایای مهم حادثه نظامی مذکور عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌ی عملیات طی هشت سال دفاع مقدس به روش علمی و با اتکا به مستندات مربوطه مورد مطالعه، تجزیه و تحلیل، تدوین و تبیین قرار خواهد گرفت.

بيان مسئله، پرسش‌ها، و روش تحقيق

با توجه به تهديدات بالفعل و بالقوه بر عليه نظام مقدس جمهورى اسلامى ايران لازم است نيروهاى مسلح متناسب با شرايط سياسى، اقتصادى، اجتماعى و فرهنگى، جغرافيايى و نظامى جنگ‌هاى گذشته را به طور دقيق مطالعه و صحنه‌هاى عمليات در هشت سال دفاع مقدس را شناسايى و تبیین نمایند تا به اين ترتيب بتوانند در جنگ‌هاى آینده از آن تجارب به نحو مطلوب استفاده نمایند. تبیین تعريف و شناسايى صحنه‌هاى عمليات جمهورى اسلامى ايران در هشت سال دفاع مقدس مى‌تواند به فرماندهان نيروهاى مسلح کمک کند که در برخورد با دشمن يا دشمنان احتمالى صحنه‌هاى عمليات را به درستی انتخاب نموده و بتوانند از سرزمين مقدس جمهورى اسلامى ايران دفاع نمایند. اهداف تحقيق عبارتند از: ۱- شناسايى و تبیین صحنه‌هاى عمليات جمهورى اسلامى ايران در هشت سال دفاع مقدس؛ ۲- اولويت‌بندى صحنه‌هاى عمليات در هشت سال دفاع مقدس؛ پرسش تحقيق عبارتند از: ۱- صحنه‌هاى عمليات در هشت سال دفاع مقدس چه تعداد بوده است؟ ۲- اولويت‌بندى صحنه‌هاى عمليات در هشت سال دفاع مقدس کدام است؟ نوع تحقيق کاربردى و توسعه‌اى مى‌باشد. روش تحقيق در اين تحقيق از روش اسنادى و تاريخى استفاده شده است.

۱- مرورى بر مفاهيم و ابعاد جنگ

الف) تعاريف و اصطلاحات

۱- صحنه^۱

منطقه جغرافيايى که فرمانده، فرماندهى متحد يا خاص در آن براى انجام وظيفه تعيين

شده است. (نوروزى، ۱۳۸۵: ۴۴۵)

1 - Theater

۲- صحنه جنگ^۱

قسمتی از خشکی، دریا و هوا که به طور مستقیم عملیات جنگی در آن انجام شده و یا ممکن است انجام گیرد و یا سرزمین وسیعی متشکل از یک حدود جغرافیایی معین که در آن محدوده جنگ جریان دارد. (روشن، فرهادیان، ۱۳۸۵: ۱۵۹)

۳- صحنه‌ی عملیات^۲

آن قسمت از صحنه جنگ است که برای عملیات نظامی (رزمی، پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی) مورد لزوم بوده و دارای حدود مشخص و معینی می‌باشد (محرابی، ۱۳۸۴، ۳۶) معمولاً آن بخش از منطقه عملیات که مورد نیاز عملیات نیروی زمینی است به ناحیه رزم و ناحیه مواصلات تقسیم می‌شود. حد عقب ناحیه رزم به وسیله فرمانده منطقه عملیات، تعیین و با پیشروی یگان‌ها تغییر می‌کند. (نوروزی، ۱۳۸۵: ۴۴۶)

۴- ناحیه داخلی^۳

قسمتی از صحنه جنگ است که پشتیبانی از صحنه یا صحنه‌های عملیاتی را بر عهده دارد. (گروه مؤلفین، ۱۳۷۳: ۱۷۴)

۵- ناحیه رزم^۴

قسمتی از صحنه عملیات است که در آن یگان‌های تاکتیکی مانند قرارگاه‌های تاکتیکی و لشکرها با دشمن مستقیماً درگیر رزم می‌گردند. (همان: ۱۷۶)

۶- رهنامه صحنه عملیات^۵

عبارت است مجموعه‌ای از اصول بنیادین و چارچوب‌های نظری برای به کارگیری نیروهای مسلح در یک محیط جغرافیایی مشخص. (آئین‌نامه عملیات ارتش آمریکا، FM-100-7)

-
- 1 - Theater of War
 - 2 - Theater of Operations
 - 3 - Internal Area
 - 4 - Combat Area
 - 5 - Theater of Operation Doctrine

ب) مفهوم جنگ

واژه جنگ در لغت‌نامه‌های فارسی به معنی نبرد، پیکار و زدوخورد و کشتار میان چندین تن یا میان سپاهیان دو کشور آمده است و واژه «War» از ریشه آنگلوساکسون به معنی آشفتگی است از این رو می‌توان آن را نزاع و کشمکش نیز تعبیر نمود که دلالت بر منازعه بین گروه‌های عمده مانند طوایف، قبایل، اجتماعات مذهبی و یا گروه‌های اجتماعی، دولت‌ها و اتحادها دارد. (نوروزی، ۱۳۸۵: ۲۸۶)

معمولاً اصطلاح جنگ اشاره به منازعه مسلحانه دارد و به نظر می‌رسد معنای اصطلاحی جنگ رفته‌رفته توسعه یافته و امروزه به‌طور کلی دگرگون شده است. به‌طور سنتی اصطلاح جنگ تنها هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که طرف‌های منازعه به اندازه کافی دارای قدرت مناسب برای دامن زدن به خصومت‌های دارای مدت و ابعاد قابل ملاحظه باشند.

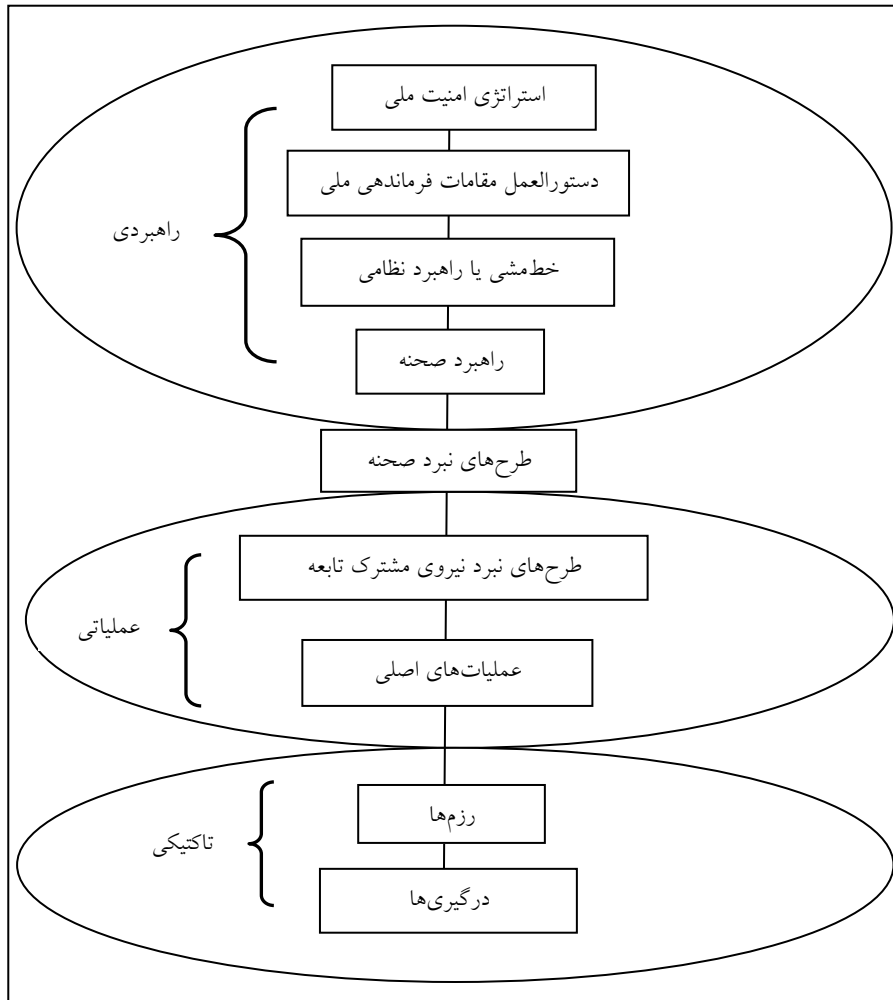
جنگ را می‌توان بر حسب اقدامات اتخاذ شده نیز تعریف نمود یعنی بر حسب یک عنصر مادی که چیزی جز استفاده از زور و خشونت با توسل به نیروی نظامی نیست بدون هیچگونه محدودیتی از نظر مکان و زمان، بنابراین باید اصطلاحاتی نظیر جنگ روانی و جنگ سرد را مجزا نمود. از سوی دیگر اصطلاح جنگ، به انواع اعمال قهریه و جبریه‌ای اطلاق می‌شود که دولتی نسبت به دولت دیگر اعمال می‌دارد تا آن را به پذیرفتن اراده خود مجبور سازد. (مهری، ۱۳۷۴: ۱۵)

ج) سطوح جنگ

شناخت سطوح جنگ به منظور آگاهی از مأموریت‌ها و یا وظایف رده‌های مختلف، همچنین سطح‌بندی جنگ برای تعیین فعالیت‌ها و اقدامات رزمی و به نظم کشیدن وظایف اهمیت بسزایی دارد و فرماندهان رده‌های بالا قادر خواهند بود، اول اینکه به سرعت، تجسم منطقی از جنگ را در ذهن خود به وجود آورده و دوم منابع مورد لزوم را تخصیص داده و وظایف رده‌ها را مشخص نمایند. باید دانست که سطوح جنگ بر اساس رده فرماندهی و استعداد یگان نیست بلکه بر مبنای نتایج مورد نظر طبقه‌بندی می‌شود. امروزه سطوح جنگ تنها

به عملیات رزمی محدود نمی‌گردد بلکه عملیات غیررزمی را هم شامل می‌گردد. سطوح جنگ مرزبندی مشخصی ندارد و مرز دقیق و مشخصی بین آنها تاکنون تعریف نشده است و خط‌کشی دقیق بین آنها قدری مشکل است و اغلب پس از یک دوره زمانی مشخص می‌شود که در جنگ و صلح چه تصمیمات و اقداماتی اثرات راهبردی، عملیاتی یا تاکتیکی داشته‌اند. با توجه به امکانات جدید و اقدامات نظامی که در سطح جهان به وقوع می‌پیوندد، بسیاری از اوقات تقسیم‌بندی سطوح جنگ به هم می‌خورد. مثلاً در حادثه یازده سپتامبر، و یا برخورد شناور یمنی با ناو آمریکایی کول گرچه عملیات، تاکتیکی است، ولیکن نتیجه راهبردی داشته‌است. (باقری، ۱۳۸۷: ۲۱)

به طور کلی همان طور که در شکل شماره (۱) نشان می‌دهد سطوح جنگ به سه سطح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی تقسیم می‌گردد.



شکل شماره ۱ - سلسله مراتب هدایت و اجرای عملیات در سطوح مختلف جنگ

۲- مبانی و اصول صحنه‌ی عملیات

تعیین منطقه مسئولیت برای یگان‌های عملیاتی در سطوح مختلف علاوه بر شرایط جغرافیایی، تابع عوامل دیگری مانند ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی، توان نیروی تهدید کننده و

توان رزم موجود در هر منطقه می‌باشد به همین دلیل فرماندهان و مسئولین در زمان جنگ محور عملیات‌ها را در سه سطح (راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی) پیش‌بینی و طراحی می‌نمایند. (علمایی، ۱۳۸۲: ۷۹) در این راستا سطح عملیات نقش اساسی و واسط را بین سطح راهبردی و تاکتیکی اجرا می‌نماید. در این سطح فرماندهان با نشأت‌گیری از سطح راهبردی، سیاست‌ها، تدابیر و خط‌مشی‌های نظامی را از فرماندهان سطوح بالا دریافت نموده و پس از تجزیه و تحلیل و طرح‌ریزی آن، برای اجرا به سطح تاکتیک ابلاغ می‌نمایند و متناسب با هر سطح از جنگ، صحنه‌ها را تعریف و مشخص می‌نمایند. آنها می‌دانند که موفقیت‌های به‌دست آمده در منطقه نبرد و صحنه‌های عملیاتی باعث پیروزی نیروهای مسلح در سطح جنگ خواهد شد.

الف) مفهوم صحنه

صحنه، منطقه جغرافیایی مشخصی است که می‌تواند مربوط به داخل یا خارج از یک کشور یا ترکیبی از چند کشور باشد که تحت فرماندهی یک فرمانده عالی منطقه‌ای قرار دارد. (امیریگی، ۱۳۷۲: ۳۲) صحنه یا حوزه مسئولیت بر اساس طرح فرماندهی عالی و به لحاظ شرایط راهبردی، میزان همکاری نظامی مورد نیاز ملی و بین‌المللی و یا میزان منابع نظامی اختصاص یافته در صحنه مورد بررسی قرار می‌گیرد این چشم‌اندازها چگونگی اجرای عملیات در هر صحنه‌ای را توسط نیروی مشترک و یا یگانه تحت تأثیر قرار می‌دهند. (۷-۱۰۰-FM-۱۹۹۵-۷۴)

ب) انواع صحنه از دیدگاه غرب (آمریکا)

هر صحنه‌ای با توجه به شرایط تهدید، محیط جغرافیایی، توانمندی‌های خودی به صحنه‌های کوچک‌تر و مختلف تقسیم می‌گردد استراتژیست‌های نظامی آمریکا با توجه به ویژگی‌های مهم راهبردی و جغرافیایی غالباً آنها را به صحنه‌های ذیل گروه‌بندی می‌نمایند:

۱ - صحنه‌های قاره‌ای (خشکی و هوایی)

صحنه‌ای است که برای کنترل زمین، فضا و هوایی که برای حفظ و کنترل یک یا چند کشور به وجود می‌آید و این صحنه‌ها مربوط به کشورهایی می‌باشد که از نظر قدرت رزمی در

سطح بالایی قرار دارند و حوزه نفوذ آنها در سطح محیط بین‌المللی می‌باشد از دیدگاه آمریکا می‌توان صحنه‌های قاره‌ای را به فرماندهی اروپا، فرماندهی مرکزی و فرماندهی جنوب تقسیم نمود صحنه‌های قاره‌ای ممکن است به لحاظ هدف و گستره متفاوت باشد لذا ممکن است برای مقابله با براندازی، هرج و مرج و شورش در داخل یک کشور گرفته تا عملیات و نبردهای اصلی برای نابودی زمینی دشمن می‌باشد. (همان: ۷۴)

۲ - صحنه‌های دریایی

یکی دیگر از انواع صحنه‌ها، صحنه‌های دریایی می‌باشد این گونه صحنه‌ها هم برای دفاع از خط مقدم کشور آمریکا و هم برای دسترسی راهبردی به منابع مورد نیاز، دوستان و هم‌پیمانان و دشمنان بالقوه ایجاد می‌شوند. صحنه‌های دریایی از دیدگاه آمریکا شامل فرماندهی آتلانتیک و فرماندهی پاسفیک می‌باشد. در صحنه دریایی ممکن است یک یا چند نوع عملیات به شرح ذیل انجام گیرد:

- اجرای عملیات‌های دریایی برای اشغال یا دسترسی به مناطق دریایی
- اجرای عملیات‌های مشترک برای کنترل مناطق مهم زمینی
- انجام عملیات‌های محدود با اهداف محدود مانند حفظ صلح یا کمک به کشور دوست. (همان: ۷۵)

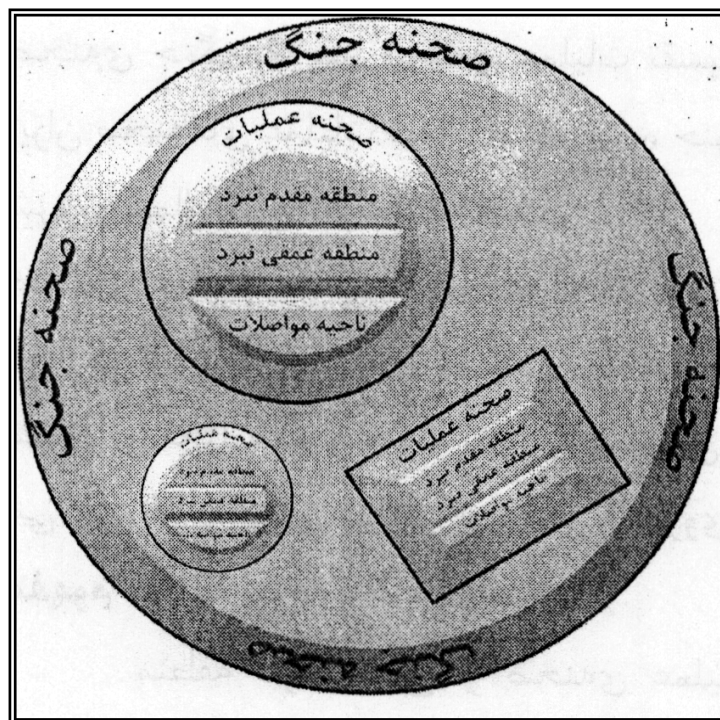
۳- صحنه‌های ساحلی

صحنه‌های ساحلی مستلزم ترکیب و هماهنگی بین نیروهای زمینی، هوایی و دریایی می‌باشد که با طرح ریزی و اجرای عملیات مشترک دریایی و زمینی می‌توان قدرت رزمی خوبی را ارائه نمود این صحنه‌ها بیشتر در خطوط ساحلی، جزایر و شبه جزیره‌ها کاربرد دارد. (همان: ۷۶)

ج) تقسیمات جغرافیایی صحنه در زمان جنگ

فرماندهان عالی در زمان جنگ راهبرد عملیاتی نبرد را طوری سازمان می‌دهند که بتوانند متناسب با شرایط تهدید توانمندی‌های خودی و شرایط محیط منطقه نبرد، روابط و وحدت فرماندهی را ممکن سازند. طبق شکل شماره (۲) هر صحنه‌ی جنگ می‌تواند شامل یک یا چند

صحنه‌ی عملیاتی را دربرگیرد که متناسب با عرض و عمق منطقه واگذاری و شرایط جغرافیایی صحنه تقسیم می‌گردد. که به ترتیب هر یک از صحنه‌ها توضیح داده می‌شود.



شکل شماره ۲ - تقسیم صحنه جنگ در زمان جنگ

۱- صحنه جنگ

آن قسمت از خشکی، دریا، هوا و فضا است که درگیر عملیات جنگی بوده و یا در آینده خواهد بود. صحنه جنگ حد مشخص و معینی نداشته و با توجه به پیشرفت تکنولوژی و توسعه جنگ‌افزارها ممکن است تمام یا قسمتی از کره زمین را دربرگیرد. (گرو، مؤلفین، ۱۳۷۳: ۱۷۴)

صحنه جنگ منطقه‌ای هوایی، زمینی، دریایی و فضایی است که مستقیماً با عملیات‌های جنگی مرتبط بوده یا خواهد بود. عملیات‌های صحنه جنگ معمولاً یگانه، مشترک و یا چند

ملیتی می‌باشند. صحنه‌ی جنگ باید به لحاظ عملیاتی خودکفا و دارای پایگاه پشتیبانی دائمی برای پشتیبانی عملیات‌های در عمق می‌باشد. صحنه جنگ باید تنها آن قسمت از مناطق یا کشورهای را که با جنگ مرتبطند را دربرگیرد و در حالی که یک قسمت از صحنه در شرایط جنگی قرار دارد، ممکن است بقیه‌ی کشورهای که در صحنه جنگ هستند در وضعیت جنگی نباشند. (علمایی، ۱۳۸۲: ۷۸)

ناحیه داخلی: ناحیه داخلی معمولاً شامل تمام یا قسمتی از سرزمین کشور درگیر جنگ است به استثنای صحنه یا صحنه‌های عملیات که ممکن است در شرایط خاص شامل سرزمین کشورهای دیگر نیز بشود. ناحیه داخلی پشتیبانی‌های لازم را برای صحنه یا صحنه‌های عملیات فراهم می‌نماید. (گروه مؤلفین، ۱۳۷۳: ۱۷۴) معمولاً در ناحیه داخلی سیاست‌ها و تدابیر کلی تدوین و خط‌مشی‌های نظامی ارائه می‌گردد و همچنین منابع و امکانات لازم برای صحنه‌های عملیاتی را تأمین خواهد نمود.

در واقع صحنه‌ی عملیاتی حلقه واسط بین کاربرد یگان‌های رزمی در ناحیه رزم و تأمین اهداف راهبردی را در صحنه جنگ به وجود می‌آورد. (نوذری، ۱۳۸۴: ۳۵)

د) تقسیم‌بندی صحنه‌ی عملیات

در هر جنگی صحنه‌ی عملیات طوری سازمان داده می‌شود که جواب‌گوی احتیاجات یگان‌های مانوری به کار گرفته شده در نواحی رزم مختلف باشد. طرح‌های کلی برای صحنه‌ی عملیات سازمان اولیه را پیش‌بینی و ارائه می‌کند طراحی سازمان صحنه‌ی عملیات بر مبنای احتیاجات و اختصاص منابع و امکانات لازم از مسئولیت‌های فرمانده صحنه‌ی عملیات می‌باشد. با توجه به شکل‌های شماره ۳، ۴، ۵ و ۶ سازماندهی صحنه‌ی عملیات با توجه به تنوع مأموریت (آفند، پدافند، مقابله با بحران‌های داخلی و...)، ماهیت یگان‌های مانوری (زمینی، هوایی، دریایی) تعداد و نوع یگان‌ها، عرض و عمق منطقه واگذاری و توانمندی‌های خودی و دشمن خواهد بود. و یگان‌های متعددی از پایین‌ترین رده تاکتیکی تا گروه ارتش‌ها به شرح ذیل سازماندهی می‌گردد. (گروه مؤلفین، ۱۳۷۳: ۱۷۶)

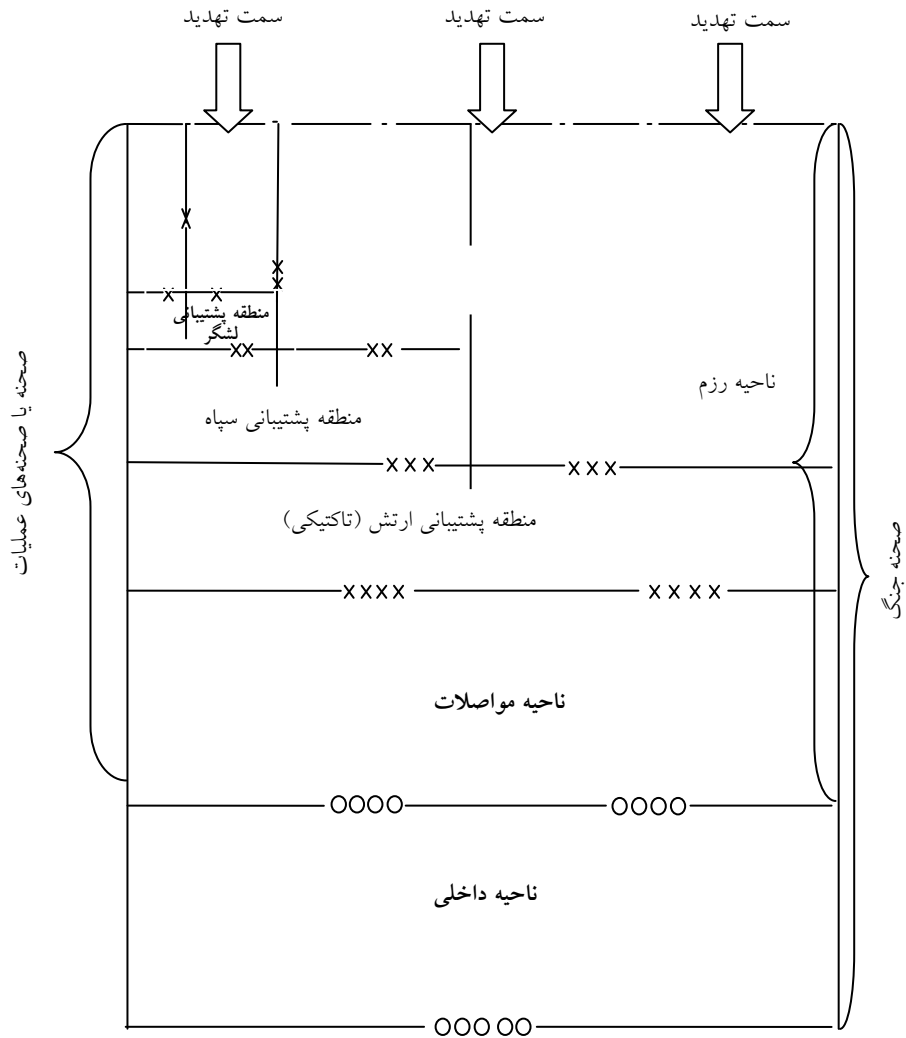
الف) زمینی: تیپ، لشگر، سپاه، ارتش تاکتیکی، گروه ارتش تاکتیکی
 ب) دریایی: ناوتیپ، منطقه دریایی، ارتش تاکتیکی، گروه ارتش تاکتیکی
 ج) هوایی: نقش پشتیبانی از هر یک از نیروهای زمینی و دریایی را به عهده خواهد داشت. (نوذری، ۱۳۸۴: ۳۷)

صحنه‌ی عملیات به طور معمول به دو دسته شامل ناحیه مواصلات و ناحیه (منطقه) رزم تقسیم می‌شود:

۱- ناحیه مواصلات^۱ (منطقه مواصلات)

الف) ناحیه مواصلات جزئی از صحنه‌ی عملیات بوده و معمولاً در منطقه عقب صحنه‌ی عملیات به کار برده می‌شود و از حد عقب منطقه رزم شروع تا انتهای منطقه مسئولیت صحنه‌ی عملیات ادامه خواهد داشت. ناحیه مواصلات پشتیبانی‌های خدمات رزمی لازم را برای نواحی رزم (منطقه نبرد) فراهم می‌نماید در این قسمت از صحنه‌ی عملیات تأسیسات آمادی، خطوط مواصلاتی و تسهیلات تخلیه و بستری کردن. ایجاد بیمارستان‌های ثابت و متحرک، برقراری سیستم جایگزینی نیروی انسانی و سایر عوامل لازم دایر می‌گردد. ناحیه مواصلات زنجیره پشتیبانی خدمات رزمی را بین ناحیه رزم و ناحیه داخلی به یکدیگر متصل می‌کند. (گروه مؤلفین، ۱۳۷۳: ۱۷۵) این ناحیه می‌تواند به بخشهای مختلف (مقدم، میانی و پایه) تقسیم گردد که هر یک از این بخش‌ها با توجه به عرض و عمق صحنه‌ی عملیات متفاوت می‌باشد و گاهی اوقات این بخش‌ها بر روی یکدیگر منطبق خواهد شد.

1 - Communication Zone

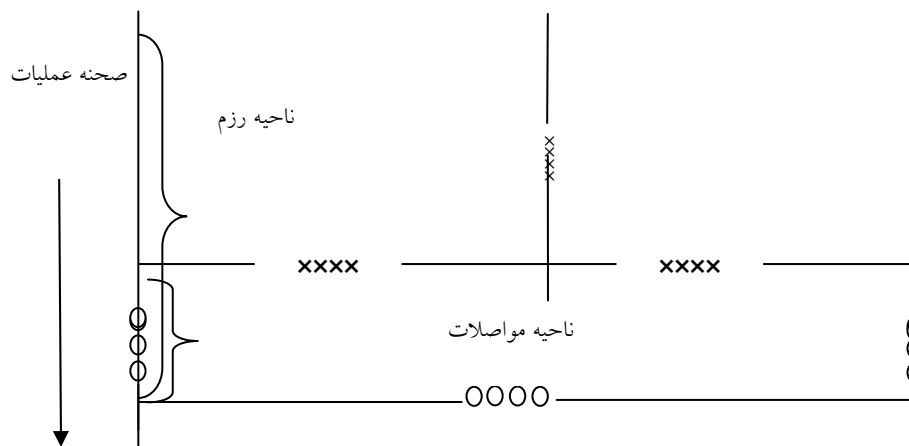


شکل شماره ۳ - تقسیم بندی صحنه جنگ و صحنه های عملیات در زمان جنگ در یک جنگ کلاسیک و تهدید از یک سمت

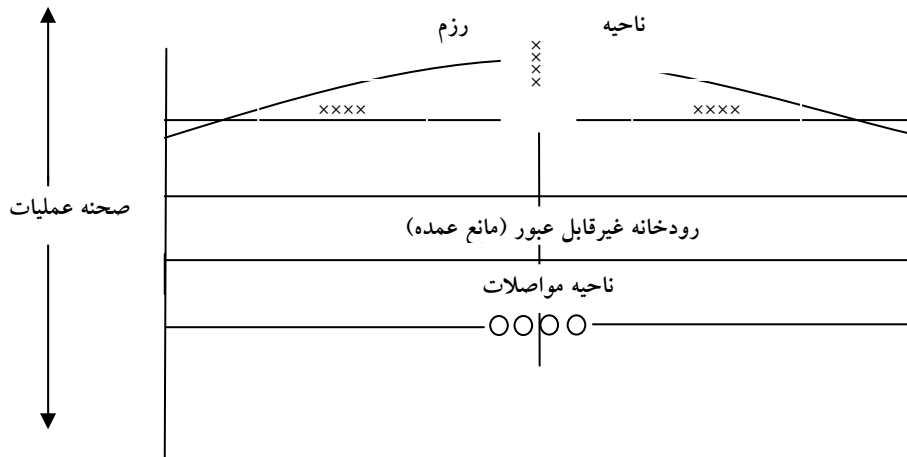
- (ب) سازمان ناحیه مواصلات در تمام صحنه های عملیات یک نواخت نبوده و بر طبق طرح های عملیاتی و متناسب با شرایط جغرافیایی هر صحنه سازمان داده می شود.
- (پ) پایگاه های هوایی و تأسیسات مربوط به آنها که در داخل ناحیه مواصلات واقع شده

باشند جزو حوزه مسئولیت فرمانده نیروی هوایی صحنه محسوب می‌گردند و فرمانده ناحیه مواصلات در داخل این پایگاه‌ها و تأسیسات هیچگونه مسئولیتی بجز آنچه از طرف فرمانده صحنه‌ی عملیات تعیین گردیده بعهدہ نخواهد داشت. فرمانده صحنه‌ی عملیات در زمان جنگ ممکن است منطقه‌ای را تحت عنوان منطقه مشترک تعیین نماید این منطقه به منظور محافظت و تسهیل عملکرد امکانات و نیروهایی است که وظایف آمادی و پشتیبانی را برعهده دارد. اندازه منطقه عقبه مشترک، ممکن است به طور قابل ملاحظه‌ای گسترده بوده و بستگی به موارد ذیل دارد:

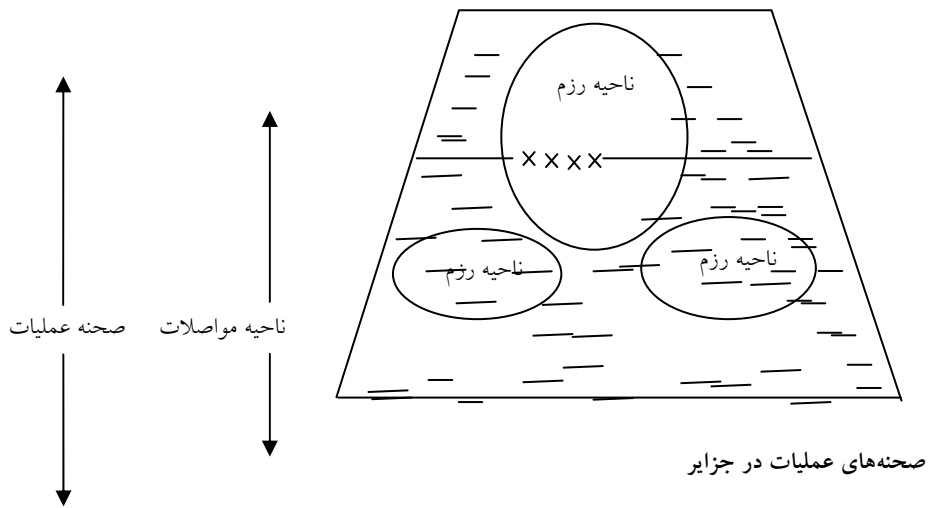
۱- اندازه صحنه‌ی عملیات ۲- نیازهای پشتیبانی ۳- نوع و اندازه تهدید می‌باشد. این صحنه در پشت ناحیه رزم واقع می‌شود، اما الزاماً با ناحیه رزم ممکن است همجوار نباشد و ممکن است با میدان رزم غیرخطی، انطباق یابد لذا در این صورت منطقه پشتیبانی به بخش‌هایی مجزا از مناطق پشتیبانی نسبتاً امنی تقسیم می‌گردد که در مجموع یک منطقه عقبه مشترک را تشکیل می‌دهند.



شکل شماره ۴ - تقسیمات صحنه عملیات (ناحیه رزم، ناحیه مواصلات) در زمان جنگ (منطقه خشکی)



شکل شماره ۵ - تقسیمات صحنه عملیات که ناحیه رزم و ناحیه مواصلات آن به وسیله مانع عمده از یکدیگر جدا شده است.



صحنه های عملیات در جزایر

شکل شماره ۶ - تقسیمات صحنه عملیات که ناحیه مواصلات و ناحیه رزم به وسیله آب منقطع شده است.

۲ - منطقه رزم^۱ (ناحیه رزم)

ناحیه رزم (منطقه نبرد) قسمتی از صحنه‌ی عملیات است که یگان‌های مانوری در آن منطقه با دشمن درگیر رزم می‌شوند. عمق این ناحیه با توجه به استعداد نیروهای عمل‌کننده، نوع عملیات خطوط مواصلاتی، عوارض مهم زمین و وضعیت جغرافیایی منطقه و امکانات خودی و دشمن متغیر می‌باشد. (گروه مؤلفین، ۱۳۷۳: ۱۷۶) معمولاً محدوده ناحیه رزم به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف) منطقه نبرد: در این منطقه یگان‌های مانوری مانند سپاه‌ها، لشگرها، تیپ‌ها و گردان‌ها اجراء مأموریت می‌نمایند.

ب) منطقه عقب: در این منطقه پشتیبانی از یگان‌های مانوری طرح‌ریزی و اجرا می‌گردد.

۳ - مشخصات صحنه‌های عملیات

در بررسی آیین‌نامه‌های عملیات ارتش آمریکا و سایر کشورها برای طرح‌ریزی و اجرای عملیات در هر یک از صحنه‌های عملیاتی یک سری مشخصاتی را ارائه نموده‌اند که محقق آنها را گردآوری و در این بحث ارائه می‌گردد.

الف) هماهنگی

یک پارچه سازی و هماهنگ کردن نیروها و امکانات در یک صحنه‌ی عملیاتی در ابعاد مختلف جهت ضربه زدن، مختل نمودن و شکست دشمن بسیار ضروری می‌باشد. همچنین هماهنگ نمودن عملیات‌های ویژه، هوایی، دریایی، زمینی و فضایی در عملیات‌های مشترک و در ابعاد مختلف به دست می‌آید. (FM-۱۰۰-۷-۱۹۹۵-۱۰۳)

1 - Combat Area / Zone

ب) توازن قوا

به معنی ترکیب و هم وزن نمودن مناسب نیروها و مقدورات در یک صحنه‌ی عملیاتی، و همچنین در ماهیت و زمان‌سنجی عملیات‌ها جهت برهم زدن توازن دشمن می‌باشد. فرماندهان نیروهای مشترک و یگانه همواره در تلاش حفظ توازن قوای نیروهای خودی می‌باشند و در عین حال با ضربات سهمگین از راه‌ها و ابعاد غیرمنتظره در پی برهم زدن توازن قوای دشمن می‌باشند. (نوذری، ۱۳۸۶: ۸۵)

ج) مرکز ثقل عملیات

مرکز ثقل عملیات، اساس طرح‌های عملیات آفندی و پدافندی می‌باشد و تمامی توانمندی‌ها به سمت مرکز ثقل هدایت می‌گردد. منظور از مرکز ثقل در نیروهای مسلح همان منبع قدرت و استعداد یا تعادل می‌باشد و به توانایی‌ها و منبع اولیه‌ای که یگان از آن آزادی عمل با قدرت فیزیکی و یا میل به جنگیدن اخذ می‌کند مرکز ثقل نامیده می‌شود. (۱۰۴-۱۹۹۵-۷-۱۰۰- FM) به عقیده کلاوزوتیس مرکز ثقل همان مرکز عطف و محل تمرکز و توجه همه فرماندهان در عملیات‌های آفندی و پدافندی می‌باشد. مراکز ثقل در سه سطح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی تقسیم می‌شود و هر یک از سطوح مختلف اهداف متناسب با آن سطح انتخاب می‌شود. (سلامی، ۱۳۸۵: ۶-۷)

د) نقطه اوج عملیاتی

نقطه اوج عملیاتی از نظر لغوی به معنای بلندترین نقطه می‌باشد و در هر دو نوع عملیات آفندی و پدافندی دیده می‌شود. در عملیات آفندی منطقه‌ای است که با توجه به زمان و مکان از آن لحظه به بعد توان رزمی نیروی آفند کننده نسبت به پدافند کننده کاهش می‌یابد و با انجام عملیات پاتک توسط دشمن تکمیل می‌گردد و بر نیروی آفند کننده فائق آید. در عملیات پدافندی با از بین رفتن توانایی پدافند کننده در مقابل حملات آفندی تک کننده می‌باشد. (۱۰۶-۱۹۹۵-۷-۱۰۰- FM)

در شکل شماره (۱۰) نقطه اوج زمانی است که قدرت آفند کننده کاهش یافته و قدرت پدافند کننده افزایش می‌یابد و آنجایی که قدرت آفند کننده کم و پدافند کننده زیاد می‌شود و به هم رسیده و یکدیگر را قطع می‌کنند. نقطه اوج گفته می‌شود و یگان آفند کننده باید قبل از رسیدن به نقطه اوج توان خود را افزایش دهد و در غیر این صورت با شکست مواجه می‌شود. (سلامی، ۱۳۸۶: ۴۴)

ه) نقطه تعادل

به حالتی از یک توان رزمی اطلاق می‌گردد که با غلبه بر نیروهای وارده اعم از خودی یا دشمن، بتوان مأموریت‌های محوله را با استفاده صحیح از منطقه عملیات، امکانات و مقدرات ممکن سازد. یا به عبارتی موازنه قوا را حفظ نموده و نیروی وارده را به‌خوبی دفع و از رسیدن به نقطه اوج یا بحرانی سازمان خود جلوگیری نماید. (همان: ۵۱)

و) نقاط قطعی

نقاط قطعی در سطح تاکتیکی همان عوارض حساس یا مهم می‌باشد مانند ارتفاعات، شبکه‌های جاده‌ای، معابر وصولی و... می‌باشد. ولیکن در سطح عملیاتی یک منطقه وسیع است که در آن عملیات آفندی و پدافندی اجرا می‌گردد و از امتیازات تاکتیکی آن منطقه مانند (دید و تیر، سهولت حرکت، اجرای آتش‌های دقیق، تسهیل در حرکت و...) می‌توان استفاده نمود. نقاط قطعی در سطح عملیات شامل مجموعه‌ای از ارتفاعات، شهرها، محورهای مواصلاتی و فضای یک منطقه می‌باشد. لذا نقاط قطعی مرکز ثقل نیست بلکه کلید رسیدن به مرکز ثقل به شمار می‌رود و شناسایی نقاط قطعی منطقه برای خودی و دشمن بسیار مهم می‌باشد. (سلامی، ۱۳۸۶: ۲۲)

ز) نقاط سرنوشت‌ساز

نقاط سرنوشت‌ساز امتیاز برجسته‌ای برای فرماندهان در سطح عملیاتی فراهم می‌آورد این نقاط مکمل‌هایی برای شکست دادن دشمن و یا محافظت از مراکز ثقل می‌باشند به طور

طبیعی نقاط سرنوشت‌ساز موجود در هر صحنه‌ی عملیات متعدد می‌باشد و فرماندهان برای دستیابی و حفظ قدرت رزمی خود مهم‌ترین نقاط و اهداف را برای کسب آزادی مانور انتخاب می‌کنند فرماندهان با شناسایی دقیق و سپس حمله به (یا دفاع از) نقاط سرنوشت‌ساز قادر خواهند بود تا مرکز ثقل دشمن را نابود سازند. و لذا باید، منطقه عملیات را کاملاً شناسایی و اطلاعات لازم را گردآوری نمایند. (۱۰۵-۱۹۹۵-۷-۱۰۰-FM)

۴- بازشناسی صحنه‌های عملیاتی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

الف) نگاهی مختصر به جنگ ایران و عراق

۱- بررسی علل وقوع جنگ ایران و عراق

هر پدیده و حادثه سیاسی و اجتماعی دارای ویژگی‌های گوناگونی است، پدیده عظیمی چون جنگ ایران و عراق نیز از این قاعده مستثنی نیست، و علل وقوع جنگ ایران و عراق علاوه بر شرایط محیط بین‌الملل و منطقه‌ای عوامل فوق به شرح زیر می‌باشد:

۱- ابراز تمایل سران حزب بعث عراق به توسعه‌طلبی و گسترش نفوذ فرهنگی و سیاسی در منطقه.

۲- فسخ یک جانبه قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر. (کردزمن، واگنر، ۱۳۸۳: ۵۰)

۳- دستگیری روحانیون شیعه و اعدام آنها به اتهام وابستگی به ایران.

۴- اخراج ایرانیان مقیم عراق به اتهام جاسوسی برای ایران.

۵- مقابله با پیدایش انقلاب اسلامی در عراق.

۲- شرایط محیط داخلی ایران

شرایط محیط داخلی ایران را در مقطع قبل از شروع جنگ می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

- وجود بحران‌های داخلی در مناطق مختلف ایران مانند کردستان، ترکمن صحرا، سیستان بلوچستان و...
- انتخاب بنی‌صدر به عنوان رئیس‌جمهور ایران و توسعه بحران‌های سیاسی در داخل

- کشور توسط ایشان و حل نشدن معضل گروگان‌های آمریکایی.
- وجود احزاب و گروه‌های مخالف با نظام جمهوری اسلامی ایران
- آماده نبودن ارتش جمهوری اسلامی برای وارد شدن به یک جنگ همه جانبه و گسترده. (بیگدلی، ۱۳۶۸: ۶۵)
- اجرای عملیات طبس توسط آمریکایی‌ها با هدف آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در ۲۳ فروردین ۱۳۵۹. (جوادی‌پور، حسینی، ۱۳۷۲: ۲۰۷)

۳ - اهداف عراق از حمله به جمهوری اسلامی ایران

تشریح اهداف عراق به دلیل محدودیت منابع و تناقض‌های موجود در رفتار نظامی ارتش عراق تا اندازه‌ای دشوار و پیچیده است. به عبارت دیگر، میان تلاش‌های نظامی ارتش عراق با سخنان و مواضع رهبران و مسئولان سیاسی این کشور و ماهیت تهاجم آنها به ایران نوعی چندگانگی به چشم می‌خورد؛ به عقیده یکی از تحلیل‌گران نظامی، اهداف نظامی عراق مجموعه‌ای از اهداف پیچیده است ولیکن شکی نیست اهداف جنگی که صدام حسین و رژیم بعثی عراق بر ملت‌های ایران و عراق تحمیل کرد شامل موارد ذیل بوده است:

فسخ یک جانبه قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و بازپس‌گیری اروند رود. (کردزمن، واگنر، ۱۳۸۳: ۵۰)

جلوگیری از پیدایش انقلاب اسلامی در عراق

۱ - تصرف مناطق نفت‌خیز ایران به خصوص در مناطق جنوب

۲ - توسعه حوزه سرزمینی، دریایی و دسترسی بیشتر به خلیج فارس در خوزستان و

بهبود موقعیت ژئوپولیتیک عراق. (رضایی، ۱۳۷۴: ۱۶)

۳ - براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و از بین بردن انقلاب اسلامی (هاشمی

رفسنجانی، ۱۳۶۸: ۱۲)

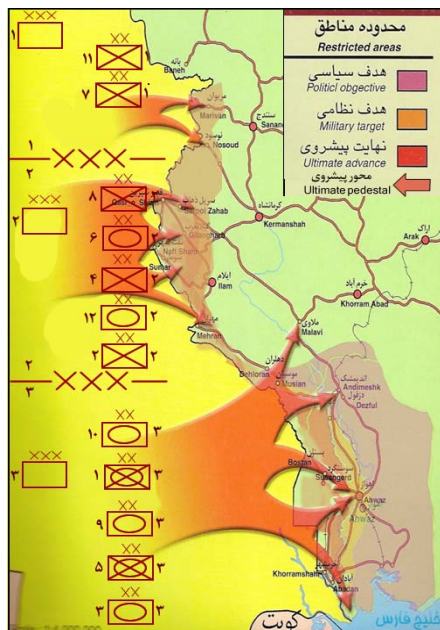
۴ - به‌دست گرفتن زعامت و رهبری جهان عرب و قدرت مطلق شدن در منطقه خلیج

فارس و پر کردن خلأ قدرت.

۵ - ناشی از سقوط شاه در خلیج فارس به وسیله عراق. (معین‌وزیری، ۱۳۸۲: ۴۲)

۴ - اهداف دفاع مقدس جمهوری اسلامی ایران در جنگ عراق و ایران

پس از مقابله جمهوری اسلامی ایران با بحران‌های داخلی مانند بحران‌های ذکر شده از جمله کودتای نوژه، عراق به طور رسمی و غیررسمی در امور داخلی ایران دخالت نمود و با اقدامات خرابه کارانه در داخل کشور و نواحی مرزی و انجام تبلیغات در سطح جامعه بین‌الملل و منطقه و مانورهای سیاسی و حمایت آشکار از مخالفان ایران و لغو یک جانبه قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹، در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به طور رسمی هجوم سراسری خود را به سرزمین مقدس جمهوری اسلامی ایران آغاز نمود و همزمان با این اقدام هواپیماهای عراق به فرودگاه‌های شهرهای تهران، اهواز، تبریز حمله کردند و تعدادی از هواپیماهای نظامی و مسافربری را مورد حمله قرار دادند و جنگ به طور رسمی شروع شد. (مختاری، ۱۳۷۸: ۱۴۶)



نظام نوپای جمهوری اسلامی با همراهی نیروهای مسلح، مردم و بسیج عمومی و با تمام توان به مقابله با این تهاجم ناجوانمردانه برخاست که اهداف این دفاع همه جانبه به طور کلی به شرح ذیل است:

- حفظ انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی و دستاوردهای آن
- رفع ظلم، فتنه، توطئه و تجاوز علیه انقلاب و مملکت اسلامی
- تأکید بر انگیزه‌های اسلامی و انسانی دفاع مقدس
- تأکید بر توسعه طلب نبودن ایران و جنبه دفاعی جنگ و صیانت سرزمین از تهاجم دشمن
- تأکید بر تحکیم حاکمیت ارضی و استقلال ایران به منزله اهداف اساسی دفاع مقدس

نقشه شماره ۱ - اهداف و محورهای پیشروی حمله عراق به جمهوری اسلامی ایران

۵- استعداد و گسترش اولیه ارتش عراق و ایران قبل از تهاجم عراق به ج.ا.ا.
 گسترش نیروی زمینی ایران و عراق و همچنین اهداف و محورهای عملیاتی عراق قبل از تهاجم به شرح ذیل می‌باشد. (جدول شماره ۱)

جدول شماره ۱ - گسترش نیروهای مسلح ایران و عراق و همچنین اهداف و محورهای عملیاتی عراق قبل از تهاجم به ایران (محرابی، ۱۳۸۴: با تلخیص)

ردیف	نام سپاه هجوم کننده	نام محور	یگان‌های آتندی عراق	اهداف	یگان‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران
۱	سپاه سوم (تلاش اصلی) (منطقه جنوب)	محور غرب - دزفول	۱- لشکر یک مکانیزه ۲- لشکر ۱۰ زرهی	این دو لشکر مأموریت داشتند غرب رودخانه کرخه را تصرف و تأمین نمایند و در صورت امکان جاده اهواز، اندیمشک را تصرف کرده و محاصره شهر اهواز از جهت شمال کامل شود و شهر دزفول محاصره و در نهایت تصرف نمایند.	تیپ ۲ زرهی از لشکر ۹۲ زرهی به همراه دو گردان از لشکر ۲۱ حمزه و تیپ ۳۷ زرهی شیراز و یگان‌هایی از ژاندارمری و نیروهای سپاه و بسیج
		محور چزابه سوسنگرد - اهواز	لشکر ۹ زرهی و تیپ ۳۱ نیروی مخصوص	تصرف شهرهای بستان - سوسنگرد و حمیدیه و ارتفاعات الله اکبر و در نهایت به سمت شهر اهواز پیشروی نمایند	تیپ ۳ از لشکر ۹۲ زرهی - واحدهای ژاندارمری و نیروهای سپاه و بسیج
		محور نشوه - جفیر و اهواز	لشکر ۵ مکانیزه	پاکسازی جاده اهواز، خرمشهر و محاصره شهر خرمشهر از سمت شمال، با حرکت به سمت اهواز و محاصره این شهر با الحاق لشکر ۹ زرهی	تیپ ۱ از لشکر ۹۲ زرهی و نیروهای سپاه پاسداران و بسیج
۲	سپاه دوم (منطقه میانی)	محور شلمچه - خرمشهر و آبادان	لشکر ۳ زرهی تیپ ۳۳ نیروی مخصوص و تیپ ۴۹ پیاده و تیپ ۵ گارد مرزی و لشکر ۱۱ پیاده	محاصره و تصرف شهر خرمشهر و سپس محاصره و اشغال شهر و جزیره آبادان	گردان تکاوران دریایی نداجا - گردان ۱۵۱ دژ - نیروهای سپاه پاسداران، بسیج
		محور قصر شیرین - سر پل ذهاب و تنگه پاتاق	۱- لشکر ۶ زرهی ۲- لشکر ۸ پیاده کوهستان	تصرف قصر شیرین و سپس تصرف شهر سر پل ذهاب از شمال شهر قصر شیرین با هدف دشت ذهاب و در نهایت شهر سر پل ذهاب و الحاق با لشکر ۶ زرهی در جنوب قصر شیرین به قصد تصرف شهر گیلان غرب	لشکر ۸۱ و نیروهای سپاه پاسداران و بسیج
۳	سپاه یکم (منطقه شمال غرب)	محور مهران	لشکر ۲ پیاده	تصرف شهر مهران - ارتفاعات مشرف بر آن و تأمین منطقه عمومی مهران	تیپ ۸۴ خرم‌آباد و نیروهای مردمی سپاه و بسیج
		محور مندلی - سومار - نفت شهر	لشکر ۸ پیاده کوهستانی، تیپ ۳۲ نیروی مخصوص منها	تصرف شهرهای سومار و نفت شهر و تأمین معابر منتهی به شهر مندلی	یک تیپ از لشکر ۸۱ زرهی
۳	سپاه یکم (منطقه شمال غرب)		لشکرهای ۷ و ۴ پیاده کوهستانی و تیپ ۱۱ از لشکر ۱۱ پیاده و نیروهای ضدانقلاب	ضمن حفاظت از منطقه و کنترل معارضات عراقی، نیروهای ضدانقلاب را به منظور تجزیه کردستان و بخشی از آذربایجان غربی، تجهیز، تقویت و پشتیبانی کند. سپاه یکم، احتیاط ارتش عراق نیز به شمار می‌رود.	لشکر ۶۴ ارومیه و لشکر ۲۸ کردستان و نیروهای سپاه پاسداران و بسیج

۶- روند جنگ ایران و عراق

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران دارای مقاطع مختلفی می‌باشد و در این راستا طی بررسی‌ها و مصاحبه‌هایی که محقق با بسیاری از فرماندهان ارتش و سپاه داشته است به این نتیجه رسیده است که در این زمینه دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد.

بعضی از فرماندهان مقاطع جنگ را سه مقطع می‌دانند:

مقطع اول: دفاع و تثبیت

مقطع دوم: بیرون راندن

مقطع سوم: تنبیه متجاوز (درودیان، ۱۳۸۱: ۴۹)

بعضی دیگر از فرماندهان مقاطع مختلف جنگ را چهار مقطع می‌دانند:

مقطع اول: دفاع و تثبیت

مقطع دوم: بیرون راندن

مقطع سوم: تنبیه متجاوز

مقطع چهارم: مقطع پایانی جنگ

بعضی دیگر از فرماندهان مقاطع جنگ را به دو دوره تقسیم نموده‌اند:

دوره اول: دفاع و تثبیت مواضع دفاعی و بیرون راندن متجاوز

دوره دوم: تأمین مرزهای جمهوری اسلامی ایران و پذیرش قطعنامه (رشید، ۱۳۸۸، مصاحبه)

ب) بررسی اجمالی صحنه‌های عملیاتی ایران و عراق در طول جنگ عراق علیه ایران

با توجه به مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ای که با ۷۹ نفر از فرماندهان ارشد (ارتش و سپاه) هشت سال دفاع مقدس مبنی بر انتخاب صحنه‌های عملیات به عمل آمد و با توجه به جدید بودن بحث فوق و دیدگاه‌های متفاوت ولیکن بسیار ارزنده‌ای که وجود دارد، در این تحقیق سعی بر این است که ابتدا دیدگاه‌های فرماندهان را گردآوری نموده و در نهایت نظریه‌های غالب در خصوص تعداد صحنه‌ها و الویت‌بندی آنها ارائه گردد.

با توجه به بحران‌های داخلی و شروع جنگ توسط رژیم بعث عراق، صحنه‌های عملیاتی

به نوعی به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تحمیل گردید ولیکن در نهایت با توجه به شرایط محیطی و جغرافیایی و عرض و عمق مناطق و همچنین معابر و محورهای وصولی و سمت هجوم دشمن در مناطق مختلف و تحمیل اراده خود به جمهوری اسلامی ایران صحنه جنگ ایران و عراق و صحنه‌های عملیاتی هر دو کشور در دو منطقه خشکی و دریایی طبق نقشه شماره (۲) انتخاب گردید.

۱ - صحنه‌های عملیاتی عراق در هجوم به کشور ایران^۱

در این منطقه عراق با سپاه سوم، هجوم سراسری خود را به منظور تصرف شهرهای مهم آبادان، اهواز، سوسنگرد، اندیمشک، موسیان و دهلران آغاز نمود و با توجه به موقعیت جغرافیایی و عوارض طبیعی و مصنوعی و معابر وصولی موجود در منطقه و استعداد به کار گرفته شده در منطقه فوق، اقدام به ایجاد یک صحنه‌ی عملیاتی در جنوب کشور خود نمود این صحنه از دهانه فاو شروع شد تا منطقه علی غربی ادامه دارد. و در این راستا منطقه نبرد خود را نیز در مناطق مرزی ایران، و ناحیه مواصلاتی (منطقه پشتیبانی) سپاه سوم را در شهرهای مرزی خود قرار داده لذا این صحنه از نظر ویژگی‌های طبیعی، انسانی و جغرافیایی نظامی متنوع و از نظر موقعیت بسیار حساس برای کشور

۱-۱ - صحنه‌های عملیات منطقه خشکی (زمینی)

۱-۱-۱ - صحنه‌ی عملیاتی جنوب و جنوب شرق

۱-۱-۲ - صحنه‌ی عملیاتی منطقه میانی

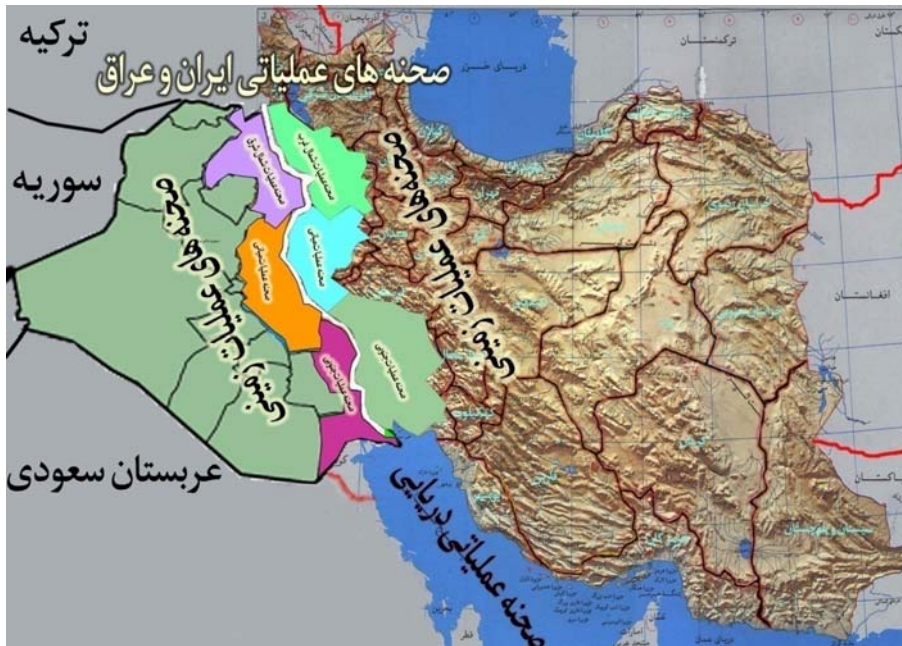
عراق در این صحنه با سپاه دوم حمله خود را به منظور تصرف شهرهای مهران، صالح‌آباد و ایلام (مرکز استان) و همچنین شهرهای سومار، نفت‌شهر، گیلان‌غرب، قصرشیرین و سرپل‌ذهاب و منطقه عمومی باویسی و ازگله آغاز نمود و موفق شد تعدادی از شهرهای

۱ - مطالب فوق بخشی از نظرات فرماندهان و کارشناسان نظامی، اسناد و منابع موجود و همچنین مصاحبه با ۷۹ نفر از فرماندهان ارتش و سپاه می‌باشد که توسط محقق گردآوری شده است.

فوق را تصرف و اشغال نماید و با این اقدام آفندی یک صحنه ی عملیاتی تحت عنوان صحنه میانی یا شرق را به وجود آورد. این صحنه به دلیل نزدیکی به پایتخت عراق (بغداد) نیز یکی از صحنه های عملیاتی مهم برای این کشور محسوب می گردد.

۱-۱-۳ - صحنه ی عملیاتی شمال شرق

در صحنه شمال شرقی عراق به دلیل وجود ارتفاعات پیچیده و سخت و وجود ضدانقلابیون مورد حمایت او اقدام به تک گسترده ای در این صحنه مانند جنوب و جنوب شرق نداشت و فقط در منطقه عمومی مریوان اقدام به تک محدود نمود و در این راستا توانست صحنه ی عملیات سوم (صحنه ی عملیات شمال شرقی) خود را تشکیل دهد. میزان حساسیت این صحنه مانند دو صحنه دیگر نیست و هدف او حمایت و پشتیبانی از نیروهای ضدانقلاب ایران و زمین گیر نمودن نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در این صحنه می باشد.



نقشه شماره ۲ - صحنه های جنگ و عملیات ایران و عراق

۱-۲ - صحنه‌ی عملیات دریایی

ارتش عراق به منظور محاصره دریایی ایران و حفظ و حراست از آبراه خور عبدالله و سکوهای البکر و العمیه یک صحنه دریایی در منطقه شمال خلیج فارس تشکیل داد که در این راستا با تمام توان، نیروی دریایی خود وارد عمل نمود ولیکن در دریا موفقیت چندانی را نتوانست کسب نماید. محدوده این صحنه از دهانه فاو، منطقه عمومی خور عبدالله تا انتهای سکوهای البکر و العمیه و مرزهای کویت ادامه داشت. در جدول شماره (۲) مناطق و نواحی رزم و نواحی مواصلاتی صحنه‌های عملیاتی عراق علیه ایران آورده شده است.

۱-۳ - صحنه‌ی عملیات هوایی

کشور عراق با در اختیار داشتن هواپیماها و موشک‌های مدرن و دوربرد قسمت اعظم کشور جمهوری اسلامی ایران را اعم از زمینی و دریایی را جزء صحنه‌ی عملیاتی هوایی خود در اختیار داشت. این کشور در ابتدای جنگ قصد داشت برتری هوایی خود را در صحنه کشور ایران ایجاد و توسعه نماید که با بمباران وسیعی از مناطق مختلف کشور مانند: تهران، تبریز، اصفهان، اهواز و... اقدام نمود که با عکس‌العمل به موقع نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی مواجه گردید که حدوداً ۱۴۰ فروند هواپیما از پایگاه‌های مختلف کشور به هوا برخاست و مراکز نظامی مختلف عراق را بمباران نمودند. ولیکن در طول جنگ با توجه به حمایت‌های بیش از اندازه کشورهای غربی و شرقی و عربی از عراق و در اختیار قرار دادن امکانات و تجهیزات زیادی اعم از هوایی و موشکی توسط این کشورها و تحریم ایران توانستند برتری هوایی را به نفع ارتش عراق رقم زنند و از این زمان به بعد حملات هوایی ارتش عراق به کشور ایران در مناطق خشکی و دریایی توسعه یافت و عمق صحنه‌ی عملیات هوایی او نیز گسترش یافت و تقریباً می‌توان اذعان نمود که صحنه‌ی عملیات هوایی را در کشور ایران تا جایی که هواپیماهای دشمن قدرت مانور و برد داشتند، مانند تهران، شیراز، اصفهان، تبریز، اهواز، کرمانشاه، همدان و دریای خلیج فارس تا استان هرمزگان را نام برد.

جدول شماره ۲ - جدول نواحی (منطقه) رزم و نواحی مواصلائی صحنه های عملیاتی عراق علیه ایران

ردیف	نوع صحنه	نام صحنه ی عملیات	ناحیه مواصلا ت	نواحی رزم
۱	صحنه های عملیات خشکی	صحنه ی عملیات جنوب و جنوب شرق	بصره، العماره، القرنه، کوت و سماوه	فاو، شلمچه، تنومه، نشوه، طلائییه، فکه، چم هندی، ابو غریب و موسیان
		صحنه ی عملیات منطقه میانی	شهرهای مندلی، یعقوبه، عزیزیه	شهرهای بدره، زرباتیه، مهران، صالح آباد، خانقین، سومار، نفت شهر، گیلان غرب، قصر شیرین، سر پل ذهاب و منطقه عمومی پاویسی و ازگله
		صحنه ی عملیاتی شمال شرق	رواندوز، دوکان، سلیمانیه، دربندیجان	منطقه عمومی مریوان، پنجوین، ماووت قلعه دیزه، سردشت، تمرچین
۲	صحنه ی عملیات دریایی	صحنه های عملیاتی شمال خلیج فارس	اروند رود، آبراه خور عبدالله و مناطق ساحلی کشور کویت	خور عبدالله، سکوهای الکبر و العمیه و شمال خلیج فارس

۲ - صحنه های عملیاتی جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس

پس از حملات سراسری ارتش بعث عراق به مرزهای جمهوری اسلامی در صحنه های مختلف و اشغال قسمت اعظمی از مناطق مرزی غربی ایران نیروهای مسلح (ارتش، سپاه و ژاندارمری) برای مقابله با هجوم سراسری او اقدام به مقابله و دفاع پرداختند و به طور طبیعی هر کجا که یگان هایی از ارتش عراق کشور ایران را مورد تهاجم قرار داده بود نیروهای خودی سعی نمودند در مقابل او دفاع نمایند. لذا صحنه های عملیات جمهوری اسلامی ایران متناسب با اوضاع جغرافیایی هر منطقه و مناطقی که لشگرها و تیپ های دشمن اقدام به تک نمودند انتخاب گردید.

با توجه به مصاحبه هایی که با فرماندهان ارتش و سپاه انجام پذیرفته است اکثراً صحنه های عملیاتی را به سه صحنه خشکی و یک صحنه ی عملیات دریایی تقسیم نموده اند و در ضمن بعضی از افراد که تعداد آنها بسیار اندک می باشد صحنه ی عملیات خشکی را به چهار صحنه و صحنه ی دریایی را نیز به دو صحنه ی عملیاتی تقسیم بندی نموده اند. ولیکن نظر اکثر قریب به اتفاق روی سه صحنه خشکی و یک صحنه دریایی نظر مثبت داشته اند. که صحنه های فوق نیز در همین راستا توضیح داده خواهد شد.

شایان توجه این که صحنه های عملیاتی بر اساس اصول و مبانی عملیاتی و وضعیت

جغرافیایی و محیطی همیشه خود را به نوعی به انسان تحمیل می‌کند که ایجاد صحنه‌های فوق نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد.

۲-۱ - صحنه‌های عملیات منطقه خشکی (زمینی)

۱-۲-۱ - صحنه‌ی عملیات جنوب و جنوب غرب

صحنه‌ی عملیات جنوب شامل استان خوزستان و قسمت محدودی از استان ایلام بوده که از جزیره آبادان تا منطقه عمومی دهلران را شامل می‌گردد. صحنه‌ی عملیات جنوب به دلیل ذخایر عظیم نفت، گاز، آب فراوان و دسترسی به دریای خلیج فارس و گویش بعضی از مردم عرب زبان در منطقه و زمین باز و دشتی بودن که دارای دید و تیر بسیار عالی بوده و یکی از مهم‌ترین مناطق کشور جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد. از این رو عراق احساس می‌نمود که اگر این منطقه را اشغال نماید می‌تواند جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار داده و در نهایت خواسته‌های خود را به او تحمیل نماید. لذا از این منظر منطقه جنوب یکی از صحنه‌های بسیار حیاتی و مهم برای جمهوری اسلامی ایران و عراق محسوب می‌گردید.

۲-۲-۱ - صحنه‌ی عملیات منطقه میانی (غرب)

صحنه‌ی عملیات غرب از منطقه عمومی شمال دهلران شروع و تا منطقه عمومی باویسی و از گله ایران ادامه می‌یابد.

این صحنه به دلیل نزدیکی به بغداد (پایتخت عراق) و از طرفی به دلیل واسط بودن بین صحنه‌ی عملیاتی شمال غرب و جنوب برای هر دو کشور بسیار مهم و حیاتی می‌باشد. این صحنه از نظر جغرافیای طبیعی دارای زمینهای نیمه کوهستانی و ذوعارضه و از نظر آب و هوا، منطقه‌ای گرم و نیمه‌خشک می‌باشد و از نظر اجرای عملیات در تابستان‌ها نیروها را با مشکلاتی مواجه می‌نماید.

۳-۲-۱ - صحنه‌ی عملیاتی شمال غرب

صحنه‌ی عملیاتی شمال غرب از منطقه عمومی پاوه و نوسود شروع شده تا نطقه تلاقی مرز مشترک سه کشور ایران، ترکیه و عراق ادامه دارد که دو استان کردستان و آذربایجان غربی را شامل می‌شود. شاید بتوان گفت این صحنه بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای اعمال فشار و تضعیف جمهوری اسلامی به عنوان صحنه‌ی عملیات داخلی به وجود آمد و

جمهوری اسلامی و در این صحنه از دو جبهه داخلی و خارجی تهدید می‌گردید.

۲-۲ - صحنه‌ی عملیات دریایی

در صحنه‌ی عملیات دریایی با توجه به قدرت ضعیف نیروی دریایی دشمن (دو ناو تیپ) قدرت دریایی در شمال خلیج فارس در اختیار نیروهای خودی بود. و محدوده صحنه‌ی عملیات دریایی از دهانه فاو در استان خوزستان شروع شده تا استان بوشهر را شامل می‌گردد. این صحنه در ابتدا جنگ با توجه به توانمندی‌های نیروی دریایی جمهوری اسلامی تا اواسط جنگ تقریباً راکد بود و پس از جنگ نفت‌کش‌ها و اجرای عملیات کربلای ۳ (انهدام سکوهای البکر و العمیه) و پشتیبانی نیروهای دریایی کشورهای بیگانه این صحنه نیز به طور چشمگیر فعال شد. لازم به توضیح می‌باشد در این صحنه‌ی عملیات‌های مشترک زمینی، دریایی و هوایی مانند عملیات والفجر ۸ و عملیات کربلای ۳ طرح‌ریزی و اجرا گردید که به نوبه‌ی خود یکی از عملیات‌های بی‌نظیر در عصر حاضر می‌باشد.

جدول شماره ۳ - جدول نواحی (منطقه) رزم و نواحی مواصلاتی صحنه‌های عملیاتی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با عراق

ردیف	نوع صحنه	نام صحنه‌ی عملیات	ناحیه مواصلات	نواحی (منطقه) رزم
۱	صحنه‌ی عملیات خشکی	صحنه‌ی عملیات جنوب و جنوب غرب	اهواز، شوشتر، دزفول، اندیمشک	مناطق مرزی، شهرهای دهلران، بستان، کوشک، طلائی، شلمچه، شهر خرمشهر و جزیره آبادان
		صحنه‌ی عملیات منطقه میانی (غرب)	شهرهای ایلام، صالح‌آباد، کرند، جوانرود و پاوه	منطقه عمومی باویسی، قصر شیرین، سرپل ذهاب، منطقه عمومی گیلان‌غرب، سومار، چنگلوله، مهران
		صحنه‌ی عملیات شمال غرب	ارومیه، سنندج، مهاباد، نقره و شهرهای مرزی دو استان کردستان و آذربایجان غربی	شهرهای نوسود، مناطق مرزی، استان کردستان و قسمتی از آذربایجان غربی، پیرانشهر، اشنویه
۲	صحنه‌ی عملیات دریایی	صحنه‌های عملیات شمال خلیج فارس	استان‌های بوشهر و خوزستان	رودخانه اروندرود، خور عبدالله، منطقه عمومی شمال خلیج فارس

۴-۲ - صحنه‌ی عملیات هوایی

با توجه به گستردگی صحنه‌ی عملیات هوایی نمی‌توان تنها از بعد جغرافیایی به صحنه فوق توجه نمود زیرا عوامل دیگری همچون برد سلاح‌های منحنی‌زن (موشک‌های دوربرد) و هواپیماها در انتخاب عرض و عمق صحنه‌ی عملیات هوایی نقش بسزایی دارند. صحنه‌ی عملیات هوایی کشور ایران با توجه به برد هواپیماهای خودی در ابتدای جنگ برتری مطلق هوایی با جمهوری اسلامی ایران بود و تقریباً تمام فضای کشور عراق را دربرمی‌گرفت و لیکن به مرور زمان و با توجه به تحریم‌های سیاسی و اقتصادی و تقویت نیروهای مسلح عراق محدود به مناطق مرزی کشور عراق می‌گردید.

۵ - نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

جنگ یک پدیده‌ای است که از بدو خلقت بشر وجود داشته و در آینده نیز وجود خواهد داشت و در هر جنگی هر فرمانده‌ای در سطوح مختلف اعم از خودی و دشمن سعی می‌نماید بهترین صحنه را برای اجرای عملیات آفندی و پدافندی متناسب با توان‌مندی‌های خود، محیط جغرافیایی و همچنین آخرین وضعیت دشمن انتخاب نماید. در این راستا، با توجه به مطالعه جنگ‌های گذشته درمی‌یابیم که صحنه‌های عملیات در همه جنگ‌ها یکسان نبوده بلکه متناسب با شرایط و وضعیت‌های مختلف متغیر بوده و در آینده نیز متغیر خواهد بود. در دوران جنگ‌های نسل اول صحنه‌های عملیاتی منحصر به جنگ‌افزارهای سبک، و تاکتیک‌ها متکی به نفرات پیاده بود به همین دلیل صحنه‌های عملیات نسبت به امروزه بسیار محدود طرح‌ریزی و انتخاب می‌گشت. مثلاً در جنگ‌های صدر اسلام در جنگ احد و یا جنگ بدر به دلیل وجود نفرات پیاده و جنگ‌افزارهای سبک مشاهده می‌شود که صحنه‌های عملیات در یک عرض و عمق محدود انتخاب می‌گردد و یا در جنگ‌های ناپلئون با کشورهای همسایه خود بخصوص در حمله به آلمان به دلیل محیط جغرافیایی و استعداد رزمی محدود صحنه‌ی عملیات نیز محدود انتخاب می‌گردید و سپس با پیشرفت سلاح و تجهیزات، فناوری و فناوری به مرور زمان جنگ‌ها گسترش یافته و به تبعه آن صحنه‌های عملیات نیز توسعه نمود به طوری که در

جنگ جهانی اول صحنه‌های عملیات بیشتری استفاده گردید و در این جنگ برای اولین بار صحنه‌های عملیات مشترک زمینی، هوایی و دریایی طرح‌ریزی و اجرا گردید. که در آن شرایط صحنه‌های عملیات نیز از عرض و عمق بیشتر و وسیع‌تری برخوردار گردید و سپس با پیشرفت تکنولوژی و فناوری در جنگ جهانی دوم صحنه‌های عملیات با استفاده از عوامل مؤثر جدیدتر و تعداد بیشتر متغیرها از وسعت بیشتری برخوردار گردید که در این جنگ بعضاً مشاهده می‌شود که کل یک کشور و یا چند کشور به عنوان یک صحنه‌ای عملیاتی انتخاب می‌گردد. برای مثال، در جبهه شرق در جنگ جهانی دوم چندین ارتش آلمان در صحنه‌ای عملیاتی مسکو و استالینگراد به فرماندهی ژنرال گودریل اجرا مأموریت می‌نمایند و با موفقیت‌های چشمگیری نیز مواجه می‌شود و نیروهای خود را تا شهر مسکو و استالینگراد هدایت و کنترل می‌نمایند. همچنین در دوران جنگ سرد که کل کره زمین به دو صحنه جنگ بین شوروی سابق و آمریکا تقسیم گردیده بود صحنه‌های عملیاتی مختلفی در مناطق مختلف جهان به وجود آمده بود مثلاً در صحنه جنگ آمریکا که عمدتاً در حوزه اختیارات ناتو بود کشورهای اروپای غربی به عنوان یک صحنه‌ای عملیاتی محسوب می‌گشت و یا کشورهای ایران، ترکیه، پاکستان که جز پیمان ستو و ستیو بودند به عنوان یک صحنه‌ای عملیاتی برای غرب محسوب می‌گردید که در آن زمان با توجه به طرح نیکسون سعی می‌شد که از نیروهای مسلح کشورهای منطقه برای تأمین منافع خود استفاده نمودند. پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۰ و به قدرت رسیدن آمریکا به عنوان تنها ابر قدرت جهان و توسعه قدرت رزمی این کشور در کل جهان صحنه‌های عملیاتی نیز توسعه یافته و مناطق اقیانوس اطلس، اقیانوس آرام، اروپا، افریقا و خاورمیانه را دربرگرفت که فقط در صحنه‌ای عملیاتی خاورمیانه که یک صحنه‌ای عملیاتی حساس متشکل از ۳۲ کشور را شامل می‌گردد. مرکز فرماندهی آن تحت عنوان فرماندهی مرکزی ستکام در کشورهای قطر و بحرین مستقر می‌باشد. که این فرماندهی قسمت اعظمی از نیروهای مسلح آمریکا و سایر کشورهای عضو پیمان ناتو در عراق، افغانستان و کشورهای حوزه خلیج فارس را به عهده دارد. لذا آمریکا در این دوره و با توجه به اتمام دوره جنگ سرد و پایان دوران رقابت تسلیحاتی در ساختار و سازمان، تاکتیک و

تجهیزات و وجود تهدیدات جدید و بعضاً ضعیف اما با رویکردهای مختلف اقدام به تغییر و تحول بنیادی در ساختار و سازمان خود نمود و ارتش خود را برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای، مانند ایران، کره شمالی، عراق، افغانستان و... و وجود سازمان‌ها و گروه‌های غیردولتی مانند القاعده و طالبان و غیره اصلاح و بازسازی نمود. نکته قابل توجه در این دوره این که عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات علاوه بر حوزه نظامی سایر حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر گرفته و توسعه یافته و ابعاد چهارگانه فوق را در سرلوحه طرح‌های عملیاتی خود قرار داد که ماهیت صحنه‌های عملیات نسبت به گذشته تغییر یافت و حوزه جنگ از بعد نظامی به سایر ابعاد گسترش یافت.

در جنگ عراق علیه ایران صحنه‌های عملیات مختلف اعم از زمین، هوا و دریا مانند سایر جنگ‌ها طرح‌ریزی و اجرا گردید و در این راستا با توجه به شروع جنگ توسط عراق و حمله سراسری او از سه صحنه‌ی جنوب شرق و شرق و شمال شرق خود به سمت ایران صحنه‌های عملیات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی نیز طوری شکل گرفت که جنبه دفاعی، تحمیلی و ثابت داشت. با توسعه سازمان رزم نیروهای مسلح صحنه‌های عملیاتی متعدد و متنوعی در قالب عملیات‌های آفندی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف شکل گرفت که منجر به بیرون راندن متجاوز و تنبیه او گردید. که با توجه به مؤلفه‌ها و عوامل مؤثری که در انتخاب صحنه‌های عملیات نقش داشته‌اند می‌توان اذعان نمود که عملیات‌های فتح‌المبین، بیت‌المقدس و والفجر ۸، کربلای پنج و سایر عملیات‌هایی که در هر دو دوره جنگ طرح‌ریزی و اجرا گردید. لذا هر یک از عملیات‌های فوق را می‌توان به عنوان یک صحنه‌ای عملیاتی محسوب نمود چون بخش اعظمی از عوامل مؤثر را دارا بوده مثلاً در عملیات فتح‌المبین یا عملیات بیت‌المقدس نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران موفق می‌شود جمعاً ۳۶ هزار نفر اسیر از دشمن گرفته و هزاران نفر را مجروح و کشته نماید هر چند ممکن است این صحنه‌ها نسبت به صحنه‌های عملیات در جنگ جهانی دوم محدودتر باشد ولیکن چون از عوامل مؤثر فوق در انتخاب صحنه‌های عملیات تبعث می‌نماید می‌توان به عنوان یک صحنه‌ای عملیاتی محسوب گردد. لازم به ذکر است در این تحقیق، محقق با مطالعه میدانی و استفاده از اسناد و مدارک

معتبر عملیات‌هایی که در مناطق شمال غرب، میانی و جنوب و جنوب غرب انجام گرفته هر کدام به عنوان یک صحنه‌ای عملیاتی محسوب می‌گردد به دلیل اینکه در هر منطقه‌ای بخش اعظمی از نیروهای مسلح هر دو کشور با توان‌مندیهای بالایی و تخصیص هزینه‌های بسیار گران‌بها و استفاده از محیط جغرافیای مشخص استفاده گردیده است. در جنگ رژیم اشغالگر قدس با حزب‌الله لبنان صحنه‌های عملیاتی توسط طرفین طوری طرح‌ریزی و اجرا می‌گردد که تقریباً منحصر به فرد و از شیوه و روش‌هایی در انتخاب این صحنه‌ها استفاده می‌گردد که از نظر عمق و عرض هیچ‌گونه شباهتی به سایر جنگ‌ها ندارد. در این جنگ صحنه‌های عملیاتی رژیم اشغال‌گر طوری طرح‌ریزی می‌گردد که منحصر به جغرافیای نظامی با توان‌مندی‌های نیروهای نظامی حزب‌الله لبنان نیست بلکه صحنه‌ی عملیاتی او شامل کلیه مناطق شیعه‌نشین لبنان می‌باشد که در مناطق مختلف کشور پراکنده هستند و فقط با یک قومیت و مذهب وارد جنگ گردید و صحنه عملیات زمینی او نیز در یک منطقه بسیار محدود تحت عنوان جنوب لبنان شکل گرفت. از طرفی نیروهای حزب‌الله لبنان نیز از عوامل مؤثر و خاصی پیروی می‌نماید که در انتخاب صحنه‌های عملیاتی آنها مؤثر می‌باشد ولیکن آن صحنه‌ها خطوط حد مشخصی نداشته و هر جا که نیروی زمینی ارتش صهیونیستی حضور دارند این نیروها نیز برای مقابله در همان مناطق حضور یافته و درگیر نبرد می‌گردند لذا در این جنگ اثبات شد که انتخاب صحنه‌های عملیات از یک رشته عوامل ثابت و مشخص تبعیت و پیروی نمی‌نماید و صحنه‌های فوق نیز از نظر وسعت بسیار متنوع و متغیر می‌باشد و لذا با توجه به مباحث فوق می‌توان نتیجه گرفت که در انتخاب صحنه‌های عملیات که با تغییر چند عنصر و عوامل تأثیرگذار در زمان و مکان‌های مشخص و مختلف، صحنه‌های عملیات طوری انتخاب نمود که متناسب با عوامل جغرافیایی، عوامل نظامی، اجتماعی و فرهنگی، سیاسی متنوع بوده و یکسان و ثابت نیست چون این تغییر و تحولات جاری و دایم می‌باشد، لذا صحنه‌های عملیات نیز متأثر از عوامل فوق انتخاب می‌گردد و عوامل فوق نیز از صحنه‌های عملیات متأثر می‌گردد و لذا یک حالت تعامل با یکدیگر خواهند داشت. نکته مهم و پراهمیت دیگر درخصوص انتخاب صحنه‌های عملیات این است که همیشه عوامل مؤثر نیز ثابت نبوده و نخواهند بود و به مرور

زمان ممکن است به این عوامل افزوده شود و یا بعضاً ممکن است از نظر اسمی وجود داشته باشند و لیکن از نظر کارکردی تغییر یابد مثلاً عوامل جغرافیای نظامی همیشه در طول جنگ وجود داشته و دارد ولیکن در یک زمان ارتفاعات به عنوان عارضه حساس محسوب می‌گردید و نیروهای خودی و دشمن برای اشغال آن بسیار تلاش می‌نمایند و یا رودخانه‌های غیرقابل عبور را به عنوان مانع عمده محسوب می‌کردند و از عبور آن پرهیز و دوری می‌نمودند و لیکن امروزه با توجه به ابزار و تجهیزات و تاکتیک‌های نوینی که وجود دارد ممکن است اصلاً نیازی نباشد که به دنبال ارتفاعات به عنوان عارضه حساس بروند مثلاً در ارتش آمریکا قدرت رزمی بال‌گرد را افزایش داده و از آن به عنوان یک نیروی تک‌کننده استفاده می‌کنند این سلاح می‌تواند از فاصله دور هم دید و هم تیر داشته باشد و لذا نیازی به تصرف عوارض حساس نمی‌باشد و یا برای عبور از رودخانه نیاز به پل و سرپل گیری نخواهد داشت و اینها فقط در حوزه نظامی است بلکه سایر مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی، فناوری، مسائل قومی، نژادی، عملیات روانی و غیره در سطوح مختلف نقش اساسی دارند و به کارگیری آنها برای براندازی یک کشور یا اشغال آن بسیار مؤثر می‌باشد مثلاً اشغال یک منطقه نفت‌خیز مانند کویت یا اشغال جنوب عراق از لحاظ سیاسی بوده و بیشتر جنبه سیاسی و اقتصادی دارد لذا انتخاب صحنه‌های عملیات در حال حاضر و آینده تنها در حوزه‌ی نظامی نخواهد بود بلکه سایر مؤلفه‌ها نیز نقش اساسی خواهند داشت. و برای انتخاب صحنه‌های عملیات باید از عوامل مؤثری که در سایر حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد نیز استفاده نمود. لذا در عالم مادی و هستی همه چیز در حال تغییر می‌باشد و مهم‌ترین وجود هستی تغییر و تحول می‌باشد و لذا آن چیزی که تغییر نمی‌یابد کلمه تغییر می‌باشد و الزاماً همه عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات یکسان و ثابت نیست بلکه متغیر خواهد بود و لذا در یک دوره زمانی سلاح و تجهیزات محدود بود و در یک دوره نیاز به حجم آتش انبوه و شدید بود و در حال حاضر سعی می‌گردد از سلاح هوشمند برای انهدام اهداف حساس و حیاتی استفاده گردد و با توجه به پیشرفت سلاح و فناوری صحنه‌های عملیات آینده نیز متغیر خواهد بود. در یک دوره‌ای سیستم ارتباط و فرماندهی و کنترل به

نحوی بود که فقط در یک صحنه‌ای عملیاتی محدود فرماندهان می‌توانستند ارتباط برقرار نمایند. ولیکن امروزه با به کارگیری فناوری پیشرفته در امر ارتباطات از طریق ماهواره‌ها، می‌توان با کوچک‌ترین عنصر (سرباز) بزرگ‌ترین فرماندهان از فواصل بسیار دور با آنها ارتباط برقرار نماید نکته قابل توجه و بسیار مهم در انتخاب صحنه‌های عملیات این است که در جنگ‌های آینده ممکن است سطوح مختلف جنگ (راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی) مانند گذشته تقسیم‌بندی نگردد و گاهی اوقات ممکن است هر سه سطح بر یکدیگر منطبق شود و فرمانده‌ای که به عنوان فرمانده صحنه‌ای عملیات مأموریت دارد باید قادر باشد مسائل و نکات مربوط به این سه سطح را بداند و انجام دهد مثلاً مسائل راهبردی را بداند در سطح عملیاتی طرح‌ریزی و هدایت نماید و در سطح تاکتیکی یگان‌های رزمی را در درون صحنه‌ای عملیاتی خود هدایت و کنترل نماید. پس عوامل مؤثر در انتخاب صحنه‌های عملیات را نمی‌توان به طور دایم ثابت و به طور عمومی در همه جنگ‌ها و به طور یکسان و یکنواخت تهیه و تدوین نمود بلکه متناسب با شرایط و وضعیت‌های مختلف، صحنه عملیاتی متغیر بوده و از عرض و عمق ثابت و مشخصی تبعیت نمی‌نمایند. لذا در یک جمع‌بندی کلی می‌توان ادعان نمود که در هشت سال دفاع مقدس جمهوری اسلامی ایران در مقاطع مختلف جنگ دارای یک صحنه عملیات خشکی (جنوب غرب، میانی و شمال غرب) و یک صحنه عملیات دریایی (خلیج فارس) را شامل شده است که در طول هشت سال دفاع مقدس در هر یک از صحنه‌ها انواع عملیات‌های آفندی و پدافندی اجرا گردیده است؛ مثال، در صحنه‌ی عملیات جنوب همزمان منطقه شلمچه و یا اروند کنار عملیات آفندی انجام شده است و سایر مناطق صحنه‌ی فوق عملیات‌های پدافندی طرح‌ریزی و اجرا گردیده است.

منابع

- ۱ - آیین‌نامه عملیات ارتش آمریکا (نیروی قاطع) ۱۹۹۵-۷-۱۰۰-FM.
- ۲ - امیریگی، حسن، طرح‌ریزی عملیات مشترک و مرکب، دانشکده فرماندهی و ستاد، انتشارات دافوس، ۱۳۷۲.
- ۳ - باقری (افشردی)، محمد، طرح‌ریزی راهبردی نظامی در صحنه جنگ و صحنه عملیات، دانشگاه عالی دفاع ملی، جزوه درسی (منتشر نشده)، ۱۳۸۷.
- ۴ - بیگدلی، علی، تاریخ سیاسی، اقتصادی عراق، چاپ اول، تهران، توسعه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل، ۱۳۶۸.
- ۵ - جنبه‌های تجاوز و دفاع، دانشگاه امام حسین^(ع)، انتشارات امام حسین^(ع)، تهران، ۱۳۶۵.
- ۶ - جوادی‌پور، حسینی، نیک‌فرد، محمد، سیدیعقوب، علی، ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، جلد اول: نبردهای غرب دزفول، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، تهران، ۱۳۷۲.
- ۷ - دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع - جلد اول، سخنرانی آقای هاشمی رفسنجانی در مراسم افتتاحیه، تهران، چاپخانه سپهر، ۱۳۶۸.
- ۸ - رضایی، محسن، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دافوس سپاه (دوره عالی جنگ)، ۱۳۷۴.
- ۹ - علمایی، داوود، نیروی قاطع زمینی در عملیات‌های صحنه، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، دوره عالی جنگ، انتشارات عقیلی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۰ - درودیان، محمد، آغاز تا پایان (سیری در جنگ ایران و عراق جلد ششم)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۱.
- ۱۱ - روشن، فرهادیان، علی‌اصغر، نوراله، فرهنگ اصطلاحات جغرافیای سیاسی نظامی، انتشارات دانشگاه امام حسین^(ع)، تهران، ۱۳۸۵.
- ۱۲ - رشید، غلامعلی، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، مصاحبه، دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۸.
- ۱۳ - سلامی، حسین، ماهیت استراتژی نظامی، دانشگاه عالی دفاع ملی، جزوه درسی، (منتشر نشده)، تهران، ۱۳۸۶.
- ۱۴ - کردزمن، واگنر، آنتونی، آبراهام، ار، درس‌هایی از جنگ مدرن - جلد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۵ - گروه مؤلفین، فرماندهی و ستاد، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، انتشارات سپاه، تهران، ۱۳۷۳.
- ۱۶ - محرابی، غلامرضا، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه (دوره عالی جنگ)، جزوه درسی، ۱۳۸۴.

- ۱۷ - مختاری، مجید، ریشه های تهاجم (تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق جلد اول)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۸ - معین وزیری، نصرت الله، تحلیل عملیات بیت المقدس، انتشارات دافوس ارتش، تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۹ - مهری، عباس، دکترین رزم سپاه، دانشکده فرماندهی و ستاد، سپاه، ۱۳۷۴.
- ۲۰ - نوروزی، محمدتقی، فرهنگ دفاعی - امنیتی، انتشارات سنا، تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۵.
- ۲۱ - نوذری، فضل اله، دکترین صحنه جنگ، جزوه درسی دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه دوره عالی جنگ، تهران، ۱۳۸۴.

نقش عوامل و مؤلفه‌های پدافند غیرعامل در امنیت کشور

عباس مهری^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۲۰

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۱/۲۹

صفحات مقاله: ۱۱۹-۱۶۳

چکیده

این مقاله به بررسی نقش پدافند غیرعامل در امنیت کشور می‌پردازد و همچنین تلاش دارد ارتباط بین دو متغیر پدافند غیرعامل و امنیت را از طریق جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و بررسی میدانی برقرار و نتایج حاصله از تحقیق را در قالب استفاده از آمار طیف لیکرت و آمارهای t استیودنت یک متغیره به آزمون بگذارد. بر اساس نتایج حاصل از پرسش و بررسی از صاحب‌نظران و کاشناسان اینگونه نتیجه شده است که عوامل و مؤلفه‌های پدافند غیرعامل و عوامل و مؤلفه‌های امنیت کشور مورد واکاوی قرار گرفته و تأثیر متغیرهای مقاوم‌سازی و استحکامات، مکان‌یابی، استتار، فریب، ایجاد سیستم‌های هشداردهنده و تحرک و جابه‌جایی بر امنیت کشور به اثبات رسید و تأثیر متغیرهای پوشش، تفرقه و پراکندگی بر امنیت کشور معنی‌دار نبود و در پایان ضمن دسته‌بندی و اولویت‌بندی کردن آن اهمیت مؤلفه‌های تشکیل دهنده پدافند غیرعامل و امنیت تبیین و پیشنهادهای لازم به مسئولین کشور ارائه گردیده است.

* * * * *

کلید واژگان

پدافند غیرعامل، مراکز ثقل، تمرکززدایی، استراتژی بقاء، امنیت

مقدمه

بدنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد و بر هم خوردن موازنه قوا، نظام سلطه بدنبال پیاده کردن سیاست یک جانبه گرایی بوده و با فشار بر کشورهای کوچک و تحمیل جنگ علیه آنها به بهانه‌های تروریسم و ترویج آزادی و دموکراسی مدرن درصدد تأمین منافع ملی خویش از هر راه ممکن می‌باشد. لذا کشورهای منطقه از جمله ایران به دلیل بر خورداری از موقعیت ویژه ژئوپلیتیک، منابع سرشار هیدروکربوری، معادن و طبیعت منحصر به فرد و... همواره مورد تهدید بوده و هست. بنابراین بر مسئولین نظام است که تهدیدات را بشناسند و امکان مقابله با آن را فراهم آورده و یا به هر نحو ممکن آنرا خنثی و تلفات و خسارات را به حداقل برسانند.

در یک فرایند کلی می‌توان گفت که بین تهدید و امنیت در حوزه‌های مختلف رابطه دو سویه وجود داشته و دارد. پس هر جا تهدید هست امنیت نیست و بالعکس و در جایی هم که امنیت نباشد و یا ضعیف باشد، جامعه به سمت پیاده شدن آرمان‌های کشور پیش نرفته و یا به کندی حرکت می‌کند. بنابراین می‌شود ادعان کرد که امنیت پایه اصلی هرگونه رشد و توسعه هر جامعه یا کشور است که اگر وجود نداشته باشد دستیابی به آرمان‌های ملی غیرممکن و یا سخت به نظر می‌رسد.

آن چیزی که برای ما روشن است اینکه کشور ما به هر دلیل همواره از سوی دشمنان ناهم‌طراز که از قدرت هوا پایه و دریا پایه برخوردار هستند مورد تهدید است و بایستی امنیت آن را در حوزه‌های مختلف سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی و نظامی برقرار نمود که این مسئله تنها با توان و امکانات مادی امکان‌پذیر نیست، لذا می‌توان با تاکتیک‌های گوناگون از جمله پدافند غیرعامل تا حدودی به این امکان دست یافت و با حفظ امکانات خودی و کم کردن تلفات و خسارات آستانه مقاومت را بالا برد. این امر در جنگ ۳۳ روزه رژیم اشغالگر قدس علیه لبنان (۲۰۰۶) مشهود بود و نیروی قلیل با امکانات کم ولی با استفاده از فنون و تاکتیک‌های مختلف از جمله اقدامات پدافند غیرعامل و صبر و هوشمندی و دلاوری توانست در برابر حجم وسیع، گسترده و سنگین بمباران‌ها و حملات هوایی رژیم اشغالگر، پیروزی

راهبردی به دست آورده و عطر عزت، اقتدار و نصرت الهی را نصیب حزب‌الله نماید و ارتش مجهز و پیشرفته صهیونیستی را متوقف و متواری سازد.

آنچه از موارد فوق برمی‌آید آن است که اولاً جنگ و تهدید جزو لاینفک مسایل امروزی برای هر کشور بخصوص کشور انقلابی ما با شاخصه‌ها و مؤلفه‌های خاص خود است. ثانیاً ما برای رسیدن به آرمان‌های انقلاب اسلامی، توسعه و رشد جامعه نیازمند بر خورداری از امنیت در تمامی زمینه‌ها هستیم. ثالثاً برابری و عدم تقارن توان خودی در مقابل دشمن استفاده از تاکتیک‌ها و تکنیک‌های مختلف بخصوص استفاده از پدافند غیرعامل را ضروری می‌نماید، لذا با توجه به تجارب ارزشمند جنگ‌های گذشته می‌توان با اقدامات پدافند غیرعامل و استفاده از ترندهای مختلف تلفات و خسارات به مراکز ثقل را به حداقل رسانیده و هزینه جنگ را برای دشمن زیاد و در نهایت با ارتقاء آستانه مقاومت، امنیت ملی و سرمایه‌های ملی و استقلال کشور را حفظ نمود.

بیان مسأله

در عصر فناوری و ارتباطات لازمه توسعه و پیشرفت همه جانبه حفظ امکانات، منابع و زیرساخت‌ها در برابر تهدیدات مختلف است. پس اگر امنیت در زمینه‌های مختلف ایجاد نشود سرمایه‌گذاری، پرداختن به زیرساخت‌ها، توسعه تجهیزاتی و فناورانه میسر نیست با نگاهی به راهبردی دشمن و محیط پیرامون و امکاناتی که دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در اختیار دارند می‌توان دریافت که همه کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه و حتی پیشرفته به گونه‌ای نیازمند پدافند غیرعامل در برابر تهدیدات بوده است، لذا با درک این موضوع و شناخت هرچه بیشتر از پدافند غیرعامل و عوامل و مؤلفه‌های شکل دهنده آن و همچنین تأثیر آن در امنیت کشور می‌توان راه‌هایی را جستجو کرد که در آن بتوان خسارات و ضایعات و تلفات را کاهش داد. لذا می‌توان گفت طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی‌های کلان دفاعی امری ضروری و حیاتی است و ما را بر آن می‌دارد که با شناخت دقیق عوامل و مؤلفه‌های پدافند غیرعامل و به کار بستن سازوکار مناسب بتوانیم امنیت روزافزونی را برای کشور فراهم آوریم.

ضرورت و اهمیت تحقیق

این تحقیق به لحاظ اهمیت فراوان امنیت و مؤلفه‌های شکل‌گیری آن و کمبود امکانات خودی به نسبت دشمنان فرامنطقه‌ای از نظر تجهیزاتی و امکاناتی و همچنین رشد روزافزون اهمیت پدافند غیرعامل در جنگ‌های گذشته و کنونی از اهمیت بالایی برخوردار است. لذا با توجه به جایگاه پدافند غیرعامل و تأثیرات فراوان آن در کاهش خسارات و ضایعات و تلفات و فراهم کردن زمینه‌های امنیت برای زیرساخت‌های کشور در برابر تهدیدات می‌تواند به فرماندهان و مدیران سطوح مختلف کمک شایانی نماید.

پیشینه و سوابق تحقیق

مقالات و کتاب‌های متعددی در زمینه پدافند غیرعامل تألیف شده است که از آن جمله می‌توان به کتاب اصول و مبانی پدافند غیرعامل، کارکردها و مفاهیم پدافند غیرعامل آقای جعفر موحدی‌نیا و مقالات متعدد مرکز پژوهش‌های وزارت دفاع و کمیته عالی پدافند غیرعامل کشور اشاره کرد و همه به نوعی پدافند غیرعامل را به امنیت مرتبط ساخته‌اند. ما هم با سؤال خاص و طرح مسئله از منظر نظامی سعی در شکافتن بیشتر و توسعه این موضوع داریم.

اهداف تحقیق

- شناخت پدافند غیرعامل و عوامل و مؤلفه‌های آن
- شناخت عوامل و مؤلفه‌های امنیت کشور
- اهمیت پدافند غیرعامل و تأثیر آن در امنیت کشور

تعریف متغیرهای مسأله تحقیق

در این تحقیق متغیر مستقل، پدافند غیرعامل متغیر وابسته، امنیت در نظر گرفته شده است.

پدافند غیر عامل^۱

به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌گردد که مستلزم به کارگیری جنگ‌افزار و تسلیحات نبوده و با اجرای آن می‌توان از وارد شدن خسارات مالی به تجهیزات و تأسیسات حیاتی، حساس، مهم نظامی و غیرنظامی و تلفات انسانی جلوگیری نموده و یا میزان خسارات و تلفات ناشی از حملات و بمباران‌های هوایی و موشکی دشمن را به حداقل ممکن کاهش داد. (موحدی‌نیا، ۱۳۸۵، ۳۱)

امنیت

امنیت از واژه آمَن در عربی گرفته شده است یعنی بی‌بیمی، نبود ترس و تهدید به جان و مال و نوامیس انسان‌ها؛ امنیت را می‌توان به وسیله فقدان ناامنی تعریف کرد یعنی هر جا که ناامنی نیست امنیت وجود دارد. البته در اینجا منظور امنیت در مقابل تهاجمات هوایی و موشکی مد نظر است. (عمید، ۱۳۸۰: ۱۹۸)

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی این تحقیق عبارتست از: «پدافند غیرعامل بر امنیت کشور چه تأثیری دارد؟» و سؤالات فرعی عبارتند از: ۱ - مکان‌یابی بر امنیت کشور چه تأثیری دارد؟ ۲ - استتار بر امنیت کشور چه تأثیری دارد؟ ۳ - پوشش بر امنیت کشور چه تأثیری دارد؟ ۴ - فریب بر امنیت کشور چه تأثیری دارد؟ ۵ - پراکندی و تفرقه بر امنیت کشور چه تأثیری دارد؟ ۶ - تحرک و جابه‌جایی بر امنیت کشور چه تأثیری دارد؟ ۷ - مقاوم‌سازی و استحکامات بر امنیت کشور چه تأثیری دارد؟ ۸ - ایجاد سیستم‌های هشداردهنده بر امنیت کشور چه تأثیری دارد؟

1 - Passive Defense

روش تحقیق و مراحل انجام کار

این تحقیق به روش توصیفی پیمایشی تهیه شده و در آن بر اساس نظرات افراد صاحب نظر و متخصص نقش هشت عامل از عوامل تشکیل دهنده پدافند غیرعامل بر متغیرهای امنیت مورد بررسی قرار گرفته که در جداول و نمودارها تحلیل آماری می شود. در این مطالعه از پرسش نامه محقق ساخته بر اساس طیف پنجگانه لیکرت که در آن ارتباط بین هشت عامل از عوامل متشکله پدافند غیرعامل بر عوامل و مؤلفه های امنیت سنجیده می شود استفاده شده است. بررسی میزان تأثیر بین متغیرها از طریق نرم افزار Spss صورت گرفته و آمارهای توصیفی (شاخص های تمایل به مرکز) شاخص های پراکندگی، درصدها و نسبت ها و نمودارها) و آمار تحلیلی (سنجش تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته) شامل آزمون t استیودنت محاسبه گردیده است. جامعه آماری تحقیق، صاحب نظران، کارشناسان، دانشجویان، دانش آموزان، اساتید، اعضای محترم هیأت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی و دوره عالی جنگ سپاه که تعداد آنها در حدود دویست و پنجاه نفر (N = ۲۵۰) برآورد می شود. که با استفاده فرمول زیر حجم نمونه تعداد ۵۸ نفر می باشند.

$$N = \frac{n.t^2.s^2}{n.d^2 + t^2.s^2} = 58$$

$$n = 250 \quad s^2 = p(1-p) = 0.25$$

$$t = 1.96 \quad d^2 = 0.08$$

ادبیات تحقیق

۱ - پدافند غیرعامل

الف) معانی و تعاریف

پدافند غیرعامل

به مجموعه اقداماتی اطلاق می گردد که مستلزم به کارگیری جنگ افزار و تسلیحات نبوده و با اجرای آن می توان از وارد شدن خسارات مالی به تجهیزات و تأسیسات حیاتی، حساس و

مهم نظامی و غیرنظامی و تلفات انسانی جلوگیری نموده و یا میزان خسارات و تلفات ناشی از حملات و بمباران‌های هوایی و موشکی دشمن را به حداقل ممکن کاهش داد.

عبارت است از به کارگیری مستقیم جنگ‌افزارها (موشک‌های زمین به هوا و هوا به هوا، توپخانه پدافند هوایی) و اقدامات ضدالکترونیکی به منظور خنثی نمودن یا کاهش آثار حملات هوایی دشمن بر روی اهداف مورد نظر آن. (موحدی‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۱)

دفاع غیرنظامی^۱

مجموعه فعالیت‌هایی که می‌توان با انجام آن از بروز و استمرار سوانحی که جان و مال مردم را تهدید می‌کنند مانند سیل، زلزله، آتشفشان، آتش‌سوزی، طوفان و... جلوگیری نمود و یا در صورت بروز آثار ناشی از آن را کاهش داد. تأکید اصلی دفاع غیرنظامی، حفاظت از مردم و انجام اقدامات اضطراری برای تعمیر و راه‌اندازی مجدد خدمات و تأسیسات جهت ادامه فعالیت‌های روزمره می‌باشد.

مراکز حیاتی^۲

مراکزی هستند که در صورت انهدام کل یا قسمتی از آنها موجب بروز بحران، آسیب و صدمات جدی و مخاطره‌آمیز در نظام سیاسی، هدایت، کنترل و فرماندهی، تولیدی و اقتصادی، پشتیبانی، ارتباط و مواصلاتی، اجتماعی و یا دفاعی یا سطح تأثیرگذاری سراسری در کشور گردد.

مراکز حساس^۳

مراکزی هستند که در صورت انهدام کل یا قسمتی از آنها موجب بروز بحران، آسیب و صدمات قابل توجه در نظام سیاسی، هدایت، کنترل و فرماندهی، تولیدی و اقتصادی، پشتیبانی، ارتباطی و مواصلاتی، اجتماعی و یا دفاعی یا سطح تأثیرگذاری منطقه‌ای در کشور گردد.

1 - Civil Defense

2 - Vital Centers

3 - Critical Centers

مراکز مهم^۱

مراکزی هستند که در صورت انهدام تمام یا قسمتی از آنها، موجب بروز آسیب و صدمات محدود در نظام سیاسی، هدایت، کنترل و فرماندهی، تولیدی و اقتصادی، پشتیبانی، ارتباطی و مواصلاتی، اجتماعی و یا دفاعی یا سطح تأثیرگذاری محلی در کشور گردد. (همان، ۳۶)

ب) اهمیت پدافند غیرعامل

تجارب و شواهد ثبت شده در جنگ‌های اعصار گذشته تاریخ بشری و قرن حاضر، نمونه‌های مدلل و انکارناپذیری است که اهمیت پدیده پدافند غیرعامل را آشکار و ثابت نموده و موارد مشروحه زیر نمونه‌هایی بارز این اهمیت می‌باشند.

۱ - موجب زنده ماندن و حفظ بقای نیروی انسانی می‌گردد که با ارزش‌ترین سرمایه و موجودیت ملی کشور می‌باشد:

الف) وجود و حیات هر سرباز یا فرمانده می‌تواند پیروزی و سرنوشت نبرد را رقم زند.

ب) وجود و حیات هر انسان و شهروند در صحنه اجتماع می‌تواند موجب حیات، توسعه و نجات جامعه و ملت گردد.

ج) از دست دادن نابهنگام یک انسان، بزرگ‌ترین زیان اجتماعی است که به جامعه و کشور وارد می‌شود.

د) هر کس نفسی را بدون حق قصاص و یا بدون علت ایجاد فساد و فتنه در روی زمین به قتل رساند، مثل آن باشد که همه مردم را کشته و هر که نفسی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد) مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده است.

۲ - موجب صرفه‌جویی کلان اقتصادی و ارزی در حفظ تجهیزات و تسلیحات بسیار گران قیمت نظامی (هوایمای شکاری و ترابری، بال‌گردها، ساماندهی موشکی پدافند هوایی و

1 - Important Centers

زمین به زمین، رادارها، شناورها، توپخانه صحرائی، تانک‌ها و نفربرهای زرهی و...) می‌گردد:
الف) دشمن برای انهدام امکانات و تسلیحات نظامی ما از امکانات بالایی در زمین، دریا، هوا و فضا برخوردار است.

ب) خرید و تهیه تسلیحات نظامی در هر زمان و از هر جا امکان‌پذیر نمی‌باشد.
ج) وجود حتی یک سلاح (تیربار، توپ، تانک، بال‌گرد، هواپیما، شناور، موشک و...) می‌تواند سرنوشت نبرد را رقم زند.
د) انجام اقدامات پدافند غیرعامل نظیر مکان‌یابی خوب، ایجاد خاکریز و مواضع، ایجاد استحکامات سنگری و... موجب صرفه‌جویی در به کارگیری سلاح‌های کم‌تر پدافند هوایی می‌گردد.

ه) دشمن در اولین مرحله جنگ هوایی با بمباران پایگاه‌های هوایی و مواضع پدافند هوایی به دنبال کسب برتری هوایی می‌باشد.

۳ - اقدامات پدافند غیرعامل، مراکز حیاتی و حساس اقتصادی، سیاسی، نظامی، ارتباطی و مراکز عمده علمی و فرهنگی و... را در برابر حملات موشکی و بمباران‌های هوایی دشمن حفظ و ادامه فعالیت در شرایط بحران و جنگ را ممکن می‌کند:

الف) اهداف اصلی و نوک پیکان حمله دشمن در راهبرد انهدام مرکز ثقل، مراکز حیاتی و حساس می‌باشد.

ب) کم‌توجهی به اقدامات پدافند غیرعامل در مراکز حیاتی و حساس در طول جنگ تحمیلی به علت کم تجربه بودن در زمینه راهبرد دفاعی همه جانبه موجب خسارت‌های سنگین و قابل توجهی گردید.

ج) راهبرد و سیاست تمرکززدایی کره شمالی در جهت کوچک‌سازی و پراکنده نمودن مراکز حیاتی و حساس، راه‌کاری عملی و قابل توجه در کاهش آسیب‌پذیری مراکز یاد شده می‌باشد.

د) اجرای سیاست تمرکززدایی و توزیع و پراکندگی مراکز حیاتی، حساس و مهم و امکانات و تسهیلات حاشیه‌ای آن در کل فضای سرزمینی کشور علاوه بر حفظ

سرمایه‌های کلان ملی کشور در برابر تهدیدات احتمالی، بستر مناسبی را در جهت محرومیت‌زدایی مناطق محروم، اشتغال‌زدایی و ایجاد عدالت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ایجاد می‌نماید.

ه) رعایت پاره‌ای از اقدامات پدافند غیرعامل در بعضی از مراکز حیاتی و حساس کشور موجب مقاومت بهتر و آسیب‌پذیری کم‌تر آنها در برابر حملات و بمباران‌های هوایی دشمن و تداوم خدمات‌رسانی و اجرای مأموریت در طول هشت سال دفاع مقدس گردید. (پالایشگاه اصفهان، سد و نیروگاه آبی دز، سایت موشکی پدافند هوایی هاک در عملیات والفجر ۸ و...)

۴- اقدامات پدافند غیرعامل موجب تحمیل هزینه قابل توجه به دشمن می‌گردد:
الف) انهدام اهداف مستحکم به مراتب مشکل‌تر و پرهزینه‌تر از انهدام اهداف بدون حفاظ می‌باشد.

ب) دشمن باید هواپیماها، تسلیحات و زمان بیشتری را صرف کشف هدف‌ها و انهدام آنها نماید.

ج) چنانچه (خرج) یک اقدام یا تهدید، از (دخل) آن برای دشمن بیشتر باشد، در تصمیم و عمل وی تأثیر بازدارنده خواهد داشت.

۵- اقدامات پدافند غیرعامل باعث به وجود آمدن تأثیرات روحی و روانی مثبت در شهروندان و رزمندگان می‌گردد:

الف) بنا به نظریه‌ای ثقل جنگ‌ها از مرزها و میادین نبرد به نزدیک شهرها سوق داده شده است.

ب) اهداف مورد توجه دشمن از بمباران شهرها به قرار زیر می‌باشد:

(۱) ایجاد فشار بر دولتمردان و مسئولین

(۲) برهم زدن نظم اجتماعی

(۳) ایجاد از هم گسیختگی در مردم و مجبور نمودن آنها به مهاجرت از شهرها

(۴) ایجاد نارضایتی در مردم و جامعه

- (۵) نگران ساختن رزمندگان نسبت به اوضاع پشت جبهه
- (۶) از بین بردن مقاومت عقبه‌های شهری و پشتیبانی شهروندان از جبهه
- ج) آمار تلفات غیرنظامیان در جنگ‌ها، روندی افزایشی داشته است:
- (۱) در جنگ جهانی اول آمار تلفات انسانی (۱۰) میلیون نفر بوده است که همگی نظامی بوده‌اند.
- (۲) در جنگ جهانی دوم، تلفات غیرنظامیان (۶) میلیون نفر بیشتر از نظامیان بوده است.
- (۳) در جنگ کره تلفات غیرنظامیان ۹۵٪ و تلفات نظامیان ۵٪ بوده است.
- (۴) وجود جان‌پناه، سنگر، پناهگاه، خاکریز و موانع در صحنه‌های نبرد و مراکز حیاتی و حساس تأثیرات قابل توجهی در ایجاد آرامش روانی برای رزمندگان و کارکنان در انجام وظایف محوله دارد.
- (۵) دشمن بعثی طی ۴ مرحله، شهرهای ایران را در طول جنگ تحمیلی مورد بمباران هوایی و حملات موشکی قرار داد (جنگ شهرها) (روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۰)
- (۶) اقدامات پدافند غیرعامل موجب حفظ نیروها برای ضربه زدن در زمان و مکان مناسب و گرفتن آزادی و ابتکار عمل از دشمن می‌گردد.
- (۷) در مقام مقایسه سه عنصر (تهاجم، پدافند عامل و غیرعامل)، عنصر پدافند غیرعامل مخارج و هزینه‌های کم‌تری داشته و از نظر اخلاقی و بشردوستانه و سیاسی مفهومی مثبت تلقی می‌شود.
- (۸) اجتناب‌ناپذیر بودن بروز جنگ‌های آینده و لزوم آمادگی دفاعی.
- (۹) نیل به پدافند غیرعامل در مقایسه با پدافند عامل، ساده‌تر و سهل‌الوصول‌تر و با سیاست خودکفایی و عدم وابستگی و استقلال کشور تناسب بیشتری دارد.
- (۱۰) پیشگیری بهتر از درمان و تصفیه آب در سرچشمه آسان‌تر از تصفیه در دریا است. متخصصین زلزله‌شناسی ژاپنی عقیده دارند این زلزله نیست که موجب کشته شدن انسان‌های بی‌گناه و بروز خسارت می‌گردد بلکه سازه‌های نامن است

که موجب بروز مرگ و خسارت می‌شود. علت برخی از تلفات انسانی و خسارات تجهیزات مراکز حیاتی حساس و مهم در بمباران‌های هوایی و موشکی را نیز می‌توان منبعث از نبود یا نواقص اقدامات دفاع پدافند عامل در سطوح مختلف راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی دانست.

(۱۱) اجتناب‌ناپذیر بودن به کارگیری پدافند غیرعامل به علل زیر:

الف) ایجاد شکاف فناوری^۱ در سیستم‌ها و وجود تسلیحات قدیمی پدافند هوایی عامل به علت پیشرفت سریع فناوری و عدم امکان تهیه سریع سامانه‌های مدرن به سبب بی‌انتهای بودن این روند.

ب) آسیب‌پذیری سامانه‌های پدافند هوایی در برابر جنگ الکترونیک پیشرفته دشمن.
ج) غافلگیر شدن سامانه‌های پدافند هوایی در برابر هواپیماهای تهاجمی و موشک‌های کروز و بالستیک به علت:

(۱) پرواز در ارتفاع پایین و استفاده از نقاط کور راداری

(۲) برتری هوایی دشمن

(۳) فقدان سلاح‌های مؤثر ضد موشک بالستیک^۲

(۱۲) نظریه‌های راهبردی و رهنامه‌های نظامی که بر اهمیت و لزوم توجه به پدافند غیرعامل می‌باشد عبارتند از:

الف) کسی که اولین ضربه را می‌زند برنده نیست بلکه کسی که آخرین ضربه را تحمل می‌کند برنده است.

ب) برابر تجارب عملی ثبت شده در تاریخ نظامی جنگ‌های گذشته، انجام اقدامات فریب موجب غافلگیری و سلب ابتکار عمل دشمن گردیده و در صورت عدم انجام اقدامات فریب غافلگیری تا میزان ۵۰٪ کاهش می‌یابد.

1 - Technological gap

2 - ABM

ج) چنانچه راهبرد غلط باشد فرمانده در صحنه جنگ، دلاوری، و اقدامات تاکتیکی هر قدر که تعیین کننده باشد مؤثر نخواهد افتاد.

د) اتخاذ روندی برای رسیدن به پیروزی بدون وقوع هر گونه ستیز جدی و نبرد قطعی کمال مطلوب راهبرد خواهد بود.

ه) اصل تأمین.

و) در راهبرد غیرمستقیم رویکرد به حيله و فریب، مختل نمودن فکر دشمن در شرایط نامتقارن توان رزمی، مورد توجه می‌باشد.

ز) راهبرد تمرکززدایی و کوچک‌سازی مراکز حیاتی حساس و مهم.

ی) راهبرد انهدام مراکز ثقل

(۱۳) راهبرد دشمن در استفاده از «مدل پنج حلقه راهبردی واردن» که لزوم توجه بنیادی به اقدامات پدافند غیرعامل را در مراکز حیاتی، حساس و مهم کشور ضروری و مضاعف نموده و کم‌توجهی به آن موجب وارد شدن خسارات و تلفات سنگین به سرمایه‌های کلان کشور و کاهش آستانه مقاومت و امنیت ملی در شرایط وقوع تهدید و جنگ می‌باشد.

(۱۴) جنگ اول خلیج فارس (۱۹۹۱) و جنگ بالکان با وجود استفاده از پیشرفته‌ترین جنگ‌افزارهای مدرن هوایی و زمینی مملو از حوادثی است که مؤید کارایی و اهمیت به کارگیری دفاع غیرعامل می‌باشد.

(۱۵) در طول ۴۲ روز نبرد هوایی و ۱۰۸ هزار پرواز متحدین در جنگ اول ۱۹۹۱ خلیج فارس و با وجود داشتن مدرن‌ترین حساسه‌های الکترونیکی شناسایی و ماهواره‌ها، ۲۲ فروند بال‌گرد عراقی که در نخلستان‌های جنوب عراق پنهان و استتار شده بود پس از اتمام جنگ سالم به دست عراقی‌ها افتاد.

الف) متحدین پس از نوبدی از خارج نمودن سربازان و نظامیان عراقی از سنگرها و پناهگاه‌های محکم و استتار شده اقدام به بمباران نیروگاه‌های عراق نمودند تا آنها را مجبور به استفاده از ژنراتور و کشف سنگرها توسط حساسه‌های مادون قرمز نمایند.

- ب) سالم ماندن پل‌های استتار شده عراق روی رودخانه دجله.
- ج) سالم ماندن سکوه‌های پرتاب موشک عراقی به علت جابه‌جایی و انتقال سریع آنها به پناهگاه‌های امن، از پیش ساخته شده، پس از پرتاب و استفاده از سکوه‌های پرتاب کاذب در اطراف محل پرتاب اصلی.
- (۱۶) در اهمیت یکی از اقدامات پدافند غیرعامل (ساختن پناهگاه) باید گفت طبق محاسباتی که انجام شده است هنگام انفجار یک بمب اتمی به قدرت ۲۰ کیلوتن در مرکز شهر اگر کلیه مردم در پناهگاه باشند تعداد تلفات یاد شده ۲۴۰۰۰ نفر و مجروحین ۷۰۰۰ نفر خواهد بود، در صورتی که پناهگاهی وجود نداشته باشد همین انفجار ۷۰۰۰۰ نفر تلفات خواهد داشت.
- (۱۷) مطالعه ساختار طبیعی و مهندسی فیزیولوژیک بدن انسان و جانداران مؤید این موضوع و حقیقت است که قرار گرفتن عضوهای حساس و بااهمیت بدن (مغز، چشم، قلب و...) در بهترین وضعیت و جالب‌ترین حفاظ، موجب بقا و ادامه حیات آنها گردیده و یا به تعبیری دیگر عضوهای حساس باید در بهترین مکان و مطلوب‌ترین پوشش حفاظتی قرار گرفته و حفاظت گردند و این تدبیر را خداوند حکیم در خلقت موجودات مقرر فرموده است.
- (۱۸) کوچک‌سازی، پراکندگی، تمرکززدایی مراکز ثقل از جمله مبانی اصولی راهبردی پدافند غیرعامل می‌باشد که موجب کاهش آسیب‌پذیری و حفظ سرمایه‌های کلان موجود در این مراکز در شرایط وقوع جنگ گردیده. ضمن آنکه موجب توزیع جمعیت در کل فضای سرزمین، اشتغال‌زایی در مناطق محروم، جلوگیری از مهاجرت‌ها از مناطق محروم، ایجاد عدالت اجتماعی، ارتقا آستانه مقاومت در مناطق مختلف سرزمین و توسعه پایدار می‌گردد.
- (۱۹) نقش و اهمیت اقدامات دفاع غیرعامل در راهبرد دفاع کشور، امنیت ملی و استقلال کشور موجب گردیده است تا به موجب ماده (۳)، بند (۱۱) ماده (۱۲) قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه کشور، تشکیل کمیته پدافند غیرعامل دستگاه‌های اجرایی

کشور را به عهده بالاترین مقام اجرایی هر دستگاه (وزارتخانه - سازمان) برده و آنها را ملزم به اجرای طرح‌های پدافند غیرعامل مربوطه در مراکز در حال بهره‌برداری، در دست اجرا و یا در دست مطالعه نموده است. (همان: ۵۰) تشکیل سازمان پدافند غیرعامل در همین راستا و با توجه به اهمیت اجرایی آن در کشور صورت گرفته است.

ج) اهداف پدافند غیرعامل

- ۱ - کاهش قابلیت و توانایی سامانه‌های شناسایی، هدف‌یابی و دقت هدف‌گیری تسلیحات آفندی دشمن؛
- ۲ - تقلیل آسیب‌پذیری و کاهش خسارت و صدمات تأسیسات، تجهیزات و نیروی انسانی مراکز حیاتی، حساس و مهم نظامی و غیرنظامی کشور در برابر تهدیدات و حملات دشمن؛
- ۳ - حفظ سرمایه‌های کلان ملی کشور؛
- ۴ - حفظ توان خودی جهت ادامه فعالیت‌ها و تداوم عملیات تولید و خدمات‌رسانی؛
- ۵ - سلب آزادی و ابتکار عمل از دشمن و ایجاد شرایط سخت و دشوار برای وی در صحنه عملیات؛
- ۶ - صرفه‌جویی در هزینه‌های تسلیحاتی و نیروی انسانی؛
- ۷ - افزایش آستانه مقاومت مردمی و قوای خودی در برابر تهاجمات دشمن؛
- ۸ - تحمیل هزینه بیشتر به دشمن از طریق وادار نمودن وی به تلف نمودن منابع خود بر روی اهداف کاذب و فریبنده و سلب صرفه‌جویی قوا از وی؛
- ۹ - بالا بردن توان دفاعی کشور؛
- ۱۰ - توزیع ثروت، جمعیت و سرمایه‌های ملی در کل فضای سرزمینی کشور از طریق اعمال سیاست تمرکززدایی، آمایش سرزمینی و پراکندگی زیرساخت‌های کلیدی و مراکز حیاتی، حساس و مهم تولیدی محصولات کلیدی (نیروگاهی، پالایشگاهی،

صنعتی، نظامی، غذایی، آب‌رسانی و...):

۱۱ - ایجاد آمادگی‌های لازم مقابله با دشمن در شرایط تهدیدات نامتقارن؛

۱۲ - حفظ تمامیت ارضی، امنیت ملی و استقلال کشور؛ (صفوی، ۱۳۸۵: ۱۳)

د) اصول پدافند غیرعامل

اصول پدافند غیرعامل، مجموعه اقدامات بنیادی و زیربنایی است که در صورت به کارگیری می‌توان به اهداف پدافند غیرعامل از قبیل، تقلیل خسارات و صدمات، کاهش قابلیت و توانایی سامانه‌های شناسایی و آشکارساز، هدف‌یابی و دقت هدف‌گیری تسلیحات آفندی دشمن و تحمیل هزینه بیشتر به وی نایل گردید. این اصول ممکن است در کتب و منابع مختلف متفاوت بوده و یا تعداد آنها تغییر کند که ما در این تحقیق به هشت اصل می‌پردازیم:

- ۱ - مکان‌یابی^۱
- ۲ - استتار و اختفا^۲
- ۳ - پوشش^۳
- ۴ - فریب^۴
- ۵ - پراکندگی^۵
- ۶ - تفرقه و جابه‌جایی^۶
- ۷ - مقاوم سازی و استحکامات^۷
- ۸ - اعلام خبر^۱ (هشدار اولیه)

-
- 1 - Site Selction
 - 2 - Camouflage Concealment
 - 3 - Cover
 - 4 - Deception
 - 5 - Dispersion
 - 6 - Separation
 - 7 - Hardening

ه) فرایند ساماندهی پدافند غیر عامل

ساماندهی پدافند غیر عامل مراکز ثقل نظامی و غیرنظامی (وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها) مستلزم طرح‌ریزی جامع، تعیین راهبرد، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری هوشمندانه روی زمان و منابع و اجرای اقدامات فرایندی ذیل می‌باشد.

۱ - سازماندهی

الف) سازمان مستقل برای هماهنگ‌سازی کلیه اقدامات و تدابیر پدافند غیر عامل در سطح دستگاه‌های اجرایی کشور

ب) تشکیل کمیته مرکزی پدافند غیر عامل وزارتخانه یا سازمان

ج) تشکیل کمیته‌های پدافند غیر عامل زیرمجموعه‌های اصلی وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها

د) تشکیل کمیته اجرایی پدافند غیر عامل مراکز (کمیته‌های اجرایی پدافند غیر عامل هر یک از مراکز ثقل)

۲ - اولویت‌بندی مراکز ثقل وزارتخانه یا سازمان بر اساس معیارها و شاخصه‌های مصوب مندرج در جدول ماتریسی مربوط

۳ - آموزش مدیران ذی‌ربط سطوح عالی، میانی و اجرایی و توسعه فرهنگ پدافند غیر عامل در سطوح مختلف سازماندهی وزارتخانه‌ها یا سازمان‌ها

۴ - تشکیل کمیته راهبردی متمرکز در وزارتخانه / سازمان جهت هدایت و کنترل متمرکز طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی اقدامات پدافند غیر عامل و ساماندهی جامع امور

۵ - برنامه‌ریزی لازم در جهت بررسی و ارزیابی میدانی مراکز ثقل (حیاتی، حساس و مهم) وزارتخانه یا سازمان

۶ - تهیه و تدوین شناسنامه پدافند غیر عامل هر یک از مراکز ثقل (حیاتی، حساس و مهم)

- ۷- تهیه و تدوین طرح‌های پدافند غیرعامل در سطوح مختلف
- الف) طرح جامع راهبردی پدافند غیرعامل وزارتخانه یا سازمان
- ب) طرح راهبردی عملیاتی زیرمجموعه‌های اصلی وزارتخانه یا سازمان
- ج) طرح اجرایی، تاکتیکی پدافند غیرعامل مراکز ثقل
- ۸- تهیه و تدوین برنامه‌های سالیانه پدافند غیرعامل وزارتخانه یا سازمان
- ۹- تشکیل اتاق وضعیت مرکزی پدافند غیرعامل در وزارتخانه یا سازمان جهت اعمال هدایت و مدیریت متمرکز و سهولت در کنترل و نظارت به موقع روی طرح‌ها و پروژه‌ها
- ۱۰- اعمال نظارت و کنترل لازم از طریق انجام بازدیدها و بازرسی‌های نوبه‌ای
- ۱۱- تشکیل کتابخانه و آرشیو تخصصی پدافند غیرعامل در کمیته مرکزی پدافند غیرعامل وزارتخانه یا سازمان
- ۱۲- اتخاذ تدابیر و برنامه‌ریزی لازم در جهت مستندسازی تجربیات عملی پدافند غیرعامل در چارچوب منسجم و پویای مدیریت راهبردی هر وزارتخانه یا سازمان.
- (قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی ج.ا. ماده ۴)

و) راهبرد انهدام مراکز ثقل (پنج حلقه راهبردی واردن)^۱

صاحب‌نظران برجسته سیاسی و نظامی آمریکا، پس از تحمل شکست تاریخی خود در جنگ ویتنام (۱۹۷۳-۱۹۶۴) مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای را در جهت بررسی علل شکست خود در جنگ یاد شده برای دستیابی به راهبرد و شیوه‌های مؤثر جنگ هوایی نمودند. در سال (۱۹۸۸) سرهنگ هوایی بازنشسته، جان واردن، کتابی با عنوان نبرد هوایی را تهیه و تدوین و منتشر نمود و در دهم اوت (۱۹۹۱) با سمت مشاور نظامی امنیت ملی آمریکا، به اتفاق فرمانده خود ژنرال رابرت مینتر^۲ در پایگاه هوایی مک ویل، طی جلسه‌ای ژنرال نورمن شوارتسکف

1 - Five Strategic Ring of Warden

2 - Robert Minter

را درخصوص نظریه‌ی خود توجیه نمود. فردای آن روز در پنتاگون، با ژنرال کولین پاول، رئیس ستاد مشترک آمریکا، درخصوص طرح مذکور، مذاکره کرد، پاول در آن موقع در حمله به عراق صرفاً قائل به حمله هوایی نبود و عملیات توأمان زمینی و هوایی مد نظرش بود.

سرهنگ واردن در روزهای آخر ماه اوت برای توجیه ژنرال هوایی، چارلز هورنر، فرمانده کل عملیات هوایی خلیج فارس، وارد ریاض عربستان گردید، پس از آن یک گروه طرح‌ریزی آفندی به رهبری هورنر با حضور واردن، طرح‌ریزی حملات هوایی را با نام رمز سوراخ سیاه^۱ با طبقه‌بندی فوق سری بر اساس نظرات واردن آغاز نمودند، فهرست اهداف آنها در عراق ابتدا (۸۴) و بعد (۱۷۴) و سپس با ورود هواپیماهای بیشتر به منطقه به (۲۳۷) هدف افزایش یافت و نهایتاً به (۴۶۷) هدف رسید.

نظریه واردن تا حد زیادی از تفکرات کارل فون کلاوزویتس^۲، با عنوان «راهبرد مراکز ثقل» نشأت گرفته است، کلاوزویتس عقیده داشت که اولین وظیفه در طرح‌ریزی جنگ، شناسایی مراکز ثقل دشمن است و چنانچه این اهداف با دقت و صحیح انتخاب نشوند موجب هدر رفتن منابع کلان انسانی، تجهیزاتی و از دست رفتن فرصت‌های حیاتی برگشت‌ناپذیر می‌گردد.

مراکز ثقل یک کشور شامل پنج حلقه مشروحه ذیل بوده و دوایر متحدالمرکزی می‌باشند که مجموعاً ساختارهای اصلی قدرت یک کشور را تشکیل می‌دهند، در تئوری مذکور مراکز ثقل یک کشور همانند اعضا یک بدن قلمداد گردیده و در صورت انهدام هر یک از حلقه‌های یاد شده بیکره و کالبد کشور مورد تهاجم فلج گردیده و قادر به ادامه فعالیت و حیات نخواهد بود. در این راهبرد، هدف نهایی دشمن این است که کشور مورد تهاجم در سطوح سیاسی، اقتصادی، تولیدی، نظامی امکان انجام هرگونه اقدامی به منظور جبران خسارات، تغییر طرح‌ها و فراهم آوردن ضدحمله و یا مانند اینها را از دست داده و در یک چارچوب زمانی فشرده،

1 - Black Hole

2 - Clauswitz

حوادث مختلف ناگوار و پیچیده‌ای را برای او ایجاد نموده و او را با اضافه بار و معماهای عدیده مواجه نمایند. (John Warden: 19)

- حلقه اول، رهبری ملی / فرماندهی و کنترل^۱
- حلقه دوم، محصولات کلیدی^۲ (مراکز حساس و مهم راهبردی)
- حلقه سوم، زیر ساخت‌های [حمل و نقل]^۳
- حلقه چهارم، جمعیت مردمی و اراده ملی^۴
- حلقه پنجم، نیروهای عملیاتی^۵

آمریکا در راستای راهبرد یاد شده، برنامه‌ریزی‌های گسترده و وسیعی برای ایجاد بستر و فراهم نمودن ابزار مقدماتی این تهدید (محاصره نظامی و سرزمینی میهن اسلامی) شناسایی کلیه نقاط و مراکز حیاتی و حساس کشور تلاش‌های بین‌المللی و جهانی و... را تدارک دیده و انجام عملیات روانی (psyop)، حلقه چهارم راهبردی مدل واردن، را در جهت تخریب روحیه و حس فداکاری، مقاومت و وفاداری مردم، کاهش آستانه مقاومت ملی کشور، ناامید کردن مردم به هیأت حاکمه، ایجاد شکاف و فاصله بین نظام سیاسی و گرایش‌ها و ارزش‌های اجتماعی جامعه، تغییر باورها، ارزش‌ها و برهم زدن وحدت ملی، از سال‌ها قبل شروع و در سال‌های اخیر آن را تشدید نموده و سرمایه‌گذاری و هزینه‌های کلان و قابل توجهی را صرف آن نموده است.

مدل پنج حلقه راهبردی واردن، دقیقاً کشور مورد تهاجم را همانند اعضا بدن یک انسان محسوب نموده و بر این باورند همچنان که اگر مغز و اعصاب (مراکز عصبی، مواد غذایی مورد نیاز سیستم هاضمه و گردش خون)، دست و پا (سیستم حرکتی)، روحیه و روان، اراده و سیستم دفاعی

-
- 1 - Leadership
 - 2 - Key Production
 - 3 - Infrastructures
 - 4 - Population and People's Will
 - 5 - Field Forces

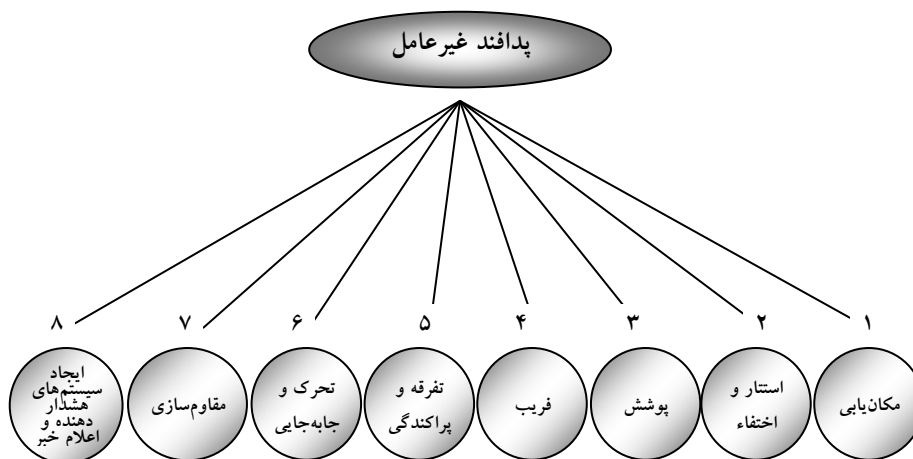
بدن انسان (سلول دفاعی) را از انسان بگیرند، قادر به انجام هیچ گونه فعالیت و حرکتی نخواهد بود، در صورت انهدام حلقه‌های پنجگانه یاد شده در کشور مورد تهاجم او را فلج نموده و موجب شکست و تسلیم زود هنگام او خواهد شد. (Washington de, August: 1999)

ز) معیارهای اولویت‌بندی مراکز ثقل

یکی از مهم‌ترین گام‌ها در فرایند طرح‌ریزی و اجرای اقدامات پدافند غیر عامل، اولویت‌بندی میزان اهمیت مراکز ثقل می‌باشد که بر اساس مقادیر و شاخصه‌های کمی و کیفی محاسبه و اندازه‌گیری می‌گردد. (جدول ماتریسی، اولویت‌بندی مراکز ثقل، ۱۳۸۵)

ح) عوامل و مؤلفه‌های پدافند غیر عامل

با توجه به توسعه روزافزون ماهواره‌ها و سیستم‌های اطلاعاتی و پیشرفت‌های فناوریانه که می‌تواند به‌طور هوشمندانه اهداف را شناسایی و مورد حمله قرار دهد عوامل و مؤلفه‌های گوناگونی نیز جهت پدافند غیر عامل در برابر تهدیدات هوایی و موشکی دشمن وجود دارد و به موازات پیشرفت در فناوریانه‌ها عاملی اضافه و یا حذف می‌گردد. لذا با بررسی‌های به عمل آمده از میان عوامل و متغیرهای گوناگون، به اهم آن در این تحقیق اشاره می‌شود:



۲- امنیت^۱

الف) تعریف

در فرهنگ عمید، از امنیت به عنوان ایمنی، آرامش و آسودگی تعبیر شده است. (عمید،

۱۳۸۰: ۱۹۸)

آرنولد والفرز یکی از صاحب نظران معروف، با توجه به مشکلاتی که در عرصه تعریف جامع و مانع از یک پدیده بسیار متغیر مانند امنیت وجود دارد از شیوه سلبی استفاده کرده و می گوید: "امنیت را می توان به وسیله فقدان ناامنی تعریف کرد یعنی هر جا که ناامنی نیست امنیت وجود دارد. وجود جنگ، خشونت، زد و خورد، منازعات فردی و بی ثباتی داخلی، برخی علائم ناامنی هستند بنابراین نبود آنها مساوی با امنیت است." (محمدنژاد، ۱۳۷۵: ۲۶۰)

والتر لیپمن، نویسنده و خبرنگار مشهور آمریکایی، امنیت ملی را چنین تعریف کرده است: "یک ملت هنگامی امنیت دارد که برای اجتناب از جنگ منافع مشروعش را قربانی نکند و در صورت وقوع درگیری برای حفظ آن منافع حاضر به جنگیدن باشد." (همان: ۲۶۱)

هلگهافندرون می نویسد: "مفهوم امنیت ملی بر تشکیل دولت ملی ناظر است، بدیهی است که این الگو (امنیت ملی) در بستر تاریخی مشخص ظهور کرده مبدأ تاریخ امنیت ملی به طور طبیعی با زایش دولت در قرن هفدهم میلادی و علاقه ای که این موجود (دولت ملی) بر بقای ملی داشت، می دانند." (مجله سیاست خارجی، ۹: ۳۵)

در فرهنگ روابط بین الملل آمده: "امنیت ملی حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی و یا خاک خود به سر می برند."

در کتاب اصول روابط بین الملل و سیاست خارجی امنیت ملی اینطور تعریف شده است: "در ادبیات روابط بین المللی، امنیت غالباً به معنی احساس آزادی کشور در تعقیب اهداف ملی و فقدان ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع اساسی و حیاتی کشور آمده است." (عامری، ۱۳۸۰: ۱۸۳)

در هر حال برای امنیت ملی تعریف های گوناگون آورده اند. برخی نویسندگان امنیت را

به معنی نبود تهدید نظامی گرفته‌اند، برخی در محافظت از کشور در برابر حمله نظامی یا اقدامات واژگون‌سازی از خارج تأکید می‌کنند. یکی از تعریف‌های موجود برای این مفهوم تعریف کلاسیک آن است. بنابراین تعریف، امنیت عبارت است از: توانایی کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود.

ب) ویژگی‌های امنیت ملی

۱ - **نسبی بودن امنیت:** یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های امنیت ملی است. به این معنا که برای هیچ کشوری، امنیت ملی به‌طور مطلق و کامل وجود ندارد. چون هیچ کشوری در خلاء عمل نمی‌کند و تا زمانی که کشورهای دیگری وجود دارند، همواره تهدیدات بالقوه و بالفعل، آن کشور را تهدید می‌کند. در این رابطه نکته مهم و اساسی این است که هر کشور، به جای اینکه در پی امنیت باشد، باید حدود قابل قبول تهدید و خطر را مشخص کند و یقین داشته باشد تا چه اندازه تهدید را می‌پذیرد.

۲ - **معانی مختلف امنیت:** در مباحث مختلف امنیت باید اذعان داشت که در تبیین مفهوم امنیت ملی، با توجه به اینکه ارزش‌های هر ملتی در رژیم‌های مختلف سیاسی متفاوت است. اما این ارزش‌ها نقش اساسی دارند. بنابراین دیدگاه‌های گوناگون موجب می‌شود تا مفهوم امنیت ملی در نظام‌های موجود با ایدئولوژی‌های مختلف با هم تفاوت داشته باشد.

۳ - **ذهنی بودن امنیت:** یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های امنیت ملی این است که مردم و تصمیم‌گیرندگان یک نظام حکومتی، ابتدا احساس امنیت بکنند. احساس بکنند که هیچ خطری ارزش‌های اساسی و حیاتی آنها را تهدید نمی‌کند. بنابراین امنیت یک ویژگی روانی است. ذهنی بودن احساس امنیت و نبودن معیارهای دقیق برای ارزیابی درست آن موجب می‌شود که گاهی دولت‌مردان از احساس ترس مردم بهره‌برداری کنند و با بزرگ جلوه دادن خطری که گویا امنیت ملی را تهدید می‌کند، نظر مردم را

از کمبودها و نارسایی‌های سیاست داخلی به سوی مشکلات خارجی جلب کنند. برعکس، ممکن است دولتی برای معطوف ساختن توجه مردم نسبت به بعضی اولویت‌ها، تهدید خارجی را کم اهمیت جلوه دهد.

۴ - **هدف نبودن امنیت:** هر چند امنیت ملی رابطه مستقیمی با اهداف ملی دارد، اما امنیت به تنهایی هدف نیست، بلکه شرایطی است که اهداف مبتنی بر آنها تحقق می‌یابند. به سخن دیگر، امنیت بستر تحقق ارزش‌ها و اهداف است و یک نظام حکومتی حاضر است برای حفاظت از امنیت ملی، همه منابع خود را تخصیص دهد. منظور از تخصیص منابع برای تأمین امنیت این است که اگر یک کشور، درگیر جنگی شود، آن کشور حاضر است تا کلیه منابع انسانی و مالی خود را برای رفع آن خطر متمرکز کند.

۵ - **ارتباط امنیت با قدرت ملی:** در گذشته، در مورد ارتباط با قدرت ملی چنین باوری وجود داشت که با افزایش قدرت نظامی، امنیت نیز افزایش پیدا می‌کند و یا تعداد نیروها و تجهیزات نظامی، بیانگر قدرت و امنیت یک کشور است. اما هم اکنون این باورها دگرگون شده و باید خاطر نشان کرد که، امنیت ملی، یک فرایند یک جانبه نیست که بتوان تنها با افزایش قدرت نظامی آن را افزایش داد، بلکه دارای مفهوم گسترده و همه جانبه است.

به این ترتیب لازم است برای امنیت ملی تعریف جامع‌تری بیابیم. بسیاری از نویسندگان و محققان وقتی از امنیت ملی گفتگو می‌کنند، منظورشان توانایی یک کشور در حفظ ارزش‌های خودی در برابر تهدیدهای خارجی است، این تعریف در کلیت خود درست است اما با توجه به نقش مسایل اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی در امنیت ملی، می‌توان آن را به این شکل تکمیل کرد: «امنیت ملی یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه و بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه، فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد».

با توجه به تعاریف متعدد و گوناگونی که از امنیت به عمل آمده و عدم توافقی که در این امر موجود است، به نظر می‌رسد حفظ ارزش‌های معنوی جامعه، تمامیت ارضی، استقلال اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حفظ جان و نوامیس مردم از جمله موارد عمده و اساسی وظایف دولت‌ها در مقوله ملی به حساب می‌آیند. (روشندل، ۱۳۷۴: ۴۰)

ج) اهداف امنیت ملی

تقسیم‌بندی‌هایی که از امنیت ملی شده است، زیاد است. غالب این دسته‌بندی‌ها حاوی عناصر مشترکی هستند که کم و بیش به شاخص‌های زیربنایی هدف‌های امنیت ملی اشاره دارد. با جدا کردن این عناصر مشترک و مهم می‌توان اهداف امنیت ملی را به این طریق دسته‌بندی کرد:

الف) حفظ استقلال و تمامیت ارضی

ب) تحقق رفاه مردم و ثبات سیاسی کشور

ج) حفظ و اشاعه ارزش‌های ملی و اعتقادی

د) فراهم کردن امکان فراغت خاطر نسبت به تهدیدهای احتمالی

د) ابعاد امنیت ملی

از آنجایی که امنیت، نیاز فطری هر انسان است و در زندگی اجتماعی او نقش مهمی را ایفا می‌کند، همانند سایر نیازهای اصلی انسان چند بعدی بوده و دارای جهات گوناگون می‌باشد، از جمله ابعاد امنیت ملی، امنیت فرهنگی، امنیت اجتماعی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت نظامی و امنیت طبیعی است.

کلیه ابعاد فوق و مجموعه نیازهای امنیتی در یک سیستم، به‌طور ارگانیک با یکدیگر در

ارتباط بوده و برابند امنیت در این ابعاد، امنیت ملی را به وجود می‌آورد. (نصری، ۱۳۷۵: ۱۸۱)

با توجه به نقش حیاتی تأمین امنیت در حوزه‌های ملی و بین‌المللی و قابلیت‌های مؤثر

حاصل از اقدامات و تدابیر پدافند غیرعامل در حفظ سرمایه‌های کلان کشور تقلیل و کاهش آسیب‌پذیری و خسارات تأسیسات، تجهیزات، مراکز و منابع انسانی و همچنین افزایش آستانه

مقاومت مردمی و قوای خودی در برابر نیات خصمانه دشمنان احتمالی می‌توان نقش پدافند غیرعامل پدافند را نقشی بی‌بدیل در دو عرصه بازدارندگی مؤثر و مقاومت و پایداری مستمر دانست.

در باب اهمیت امنیت و نقش آن در پیشرفت فردی و اجتماعی، همین بس که بدون امنیت هیچ برنامه‌ای قابل اجرا نیست یا حداقل دچار مشکل می‌شود، در سطح ملی، امنیت مفهومی فراتر از بقا و صیانت ذات کشور دارد، به عبارت دیگر ممکن است در یک زمان تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت یک کشور محفوظ باشد لکن وجود تهدیدات جدی زندگی اجتماعی و سیاسی آن کشور را دستخوش آشوب و هراس و سردرگمی نماید، عدم احساس آرامشی که از این طریق به وجود می‌آید، مهم‌ترین مانع در مسیر حرکت کشور به سمت اهداف از پیش تعیین شده است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵)

الف) مؤلفه‌های امنیت ملی: از نگاه پدافند غیرعامل

تمامی کشورها در سیاست داخلی و خارجی خود و نیز افراد، گروه‌ها و احزاب موجود در کشورها بدون توجه به سلايق، اختلاف فردی، گروهی، طبقاتی، سیاسی و اجتماعی درخصوص چهار مؤلفه مشروحه ذیل اتفاق نظر دارند:

- ۱ - حفظ جان و مال مردم
- ۲ - حفظ تمامیت ارضی
- ۳ - حفظ سیستم اقتصادی و سیاسی
- ۴ - حفظ استقلال و حاکمیت کشور

ب) اقدامات پدافند غیرعامل در حوزه امنیت ملی

اقدامات پدافند غیرعامل در سطوح نظامی و غیرنظامی، نقش مؤثر و اجتناب‌ناپذیری در هر یک از مؤلفه‌های امنیت ملی به شرح ذیل ایفا می‌کند. (موحدی‌نیا، ۱۳۸۵: ۷۰)

مؤلفه‌های امنیت ملی	تأثیرات اقدامات پدافند غیر عامل
حفظ جان و مال مردم	کاهش تلفات جمعیت نظامی و غیرنظامی کشور در برابر تهدیدات و حملات نظامی دشمن به عنوان بارزش‌ترین سرمایه‌های یک کشور
حفظ تمامیت ارضی	تقویت توان رزمی و دفاعی نیروهای مسلح و بالا بردن آستانه مقاومت کشور در حفظ سرزمین و ایجاد بازدارندگی
حفظ سیستم اقتصادی و سیاسی	کاهش آسیب‌پذیری و خسارات تأسیسات، تجهیزات و نیروی انسانی مراکز حیاتی، حساس و مهم اقتصادی، سیاسی، ارتباطی، تولیدی و... در جهت استمرار خدمات و عملیات
حفظ استقلال و حاکمیت کشور	حفظ مراکز عمده هدایت و رهبری سیاسی و نظامی، اجتماعی، زیرساخت‌های حیاتی و حساس و مهم در برابر تهدیدات آشکار و نهان دشمنان از جمله عوامل اساسی حفظ استقلال و حاکمیت کشور می‌باشد.

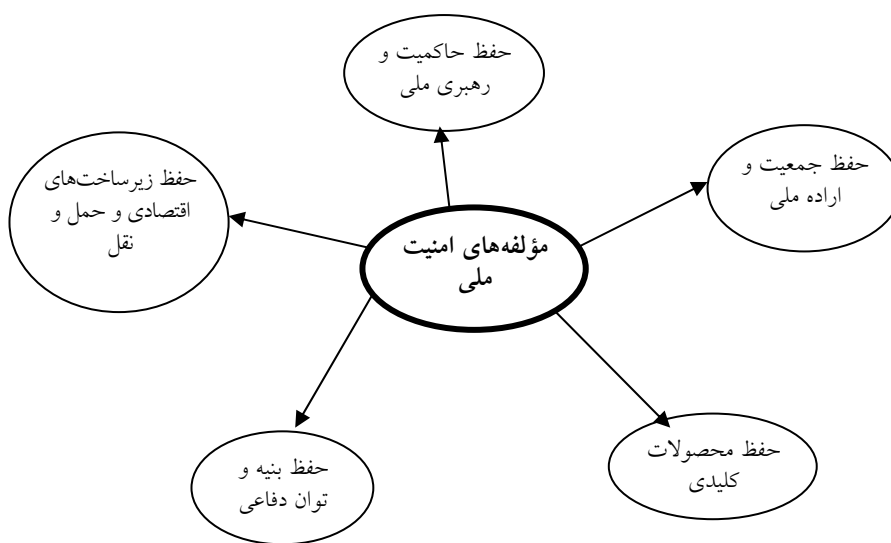
ج) عوامل و مؤلفه‌های امنیت

همانگونه که دیدگاه‌ها در مورد امنیت متفاوت است در مورد مؤلفه‌های شکل دهنده آن نیز متفاوت بوده و به تناسب تعاریفی که از امنیت و امنیت ملی ارائه شده مؤلفه‌های آن نیز مطرح گردیده است. چرا که هر کس امنیت را از دیدگاهی تعریف کرده و به آن پرداخته است ولی در یک هدف مشترکند، آن هم فقدان ناامنی در مقابل تهاجم زمینی و هوایی و دریایی دشمن است. همه اندیشمندان در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نظامی در مورد مؤلفه‌های زیر اشتراک نظر دارند. و نکته جالب اینجاست که این مؤلفه‌ها با حلقه راهبرد واردن و اهداف امنیت ملی مطرح شده در قانون اساسی کشور نیز مطابقت دارد.

مؤلفه‌های امنیت	حلقه راهبرد واردن
حفظ استقلال و حاکمیت کشور	رهبری ملی
حفظ جان و مال مردم	جمعیت و اراده ملی
حفظ تمامیت ارضی کشور	نیروهای عملیاتی
حفظ سیستم‌های اقتصادی و سیاسی	زیرساخت‌های حمل و نقل
	محصولات کلیدی

با بررسی و کنکاش بیشتر و توجه به پارامترهای مهم هر دو ستون فوق می توان گفت که تلفیق آنها با همدیگر و ارائه یک مدل که با موضوع ما بیشتر همخوانی داشته باشد ضروری به نظر می رسد، لذا نمودار زیر پیشنهاد می گردد. (محقق ساخته)

(و) مؤلفه های امنیت ملی



الف) توصیف متغیرها

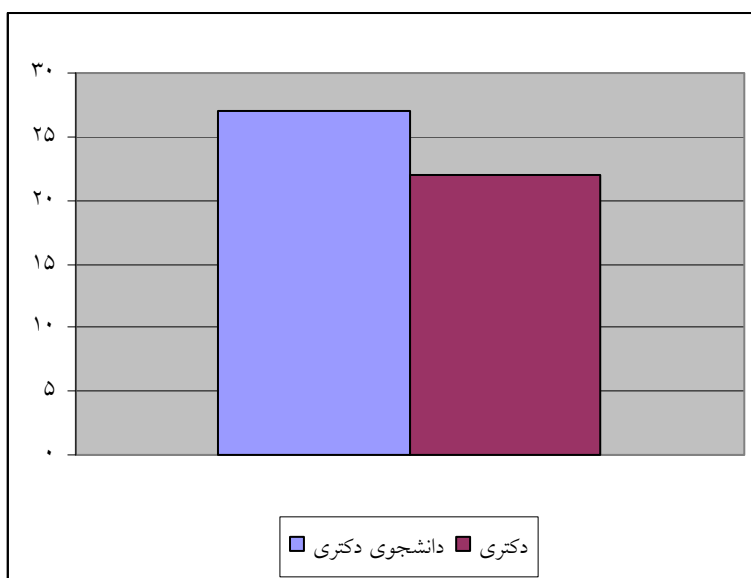
۱ - توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب متغیر تحصیلات

جدول توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب متغیر تحصیلات

درصد تراکمی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۵۵.۱	۵۵.۱	۵۲.۹	۲۷	دانشجوی دکتری
۱۰۰.۰	۴۴.۹	۴۳.۱	۲۲	دکتری
	۱۰۰.۰	۹۶.۱	۴۹	جمع
		۳.۹	۲	بی جواب
		۱۰۰.۰	جمع کل	جمع کل

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد، ۵۵ درصد پاسخگویان و دانش‌آموخته دکتری و ۴۵ درصد از آنها هم دارای تحصیلات دکتری می‌باشند، این ارقام نشان‌دهنده آن است که نمونه آماری تحقیق، از لحاظ تحصیلی، توزیع مناسبی برای سنجش متغیرها دارد.

نمودار توزیع فراوانی متغیر تحصیلات



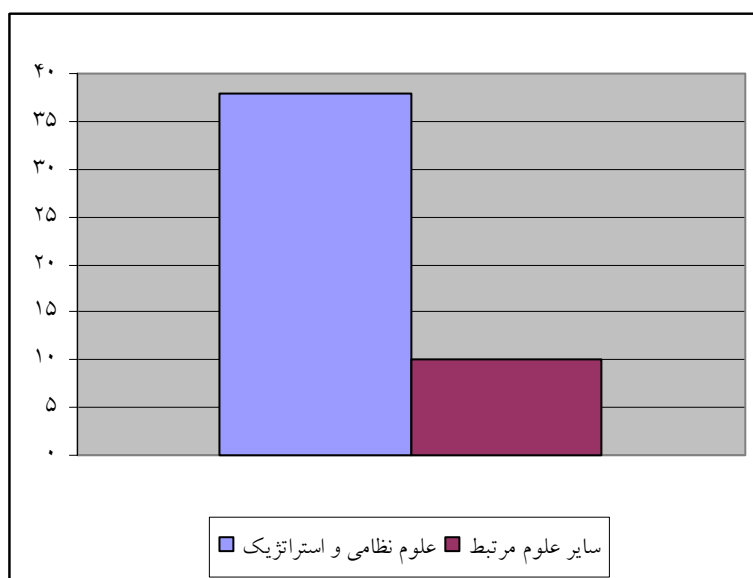
۲- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب متغیر رشته تحصیلی

جدول توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب متغیر رشته تحصیلی

درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۷۲.۲	۷۴.۵	۳۸	علوم نظامی و راهبردی
۲۰.۸	۱۹.۶	۱۰	سایر علوم مرتبط
۱۰۰.۰	۹۴.۱	۴۸	جمع
	۵.۹	۳	بی‌جواب
	۱۰۰.۰	۵۱	جمع کل

در حدود ۸۰ درصد پاسخگویان در رشته‌های علوم نظامی و راهبردی تحصیل کرده، و حدود ۲۱ درصد نیز در سایر علوم مرتبط با آن تحصیل نموده‌اند. با توجه به موضوع تحقیق که در خصوص امنیت است، تحصیلات پاسخگویان کاملاً متناسب با موضوع تحقیق می‌باشد.

نمودار توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب متغیر رشته تحصیلی



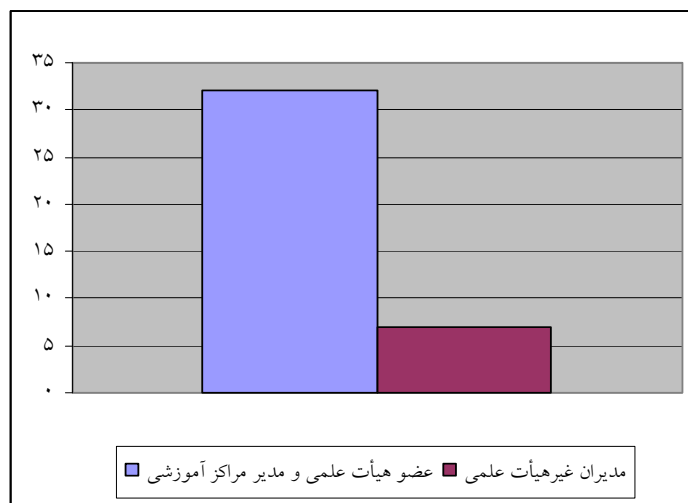
۳- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب متغیر آخرین مسئولیت در نیروهای مسلح

جدول توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب متغیر آخرین مسئولیت در نیروهای مسلح

درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۸۲.۱	۶۲.۷	۲۲	عضو هیأت علمی و مدیر مراکز آموزشی
۱۷.۹	۱۳.۷	۷	مدیران غیر هیأت علمی
۱۰۰.۰	۷۶.۵	۳۹	جمع
	۲۳.۵	۱۲	بی‌جواب
	۱۰۰.۰	۵۱	جمع کل

۸۲ درصد پاسخگویان از اعضا هیأت علمی دانشگاه‌ها و مدیران مراکز آموزشی بوده و ۱۸ درصد آنها نیز مدیران غیرهیأت علمی بوده‌اند، این آمار حاکی از آن است که پاسخگویان از حیث سمت و مسئولیت در نیروهای مسلح کاملاً متناسب با موضوع انتخاب شده‌اند.

نمودار توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب متغیر آخرین مسئولیت در نیروهای مسلح



سؤال اول تحقیق

مکان‌یابی بر امنیت کشور چه تأثیری دارد؟

جدول گزینه‌های مقیاس مکان‌یابی

۱۰۰٪ خیلی زیاد		۸۰٪ زیاد		۶۰٪ نسبتاً زیاد		۴۰٪ متوسط		
p	F	p	F	p	F	p	F	
۲۶.۵	۱۳	۴۶.۹	۲۳	۱۴.۳	۷	۸.۲	۴	حفظ حاکمیت و رهبری ملی
۱۴.۰	۷	۴۸.۰	۲۴	۲۰.۰	۱۰	۱۲.۰	۶	حفظ جمعیت و اراده ملی
۳۴.۷	۱۷	۳۸.۸	۱۹	۲۲.۴	۱۱	۲.۰	۱	حفظ زیرساخت‌های اقتصادی
۲۳.۵	۱۲	۴۹.۰	۲۵	۱۹.۶	۱۰	۳.۹	۲	حفظ محصولات کلیدی
۲۷.۵	۱۴	۵۲.۹	۲۷	۱۷.۶	۹	۲.۰	۱	حفظ بنیه و توان دفاعی

نتایج جدول فوق حاکی از آن است که ۸۷ درصد پاسخگویان، نقش مکان‌یابی را در حفظ حاکمیت و رهبری ملی، نسبتاً زیاد تا خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. این میزان در مورد سایر شاخص‌های مقیاس مکان‌یابی بدین شرح است:

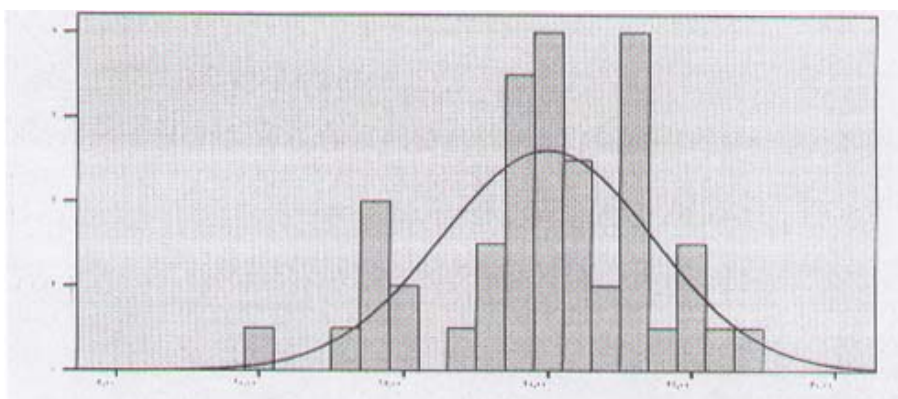
نقش مکان‌یابی در حفظ زیرساخت‌های اقتصادی و حمل‌ونقل کشور، ۹۵ درصد، نقش مکان‌یابی در حفظ محصولات کلیدی، ۹۲ درصد و نقش مکان‌یابی در حفظ بنیه و توان دفاعی کشور، ۹۷ درصد بوده است.

جدول شاخص‌های مربوط به فراوانی پاسخگویان در متغیر مکان‌یابی

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۱۰.۰۰	حداقل	۲۷.۰۰	حداکثر	۱۹.۹۵	میانگین
		۴۸	تعداد مشاهدات	۱۷.۰۰	دامنه تغییرات

علاوه بر محاسبه فراوانی و درصد شاخص‌های مقیاس، پس از تجمیع این شاخص‌ها، سایر آمارهای این متغیر نیز محاسبه شده است. میانگین محاسبه شده برای این متغیر ۱۹.۹۵ است که با توجه به دامنه تغییرات طیف ۱۷ و حداکثر ۱۰ این میانگین از میانگین متوسط ۱۸.۵ بالاتر است، به این معنی که پاسخگویان نقش مکان‌یابی را در حفظ امنیت کشور بالاتر از میانگین ارزیابی کرده‌اند.

نمودار هیستوگرام متغیر مکان‌یابی



سؤال دوم تحقیق

استتار بر امنیت کشور چه تأثیری دارد؟

جدول گزینه‌های مقیاس استتار

۱۰۰٪ خیلی زیاد		۸۰٪ زیاد		۶۰٪ نسبتاً زیاد		۴۰٪ متوسط		۲۰٪ کم		
p	F	p	F	p	F	p	F	p	F	
۱۸.۰	۹	۴۲.۰	۲۱	۲۸.۰	۱۴	۶.۰	۳	۲.۰	۱	حفظ حاکمیت و رهبری ملی
۸.۰	۴	۴۰.۰	۲۰	۳۲.۰	۱۶	۱۴.۰	۷	۲.۰	۱	حفظ جمعیت و اراده ملی
۲۱.۶	۱۱	۳۳.۳	۱۷	۲۷.۵	۱۴	۱۳.۷	۷	۲.۰	۱	حفظ زیرساخت‌های اقتصادی
۲۱.۶	۱۱	۴۱.۲	۲۱	۲۷.۵	۱۴	۵.۹	۳	۳.۹	۲	حفظ محصولات کلیدی
۲۱.۶	۱۱	۴۷.۱	۲۴	۲۵.۵	۱۳	۳.۹	۲	۲.۰	۱	حفظ بنیه و توان دفاعی

نتایج جدول فوق حاکی از آن است که ۸۸ درصد پاسخگویان، نقش استتار و اختفا را در حفظ حاکمیت و رهبری ملی، نسبتاً زیاد تا خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. این میزان در مورد سایر شاخص‌های مقیاس استتار و اختفا بدین شرح است: در حفظ جمعیت و اراده ملی، ۸۰ درصد، در حفظ زیرساخت‌های اقتصادی و حمل و نقل کشور، ۸۲ درصد، در حفظ محصولات کلیدی کشور، ۹۰ درصد و در حفظ بنیه و توان دفاعی کشور، ۹۴ درصد بوده است.

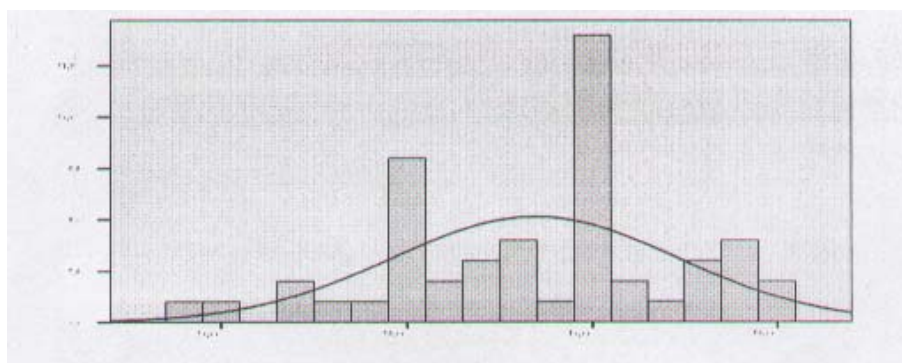
مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۹.۰۰	حداقل	۲۵.۰۰	حداکثر	۱۸.۴۶۰۰	میانگین
		۵۰	تعداد مشاهدات	۱۶.۰۰	دامنه تغییرات

میانگین محاسبه شده برای این متغیر ۱۸.۴۶ است که با توجه به دامنه تغییرات طیف ۱۶ و حداکثر ۲۵ و حداقل ۹ این میانگین از میانگین متوسط ۱۷ بالاتر است. بدین معنی که پاسخگویان نقش استتار را در حفظ امنیت کشور بالاتر از میانگین ارزیابی کرده‌اند.

جدول گزینه‌های مقیاس پوشش

۱۰۰٪ خیلی زیاد		۸۰٪ زیاد		۶۰٪ نسبتاً زیاد		۴۰٪ متوسط		۲۰٪ کم		
p	F	P	F	p	F	p	F	p	F	
۸.۰	۴	۴۸.۰	۲۴	۳۲.۰	۱۶			۲.۰	۱	حفظ حاکمیت و رهبری ملی
۲.۰	۱	۳۸.۸	۱۹	۳۴.۷	۱۷	۱۲.۲	۶			حفظ جمعیت و اراده ملی
۱۱.۸	۶	۳۹.۲	۲۰	۲۹.۴	۱۵	۱۳.۷	۷	۲.۰	۱	حفظ زیرساخت‌های اقتصادی
۱۶.۰	۸	۴۰.۰	۲۰	۲۴.۰	۱۲	۱۴.۰	۷	۲.۰	۱	حفظ محصولات کلیدی
۱۱.۸	۶	۵۶.۹	۲۹	۲۳.۵	۱۲	۵.۹	۳			حفظ بنیه و توان دفاعی

نمودار هیستوگرام متغیر استار



سؤال سوم تحقیق

پوشش بر امنیت کشور چه تأثیری دارد؟

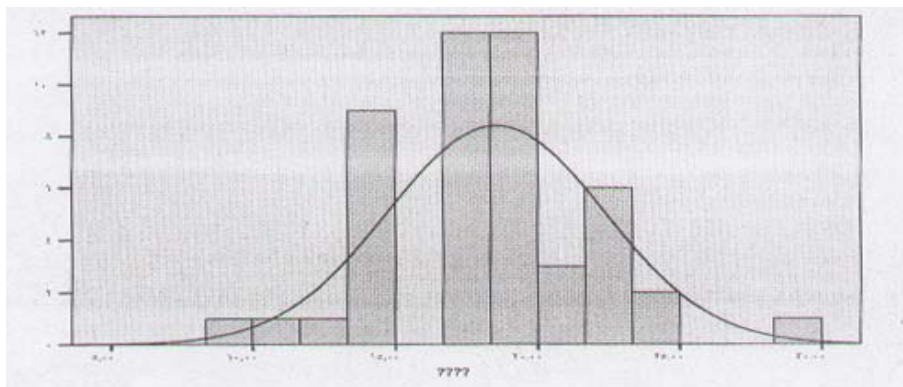
نتایج جدول فوق حاکی از آن است که ۸۸ درصد پاسخگویان، نقش پوشش را در حفظ حاکمیت و رهبری ملی، نسبتاً زیاد تا خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. این میزان در مورد سایر شاخص‌های مقیاس پوشش بدین شرح است: در حفظ جمعیت و اراده ملی، ۷۵ درصد، در حفظ زیرساخت‌های اقتصادی و حمل و نقل کشور، ۸۰ درصد، در حفظ محصولات کلیدی کشور، ۸۰ درصد و در حفظ بنیه و توان دفاعی کشور ۹۲ درصد بوده است.

جدول شاخص‌های مربوط به فراوانی پاسخگویان در متغیر پوشش

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۹.۰۰	حداقل	۲۰	حداکثر	۱۸.۵۴۱۷	میانگین
		۴۸	تعداد مشاهدات	۱۱	دامنه تغییرات

میانگین محاسبه شده برای این متغیر ۱۸.۵۴ است که با توجه به دامنه تغییرات طیف ۱۱ و حداکثر ۲۰ و حداقل ۹ این میانگین از میانگین متوسط ۱۴.۵ بالاتر است. بدین معنی که پاسخگویان نقش پوشش را در حفظ امنیت کشور بالاتر از میانگین ارزیابی کرده‌اند.

نمودار هیستوگرام متغیر پوشش



سؤال چهارم تحقیق

فریب بر امنیت کشور چه تأثیری دارد؟

جدول گزینه‌های مقیاس فریب

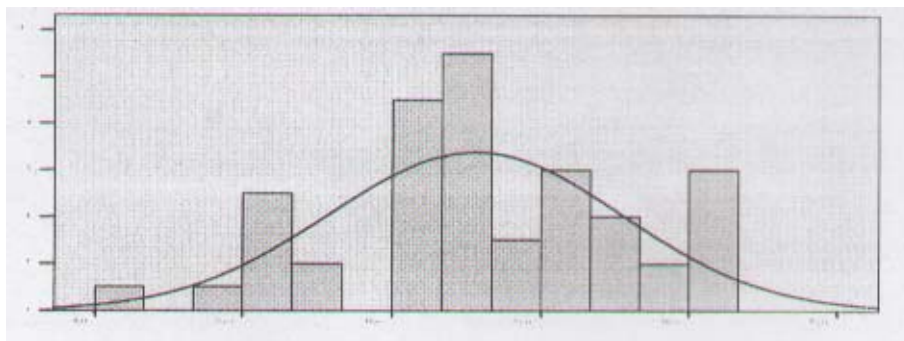
۱۰۰٪ خیلی زیاد		۸۰٪ زیاد		۶۰٪ نسبتاً زیاد		۴۰٪ متوسط		۲۰٪ کم		
p	F	p	F	p	F	p	F	p	F	
۱۴.۰	۷	۳۲.۰	۱۶	۲۸.۰	۱۴	۱۴.۰	۷	۴.۰	۲	حفظ حاکمیت و رهبری ملی
۱۴.۰	۷	۲۴.۰	۱۲	۲۸.۰	۱۴	۱۸.۰	۹	۴.۰	۲	حفظ جمعیت و اراده ملی
۱۳.۷	۷	۲۹.۴	۱۵	۲۵.۵	۱۳	۲۳.۵	۱۲	۵.۹	۳	حفظ زیرساخت‌های اقتصادی
۱۵.۵	۸	۳۷.۳	۱۹	۲۵.۵	۱۳	۱۷.۶	۹	۲.۰	۱	حفظ محصولات کلیدی
۲۵.۵	۱۳	۳۷.۳	۱۹	۲۷.۵	۱۴	۵.۹	۳	۳.۹	۲	حفظ بنیه و توان دفاعی

نتایج جدول فوق حاکی از آن است که ۷۴ درصد پاسخگویان، نقش فریب را در حفظ حاکمیت و رهبری ملی، نسبتاً زیاد تا خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. این میزان در مورد سایر شاخص‌های مقیاس فریب، بدین شرح است: در حفظ جمعیت و اراده ملی، ۶۶ درصد، در حفظ زیرساخت‌های اقتصادی و حمل‌ونقل کشور، ۶۷ درصد، در حفظ محصولات کلیدی کشور، ۷۹ درصد و در حفظ بنیه و توان دفاعی کشور، ۹۰ درصد بوده است.

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۵۰۰	حداقل	۲۵	حداکثر	۱۷۸۰۰۰	میانگین
		۵۰	تعداد مشاهدات	۲۰	دامنه تغییرات

میانگین محاسبه شده برای این متغیر ۱۷۸۰ است که با توجه به دامنه تغییرات طیف ۲۰ و حداکثر ۲۵ و حداقل ۵ این میانگین از میانگین متوسط ۱۵ بالاتر است. بدین معنی که پاسخگویان نقش فریب را در حفظ امنیت کشور بالاتر از میانگین ارزیابی کرده‌اند.

نمودار هیستوگرام متغیر فریب



سؤال پنجم تحقیق

پراکندگی و تفرقه بر امنیت کشور چه تأثیری دارد؟

جدول گزینه‌های مقیاس پراکندگی و تفرقه

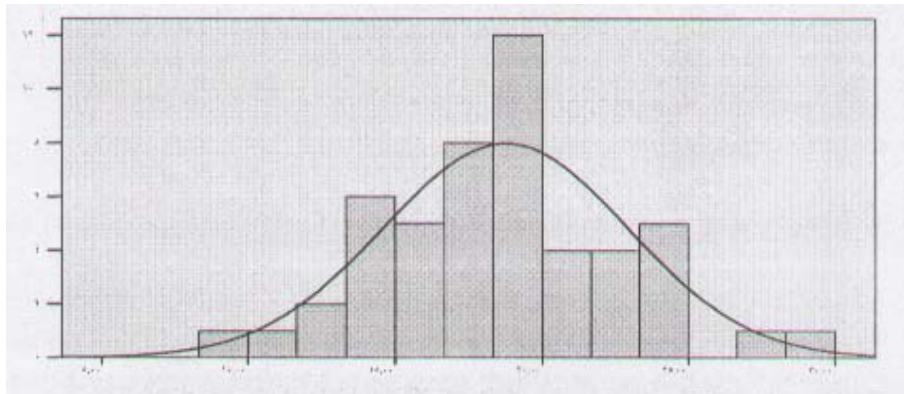
۱۰۰٪ خیلی زیاد		۸۰٪ زیاد		۶۰٪ نسبتاً زیاد		۴۰٪ متوسط		۲۰٪ کم		
p	F	p	F	P	F	p	F	p	F	
۲۲.۰	۱۱	۳۶.۰	۱۸	۲۶.۰	۱۳	۶.۰	۳			حفظ حاکمیت و رهبری ملی
۱۲.۰	۶	۳۶.۰	۱۸	۳۴.۰	۱۷	۶.۰	۳	۴.۰	۲	حفظ جمعیت و اراده ملی
۱۱.۸	۶	۴۵.۱	۲۳	۲۵.۵	۱۳	۱۱.۸	۶	۲.۰	۱	حفظ زیرساخت‌های اقتصادی
۱۳.۷	۷	۳۳.۳	۱۷	۳۳.۳	۱۷	۱۱.۸	۶	۲.۰	۱	حفظ محصولات کلیدی
۲۱.۶	۱۱	۳۵.۳	۱۸	۳۳.۳	۱۷	۵.۹	۳	۲.۰	۱	حفظ بنیه و توان دفاعی

نتایج جدول فوق حاکی از آن است که ۸۴ درصد پاسخگویان، نقش پراکندگی و تفرقه را در حفظ حاکمیت و رهبری ملی، نسبتاً زیاد تا خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. این میزان در مورد سایر شاخص‌های مقیاس پراکندگی و تفرقه، بدین شرح است: در حفظ جمعیت و اراده ملی، ۸۲ درصد، در حفظ زیرساخت‌های اقتصادی و حمل و نقل کشور، ۸۲ درصد، در حفظ محصولات کلیدی کشور، ۷۹ درصد و در حفظ بنیه و توان دفاعی کشور، ۹۰ درصد بوده است.

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۹.۰۰	حداقل	۲۶	حداکثر	۱۸.۷۶۰۰	میانگین
		۵۰	تعداد مشاهدات	۱۵	دامنه تغییرات

میانگین محاسبه شده برای این متغیر ۱۸.۷۶ است که با توجه به دامنه تغییرات طیف ۲۱ و حداکثر ۳۰ و حداقل ۹ این میانگین از میانگین متوسط ۱۶.۵ بالاتر است. بدین معنی که پاسخگویان نقش پراکندگی و تفرقه را در حفظ امنیت کشور بالاتر از میانگین ارزیابی کرده‌اند.

نمودار هیستوگرام متغیر



سؤال ششم تحقیق

تحرک و جابه‌جایی بر امنیت کشور چه تأثیری دارد؟

جدول گزینه‌های مقیاس تحرک و جابه‌جایی

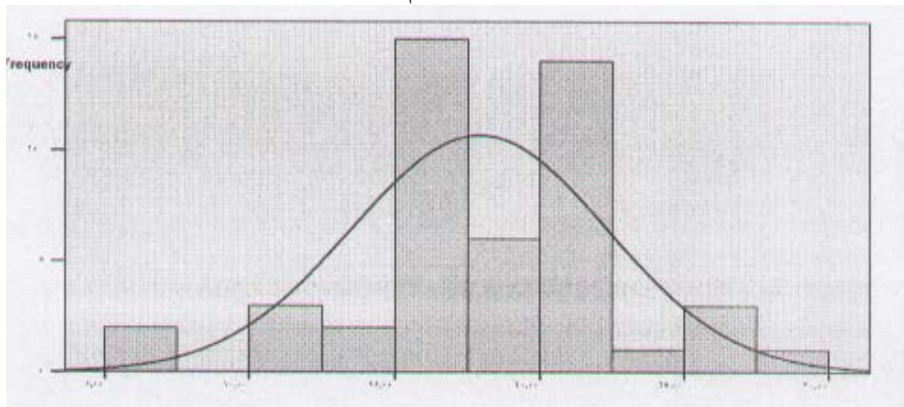
۱۰۰٪ خیلی زیاد		۸۰٪ زیاد		۶۰٪ نسبتاً زیاد		۴۰٪ متوسط		۲۰٪ کم		
p	F	p	F	p	F	p	F	p	F	
۱۴.۳	۷	۳۸.۸	۱۹	۳۶.۷	۱۸	۲.۰	۱	۴.۱	۲	حفظ حاکمیت و رهبری ملی
۱۰.۰	۵	۳۸.۰	۱۹	۳۲.۰	۱۶	۱۰.۰	۵	۴.۰	۲	حفظ جمعیت و اراده ملی
۸.۰	۴	۳۶.۰	۱۸	۳۸.۰	۱۹	۸.۰	۴	۸.۰	۴	حفظ زیرساخت‌های اقتصادی
۱۶.۰	۸	۳۰.۰	۱۵	۳۲.۰	۱۶	۱۰.۰	۵	۸.۰	۴	حفظ محصولات کلیدی
۱۴.۰	۷	۵۸.۰	۲۹	۱۸.۰	۹	۲.۰	۱	۴.۰	۲	حفظ بنیه و توان دفاعی

نتایج جدول فوق حاکی از آن است که ۸۷ درصد پاسخگویان، نقش تحرک و جابه‌جایی را در حفظ حاکمیت و رهبری ملی، نسبتاً زیاد تا خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. این میزان در مورد سایر شاخص‌های مقیاس تحرک و جابه‌جایی بدین شرح است: در حفظ جمعیت و اراده ملی، ۸۰ درصد، در حفظ زیرساخت‌های اقتصادی و حمل‌ونقل کشور، ۸۲ درصد، در حفظ محصولات کلیدی کشور، ۷۸ درصد و در حفظ بنیه و توان دفاعی کشور، ۹۰ درصد بوده است.

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۵.۰۰	حداقل	۲۸.۰۰	حداکثر	۱۷.۹۱۴۹	میانگین
		۴۷	تعداد مشاهدات	۲۳.۰۰	دامنه تغییرات

میانگین محاسبه شده برای این متغیر ۱۷.۹۱ است که با توجه به دامنه تغییرات طیف ۲۳ و حداکثر ۲۸/۵ و حداقل ۵ این میانگین از میانگین متوسط ۱۶.۵ بالاتر است. بدین معنی که پاسخگویان نقش تحرک و جابه‌جایی را در حفظ امنیت کشور بالاتر از میانگین ارزیابی کرده‌اند.

نمودار هیستوگرام متغیر



سؤال هفتم تحقیق

مقاومت‌سازی و استحکامات بر امنیت کشور چه تأثیری دارد؟

جدول گزینه‌های مقیاس مقاوم‌سازی

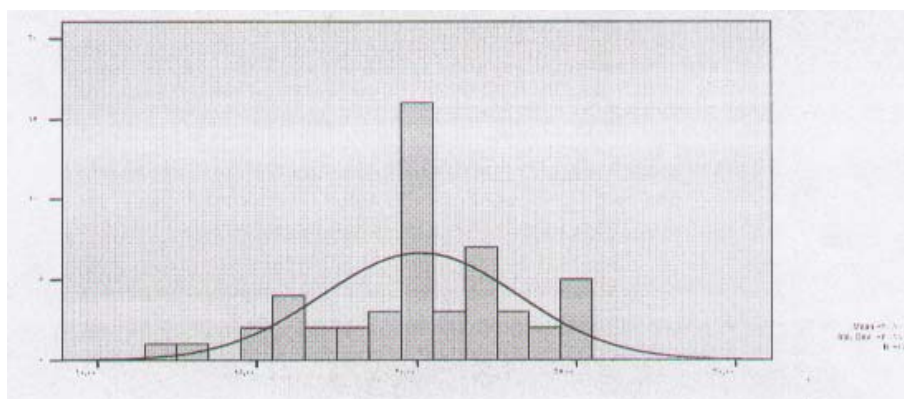
۲۰٪ کم		۴۰٪ متوسط		۶۰٪ نسبتاً زیاد		۸۰٪ زیاد		۱۰۰٪ خیلی زیاد		
p	F	p	F	p	F	p	F	p	F	
۲.۰	۱	۲.۰	۱	۶.۰	۱۱.۸	۳.۰	۵۸.۸	۱۱.۰	۲۱.۶	حفظ حاکمیت و رهبری ملی
										حفظ جمعیت و اراده ملی
										حفظ زیرساخت‌های اقتصادی
۳.۹	۲	۱.۰	۱۱.۸	۱۰.۰	۱۹.۶	۲۶.۰	۵۱.۰	۱۳.۰	۲۵.۵	حفظ محصولات کلیدی
										حفظ بنیه و توان دفاعی
		۳.۹	۲	۷.۰	۱۳.۷	۲۶.۰	۵۱.۰	۱۶.۰	۳۱.۴	

نتایج جدول فوق حاکی از آن است که ۹۱ درصد پاسخگویان، نقش مقاومسازی را در حفظ حاکمیت و رهبری ملی، نسبتاً زیاد تا خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. این میزان در مورد سایر شاخص‌های مقیاس مقاومسازی بدین شرح است: در حفظ جمعیت و اراده ملی، ۸۴ درصد، در حفظ زیرساخت‌های اقتصادی و حمل‌ونقل کشور، ۹۹ درصد، در حفظ محصولات کلیدی کشور، ۹۶ درصد و در حفظ بنیه و توان دفاعی کشور، ۹۶ درصد بوده است.

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۱۲.۰۰	حداقل	۲۵.۰۰	حداکثر	۲۰.۰۹۸۰	میانگین
		۵۱	تعداد مشاهدات	۱۳.۰۰	دامنه تغییرات

میانگین محاسبه شده برای این متغیر ۲۰.۹۸ است که با توجه به دامنه تغییرات طیف ۱۳ و حداکثر ۲۵ و حداقل ۱۲ این میانگین از میانگین متوسط ۱۸.۵ بالاتر است. بدین معنی که پاسخگویان نقش مقاومسازی را در حفظ امنیت کشور بالاتر از میانگین ارزیابی کرده‌اند.

نمودار هیستوگرام متغیر مقاومسازی و استحکامات



سؤال هشتم تحقیق

ایجاد سیستم‌های هشدار دهنده بر امنیت کشور چه تأثیری دارد؟

جدول گزینه‌های مقیاس سیستم‌های هشداردهنده

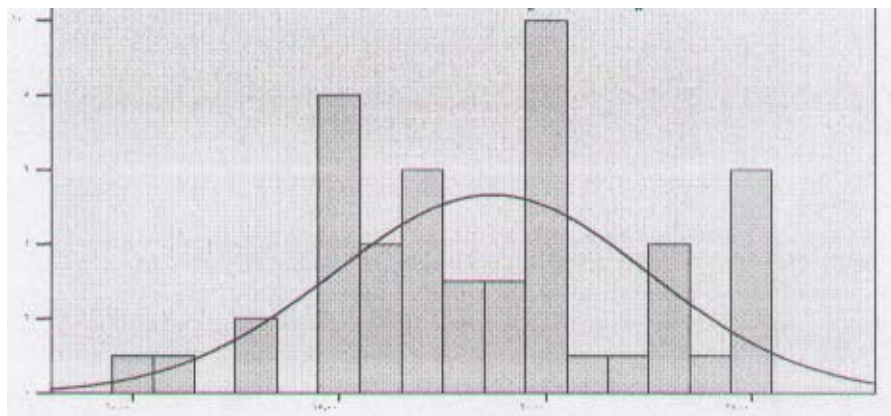
%۱۰۰ خیلی زیاد		%۸۰ زیاد		%۶۰ نسبتاً زیاد		%۴۰ متوسط		%۲۰ کم		
p	F	p	F	P	F	p	F	p	F	
۱۹.۶	۱۰	۴۹.۰	۲۵	۱۳.۷	۷	۱۱.۸	۶	۳.۹	۲	حفظ حاکمیت و رهبری ملی
۱۷.۶	۹	۴۵.۱	۲۳	۲۷.۵	۱۴	۵.۹	۳	۲.۰	۱	حفظ جمعیت و اراده ملی
۲۱.۶	۱۱	۳۱.۴	۱۶	۳۹.۲	۲۰	۷.۸	۴			حفظ زیرساخت‌های اقتصادی
۲۳.۵	۱۲	۳۵.۳	۱۸	۲۷.۵	۱۴	۱۱.۸	۶	۲.۰	۱	حفظ محصولات کلیدی
۲۳.۵	۱۲	۴۳.۱	۲۲	۲۷.۵	۱۴	۵.۹	۳			حفظ بنیه و توان دفاعی

نتایج جدول فوق حاکی از آن است که ۸۲ درصد پاسخگویان، نقش سیستم‌های هشداردهنده را در حفظ حاکمیت و رهبری ملی، نسبتاً زیاد تا خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. این میزان در مورد سایر شاخص‌های مقیاس سیستم‌های هشداردهنده بدین شرح است: در حفظ جمعیت و اراده ملی، ۹۰ درصد، در حفظ زیرساخت‌های اقتصادی و حمل و نقل کشور، ۹۲ درصد، در حفظ محصولات کلیدی کشور، ۸۶ درصد و در حفظ بنیه و توان دفاعی کشور، ۹۴ درصد بوده است.

مقدار	شاخص	مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
۱۰.۰۰	حداقل	۲۵.۰۰	حداکثر	۱۸.۶۸۳	میانگین
		۵۱	تعداد مشاهدات	۱۵.۰۰	دامنه تغییرات

میانگین محاسبه شده برای این متغیر ۱۸.۶۸ است که با توجه به دامنه تغییرات طیف ۱۵ و حداکثر ۲۵ و حداقل ۱۰ این میانگین از میانگین متوسط ۱۷.۵ بالاتر است. بدین معنی که پاسخگویان نقش سیستم‌های هشدار دهنده را در حفظ امنیت کشور بالاتر از میانگین ارزیابی کرده‌اند.

نمودار هیستوگرام متغیر ایجاد سیستم‌های هشدار دهنده



(ب) تحلیل داده‌ها

سؤال اصلی تحقیق

آیا پدافند غیرعامل در حفظ امنیت کشور تأثیر معناداری دارد؟

با توجه به اینکه پس از انجام آزمون کولوگروف اسمیرنوف و نرمال بودن توزیع داده‌ها لذا برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آماره‌های پارامتریک استفاده شده است.

جدول آزمون تی استیودنت و معناداری متغیرهای تحقیق

متغیرها	تعداد	میانگین	آزمون تی	درجه آزادی	معنی داری آزمون تی
مکان‌یابی	۴۸	۱۹.۹۵۸۳	۳.۶۶۶۷۵	۵۲۹۲۵	۰.۱۸
استتار	۵۰	۱۸.۴۶۰۰	۲.۶۵۹	۴۹	۰.۱۱
فریب	۵۰	۱۷.۸۰۰	۳.۳۰۹	۴۹	۰.۰۲
مقاوم سازی	۵۱	۲۰.۰۹۸۰	۳.۷۲۰	۵۰	۰.۰۱
پوشش	۴۸	۱۸.۵۴۱۷	- ۱.۷۴۸	۴۷	۰.۸۷
سیستم‌های هشدار دهنده	۵۱	۱۸.۶۸۶۳	۲.۲۱۶	۵۰	۰.۳۱
تفرقه و پراکندگی	۵۰	۱۸.۷۶۰۰	- ۱.۲۵۷	۴۹	۲.۱۵
تحرک و جابه‌جایی	۴۷	۱۷.۹۱۴۹	۲.۲۱۱	۴۶	۰.۳۲

نتایج آزمون تی حاکی از امتیاز بیشتر متغیرهای مکان‌یابی، استتار، فریب، مقاوم‌سازی، سیستم‌های هشدار دهنده و تحرک و جابه‌جایی است. و تأثیر متغیرهای پوشش و تفرقه و پراکندگی معنادار نبوده است. کم‌تر امتیاز آورده‌اند که این مسئله از اهمیت آنها نمی‌کاهد و فقط درجه‌بندی کردن اهمیت و اولویت آن را مشخص می‌کند.

رتبه میانگین تأثیر متغیرهای مستقل بر امنیت کشور

پس از تعیین معناداری تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، اکنون این سؤال مطرح می‌شود که تأثیر کدامیک از متغیرهای مستقل بر امنیت کشور بیشتر و کدامیک کمتر بوده است.

جدول آزمون فریدمن و معنی داری رتبه میانگینی متغیرهای مستقل

۴۴	تعداد
۲۷.۵۱۳	آزمون کای اسکوئر
۷	درجه آزادی
۰.۰۰	معنی داری

نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد که رتبه‌های میانگین متغیرهای مستقل تفاوت معنی‌داری با یکدیگر دارند.

جدول آزمون فریدمن و رتبه میانگینی متغیرهای مستقل

رتبه میانگینی	متغیرهای مستقل
۵.۳۳	مکان‌یابی
۴.۲۵	استتار
۴.۱۵	پوشش
۴.۰۷	فریب
۴.۲۳	تفرقه و پراکندگی
۳.۶۸	تحرک و جابه‌جایی
۵.۶۹	مقاوم‌سازی و استحکامات
۴.۶۰	ایجاد سیستم‌های هشداردهنده

پس از آنکه مشخص شد که رتبه‌های میانگین متغیرهای مستقل با یکدیگر تفاوت دارند، نتایج نشان دهنده تأثیر متغیرهای مستقل به ترتیب، مقاوم‌سازی و استحکامات، مکان‌یابی، ایجاد سیستم‌های هشداردهنده، استتار، تفرقه و پراکندگی، پوشش، فریب و تحرک و جابه‌جایی است.

جمع بندی و پیشنهاد

با عنایت به هدف اصلی این تحقیق که به بررسی نقش پدافند غیرعامل در امنیت کشور می‌پردازد. برخی از عوامل و مؤلفه‌های مؤثر در امنیت که عبارت بودند از: حفظ حاکمیت و رهبری ملی، حفظ جمعیت و اراده ملی، حفظ زیرساخت‌های اقتصادی و حمل‌ونقل، حفظ محصولات کلیدی و حفظ بنیه و توان دفاعی مورد بررسی قرار گرفته و ابتدا مؤلفه‌های پدافند غیرعامل و رابطه آنها با عوامل تشکیل دهنده امنیت کشور مطالعه شد و سپس تأثیر عوامل مذکور بر امنیت کشور در یک تحقیق پیمایشی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و با روش‌های آماری سنجیده شد.

نتیجه حاصله اذعان می‌نماید که به ترتیب عوامل مقاوم‌سازی، مکان‌یابی و سیستم‌های هشداردهنده، استتار، تفرقه و پراکندگی، پوشش، فریب و تحرک و جابه‌جایی بیشترین تأثیر را بر امنیت کشور دارند. بر این اساس تمرکز تلاش‌ها در کشور برای حفظ و ارتقاء امنیت در حوزه پدافند غیرعامل باید بر مؤلفه‌های یاد شده (به ترتیب اولویت) متمرکز و ساز و کارهای لازم برای تقویت آن فراهم گردد. لذا بر مقامات و مسئولین کشور است که از مجموعه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های کشور برای مواجهه با تهدیدات هوایی و دریایی دشمن که توانایی خسارت وارد کردن هدف‌ها مرتبط با امنیت کشور را دارند استفاده کرده و با طرح‌ریزی و مهندسی مجدد امنیت کشور از ارتقاء بخشند و خسارات و تلفات را به حداقل کاهش دهند.

منابع

الف) فارسی

- ۱ - آیین‌نامه اجرایی ماده ۴ بند (۱۱) و (۱۲) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- ۲ - بهزادی، حمید، اصول روابط بین‌الملل، تهران، ۱۳۷۵.
- ۳ - جدول ماتریسی، اولویت‌بندی مراکز ثقل، مصوب کمیته دائمی پدافند غیرعامل کشور، ۱۳۸۵.
- ۴ - روزنامه اطلاعات، خسارت‌های جنگ تحمیلی، گزارش هیأت کارشناسی سازمان ملل متحد، ۱۳۷۰.
- ۵ - روش‌اندل، جلیل، امنیت ملی و نظامی بین‌المللی، انتشارات تهران، ۱۳۷۴.
- ۶ - صفوی، سیدیحیی، نقش پدافند سپاه در تأمین امنیت داخلی کشور، نقش سپاه در دفاع و امنیت ملی کشور، انتشارات سپاه، ۱۳۸۵.
- ۷ - عامری، هوشنگ، اصول روابط بین‌المللی، انتشارات آگاه، ۱۳۸۰.
- ۸ - علی‌بابایی، غلامرضا، فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌الملل، نشر مفید، تهران، ۱۳۶۹.
- ۹ - عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
- ۱۰ - قرآن مجید، سوره انبیاء، آیه ۸۰.
- ۱۱ - قرآن مجید، سوره مائده، آیه ۳۲.
- ۱۲ - فصلنامه سیاست دفاعی، سال دوم، شماره ۲، تهران، بهار ۱۳۷۷.
- ۱۳ - محمدنژاد، میرعلی، نقش سپاه در امنیت ملی و دفاع از کشور، انتشارات نیروی زمینی سپاه، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۴ - موحدی‌نیا، جعفر، مفاهیم نظری و عملی دفاع غیرعامل، معاونت آموزش و نیروی انسانی، مرکز برنامه‌ریزی و تالیف کتاب‌های درسی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.
- ۱۵ - نصری، محسن، سپاه، امنیت ملی، نقش سپاه در دفاع و امنیت کشور، انتشارات سپاه، ۱۳۷۵.
- ۱۶ - وزارت امور خارجه، ماهنامه سیاست خارجی، سال اول، شماره دوم، تهران، ۱۳۶۶.
- ۱۷ - هافندرون، هلگا، نظریه‌پردازی و ایجاد قواعد در زمینه امنیت بین‌المللی، ترجمه علیرضا طیب، مجله سیاست خارجی، شماره ۹.

ب) انگلیسی

- 18 - A study of Clauswitz concept of the gravity centers - col.john warden. 1988.
- 19 - Camouflage - concealment and decoys - headquarters - Department of Army Washington. DC-30 August 1999.

جایگاه سیاست در اقتدار ملی از دیدگاه علی^(ع)

محمدباقر بابایی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۲۸

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۲/۵

صفحات مقاله: ۱۶۵-۲۰۳

چکیده

میزان اقتدار ملی مهم‌ترین شاخص ارزیابی توانمندی کشورها شمرده می‌شود و مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی از عوامل اثرگذار در آن می‌باشند که در بهترین وضعیت بین این عوامل تعامل هم‌افزایی برقرار می‌شود، سؤال اساسی در این تعامل این است که چه عواملی نقش اساسی و پایه‌ای دارد و در توسعه کشور دولت مردان به کدامین مؤلفه باید بیشترین نقش را داده و در توسعه عناصر آن سرمایه‌گذاری نمایند؟ برای افزایش قدرت و اقتدار ملی به کدامین مؤلفه باید اولویت سرمایه‌گذاری و توسعه داد؟ و با چه روشی می‌توان اولویت بین آنها را تعیین کرد؟ با توجه به ویژگی جمهوری اسلامی و الگوی زمامداری آن، دولت‌مردان در سرمایه‌گذاری به کدامین مؤلفه باید اولویت دهند؟ و جایگاه سیاست در این تعامل چگونه باید باشد؟ و سیاست چه ارتباط منطقی می‌تواند با دیگر مؤلفه‌ها داشته باشد؟ تحلیل محتوا در خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار باقی مانده از امیرالمومنین^(ع) گویای این حقیقت شد که حضرت علی^(ع) در مدت زمامداری (الگوی حکومت جمهوری اسلامی ایران) به مؤلفه فرهنگ اولویت بیشتری می‌دادند و اولویت‌دهی ایشان به معنای توسعه و تعمیق مبانی نظری و ارزشی در مؤلفه‌های دیگر قدرت و اقتدار ملی می‌بود به طوری که رفتارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی امیرالمومنین^(ع) در دوره زمامداری بر پایه عناصر خدا محوری، واقع‌بینی، حق‌مداری، کمال‌جویی و انسان‌محوری شکل، هویت و جهت

۱ - عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین^(ع).

می‌گرفت. سیاست نیز از این قاعده مستثنی نبود بلکه دستورات، تصمیم‌ها و رفتارهای سیاسی و حکومتی امام^(ع) از مبانی فوق‌نشأت گرفته و هویت و جهت می‌یافت و اصول انسانی، خاستگاه سیاست و مقوم ارزش آن است، تا جایی که هرگونه تلاش سیاسی خارج از این چارچوب، پیروی از هوا و هوس، و زیان و خسران تلقی می‌شود. این مقاله به پشتوانه پژوهش و تحلیل محتوای نهج‌البلاغه تهیه شده است.

* * * * *

کلید واژگان

سیاست، اقتدار ملی، مؤلفه‌های اقتدار ملی، واقع‌گرایی، حق‌مداری، کمال‌جویی، خدامحوری و

انسان‌مداری

مقدمه

رشد و تعالی کشورها در عرصه‌های مختلف داخلی و خارجی حاکی از اقتدار و قدرت ملی بالای آنهاست. اقتدار یک حکومت در مقابل تحولات داخلی و خارجی، از کیفیت تعامل عوامل تشکیل‌دهنده‌ی قدرت ملی نشأت می‌گیرد و قدرت ملی مقوله‌ای است که از مؤلفه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی برخاسته از مبانی و لایه‌های ارزشی حاکم بر جوامع تشکیل می‌شود؛ یعنی بر ایند این فعالیت‌ها در حوزه‌های مختلف، میزان قدرت ملی را مشخص می‌سازد به طوری که شدت و ضعف قدرت ملی به شدت و ضعف این مؤلفه‌ها و نوع هم‌افزایی^۱ بین آنها، بستگی دارد. از این رو، هرچه این مؤلفه‌ها از توانایی، هماهنگی و هم‌افزایی بیشتری برخوردار باشند، کشور از قدرت و اقتدار ملی بیشتری برخوردار می‌گردد.

حکومت جمهوری اسلامی ایران بر اساس مقدمه قانون اساسی و رهنمودهای حضرت امام^(ره) و مقام معظم رهبری با الگوگیری از زمامداری حضرت علی^(ع) شکل گرفته است و برای این که بتواند پویایی خود را در بستر زمان در مقابل تحولات داخلی و خارجی حفظ

1 - Synergy

نماید؛ چنان‌که رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند؛ باید همت خود را در این قرار دهد تا بتواند به آن الگو نزدیک گردد.

”همت جمهوری اسلامی باید این باشد که خود را به آن الگویی که در غدیر معرفی شد و در دوران پنج ساله‌ی حکومت امیرالمؤمنین^(ع) نمونه‌ی آن نشان داده شد، نزدیک کند.

امروز در جمهوری اسلامی اگر بخواهیم سعادت این کشور تأمین شود و مردم عزیز ایران با توانایی‌هایی که خدای متعال در جوهر این کشور و این ملت قرار داده، به تمنیات و آرزوهای مشروع برسند، باید همان خط الگوی حکومت امیرالمؤمنین^(ع) را دنبال کنیم و دین و دنیای خود را از روی آن حکومت، الگو بگیریم.“ (روزنامه جمهوری اسلامی، ۸۰/۱۲/۱۳)

امروزه می‌توان رفتارهای امیرالمؤمنین^(ع) در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی را در دو عرصه‌ی فردی و اجتماعی در کتب روایی مورد مطالعه قرار داد که با ارزش‌ترین و بارزترین آن نهج‌البلاغه است؛ همچنان‌که رهبر کبیر انقلاب اسلامی می‌فرماید:

”ما مفتخریم که کتاب نهج‌البلاغه که بعد از قرآن بزرگ‌ترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات، از امام اول معصوم ماست.“ (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۷۸)

تأملی در مفهوم سیاست

سیاست در اصطلاح، تعاریف مختلفی یافته است و آرایه‌ی یک تعریف جامع و مانع از آن امری سهل و ممتنع می‌باشد، ولی در جمع‌بندی، سیاست به معنی مدیریت کلان دولت و راهبرد امور عمومی در جهت مصلحت جمعی و انتخاب روش‌های بهتر در اداره‌ی شؤون کشور، یا علم اداره‌ی یک جامعه‌ی متشکل و یا هنر تمشیت امور مردم در رابطه با دولت، آمده است که ارتباط با زندگی انسان‌ها دارد. (زنجانی، ۱۳۷۴: ۵۶)

در متون دینی نیز، این واژه مکرراً به کار رفته است. از جمله اوصافی که در ادعیه و

زیارت‌ها برای ائمه اطهار^(ع) وارد شده، (ساسه العباده) است. در زیارت جامعه آمده است: «السلام علیکم یا اهل بیت النبوه ... و دعائم الدین و ساسه العباده» در برخی احادیث آمده: «نحن ساسه لعباده»، امام صادق^(ع) در معرفی اهل بیت می‌فرماید: «و نحن اخیار الدهر و نوامیس العصر و نحن ساسه العباده و ساسه البلاد» (بحار الانوار: ۳۷) از این رو، در مکتب اسلام تدبیر امور جامعه و اعمال سیاست از خصایص رهبران الهی معرفی شده است که به واسطه‌ی آن، انسان‌ها در مسیر هدف خلقت تربیت می‌شوند. بر حسب روایات اسلامی سیاست و حکومت، شعبه‌ای از امامت است و یکی از ویژگی‌های امام، آگاهی به سیاست می‌باشد: «والامام ... مضطلع بالامامه، عالم بالسیاسه» (همان: ۳۴۱)

در تمام دوره‌های تاریخ بشری، همه‌ی فیلسوفان، از افلاطون و ارسطو، تا هابس، لاک، روسو و دیگران در پی آن بودند که بحران‌ها، معضلات و تضادهای درون جامعه را ریشه‌یابی کنند و شیوه‌های معقول دستیابی به نظم مطلوب را برای سعادت بشر نشان دهند. هر یک بر اساس بینش و نگرش خاص خود نسبت به انسان، جامعه، حکومت و دیگر پدیده‌ها و مفاهیم و ساخت‌های سیاسی - اجتماعی، آرای خود را تجویز می‌کردند.

افلاطون، تنها فیلسوفان را واجد شرایط برای حکومت می‌دانست و ارسطو به حاکمیت اکثریت مردم اعتقاد داشت. لاک انسان را موجودی خردمند و آزاد و هابس او را موجودی درنده‌خوی که همواره باید مهار زده شود، می‌دانست. (بابانی، ۱۳۸۴: ۱۶۰)

رهیافت‌های سیاسی

اختلاف نظر در مفهوم سیاست به عوامل متعددی برمی‌گردد که مهم‌ترین آن، اختلاف در نوع نگرش فلاسفه و دانشمندان علوم سیاسی است به طوری که گروهی تأکید بر اصالت فرد کرده و دسته‌ای بر اصالت اجتماع اصرار ورزیده‌اند. گاهی مانند لیبرالیسم، منافع فردی ملاک عمل حکومت‌ها بوده و زمانی مانند سوسیالیسم، منافع جمعی ملاک حرکت در جامعه بوده است. ایدئولوژی‌ها بر همین روال شکل گرفته و فلسفه‌ی سیاسی خود را تدوین و تبیین کرده‌اند. از این رو، فرهنگ سیاسی، مجموعه‌ی باورها، بینش‌ها، ارزش‌ها، معیارها و عقایدی

است که در طول زمان صیقل خورده و در قالب آنها رفتارها و ساختارهای سیاسی شکل گرفته‌اند. فرهنگ سیاسی بازتاب نظام سیاسی، فکری و عقیدتی و تاریخ زندگی افراد جامعه‌ای است که آن را به وجود آورده و از آن تغذیه می‌کنند.

اصولاً زمینه‌ی جنبش‌های بزرگ تاریخی به پایمردی روشنفکران فراهم شده است؛ انسان‌هایی که حرفه‌ی آنان اندیشیدن، تعلیم اندیشه‌های خود و کسانی که تفکر و انتشار اندیشه‌هایشان را کاری بنیادی و بنیان‌ساز می‌دانند، بوده است. به سخن «آلن دونبوا»؛ اگر «مارکس»ی در کار نبود «لنین»ی به وجود نمی‌آمد و اگر «هیوم»ی نبود «هیتلر»ی ظاهر نمی‌شد. دگرگونی در اندیشه‌ها و ذهنیت‌ها زمینه‌ساز دگرگونی سیاسی است. (آلن دونبوا، بی‌تا: ۲۶) از خلال این آرا و اندیشه‌ها، مکتب‌های مختلف در علوم سیاسی ایجاد شدند که غایت همه‌ی آنها رسیدن به جامعه‌ای است که در آن انسان‌های فارغ از ترس، ظلم، بی‌عدالتی و... در محیطی آرام و پویا به رشد و تعالی برسند.

امروزه در ادبیات سیاسی، نظریه‌های سیاسی را در قالب دو مکتب «آرمان‌گرایی» و «واقع‌گرایی» تقسیم می‌کنند که هر دو، شاکله‌ی اصلی روش سنتی - هنجاری را تشکیل می‌دهند. هر کدام از دو مکتب از نظریه‌های رقیب و بعضاً متعارض حمایت می‌کنند ولی در عین اختلاف، در نوعی همزیستی به سر می‌برند. اختلاف اساسی میان آنها عمدتاً روی پیش‌فرض‌های آنان در مورد عناصر تحلیل، یعنی انسان، جامعه و حکومت در سطح ملی و دولت - ملت، جامعه‌ی جهانی و نظام بین‌المللی در سطح کلان است.

از نگاه واقع‌گرایی، اختلاف و کشمکش در ذات روابط میان افراد و جامعه نهفته است. بنابراین، احتیاط و دوراندیشی همواره حکم می‌کند که ما آمادگی برخورد با چنین وضعیت‌هایی را داشته باشیم. به عبارت دیگر، آمادگی برای مقابله با مناقشات و بحران‌ها یک ضرورت است و نه یک انتخاب. (John Herz, 1958)

برای واقع‌گرایان دو مفهوم اساسی یعنی قدرت و امنیت نقش کلیدی دارند؛ با این پیش‌فرض که بدون قدرت هیچ‌گونه امنیتی در روابط بین‌الملل متصور نیست. از این دیدگاه، آرمان صلح و یک جامعه‌ی جهانی تابعی است از رقابت میان بازیگران متعدد برای کسب امتیاز

بیشتر و ارتقای منافع ملی در مقابل رقبا و سایر بازیگران. در واقع، پیش‌فرض این مکتب از وضعیت جهانی و نظام بین‌الملل، «هرج و مرج» است؛ به این مفهوم که هیچ اقتدار و برتری (به تعبیر لویاتان هابس) برای تضمین و استقرار نظم وجود ندارد. یعنی نظم موجود در روابط بین‌الملل، محصول نوعی توازن ظریف قدرت است که در آن هر دولت یا ائتلافی از دولت‌ها می‌کوشند قدرت دیگران را خنثی کنند.

مکتب ایده‌آلیسم نیز بر وجود اختلاف و کشمکش در روابط بین‌الملل اعتقاد دارد اما این اختلاف را امری اجتناب‌ناپذیر و ناشی از شرایط انسانی قلمداد نمی‌کند. یعنی کشمکش به عنوان یک هنجار تلقی نمی‌شود، بلکه عدول از همگونی طبیعی منافع به حساب می‌آید، زیرا پیش‌فرض آرمان‌گرایی، سرشت خوب و مسالمت‌جوی انسان است که به زعم واقع‌گرایان، شرور، خودخواه، زیاده‌جو و خشن تلقی می‌گردد. این مکتب برای تدبیر روابط اجتماعی و بین‌المللی به اخلاق متکی است نه منافع. همچنین اعتقادی به کاربرد زور برای تأمین منافع ملی ندارد و معتقد است که حیات سیاسی ملت‌ها یک سلسله قوانین و هنجارهایی را الزام‌آور می‌کند که در آن، حقوق، و تکالیف متقابل دولت‌ها در روابط میان آنها معین می‌گردد. این حقوق خود ریشه در قوانین طبیعی دارد که عدول از آنها نه جایز است و نه شایسته‌ی انسان متمدن.

واقع‌گرایان، به رهیافت‌های تجربی سیاست‌گرایی داشته و مصلحت و دوراندیشی را راهنمای حرکت خود دانسته و هر واقعه را به مقتضا و اعتبار شأن آن مورد ملاحظه قرار می‌دهند، درحالی‌که آرمان‌گرایان هر پدیده یا واقعه را با معیارها و اصول انتزاعی تفکر می‌سنجند.

پست‌مدرنیست‌های سیاسی با به چالش کشیدن مبانی و پیش‌فرض‌های مکتب واقع‌گرایی، طرحی جدید در سیاست به‌راه انداخته و محور کارشان را بر پایه‌ی قدرت و رابطه‌ی آن با دانش قرار داده‌اند. از این جهت، گاهی آنها را سوپرنالیست قلمداد می‌کنند. ولی آنها برخی مفاهیم اساسی روابط بین‌الملل، از جمله دولت، حاکمیت و اصل عدم مداخله را

قبول ندارند و تأکید آنها عمدتاً بر معرفت، دانش^۱، تولید آن و نقش گفتمان مسلط در این فرایند است. طرفداران پست‌مدرن با زیر سؤال بردن تفکیک میان قدرت و معرفت مدعی هستند که هر قدرتی ظرفیت تولید دانش مورد نظر را دارد و از این طریق امکان ایجاد سلطه و تنظیم رفتار و اندیشه فرد فراهم می‌گردد و لذا هر معرفتی مبین و مولود نوعی رابطه‌ی قدرت در جامعه است. از دیدگاه آنها بحث و گفتمان و به عبارتی گفتمان حاکمیت نیز محصول رابطه‌ی معرفت و قدرت است که با تفکیک میان خودی و بیگانه مشخص می‌کند که چه کسانی راه به این عرصه (حاکمیت) دارند و کدام افراد یا گروه‌هایی بیرون از دایره‌ی حاکمیت و قدرت قرار می‌گیرند.

پست‌مدرنیست‌ها در جست‌وجوی یافتن پاسخ به این پرسش هستند که چه فراگردی باعث شد برخی جنبه‌های تاریخ بر دیگر ملاحظات تأثیر گذاشته و موجبات مشروعیت ساختار قدرت کنونی را فراهم آورند. همچنین در روابط بین‌الملل با تشخیص گفتمان غالب، در پی عواملی هستند که باعث کسب امتیاز برخی دولت‌ها به زیان دولت‌های دیگر شده است. آن‌چه مسلم است، در دوران جدید، نظریه‌های سیاسی، اجتماعی و روش‌های شناخت دچار تحول شده‌اند، اما به لحاظ محتوا آنها هنوز در پی شناخت انسان، جایگاه او در جامعه و روابطش با دولت‌ها هستند.

بسیاری از اندیشه‌ورزان علوم اجتماعی معتقدند که عامل فرهنگ زمینه‌ساز دگرگونی سیاسی و سایر بخش‌های جامعه است. از این دیدگاه دستیابی به قدرت سیاسی ممکن نیست مگر با در اختیارگرفتن قدرت فرهنگی. برخی نظریه‌پردازان متأخر، فرهنگ‌های سیاسی را به سه دسته تقسیم می‌کنند:

۱ - فرهنگ «محدود» با ویژگی‌های محلی و سرسپردگی مطلق به قدرت؛

۲ - فرهنگ «انقیادی» با ویژگی‌های آگاهی ملی و اطاعت‌پذیری؛

۳ - فرهنگ «مشارکت» که دارای ویژگی‌های آگاهی ملی، آزادی‌های فردی و مشارکت آگاهانه در امور سیاسی و حکومتی است. به عقیده این گروه فرهنگ سیاسی مطلوب، آمیزه‌ای از سه نوع فوق است که در آن، شهروندان در تصمیمات شرکت می‌جویند و فرهنگ سیاسی دموکراتیک آن منعکس کننده‌ی اعتقادات، بینش‌ها، هنجارها و شیوه‌ی استنباط‌هایی است که مشارکت را تأیید و ترغیب می‌کند. (Gabriel, 1963: 6)

بعضی از اندیشمندان سیاسی مثل «دیوید موریس» بر این عقیده‌اند که تمام اندیشه‌های سیاسی که در چارچوب مکتب‌های مختلف عرضه می‌شوند به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر با نوعی ایدئولوژی هم‌بستر هستند، حتی برخی مدعی‌اند که اساساً فلسفه‌ی سیاسی چیزی جز ایدئولوژی سیاسی نیست. (David, 1996: 23)

و نباید فراموش کرد که اندیشه‌ی سیاسی در بستر فرهنگی یک جامعه زاییده می‌شود، شکل می‌گیرد و متحول می‌گردد. روند تکامل این تغییرات از نیروها و چالش‌های درونی تأثیر می‌پذیرد. معمولاً کشورهای کهن در سیر حرکت تاریخی خود پیوسته در معرض تهاجم اندیشه‌های گوناگون از محیط بیرونی قرار گرفته و مهد خیزش این افکار و اندیشه‌ها شده و یا محیطی برای آزمون آنها گردیده‌اند.

اقتدار ملی

اقتدار ملی از مقوله‌های است که از تعامل مؤلفه‌های (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی) به‌دست می‌آید به عبارت دیگر این مقوله به صورت مشخص دارای وجود خارجی نیست بلکه امری است که از ترکیب و تعامل چند عنصر حاصل می‌گردد. و به مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور وجود دارد، گفته می‌شود. (کاظمی، ۱۳۷۸: ۱۷۰) گرچه تبدیل قدرت به اقتدار نیازمند ویژگی‌های است که مؤلفه‌ی ارزش‌ها در آن از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است به طوری که «استیون لوکس» با بررسی زوایای مختلف قدرت سیاسی و مطالعه نظریات برتراند راسل، ماکس وبر، یورگن هابرماس، رابرت دال،

هانا آرنه، تالکوت پارسونز، میشل فوکو و ریمون آرون به این نتیجه می‌رسد که جوهره قدرت بافتی ارزشی دارد (افتخاری، ۱۳۸۰: ۳۹) و اعلام می‌کند:

“در واقع بحث من این است که قدرت جزء آن دسته مفاهیمی است که به طور ریشه‌دار به ارزش‌ها وابسته است. منظور من این است که هم تعریف و هم گونه استفاده از آن، همین که تعیین یافت به صورت غیرقابل تفکیکی با مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌های ارزشی گره خورده است که دامنه کاربرد آن تجربی آن را از پیش تعیین می‌کند.” (لوکس، ۱۳۷۲: ۳۷)

نگاه دقیق و منطقی به تحلیل‌های اقتدار ملی بیانگر این نکته است که رویکردهای لائیک و غیرلائیک به یک نقطه واحد می‌رسند که در آن قدرت و به تبع آن اقتدار منشاء دوگانه زمینی و آسمانی دارند. لذا مشاهده می‌شود که نظام‌های سکولار نیز توجه به اعتقادات ارزشی - ولو در حد فردی - برای تحکیم قدرت و باز تعریف آن در اقتدار، علی‌رغم اعتقاد به ضرورت عدم حضور دین در عرصه سیاست را به صورت جدی طرح می‌کنند و بازیگران سیاسی به هیچ وجه از آن غافل نمی‌باشند ولی نباید از این نکته غافل شد که گرایش به نقش عوامل معنوی و ارزشی در قدرت و به تبع آن در اقتدار رویکردهای مختلفی دارد که به تناسب مقاله به تعدادی از آنها اشاره می‌گردد:

۱ - ابزارنگری دین: اولین تلقی که این گروه دارند نگاه ابزاری به دین و عناصر آن می‌باشد و دین را ابزاری می‌شناسند که به کمک آن می‌توان قدرت را به اقتدار تبدیل نمود و لذا در طیف ماکیاولیستی علی‌رغم اعتقاد به سکولاریسم به حاکمان توصیه می‌کنند که در صورت نیاز به تخلق به اخلاق دینی و نمایش التزام دینی برای جذب مومنان به تنها کاری درست بلکه ضروری است تا از این طریق به توان اعتماد شهروندان را جلب کرد (هابز، ۱۳۸۰) بر پایه این توصیه است که در انتخابات آمریکا کاندیدهای ریاست جمهوری خود را مسیحی و چهره مذهبی نشان می‌دهند. (افتخاری، ۱۳۷۷)

۲ - الهیات سیاسی: تحقیقات «میلتون الین و الیزا کستن» نشان می‌دهد که در کنار وجه پرنسپال ابزاری دین در جوامع سکولار هنوز رگه‌های از مسیحیت بنیادگرا یافت می‌شود که

مسیحیت را چیزی فراتر از یک ابزار و عاملی مستقل در حوزه سیاست می‌شناسند و با تلاش طیف وسیعی از اندیشه‌گران دینی مانند «جی.بی.منز» و «یورگن مولتمان» الهیات سیاسی در اروپا شکل می‌گیرد (افتخاری، ۱۳۸۰) که از نمونه‌های بارز آن می‌توان به حضور مؤثر دین در باز تعریف قدرت و تبدیل آن به اقتدار اشاره داشت. به طوری که استکهاوس سخن از افول سکولاریسم می‌کند و عنصر دین را خیلی پررنگ نشان می‌دهد «در کار و بار سیاست باید دین را نیز به حساب آورد ... امری که دین به تنازع بکشد، سیاست نمی‌تواند به آسانی به آشتی وادارد و آنچه را دین متحد کرده باشد، سیاست به سادگی نمی‌تواند از هم بگسلد» (استکهاوس، ۱۳۷۴: ۵۱)

اولویت مؤلفه‌های اقتدار ملی از دیدگاه امیرالمومنین^(ع)

عناصر، تشکیل دهنده ماهیت قدرت ملی در چهار مؤلفه‌ی اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی می‌باشند، اما در شکل‌گیری قدرت ملی اثر کدام مؤلفه بیشتر از سایرین می‌باشد؟ و اصولاً طرح این سؤال درست است؟ و برای توسعه یک کشور به کدامین مؤلفه باید توجه عمده نمود؟ آیا این اولویت‌دهی در کشورهای مختلف می‌تواند متفاوت باشد؟ و در حکومت جمهوری اسلامی ایران به کدامین مؤلفه باید توجه جدی نمود؟

بر اساس رهیافت‌های گوناگون به سیاست، قدرت و اقتدار ملی و عناصر تشکیل دهنده آنها، وزن اولویت عناصر متعدد است و می‌توان گفت این عناصر همانند انگشت‌های دست می‌باشند با این که متفاوت در توان و جایگاه هستند ولی میزان کارایی دست به میزان همراهی آنها برمی‌گردد.

روش تحلیل

فاصله چهارده قرن از زمامداری علی علیه السلام و وجود نهج‌البلاغه، ایجاب می‌کند که با تحلیل محتوایی نهج‌البلاغه و اولویت‌بندی موضوعات مؤلفه‌های چهارگانه اقتدار ملی یعنی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بتوان تا حدودی جوابگوی این سؤالات در رویکرد علوی

شد به همین منظور ابتدا موضوعات بر اساس مؤلفه‌های اقتدار ملی طبقه‌بندی گردید و فراوانی آنها شمارش شد. و سپس بر اساس قوانین حاکم بر تحلیل محتوا و روش تحلیل آنتروپی (بابائی، ۱۳۸۴: ۱۲۳) موضوعات نرمالیزه گردید که جمع‌بندی آن به صورت زیر می‌باشد:

موضوع	فراوانی	نسبت موضوع‌ها	درصد
فرهنگی	۸۱۱	٪۷	۶۹
سیاسی	۲۷۳	٪۲	۲۳/۳
اقتصادی	۵۵	٪۰/۶	۴/۷
نظامی	۳۵	٪۰/۴	۳
جمع	۱۱۷۴	۱	۱۰۰

جدول گویای این است که اولویت موضوعات فرهنگی بیشترین اولویت را در زمامداری امیرالمومنین^(ع) داشتند و مؤلفه سیاسی در اولویت دوم قرار داشت، مراجعه به موضوعات فرهنگی گویای این است که از نظر امام^(ع) فرهنگ زیرساخت مؤلفه‌های دیگر می‌باشد و مراد از فرهنگ، شیوه زندگی است که جهت حرکت و سمت و سویی رفتارها را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر رفتارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و نظامی حضرت^(ع) بر اساس شاخص‌های فرهنگی، هویت و جهت یافته و شکل می‌گرفت. (همان: ۲۳۵)

مبانی سیاست از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام

یافته‌ها گویای این است که مؤلفه‌های واقع‌نگری، حق‌مداری، کمال‌جویی، خدامحوری و انسان‌مداری لایه زیرین فرهنگ از دیدگاه امیرالمومنین^(ع) را شکل می‌دهد و رفتار سیاسی ایشان نیز با این مؤلفه‌ها هویت می‌یابد.

عنصر واقع‌بینی

واقع در اصطلاح فلاسفه به چیزی اطلاق می‌شود که در نفس الامر است (سجادی، ۱۳۶۷) و در عرفان عبارت از معنایی است که «اندر دل پدید آید و بقا یابد؛ برخلاف خاطر» (سجادی، ۱۳۶۷: ۴۱۳) در اینجا مقصود از واقع همان نگاه فلسفی است؛ یعنی نفس الامر را دیدن و بر اساس آن مدیریت نمودن و مقصود از نفس الامر «حقیقت کار و یا حد ذات هر شیئی و به عبارتی، حقیقت عالم» (همان: ۲۰۰۱۲) است که با علم آشکار می‌شود.

در قاموس فرهنگ علوی، عالم هستی در نظامی شکل گرفته و تکوین یافته است که ضمیر باطنی آن از طریق علم کشف می‌گردد. دریافت این حقایق زمینه‌ای را فراهم می‌کند که به کمک آن انسان جهان را به تسخیر درآورده و در آن سلطه می‌راند «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَهُ وَبَاطِنَهُ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ» (لقمان، آیه ۲۰)

بستر تاریخ نمایشگاه صحنه‌هایی است که این توانمندی‌ها به صورت‌های مختلف به نمایش گذاشته شده است یکی از این‌ها، گفتمان حضرت سلیمان^(ع) با وزیران و یاران خویش می‌باشد. (سوره نمل)

عنصر حق‌مداری

حق در لغت به معانی «ثابت، موجود ثابت (متهی الارب، بی‌تا) و یا ثابتی که انکار آن روا نباشد»، (کشاف، بی‌تا) آمده است. در اصطلاح، در علوم مختلف بر اساس موردی که استعمال شده، مفهومی خاص پیدا کرده است، ولی همه‌ی آنها متضمن مفهوم وجودی هستند. (ابن‌سینا، ۱۳۷۵: ۹) حقیقت به امری گفته می‌شود که مطابق با واقع است، که مقابل آن کذب و دروغ می‌باشد. (دهخدا، بی‌تا: ۸۰۲۹)

امام^(ع) در تبیین حق‌گرایی، ابتدا به بیان حقیقت‌های ثابت و شگرف عالم آفرینش می‌پردازد و با اثبات خدایی که ایجاد کننده‌ی همه‌ی حقایق و هستی‌هاست، تصویری از نظام و سنت و قوانین تغییرناپذیر آن به بشریت عرضه می‌دارد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱) و با بیان جایگاه

انسان در این نظام، و هدف خاصی که بدان آفریده شده است، به راهبرد، سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی می‌پردازد که او را با هویت راستین به مقصد نهایی می‌رساند. (همان)

در فرهنگ علوی، پیامبران همان مدیران الهی هستند که مدیریت، هدایت و راهبری انسان‌ها به طرف کمال راستین را به عهده گرفته‌اند و ره‌آورد تلاش آنها، ارایه‌ی بایدها و نبایدها (حلال و حرام‌ها) یا سیاست‌هایی است که هویت راستین بشری را به تصویر می‌کشد و او را قادر می‌سازد تا با رعایت آنها، به سهولت به آن هویت دست یابد. از این‌رو، میزان موفقیت و سعادت یا شکست و شقاوت را، در گرو آموزه‌هایی می‌شناسد که از آنها به جا مانده است. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۰)

ج) کمال جویی

کمال، افزایش و زیادتی است که یک موجود در محیط هستی و وحدت خود به آن می‌رسد. (مطهری، بی‌تا، ۶۳) در فرهنگ علوی انسان‌ها به جهت مراتب وجودی دو نوع کمال دارند که با دست‌یابی به آنها به تکامل و رضایت‌مندی می‌رسند و حکومت‌ها ابزاری هستند که می‌توانند او را در این راه کمک نمایند:

۱ - **کمال علمی:** در این مرحله، انسان به جایگاهی می‌رسد که تمام اطلاعات در دست او قرار می‌گیرد دنیای از اطلاعات می‌شود که در جسم کوچک انسان جمع شده است. مرجع و کتاب آفرینش قرار می‌گیرد که هر حرفش بیانی از اسرار واقع می‌شود.

دواؤک فیک و ما تشعر و دواؤک منک و ما تنظر

و تحسب أنک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الأكبر

و أنت الكتاب المبین الذی بأحرفه یظهر المضمیر (دیوان، بی‌تا: ۱۷۵)

۲ - **کمال عملی:** در این مرحله انسان تمام وابستگی‌ها و علقه‌های دنیوی را از خود جدا می‌کند به جای اینکه او وابسته به دنیا شود دنیا وابسته به او می‌شود. (ملاصدرا، بی‌تا: ۷) و در حکومت، مردم به اندازه‌ای رشد می‌کنند به جای اینکه او وابسته به حکومت باشد حکومت وابسته به او می‌شود.

ج) خدامحوری

در جمیع مراتب زندگی باید به روشنی دانست که حرکت کلی تعریف شده برای حیات انسانی، رفتن به سوی خداست: «انا الیه راجعون» (بقره، آیه ۱۵۶) و «ان الغایه امامکم» (خطبه ۲۱) وقوع این امر مهم در صورتی ممکن است که در مراحل مختلف زندگی، نوعی اتحاد در رویه و عمل بین بخش‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، و نظامی به وجود آمده و همه‌ی آنها با وجود تفاوت‌های رفتاری، یک هدف را مد نظر گرفته و با همسویی با کلیت نظام حیات انسانی، حرکت به سوی الله را فراهم سازند.

در این تلاش، موفقیت از آن کسانی است که هیچ نوع رفتار غیرالهی در آنها دیده نشده و با اتخاذ روشی برخاسته از آیات الهی سبکبال شده، نظاره‌گر حیات اخروی گردند: «تَخَفُّوا تَلْحَقُوا» (خطبه ۲۱) و خیر اضافه شده از طرف خداوند را با به کارگیری دستورات و شیوه‌های زندگی ارایه شده از طرف او، سمبل و الگوی زندگی خود قرار دهند: «من اتخذ قوله دلیلاً هدی» (خطبه ۱۴۷) هیچ امری را جز رضایت الهی و سنت رسولش^(ص)، چراغ هدایت خویش قرار ندهند، (خطبه ۱۴۹) چرا که رضایت الهی جایگزین هر چیز می‌تواند باشد اما هیچ چیز نمی‌تواند جایگزین آن گردد. (نهج البلاغه، نامه ۲۸) باید توجه داشت که رضایت الهی تنها به لقلقه‌ی زبانی کسب نمی‌گردد، بلکه به دنبال رعایت حدود الهی است که بر اساس عنصر حق‌مداری، گستره‌ای به وسعت عالم هستی را تحت پوشش قرار داده است. (خطبه ۲۱۸) در این تلاش مستمر، تنها باید از او مدد جست و بر او توکل نمود؛ توکلی که او را به سوی خدا و منزل سعادت اخروی رهنمون سازد:

”توکل علی الله توکل الانابه الیه، و استرشیده السبیل المؤدیة الی جنته، القاصده الی محل رغبتہ.“ (خطبه ۱۶۱)

د) انسان‌مداری

لزوم سنخیت داشتن رفتارهای انسان با مراتب وجودی او ایجاب می‌کند که در تمامی رفتارهای اجتماعی، اعم از رعایت قوانین، مقررات، آداب و سنن اجتماعی و اخلاقی توجه

عمده به حقایق و واقعیت‌هایی باشد که همسو با زندگی انسانی بوده و در راستای راهبرد حیات طیبه است. گستره‌ی این امر، دامنه‌ی وجودی انسانی است و شامل تمام مراحل و مراتب زندگی می‌گردد. به همین دلیل، مردم از تقلید کورکورانه‌ی حرکات اجتماعی و سیاسی ممنوع گردیده‌اند و از آحاد مردم خواسته شده رأساً در امور خویش تصمیم گرفته و راه هدایت و سعادت را برگزینند. (اسراء، آیه ۳۶) حتی در تربیت نسل جوان، توجه عمده به آیین و آدابی است که آنان در آینده با آن مواجه خواهند شد و از حقوق والدین است که آنها را برای روبه‌رو شدن با چنان وضعیتی تربیت نمایند: *«لا تقسروا اولادکم علی آدابکم فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم»* (ابن‌الحدید، ۲۷)

در مورد گزینش دوست و محیط اجتماعی آمده است که پیوسته سعی کنید با افراد آگاه و دانشمند مصاحبت نمایید. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) در انتخاب لباس و سایر آداب اجتماعی تذکر می‌داد که همواره شئون شخصی و اجتماعی خود را حفظ کنید. تأکید حضرت^(ع) بر این بود که شخصیت انسانی چیزی نیست که به راحتی بتوان از دست داد، و یا با هر چیزی معاوضه نمود. (نهج‌البلاغه، خطبه ۵) در روایت آمده که حضرت علی^(ع) روزی در مسجد رسول خدا^(ص) با مردی روبه‌رو شدند که قیافه‌ی خود را به صورت زنان درآورده و با ظاهری فریبنده در انظار عمومی ظاهر شده بود. حضرت^(ع) با شدت با این شیوه‌ی رفتاری برخورد نمود و فرمود: *«هرچه زودتر مسجد پیامبر را ترک کن ای کسی که مشمول لعنت رسول خدا هستی...»* (بحرالعلوم، ج ۱۲: ۲۱۱)

جلوه‌هایی از مبانی سیاسی امیرالمؤمنین^(ع) در رفتارهای سیاسی

۱- آزادی در نگاه علی^(ع)

آزادی مفهومی است که همواره با قید و بند همراه می‌شود. به معنای دیگر، در تعریف آن همواره رهایی از قید و بند به آزادی اطلاق می‌گردد. اصولاً جایی که قید و بندی نیست، سخن از آزادی معنایی نخواهد داشت و به همین دلیل، در مقام سؤال از آزادی، همواره جواب *«آزادی از چه چیز؟»* مطرح می‌شود.

وقتی سخن از آزادی در قاموس فرهنگی امیرالمؤمنین علی^(ع) می‌کنیم، باید اول به این

سؤال جواب داد که در نزد ایشان قید و بند به چه چیزهایی اطلاق می‌گردد؟ چه چیزهایی انسان را در محدودیت قرار داده و مانع حرکت و رشد او می‌شود، تا رهایی از آنها آزادی محسوب شود؟

حضرت^(ع) انسان را موجودی ملکوتی می‌شمرد و او را محدود به این دنیا و وابستگی‌های آن نمی‌دانست. آنچه در دنیا خلق شده برای او بوده است،^(۴۳) «نهج‌البلاغه، خطبه ۴۳» تا با تسخیر در آنها بتواند *انالیه راجعون* را به درستی انجام دهد. از این رو، هر آنچه در این مسیر مانع رشد و تعالی انسان می‌شود، از آن به قید و بند یاد می‌نمود و رهایی از آن را آزادی اطلاق می‌کند: «(ولا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً)». «نهج‌البلاغه، نامه ۳۱»

در مفهوم اجتماعی نیز حضرت بر این اصل استوار بود که انسان در هر منظری که باشد، نباید امکان رشد را از او گرفت، چون که رشد و تکامل آدمی به صرف انتخاب‌های رفتاری او ممکن می‌گردد. مادامی که این انتخاب‌ها، باعث تجاوز به حقوق دیگران نمی‌شد، اجازه‌ی تعدی به کسی نمی‌داد. به نمونه‌هایی از این رفتارها نگاهی می‌اندازیم:

آزادی در بیعت و رأی‌گیری

آزادی در رأی دادن و بیعت، از ویژگی‌های مردان الهی و حکومت‌های دموکراسی است. خلافت علی^(ع) در حالی شروع شد که در خانه نشسته بود و مردم چنان با شعار «البیعه البیعه» به آنجا هجوم آوردند که از ازدحام، حضرت به جان فرزندانش حسنین^(ع) ترسید. ایشان فرمود: به سراغ دیگران بروید، من اگر در مقام وزارت و مشاوره باشم، بهتر از این است که در این شرایط زمام امور سیاسی و اجتماعی را به دست گیرم. دست مبارک را از بیعت می‌کشید، ولی ازدحام و شور و شوق مردم و قبول شرایط ایشان، سرانجام دست علی^(ع) را برای بیعت باز نمود. «نهج‌البلاغه، خطبه ۵۷» بعد از بیعت نیز با کسانی که از بیعت امتناع کرده بودند کاری نداشت. «نهج‌البلاغه، خطبه ۷۲»

حضرت نه تنها برای رأی‌گیری و بیعت کسی را مجبور نکرد، حتی بعد از حکومت نیز هیچ محدودیتی را به اجرا نگذاشت. حتی مخالفین آن حضرت به راحتی در محیط مدینه

رفت و آمد داشته و از خزانه‌ی دولت مستمری خویش را نیز دریافت می نمودند. ایشان در برابر کسانی که برای رفع شبهه و تشخیص باطل اجازه‌ی حضور در میدان خواستند تا با تشخیص باطل علیه آن وارد جنگ شوند، فرمود:

”مرحبا و اهلاً هذا هو الفقه فی الدین و العلم بالسنه من لم یرض بهذا فهو حائن جائر.“ (ابن الحدید، ج ۳: ۱۸۶)

آزادی اقلیت‌های مذهبی

حضرت علی^(ع) برای اقلیت‌های مذهبی و مخالفین اعتقادی خود ارزش و احترام قایل بود. در نامه‌ای که به یکی از عاملان خود می نویسد، چنین می فرماید:

”اما بعد، دهقانان شهر تو شکایت دارند که با آنان درشتی می کنی و سختی روا می داری، ستمشان می ورزی و تحقیرشان می کنی. من درباره‌ی آنان اندیشیدم، نه آنان را شایسته‌ی نزدیک شدن یافتم؛ چون مشرکند، و نه سزاوار قساوت و سنگدلی و بدرفتاری هستند؛ زیرا که با ما هم پیمانند و در پناه اسلام هستند؛ پس در رفتار با آنان، نرمی و درشتی را به هم آمیز، رفتاری توأم با شدت و نرمش داشته باش، اعتدال و میانه روی را در نزدیک کردن و دور کردن رعایت کن.“ (نهج البلاغه، نامه‌ی ۱۹)

هنگام عزیمت یکی از عاملان به مأموریت، به او فرمود: ”ایاک ان تضرب مسلماً او یهودیاً او نصرانیاً فی درهم خراج.“ (کافی، ج ۳: ۵۴۰)

از این سخنان چنین استنباط می شود که حضرت علی^(ع) عدالت را در مورد خودی و بیگانه یکسان اجرا می نمود و سایه‌ی لطف و رحمتش شامل حال دوست و دشمن می شد و نسبت به رعایت حقوق افراد، حتی اگر مخالف اعتقادی بودند احساس مسئولیت می کرد و نسبت به پایمال شدن حقوق افراد هرچند هم کیش او نبودند نمی توانست بی تفاوت باشد. شدت حزن ایشان در تعدی به یک زن یهودی و کندن خلخال از پای او، آوازه‌ی عام و خاص است. بر اساس این راهبرد بود که به حاکم خویش، مالک اشتر نوشت:

”مهربانی، خوشرفتاری و نیکویی با رعیت را در دل خود جای ده و چون جانوران

درنده‌خو با آنها نباش، زیرا آنان از دو حال خارج نیستند: یا برادر دینی تواند، و یا در آفرینش مانند تو هستند.“ (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳)

آزادی بیان

امیرالمؤمنین علی^(ع) با تبعیت از حکم الهی (سوره بقره، آیه ۱۱۱) و سیره‌ی نبوی، خود و نمایندگانش آزادانه در بین مردم نشسته و فاصله‌ی فیزیکی بین خود و مردم را به صفر رسانده بودند، به طوری که مردم آزاده به هر صورتی که می‌خواستند، مطالب و انتقادات خود را به عرض حضرت می‌رساندند.

دامنه‌ی این آزادی تا آنجا بود که زنی (سوده دختر عمار حمدانی) برای شکایت از والی وقت، بعد از طی مسافتی به حضور ایشان رسید، با بیان مطالب خود حضرت^(ع) را متقاعد نموده، حکم عزل آن والی را از ایشان گرفت، و راهی سرزمین خود گردید. (سفینه البحار، ج ۱: ۶۷۱)

حتی برای دسترسی عموم مردم خصوصاً ضعفاً به مالک اشتر می‌فرماید:

”ای مالک برای افراد دردمند و نیازمند یک مجلس عمومی تشکیل بده و ساعاتی از وقت خویش را در اختیار آنها بگذار و در آن مجلس همراه با تواضع و فروتنی بنشین و شرطه‌ها و پاسداران را از جلوی مردم بردار، تا هر یک از مردم بدون رعب و نگرانی سخن گویند، چنانچه برخی از آنان دور از آداب متانت و ادب سخن گفت، تو با تحمل و گذشت از آنها چشم‌پوشی کن!“ (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

عملکرد احزاب مخالف

پایبندی حضرت علی^(ع) به اصول انسانی و آزادی انسان در انتخاب منش زندگی و هویت‌دهی به چهره‌ی اخروی، در مورد همه حتی مخالفین رعایت می‌شد. (خانی، بی‌تا: ۳۳)

در زمان ایشان خوارج مهم‌ترین حزب داخلی مخالف بودند و علیه امام^(ع) شایعه‌سازی کرده و در انتظار عمومی به حضرت^(ع) اهانت می‌کردند و با ایجاد جو سازی و اغتشاش سخنرانی‌های امام را به هم می‌زدند. روزی امام^(ع) در جمع عده‌ای مطلبی فرمود. یکی از

خوارج آنجا بود، گفت: "خدا بکشد این مرد را، او چقدر دانا است! مردم شمشیرها را کشیده و برای کشتن او برخاستند، ولی حضرت فرمود: آرام باشید، دشنام را با دشنام باید پاسخ داد، یا بخشیدن از گناه؟" (نهج البلاغه، حکمت ۴۲۰)

خوارج کینه و حسادت خود را به امام^(ع) از هر راهی اظهار کرده و به مقایسه‌ی امام^(ع) با معاویه می‌پرداختند و در جلسات سری علیه ایشان برنامه‌ریزی می‌نمودند. ولی امام^(ع) تا زمانی که فساد و آزار و اذیت آنها تنها متوجه ایشان بود و به وحدت جامعه آسیبی نمی‌رساندند، به هیچ‌وجه آنها را توقیف و زندانی نکرد، تا این‌که جمع شده و در خارج شهر به طور علنی دست به طغیان و کشتار زدند، که باز امام^(ع) بعد از سخنرانی‌ها و اتمام حجت به صورت‌های مختلف، اجازه‌ی نبرد با آنها را صادر نمودند. (طبری، ج ۶: ۲۳۵۷) حتی در مورد افراد بازمانده از جنگ و فراری‌ها اجازه‌ی تعقیب ندادند و آنها آزادانه رفت‌وآمد می‌کردند. امام^(ع) سهم آنها را از بیت‌المال می‌داد و حتی به یارانش فرمود:

"بعد از من با خوارج نبرد نکنید، زیرا کسی که در جست‌وجوی حق بوده و خطا کرد، مانند کسی نیست که طالب باطل بوده و آن را یافته است." (نهج البلاغه، خطبه ۶۱)

سیاست از دیدگاه علی^(ع)

واژه سیاست در خطبه‌ها و نامه‌های حضرت به معنای خلق و خو یا تأدیب و تمرین به کار رفته است مانند: (سیاسة النفس افضل سیاسة) یا (من ساس نفسه أدرك السیاسة) (غرالحکم: ۲۳۸ و ۳۳۱) در نهج البلاغه فقط در نامه ۱۰ امیرالمومنین^(ع) در جوابیه معاویه از ماده «ساس» استفاده شده است جای که می‌فرماید: "و متی کنتم یا معاویه ساسه الرعیه و ولایه امر الأمه؟ و بغیر قدم سابق ولا شرف سابق" که به مفهوم حکومت‌داری و اقتدار به کار رفته است ولی با توجه به سیاق استفاده کلمات می‌توان تعریف آن را به این صورت آورد: «مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسان‌ها در مسیر حرکت معقولی» (جعفری، ۱۳۷۹: ۴۷) محمدتقی جعفری بعد از ذکر این تعریف اظهار می‌دارند که بر پایه این تعریف، سیاست از واجب‌ترین عبادات و وظایف انسان‌هایی کامل می‌باشد و این همان معنای است که در زیارت

جامعه کبیره به اهل بیت^(ع) اطلاق شده است. نگاه کلی به گستره به کارگیری مفهوم سیاست گویای این نکته است که این استعمال مفهوم حداکثری سیاست است ولی حضرت این واژه را در طیف‌های دیگر نیز به کار برده است. بنابراین سیاست را می‌توان یک تعریف حداکثری کرد که به معنی ااعم خواهد بود که عبارت از «تجلی ولایت و رهبری خلق، در حرکت به سوی خالق، و زمینه‌سازی برای تحقق هدف اعلائی خلقت انسان» که مصداق بارز آن ائمه اطهار^(ع) می‌باشد و تعریف حداقلی که به معنی الاخص خواهد بود یعنی «تدبیر و اداره امور جامعه در مسیر تحقق ولایت الهی»

اهمیت و جایگاه سیاست

نگاه امیرالمومنین^(ع) به سیاست، نگاه توحیدی و الهی است ایشان سیاست را در مفهوم حقیقی آن به کار می‌برد. او از سیاست، هدایت را می‌طلبید و سیاستی را که متضمن هدایت و رشد نبود، به کلی نفی می‌نمود. این مشی حضرت^(ع)، برخاسته از راهبرد کلی واقع‌نگری در زندگی ایشان بود. همواره تلاش می‌کرد در همه‌ی امور، حدود الهی را بر اساس واقعیات مسلم جامعه رعایت نماید. تحقق صواب کاری را در شرایطی می‌دانست که ویژگی‌ها و اوصاف ذاتی آن، که در قالب حدود تکوینی تعریف شده است، رعایت گردد. هر نوع اقدامی در جهت حصول امور شخصی و اجتماعی و حکومتی را بدون رعایت حدود آن، نقص بر جامعه و خود آن تلقی می‌کرد.

امام^(ع) بر این اعتقاد بود که حکومت از ضروریات اولیه‌ی هر جامعه بوده و جامعه بدون مقررات و قوانین و اجرای آنها، پایه‌های تکوینی و بقای خویش را از دست می‌دهد. از این رو، بر این اعتقاد پا می‌فشرد که وجود حاکم و امیر برای هر جامعه‌ای ضروری است و گریزی از پذیرش آن نیست: *انه لا یدل للناس من امیر برّ او فاجر یعمل فی امرته المؤمن ... (خطبه ۴۰)*

امام^(ع) حاکمیت را در مفهوم حقیقی و واقعی خویش به کار می‌برد و آن را تنها مخصوص خدا می‌دانست؛ چرا که حاکمیت را ناشی از مالکیت حقیقی برمی‌شمرد و از آنجا که لازمه‌ی حکومت‌داری، حضور در میان مردم و اجرای احکام است، این امر را منوط به

اجازه‌ی خدا می‌دانست، که از ناحیه‌ی ایشان به پیامبران و مردم ابلاغ و تفویض گردیده است. خداوند از علما تعهد گرفته که با حضور حجت و یاور، در مقابل این مسئولیت‌ها شانه خالی نکرده و برای احقاق حقوق و اجرای احکام الهی و گسترش عدالت، قیام نمایند. (خطبه ۳)

حدود پنج سال زمامداری حضرت^(ع) همه حاکی از این واقعیت‌ها و اجرای حدود و ثغور الهی است؛ نحوه‌ی بیعت مردم با ایشان، شروع حکومت و زمامداری، تقسیم احکام ولایتی، و پیکارهایی که با گروه‌های ناکثین، مارقین و قاسطین داشتند، همه دلایلی هستند که این مدعی را به محکمی اثبات می‌نمایند:

”به خدا سوگند اگر من تنها با آنها (دشمنان) رویه‌رو شوم، در حالی که تمام روی زمین را پر کرده باشند نمی‌ترسم و باکی ندارم؛ من آن گمراهی را که آنها در آن هستند و هدایتی را که خودم بر آن هستم با چشم خود می‌بینم و با یقین به پروردگارم پابرجا می‌باشم. من مشتاق ملاقات پروردگارم هستم و به پاداشش امیدوارم، ولی از این اندوهناکم که سرپرستی این حکومت به دست این بی‌خردان و نابه‌کاران افتد؛ بیت‌المال را به غارت ببرند، آزادی بندگان خدا را سلب کنند و آنها را برده‌ی خویش سازند، با صالحان نبرد کنند و فاسقان را همدستان خود قرار دهند. در این گروه بعضی هستند که شراب نوشیده و حد بر او جاری شده و برخی از آنان اسلام را نپذیرفتند، تا برای آنها عطایی تعیین گردید و اگر به خاطر این جهات نبود، این اندازه شما را برای قیام و نهضت تشویق نمی‌کردم و به سستی در کار سرزنش و توبیخ نمی‌نمودم و در گردآوری و تشویقتان نمی‌کوشیدم و اگر ابا و سستی می‌نمودید رهاتان می‌ساختم.“ (نامه ۶۲)

حضرت^(ع) حاکمیت را در شرایطی پذیرفت که بتواند جامعه را اصلاح نموده و امور را در مدار حرکت حقیقی خویش قرار دهد. (خطبه ۱۶) اصولاً اعتبار و ارزش حکومت را در این می‌دانست که در آن حقی زنده شده و به صاحب اصلی خویش بازگردانده شود. صرف حکومت کردن را، به اندازه‌ی آب بینی بز نمی‌دانست و ارزش دنیوی آن را کم‌تر از یک جفت نعلین وارفته و پینه خورده می‌شمرد.

علی^(ع) و حکومت اسلامی

از نگاه حضرت^(ع)، سیاست و ساختار حکومت هویت الهی داشته و ابزاری است که به کمک آن شرایط زیست معنوی و مادی مردم فراهم می‌شود. اهداف حکومتی حضرت از ناظر به سه جنبه مختلف داشت: جنبه اول، اهداف عام حکومت است مانند: نظم، امنیت. جنبه دوم، اهداف خاص بود که از اسلامی بودن دولت برمی‌خیزد مانند: احیای سنت، اقامه حدود و توزیع ثروت. جنبه سوم، اهداف مخصوص حکومت علوی است که امیرالمومنین^(ع) آنها را به تناسب شرایط و مقتضیات زمان و عصر خویش دنبال می‌کرد مانند: دادخواهی، احیای احکام. (سروش، ۱۳۷۵: ۵۵) و به طور کلی حکومتی را الهی و اسلامی می‌دانست که حائز شرایط و ویژگی‌های زیر باشد:

۱- اجرای عدالت اجتماعی و سرپان آن در همه‌ی جامعه

امیرالمومنین علی^(ع) را کشته‌ی عدالت می‌شناسند و در تمام صفحات تاریخ اسلام، نام علی^(ع) همیشه همراه عدل و عدالت بوده و تاریخ بشری تاکنون، فردی عادل‌تر از ایشان به خود ندیده است. این میزان شهرت حضرت علی^(ع) به عدالت، به‌خاطر پافشاری و اصرار آن حضرت در سراسر زندگی، به‌خصوص در سیره‌ی سیاسی‌اش، بر عدالت بود.

عدل را در مفهوم «هر چیز در جای خویش قرار گیرد»، «العدل وضع کل شی‌ی موضوعها» و «هر ذی‌حقی به حق خود برسد»، «و اعطاء کل ذی‌حق حقه» می‌دانست. (خطبه‌های ۱۵، ۱۸۵ و ۱۹۱) یعنی هر چیزی آن‌طور باشد که باید باشد و هر کاری، آن‌طور انجام شود که شایسته است. به عبارت دیگر، هر چیز و هر کس یک ظرفیت وجودی دارند و به کارگیری و بهره‌مندی از آنها باید همسو و هماهنگ با این ظرفیت صورت گیرد. علی^(ع) این نگرش از عدالت را وارد حوزه‌ی انسانی نموده و به راستی درک کرده بود که نادیده گرفتن ظرفیت وجودی افراد و شایستگی آنها در عرصه‌های اجتماعی چه فاجعه‌ی بزرگی ایجاد می‌کند. (علیخانی، ۱۳۷۳) گستره‌ی عدالت او به نحوی بود که تمام عرصه‌های اجتماعی و حوزه‌های فردی را دربرمی‌گرفت و می‌فرمود:

”قسم به خدا اگر قبل از من کسانی سوء استفاده کرده و بیت‌المال را دزدیده و با آن ازدواج نموده‌اند و مهریه‌ی زنان خویش قرار داده‌اند یا با آن کنیزهایی را خریدند، آنها را بازپس خواهم گرفت و به بیت‌المال بازخواهم گرداند، زیرا وسعت و فراخنایی در عدالت است و کسی که از عدل به تنگ آید، بداند که در جور و ظلم، در تنگنای بیشتری قرار خواهد گرفت.“ (خطبه ۱۵)

در مسیر زمامداری به او پیشنهاد همراهی و قدرت‌دهی بیشتر به رؤسای بعضی قبایل را، کردند تا پایه‌های حکومت خویش را استوار نموده و سپس به اجرای احکام پردازد و با آنها برخورد نماید و این اوست که در پاسخ می‌فرماید:

”به من پیشنهاد می‌کنید که به واسطه‌ی جور و ظلم بر ملت و ضعف، پایه‌های حکومت را تقویت کنم و برای خودم یار و یاور و پشتیبان فراهم سازم؟ قسم به خدا این کار را نخواهم کرد تا هنگامی که شب و روز، در آمد و رفت است و تا هنگامی که ستاره‌ای در آسمان به دنبال ستاره‌ای حرکت کند.“ (خطبه ۱۲۶)

چرا که در نزد او کسی که سازش کار بوده و در برابر ظالمان تواضع کرده و در پی طمع‌ها و آرزوهای شخصی بوده است، نه تنها فرمان الهی را اجرا نکرده، بلکه به خود و جامعه خیانت ورزیده است. (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۰۷) چنین کسی امور را از مدار اصلی خویش خارج نموده است، حال آن که خروج منظومه‌ی حکومت از مدار اصلی آن، پیامدهای سوئی دربر دارد که نه تنها دامن خود شخص را می‌گیرد، بلکه کل جامعه را در گمراهی و تنگنای معیشتی و زیستی قرار می‌دهد و تر و خشک را با هم می‌سوزاند، گرچه در میان مردم موسای پیامبر باشد. (مانده، آیه ۲۶) این نظام و سنتی است که در تکوین عالم هستی نگاشته شده و تغییری در آن رخ نمی‌دهد و گریزی از آن نیست. (فتح، آیه ۲۳)

حضرت^(ع) در عرصه‌ی زمامداری حاضر بود که شب او را در حالتی که با غل و زنجیر بسته‌اند بر روی خار سعدان (خاری است نوک‌تیز) بکشند، ولی خدا و پیامبرش^(ص) را در حالتی ملاقات نکند که به بنده‌ای ظلم کرده باشد. (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۴)

وسعت این عدالت را تنها در جامعه‌ی انسانی نمی‌دانست، بلکه به پهنای جهان هستی

می‌شناخت و اظهار می‌داشت: «سوگند به خدا اگر اقلیم‌های هشتگانه را با آنچه که زیر آسمان‌هاست به من بدهند که خداوند را با گرفتن پوست جوی از دهان مورچه‌ای نافرمانی کنم، هرگز نخواهم کرد...». (همان)

نباید از این نکته غافل شد که بحث عدالت با بحث «بایدها و نبایدهای» اخلاقی متفاوت است. عدالت در پدیده‌های اجتماعی و به تبع آن در علوم انسانی، به مفهوم استفاده از بهترین‌های موجود و ممکن در هر زمان و مکان خاص؛ و در جایگاه اجتماعی، توجه به انتخاب بهترین‌های موجود است. ایشان عدل را در قاموس انسانی چهار شعبه می‌داند:

۱ - اندیشه و فهم ژرف نگرنده: (غائص الفهم).

۲ - دانشی به حقیقت پی‌برنده: (غور العلم).

۳ - نیکو دآوری کردن: (زهره الحکم).

۴ - در بردباری استوار بودن: (رسانحه الحلم). (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱)

دو قسم اول به مفاهیم نظری رفتارهای انسان برمی‌گردد و دو مورد دیگر، با ابعاد عملی و بیرونی انسانی سروکار دارد. ایشان عدل را «رستگاری و کرامت»، «برترین فضایل»، «بهترین خصلت» و «بالاترین موهبت الهی» (جعفریان، ۱۳۷۱: ۹۷) می‌دانست و آن را «قاموس خلاق» و رعایت آن را موجب افزایش برکات ذکر می‌نمود. (خوانساری، ۱۳۶۰: ۲۰۵)

به نظر حضرت علی^(ع)، جوهره و هسته‌ی اصلی ایمان، عدالت است و تمام نیکویی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرند. (همان، ج ۶: ۱۱۶) ملاک حکمرانی و زمامداری عدل است (همان، ج ۱: ۲۱۶) و آن، محکم‌ترین اساس و بنیانی است (همان، ج ۱: ۲۱۶) که در نظام اجتماعی وجود دارد. خداوند متعال عدالت را سبب قوام امور زندگانی مردم قرار داده تا از ظلم، نابسامانی و گناه در امان بمانند. (همان، ج ۳: ۳۷۴) حیات و پویایی احکام را منوط به رعایت عدالت می‌شناسد، (همان، ج ۱: ۱۹۸) چرا که رعایت آن باعث ظهور ثمرات و آثار مثبتی در جامعه می‌گردد؛ مثل:

- استقلال و توانمندی: «من عدل تمکن» (همان، ج ۵: ۱۴۸)
- نافذ شدن دستورات و احکام رهبری: «من عدل نفسه حکمه» (همان: ۱۷۵)
- ارتقای جایگاه شخصیتی رهبری در بین مردم: «من عدل فی سلطانه و بذل احسانه»

اعلی الله شأنه و اعزّ اعوانه» (همان: ۳۹۶)

- مورد توجه قرار گرفتن زمامداری و نحوه‌ی حکومت رهبری: «من کثر عدله حمدت آیامه» (همان: ۲۹۰)
- باعث اصلاح امور می‌گردد: «العدل قوام البریه، حُسن العدل نظام البریه» (همان ج ۲: ۹۹)
- باعث اتحاد مردم و همراهی با حکومت می‌شود: «استعمل العدل و احذر العسف و الحیف، فإنّ العسف يعودُ بالجلء و الحیف يدعو الی السیف». (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۶)

۲- رعایت اصل هدایت‌گری در عین قاطعیت با مخالفین

رویاریویی با مخالفین در حکومت اسلامی، از یک ماهیت هدایتی برخوردار است و امام و زمامدار جامعه ضمن این‌که از یک روشنگری حقیقی برخوردار است و مسیرهای انحرافی را تشخیص می‌دهد، از این‌که مردم به آنها توجه و گرایش پیدا نکنند، دچار ناراحتی می‌شود. (کَهِف، آیه ۶) رهبر و زمامدار جامعه، هر حرکتی را که برای مقابله با آنها اتخاذ نماید، به جهت رهایی از تاریکی‌ها و بدبختی‌های ناشی از انحرافات شیطانی آنهاست. این رویاریویی، عموماً از دو مرحله شکل می‌گیرد:

گفت‌وگو، مباحثه و احتجاج؛ این مرحله از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مراحل مواجهه‌ی امام با مخالفین و دشمنان است و تا زمانی‌که طرف مقابل دست به شمشیر نبرده و راه جنگ و ستیز را بر راه‌های مسالمت‌آمیز ترجیح دهد، قایل به گفت‌وگو، مذاکره و بعضاً مناظره با اوست.

”آنچه از رأی من دربارہی جنگ پرسیدی، پس نظر من جنگ با کسانی است که آن را جایز می‌دانند.“ (نهج البلاغه، نامه ۲۶)

نوع برخورد‌های امام^(ع) با مخالفین حکومتی، چه در جنگ جمل و چه در جنگ‌های صفین و نهروان و یا شورش‌های منطقه‌ای، مؤید این موضع می‌باشد. شیوه‌ی آغاز جنگ، به خصوص در جنگ جمل، به گونه‌ای بود که امام ساعت‌ها پیش از جنگ، دقایقی پیش از شروع جنگ و حتی در اثنای آن برای جلوگیری از ریخته شدن خون مسلمان‌ها، بارها متوسل به شیوه‌ی گفت‌وگو و مباحثه شدند، به طوری که زیر از رهبران اصلی جنگ جمل یک باره،

پیش از آغاز پیکار، صحنه‌ی جنگ را رها کرده، از عملکرد خویش پشیمان شده و راه بازگشت در پیش می‌گیرد، و در راه به دست ابن‌حرمز کشته می‌شود. (طبری، ج ۶: ۲۴۶۷) چون امام از قتل او مطلع شد، فرمود: *”قاتل پسر صفیه - زبیر - را به آتش دوزخ بشارت باد“* و چون چشم علی^(ع) به شمشیر زبیر افتاد فرمود: *”چه شمشیری که همواره اندوه را از چهره‌ی رسول خدا می‌زدود.“* (بحار، ج ۳۳: ۹۳)

در جنگ صفین، بارها امام^(ع) درصدد هدایت معاویه و انصراف وی از خونریزی شد و نامه‌های متعددی در این رابطه به معاویه نوشت که در بسیاری از کتب تاریخی از جمله نهج‌البلاغه موجود است. بعد از این که تلاش امام^(ع) به نتیجه نرسید و دو گروه درهم تاختند، باز امام جانب دینداری و ارزش‌گرایی و هدایت‌مداری خود را فرو نهاد و سپاهیان خویش را امر به حفظ شعائر و ارزش‌های اسلامی نمود.

وقتی بر گروهی از شامیان که ولید بن عقبه نیز با آنان بود می‌گذشت، آنها شروع به ناسزاگویی به حضرت^(ع) کردند. امام^(ع) با شنیدن آن رو به یاران خود کرده فرمود:

”برایشان بتازید اما آرامش خود را بویژه در مورد نیکوکاران حفظ کنید و وقار اسلامی خود را نگهدارید. به خدا سوگند نزدیک‌ترین قوم به جهل و دور از معرفت خدای عزوجل قومی هستند که پیشوا و مربی آنان معاویه و پسر نابغه - عمرو بن عاص - و ابوعور سلمی و ابن ابی محیط باده گسار و حد خورده در اسلام باشند. اینانند که اینک در برابر من ایستاده‌اند و مرا دشنام می‌گویند.“ (متقوی، ۱۳۷۰: ۵۲۴)

و در جنگ نهروان تلاش‌های هدایت‌گرایانه‌ی امام در رویارویی با خوارج بیشتر آشکار می‌شود، به طوری که عده‌ی زیادی از آنان با شنیدن دلایل و احتجاجات امام در باب ماجرای حکمیت و نبرد صفین، قانع شده و به کوفه بازگشتند و عده‌ای دیگر با کناره‌گیری از نبرد نهروان، انصراف خود را از جنگ با علی^(ع) در مسأله‌ای که نسبت به صحت آن مشکوک بودند، اعلام کردند. (تاریخ طبری، ج ۶: ۲۵۹۷)

به این ترتیب، آنچه که از نحوه‌ی مواجهه‌ی او با مخالفین و دشمنان استنباط می‌شود، توجه به هدایت و ارشاد ایشان و دستیابی به صلاح و فلاح و رستگاری است، به طوری که

حتی در اثنای جنگ نیز این شیوه‌ی خیرخواهانه به نحو بارزی نمود داشت. البته کسانی که دست به سلاح نبرده، اما هم‌چنان به لحاظ فکری نقطه‌ی مقابل امام قرار داشتند نیز از وسعت مدارا و سعه‌ی صدر فوق‌العاده‌ی امام^(ع) در رویارویی با او بهره می‌بردند، بدون اینکه فشار و ستمی بر ایشان وارد شود. از قضا یکی از اعتراضات خوارج به امام^(ع) در امر حکمیت، همین امر مدارای اوست که امام در پاسخ آنان می‌فرماید:

”اما اینکه می‌گویند چرا میان خود و ایشان (اهل شام) در تحکیم مهلت دادی، مهلت دادم تا جاهل تحقیق کند و عالم استوار باشد و شاید خدا امر این امت را در متارکه و مدارا اصلاح نماید و راه نفس بر ایشان گرفته شود تا مجبور نشوند برای شناختن حق، عجله و شتاب نموده و از همان ابتدا پیرو گمراهی شوند.“ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۵)

۳- حکومت، جایگاه و قدرتی برای احقاق حقوق مردم

انسان موجودی است که دوام و بقای او ارتباط تنگاتنگی با اجتماع انسانی و دوام آن دارد. مدنی‌الطبع دانستن انسان نیز از طرف اندیشمندانی چون ابن خلدون از این جهت بوده است. نقشی که حکومت در این عرصه به عهده دارد، ایجاد زمینه‌ی لازم و شرایط بهینه برای زندگی مردم است. از این جهت، وجود حکومت برای حفظ نظام اجتماعی و اجرای مقررات ضروری می‌گردد. (نهج‌البلاغه، خطبه ۴۰) در این فرایند، نوع حکومت و حاکم بستگی به نوع حاکمیت و مردمی که آن را می‌پذیرند، دارد چرا که پذیرش حکومت گاهی به صورت اجباری و به زور قدرت نظامی و ایجاد رعب و وحشت میسر می‌گردد و گاهی با دخالت مستقیم اکثریت مردم و به کارگیری عقل و منطق، تحقق می‌یابد. از نوع اول به حکومت استبدادی و از دومی به جمهوری و دموکراسی یاد می‌گردد. (زنجانی، ۱۳۷۴: ۹۶)

در اندیشه‌ی امام علی^(ع)، وجود حاکمیت و حکومت، و بالطبع حاکم، از ضروریات هر نظام اجتماعی است و نوع حاکم در آن، از دو حال خارج نیست: یا عادل بوده و زمینه را برای گسترش عدالت اجتماعی فراهم می‌سازد و افراد شایسته و مؤمن را سرسلسله‌ی امور قرار می‌دهد، و یا این‌که جائز و فاسد می‌باشد که در آن، فاسقان بستر امور را به دست گرفته و

مؤمنان و افراد شایسته گوشه‌ی عزلت می‌گیرند و اجازه‌ی حضور در مسائل سیاسی به آنان داده نمی‌شود. (نهج‌البلاغه، خطبه ۴۰)

حاکمیت از منظر امام^(ع)، بر اساس توحید افعالی منحصر به حاکمیت الهی است، (همان) و لیکن اجرای این حکم باید در دست فردی باشد که ضمن آشنایی به تمام احکام الهی و ضروریات و لوازم وجود انسانی، از یک عصمت باطنی و ظاهری نیز در به کارگیری قدرت زمامداری، برخوردار باشد تا بتواند با اجرای صحیح احکام، استعدادهای نهفته‌ی انسانی را شکوفا سازد. باید در نظر داشت که قرارگرفتن چنین شخصی در مسند قدرت برای ادای تکلیف، خود یک تکلیف است که با احراز شرایط، بر او واجب می‌گردد. به مفهومی دیگر، تصدی امور و در دست‌گرفتن زمام جامعه‌ی اسلامی، تکلیف کسی است که از ولایت الهی برخوردار است و این تکلیف همانند همه‌ی تکالیف شرعی دیگر، مشروط به استطاعت و وجود توان و قدرت لازم است.

حضور مردم برای این‌که شخصی چون علی^(ع) را به صحنه‌ی حکومت و زمامداری آورند، از عوامل ایجاد قدرت زمامداری است، چرا که حضرت^(ع) بر اساس عناصر واقع‌گرایی و حق‌مداری به خوبی می‌داند که حضور مردم در صحنه‌ی حکومتی و تبعیت از رهبری، از ضروریات دوام یک حکومت است. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷) از این جهت، شیوه‌ی حکومتی و زمامداری امام^(ع) بر پایه‌ی خشونت و استبداد نبود، بلکه بر اساس رأفت و رحمت استوار بود. کلام امام صادق^(ع) نیز اشاره به این اصل حکومتی ایشان دارد:

”حکومت بنی‌امیه بر پایه‌ی خشونت و استبداد و شمشیر اداره می‌شد، ولی امامت ما بر پایه‌ی رفق و مدارا و الفت قرار دارد.“ (بحار، ج ۵۹: ۱۷۰)

به همین جهت، علی^(ع) حاضر نشد برای بقای حکومت و تثبیت آن از روش‌های خشونت‌آمیز استفاده کند. برخی افراد به ایشان یادآوری می‌کردند که اهل عراق جز با شمشیر به راه نمی‌آیند. (غررالحکم، ۳۷۵۸) اما حضرت تن به چنین کاری ندادند و به فرموده‌ی امام صادق^(ع) همواره به مردم کوفه می‌فرمود:

”شما گمان می‌کنید که نمی‌دانم چه چیزی شما را به راه می‌آورد؟! می‌دانم ولی مایل

نیستم به خاطر سر به راه کردن شما خودم را آلوده کنم“ (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲)

با کلام ”لا رأی لمن لا یطاع“ (نهج البلاغه، خطبه ۲۷) اظهار می داشت: ”کسی که فرمانش مورد اطاعت واقع نشود حاکمیتی ندارد.“ حاکمیت زمانی از قدرت و اقتدار لازم برخوردار است که مردم پذیرای فرامین حاکم بوده و به راحتی و طیب خاطر، آنها را به اجرا گذارند. با این همه، بر اساس عنصر واقع نگری، حق مداری و کمال جویی، ظهور نقش مردم در اندیشه‌ی سیاسی امام^(ع) در عرصه‌ی شکل گیری حکومت، به همین اندازه است، زیرا چنان که گذشت لازمه‌ی این عناصر، تبعیت از حق است. از این رو ملاک حق و باطل، اکثریت نیست. اگر در تاریخ می خوانیم حضرت علی^(ع) بعد از رحلت پیامبر^(ص) به دنبال یاور بوده است، به این دلیل نبود که ایشان در پی به دست آوردن اکثریت آرای مردمی بود تا مشروعیت تصدی زمامداری را کسب نماید، بلکه ایشان حکومت را برای اجرای احکام الهی می دانستند و پذیرش آن را تکلیفی می شناختند که با حضور شرایط لازم، ضروری می گردید. در این عرصه، حضور مردم برای احقاق حقوق، یکی از شرایط اقتدار حاکمیت است (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۸) و بدون آن، تکلیف ساقط می گردد. از این رو علی^(ع) به دنبال اتمام حجت و ایجاد شرایط لازم برای احراز شرایط تکلیف بودند. (نهج البلاغه، خطبه ۳) به همین دلیل پس از غصب خلافت در پی رأی گیری نمایشی سقیفه، امام^(ع) به دنبال تحقق شرایط برآمد که در این راه، تنها گروه اندکی حاضر به یاری او شدند. امام در مورد عدم تحقق شرایط، در خطبه‌ی معروف به طالوتیه، که در مدینه و بعد از وفات پیامبر خدا^(ص) و پیش از آغاز دوران سکوت ایراد شده است، می فرماید:

”به خدا سوگند بدانید که اگر به تعداد اصحاب طالوت یا اهل بدر یاورانی می داشتم که با شما می جنگیدند، شما را با شمشیر می زدم تا به حق گردن نهید.“

(کافی ج ۸: ۳۳)

و پس از خروج از مسجد به تعدادی حدود ۳۰ گوسفند برمی خورند و می فرمایند:

”به خدا سوگند اگر به عدد این گوسفندان مردانی داشتم که برای خدا و رسول او قدم برمی داشتند، خلیفه را از مقام خویش پایین می کشیدم.“ (همان)

اگر امام^(ع) پس از قتل عثمان و هجوم مردم برای بیعت، از قبول خلافت سرباز می زند،

برای آن است که شرایط و مقتضیات زمانی را آماده برای پذیرش خلافت و حکومت علوی نمی‌داند و امکان تشکیل چنین حکومتی را منتفی می‌شمارد. " (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۹۲) این‌که حضرت^(ع) در مرحله‌ی اول بدون داشتن اکثریت در پی تشکیل حکومت اسلامی است و بعد از قتل خلیفه‌ی سوم، با وجود اکثریت، از قبول خلافت سرباز می‌زند، حاکی از این است که امام^(ع) رضایت اکثریت را ملاک حقانیت و مشروعیت حکومت نمی‌دانستند. بنابراین، حدیث: "لولا حضور الحاضر و قیام الحجبه به وجود الناصر لالتفت حباها علی غاربها" (نهج البلاغه، خطبه ۳) دلالت بر حقی است که از امام غصب شده بود و امام برای گرفتن آن به دنبال یار و یاور رفتند و چون نیافتند شیوه‌ی سکوت را برگزیدند و در مرحله‌ی دوم با حضور مردم و اظهار یآوری در گرفتن حق، شرایط حاصل شد و در پذیرش تکلیف زمامداری، دیگر مسامحه جایز نبود، چراکه امام^(ع) حکومت را ابزاری می‌دانستند که حقوق از دست رفته‌ی مردم را اعاده نموده و احکام الهی را جاری سازد و الا حکومت به خودی خود، ارزشی نزد امام نداشت:

"بار خدایا تو آگاهی آنچه از ما صادر شده نه برای میل و رغبت در سلطنت و خلافت بوده و نه برای به دست آوردن چیزی از متاع دنیا، بلکه برای این بود که آثار دین تو را بازگردانیم و در شهرهای تو اصلاح و آرامش برقرار کنیم تا بندگان ستم کشیده‌ات در امن و آسودگی بوده و احکام تو که ضایع مانده جاری گردد." (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱)

و در جای دیگر اظهار می‌دارند:

"سوگند به خدا که این کفش (پر و صله‌ی بی‌قیمت) نزد من از امارت و حکومت بر شما محبوب‌تر است، بلکه (من آن را پذیرفتم) تا حقی را ثابت گردانم و باطلی را براندازم." (نهج البلاغه، خطبه ۳۳)

۴- مشارکت مردم در شکل‌گیری و هدایت سیاسی جامعه

عرصه‌ی دیگری که امام^(ع) حضور مردم را ضروری می‌داند؛ عرصه‌ی کنترل و نظارت در طول زمامداری است. به جهت کنترل کارکرد زمامدار و عاملان حکومتی توسط مردم است که

انحرافی حاصل نمی‌گردد و همراهی مردم با حاکم در فرامین و دستوراتی که صادر می‌کند، امکان کنترل و نظارت را میسر می‌سازد. این حوزه نیازمند ارتباط تنگاتنگ فکری و معنوی و محبت‌آمیز بین مردم و حاکم است و اصولاً موفقیت و عدم موفقیت زمامداران به مقدار استحکام این ویژگی بستگی دارد. تأکید حضرت^(ع) در این امر به اکثریت مردم است. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) از این جهت، حکومت علی^(ع) مردمی‌تر از دموکراسی‌های رایج در دنیا می‌باشد، چراکه با دل‌ها، افکار، احساسات، عقاید و نیازهای فکری مردم ارتباط دارد. (مقام معظم رهبری، کیهان، ۷۹/۱۷) و حکومت کاملاً در خدمت مردم است. در جنبه‌ی مادی، حکومت برای شخص حاکم به عنوان یک طعمه و فرصت برای زران‌دوزی محسوب نمی‌گردد. (نهج‌البلاغه، نامه ۵) و تعبیر ولایت از حکومت در لسان شریعت اسلام و کلمات علی^(ع) حاکی از این نقش اساسی است. (خطبه‌های ۲۲ و ۳۳) اگر این ارتباط معنوی و هدایت الهی مورد غفلت و بی‌توجهی قرار گیرد اصلاً حاکم، ولی شمرده نشده و ولایت نخواهد داشت. ولی خدا ایجاد کننده‌ی زمینه‌ی لازم برای عبودیت الهی و نفی مظالم و گره‌های مادی و معنوی از زندگی مردم است و بین والی یا حاکم و مردم حقوقی متقابل جاری است.

توجه به حقوق مردم، نقش مردم را در حکومت بیشتر تبیین می‌سازد. این حقوق در فرهنگ زمامداری علی^(ع) به شرح زیر می‌باشد:

الف: وفا به بیعت و رأیی که داده‌اند، از اولین حقوقی است که مردم در قبال حاکم دارند. مردم نسبت به عهد و پیمانی که بسته‌اند نباید بی‌تفاوت باشند و باید هرگاه که زمامدار عادل فرمان براند، وفاداری خویش را نشان داده و فرمان او را اطاعت کنند. (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۴)

ب: همراهی و کمک فکری به والی و حاکم در تمام حالات و انتقادات از عملکردها و ارایه‌ی راه کار: "و النصیحه فی المشهد و المغیب." (همان) مردم در حکم ناظرهایی هستند که کنترل کننده‌ی اعمال حاکمان و دولتمردان حکومتی بوده و در صورت انحراف آنان از مسیر، با توصیه‌ها و انتقادهای سازنده‌ی خویش، آنان را به راه راست و درست رهنمون می‌سازند. نصیحت، مفهومی عام‌تر از انتقاد دارد. در نصیحت، نوعی سوز و محبت خوابیده است. مردم از روی دلسوزی و محبتی که به حاکم و حکومت دارند نسبت به عملکردها حساس بوده و با

مشاهده‌ی کوچک‌ترین انحرافات، ضمن گوشزد نمودن آنها، راه ثواب را نیز پیشنهاد می‌کنند. این محبت، در اندیشه‌ی امام دو طرفه است؛ حاکم نیز با تمام وجود مردم را دوست دارد، دوست‌دار قلبی آنهاست و بر اساس این محبت تمام توان خود را در خدمت رشد و تعالی مردم و حل مشکلات آنها قرار می‌دهد. محبت حاکم، فراگیر بوده و اختصاص به طبقه‌ی خاصی ندارد. (نهج‌البلاغه، خطبه ۴۵)

ج: همراهی عملی با حاکم در تمام دعوت‌هایی که از طرف حاکم یا والی صورت می‌گیرد. (همان)

این حقوق و دیگر نقش‌های مردمی را می‌توان در اصول زیر خلاصه نمود:

۱ - اصل مشارکت: مردم در شکل‌گیری حکومت و تعیین نوع حاکم نقش اساسی دارند. مشارکت مردم چه در جنبه‌ی شکلی حکومت، و چه در بقا و تثبیت آن عمومیت دارد. حکومت دینی بر دو رکن دینی و مردمی تکیه دارد. رکن دوم، مبتنی بر قبول و پذیرش مردم است. اگر مردم آن حاکمی را که دارای ملاک‌های حکومت است، نشناختند و او را به حکومت نپذیرفتند، او حاکم نخواهد بود. چنین حاکمی گرچه در واقعیت امر ممکن است شایسته‌ترین فرد باشد، ولی چون مردم او را نمی‌پذیرند، نمی‌تواند حکمرانی کند (سبحانی، ۱۴۰۱: ۵۲): "و لعمری لان کانت الامامه لاتتعقد حتی یحضرها عامه الناس فما الی ذلک سیبیل." (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۳) این بیعت و شرکت عمومی در انتخابات، نشان از عمق دموکراتیک بودن حکومت اسلامی است؛ انتخاباتی که در کمال آزادی صورت گرفته و امکان شرکت را برای همه فراهم می‌سازد. (طبری، ج ۶: ۲۳۴۵) و در آن باید نظر اکثریت را بر اقلیت ترجیح داد. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

۲ - اصل امر به معروف و نهی از منکر، که همان شکل پرنسپل‌تر «النصیحه لائمه المسلمین» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۳) می‌باشد. در اندیشه‌ی امام (ع) هر گاه خواص مرتکب خلاف شوند و عامه‌ی مردم بر آنان خرده نگرفته و انتقاد نکنند، هر دو گروه دچار فرجام بدی می‌گردد. (حر‌العاملی، ۱۴۰۲: ۱۳۶) با حاکم نباید به سبک‌سازش‌کاری معاشرت نمود، بلکه حقایق را باید اظهار داشت. (مطهری، ۱۳۶۳: ۱۲۶)

۳ - اصل شورا؛ در اندیشه‌ی امام^(ع)، "حاکم باید با انبوه مردم همگام باشد، زیرا دست عنایت الهی بر سر انبوه ملت است" (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷) و "استبداد در رأی باعث هلاکت می‌گردد" (غررالحکم، ج ۶: ۲۹۶) و "مشورت با مردم در واقع به کارگیری عقل جمعی است". (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱)

ه) توسعه‌ی زمینه‌های حق‌گرایی و خیرخواهی در میان امت اسلامی

امام^(ع) بر اساس مبانی راهبرد فرهنگی خصوصاً کمال‌جویی و انسان‌مداری، همواره به دنبال اموری بود که نه تنها خود او، بلکه کل جامعه را به سوی هدف اصلی خلقت و آفرینش انسان هدایت نماید. او به خوبی می‌دانست که سعادت و انسانیت انسان در گرو پیروی از واقعیات عالم هستی و همسو شدن با نظام آفرینش است؛ نظامی که سنن و قوانین آن به طور یکسان بر همه جاری است و گذشت زمان در آن تغییری ایجاد نمی‌کند (ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷) و تاریخ گذشتگان از نشانه‌ها و دلایل بارز آن است. (ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۵۳ و ۳۳)

در این عرصه به خوبی دریافته بود که سعادت انسان در گرو اطاعت از حقایق و دستوراتی است که در قالب شرایع حقیقی آسمانی نازل شده و کامل‌ترین آنها در شریعت و دین اسلام تجسم یافته است. (ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۰۶ و ۱۲۰) از این جهت، در اندیشه‌ی سیاسی امام^(ع) گرایش به حق‌نگری و حفظ دستورات دینی از اولویت خاصی برخوردار و مقدم بر همه چیز حتی تمایلات شخصی بوده است. تمام فعالیت‌های حکومتی، زمینه‌ساز تحقق عینی این نوع گرایش‌هاست و اصولاً میزان معنی‌دار بودن فعالیت‌های حکومتی، به میزان گرایش‌های حق‌نگری و باطل‌زدایی برمی‌گردد. علی^(ع) این خط‌مشی را دست کم در دو دوره‌ی خطیر و سرنوشت‌ساز پس از رحلت رسول گرامی^(ص) به مردم نشان دادند:

پس از سقیفه، و سپس در ماجرای شورای شش نفره، و نیز در دوره‌ی خلافت، بارها با در نظر گرفتن مصالح سیاسی حکومت و توجه بی‌شائبه و خالصانه به رعایت جانب دینداری و نیکی و خیرخواهی و اصالت دادن به تمرکز فکر دینی در اعتقادات، بینش سیاسی خویش را به نمایش گذاردند. ایشان بارها در جواب برخی اصحاب و یاران نزدیک خود که وی را برای

آماده شدن جنگ با شام تحریک و تحریص می‌کردند، فرمود:

”آماده شدن من برای جنگ با شام، با این که جریر (پیک امام برای شام) نزد ایشان است (و هنوز جواب نیاورده)، بستن در است به روی آنان، و باعث روی گردانیدن آنها از خوبی (بیعت کردن) است اگر اراده کرده باشند.“ (نهج البلاغه، خطبه ۴۳)

و یا در پاسخ به طعن عده‌ای از لشکریان که تأمل و درنگ ایشان در جنگ را تاب نمی‌آوردند، فرمودند:

”سوگند به خدا هیچ باکی ندارم از داخل شدن در مرگ، یا این که ناگاه مرگ مرا دریابد و اما اگر تصور می‌کنید در مبارزه با شامیان تردید داشته باشم، سوگند به خدا یک روز جنگ کردن را به تأخیر نیندازم مگر برای آن که می‌خواهم گروهی (از ایشان) به من ملحق گردیده، هدایت شوند و به چشم کور خود روشنی راه مرا ببینند. این تأمل و درنگ در کارزار نزد من محبوب‌تر از این است که آن گمراهان را بکشم.“ (نهج البلاغه، خطبه ۵۴)

البته از این نکته نباید غافل شد که دشمنان از این فرصت برای رویارویی با حضرت علی^(ع) استفاده می‌کردند، ولی بازگشت عده‌ی قلیلی به راه دین و ارزش‌های اصیل اسلامی برای حضرت^(ع) کفایت می‌کرد، چه آن که ایشان پیروزی در محدوده‌ی زمانی خاصی را نمی‌خواست، بلکه نگاه او به کل تاریخ و ادوار انسانی بود.

پس از پایان دوره‌ی خلافت عثمان و کشته شدن وی، اقبال عمومی به سوی حضرت شدت یافت، به طوری که این گرایش فراگیر در سطح عامه راه هرگونه اعتراض و مخالفت طبقه‌ی اشراف و صاحبان نفوذ و قدرت جامعه را که از این انتخاب خشنود نبودند، کاملاً مسدود کرد.

امام در شرایطی که از طرف جامعه‌ی اسلامی و یاران همراه، به پذیرش خلافت تحریک و ترغیب می‌شد، فرمودند:

”مرا بگذارید و دیگری را بجوئید، کاری در پیش است که چهره‌هایی چند بدان آز بسته‌اند، دل‌ها در آن ناستوار و اندیشه‌ها بر مهر آن ناآرام است، و بدانید که اگر

بپذیریم آن شود که من می‌دانم، لیک اگر مرا واگذارید، همچون یکی از شما باشم. بدانید هرکس را بر این نهید، من از همه‌تان از او شنواتر و فرمانبردارتر خواهم بود.“ (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۱)

این سخن در شرایطی که اکثریت مردم خواهان او هستند، بسیار قابل تأمل است. امام^(ع) بعد از قبول خلافت اعلام می‌کند:

”بیعت شما با من بدون فکر و اندیشه نبوده و کار من و شما یکسان نیست، من شما را برای خدا می‌خواهم، و شما مرا برای دنیای خود می‌جوئید.“ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۶)

دقت در این کلمات و سخنان دیگر امام^(ع) مؤید این نکته است که امام از حکومت مقصود دیگری دارد و اندیشه‌ی او غیر از اندیشه‌ی قاطبه‌ی مردم است. بر اساس مبانی اندیشه‌های امام، شرط اولیه و اساسی یک حکومت دینی همان تأمین عدالت، امنیت و نظم اجتماعی است و حال که عامه‌ی مردم در طی سال‌ها به روشی غیر از روش حکومتی علی^(ع) خو گرفته‌اند، انتخاب فردی چون علی^(ع) که حق‌مدار بوده و ارزش‌های الهی در نزد او بر همه چیز تقدم دارد، قطعاً جامعه و سیستم حکومت را به چالش خواهد کشاند، چرا که تغییرات وسیعی را در عرصه‌ی مصالح، منافع و ارزش‌های مورد توجه نظام حاکم ایجاد خواهد کرد. از این رو، امام^(ع) خواستار حفظ موقعیت پیشین خود در جامعه به عنوان یک مشاور و نیک‌خواه برای حاکمان و یک مرجع معتبر برای مؤمنین و مسلمانان در سیره و سنت پیامبر اسلام^(ص) بود.

لکن در فضای پر آشوب و سراسر فتنه‌خیز پس از قتل عثمان، این خودداری و مخالفت امام^(ع) از پذیرش حکومت نه تنها فهمیده نشد، بلکه با واکنش‌های تند برخی افراد اعم از عامه و اصحاب و خواص مواجه گردید و دست آخر امام مجبور به پذیرش خلافت شدند. (نهج‌البلاغه، خطبه ۵۳ و ۵۲)

از آنچه گذشت می‌توان در یک جمع‌بندی گفت: رویکرد امام^(ع) به مقوله‌ی سیاست، حکومت و نظام، یک رویکرد عقلانی است؛ بدین معنی که جوامع اعم از دیندار و غیردیندار، به حکم ماهیت انسانی، ضرورتاً نیازمند حاکم و حکومت - اعم از فاجر یا نیکوکار - هستند تا نیازهای اولیه‌ی یک زندگی جمعی را که حفظ نظم، آرامش، ثبات و دوری از آشفتگی و هرج و مرج است، تأمین کند. اما

امام^(ع) به عنوان یک متفکر واقع‌بین و موحد که جز صلاح و رستگاری نوع بشر مقصود وی نیست، ویژگی‌هایی را برای حکومت و حاکم ضروری دانسته و توقعاتی داشتند و در این راستا به نظر می‌رسد می‌توان راهبرد امام^(ع) در مسائل سیاسی را این‌گونه دانست:

”مشارکت عمومی مردم در مسایل اساسی جامعه؛ مثل: حکومت و نظارت در کارهای عمومی دولت‌مردان، توأم با انتقاد سازنده.“

نتیجه‌گیری

اقتدار ملی همان باز تعریف قدرت ملی است که از کیفیت تعامل بین مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی به وجود می‌آید و خودش هویت استقلالی ندارد که در این تعامل مؤلفه فرهنگ زیر ساخت مؤلفه‌های دیگر و اقتدار ملی را تشکیل می‌دهد مطالعه محتوای سخنان به جا مانده از ایشان در قالب نهج‌البلاغه این را آشکار کرد که در نزد حضرت^(ع) مؤلفه فرهنگ بیشترین اولویت را در دوره زمامداری داشتند و مؤلفه‌های واقع‌بینی، حق‌مداری، کمال‌جویی، خدامحوری و انسان‌مداری عناصر و مبانی سیاست را تشکیل می‌دهد، در این رویکرد سیاست به مفهوم حداکثری و حداقلی به کار برده می‌شود و سیاست به معنای تلاش و تدبیر برای رشد و تعالی فرد و جامعه، بخش جدانشدنی از وظایف و تکالیف دینی هر مسلمان است و هرگز در حاشیه قرار نمی‌گیرد. و آن چه امروز به نام سیاست شناخته شده است، بخشی از معنای جامع و متعالی سیاست علوی است که سمت‌گیری آن نیز برآمده از نگاه آن حضرت، به اساسی‌ترین مسائل و محورهای زندگی انسان است. حکومت و حکمت، و زمامداری و زهد، نه تنها با هم تعارضی ندارند بلکه سیاست مطلوب، جز از راه پیوند بین این امور، محقق نخواهد شد. و تنها حکیم حاکم و زمامدار زاهد می‌تواند کاروان بشری را به کمال مطلوب رهنمون سازد و قدرت به امر مقدس و در خدمت انسانیت قرار دهد و این که ”لم یناد بشيء مثل ما نودی بالولایه“ (حرالعالمی، ج ۱: ۱۸) و ”سیاست ما عین دیانت ما است و دیانت ما عین سیاست ما“ (جعفری، ۱۳۷۹: ۴۸) و ”سیاست، عالی‌ترین دانش‌ها و والاترین هنرهای است که اگر به درستی در جامعه‌ای هدایت نشود، جامعه روی نیک بختی نخواهد دید“ (رشاد، ۱۳۸۵: ۷۷)

منابع

- ۱ - رهبر معظم انقلاب، روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، ۸۰/۱۲/۱۳.
- ۲ - امام خمینی^(ره)، وصیت‌نامه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۷۸.
- ۳ - ارسطو، سیاست، ص ۷، و آندرو ونیست، نظریه‌ی دولت، ترجمه حسین بشریه، ص ۳۰.
- ۴ - لغت‌نامه دهخدا، ماده ساس.
- ۵ - عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی اندیشه‌ی سیاسی اسلام، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۴.
- ۶ - بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۳۷ و ج ۹۷.
- ۷ - کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۲، «امام حامل و برپا دارنده‌ی رهبری و جامعه و آگاه به سیاست است». به نقل از (فلسفه سیاست، محمدجواد نوروزی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸).
- ۸ - بابایی، محمدباقر، ۱۳۸۴، مبانی استراتژی فرهنگی، دانشگاه جامع امام حسین^(ع).
- ۹ - آلن دونبوا، قدرت فرهنگی، مترجم شهروز رستگار نامدار، مطالعات سیاسی اقتصادی شماره‌ی ۹۴ - ۹۳، ص ۲۶، و جهانی شدن فرهنگ و سیاست، کاظمی، قوس، ۱۳۸۰.
- 10 - Cf _ John Herz ,Political Realism and Political Idealism. "A Study of Theories and Realities", Chicago: University. of Chicago Press 1958.
- 11 - Gabriel Almanuel, Sidney Verba, "The Ciric Culture (Princeton,NJ): Princeton University Press, 1963.
- 12 - C. F. David Morice, Philosophy , Science and Ideology in Political Thought. London. Macmillan Press 1996.
- ۱۳ - کاظمی، سیدعلی اصغر، روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، انتشارات قوس، ۱۳۷۸.
- ۱۴ - افتخاری، اصغر، ۱۳۸۰، اقتدار ملی، انتشارات سازمان عقیدتی نیروی انتظامی.
- ۱۵ - لوکس، استیون، ۱۳۷۲، قدرت، فرهنگ رجائی، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.
- ۱۶ - هابز، توماس، ۱۳۸۰، لویاتان، حسین بشریه، نشر نی.
- ۱۷ - افتخاری، اصغر، ۱۳۷۷، رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی، نشر انتشارات.
- ۱۸ - افتخاری، اصغر، ۱۳۸۰، اقتدار ملی، انتشارات سازمان عقیدتی نیروی انتظامی.
- ۱۹ - استگهاوس ماکس ل، ۱۳۷۴، سیاست (فرهنگ) و دین، بهادین خرمشاهی، طرح نو، نقل از همان.
- ۲۰ - بابایی، محمدباقر، ۱۳۸۴، رمز موفقیت در تحقیق، چاپ دوم، نشر فکر و بکر.

- ۲۱ - رک، بابایی، محمدباقر، ۱۳۸۴، مبانی استراتژی فرهنگی از دیدگاه علی^(ع)، دانشگاه جامع امام حسین^(ع).
- ۲۲ - سجادی، سیدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۷، ماده وقع.
- ۲۳ - کشف المحجوب، ص ۵۰۲ و فرهنگ اصطلاحات عرفا، سیدجعفر سجادی - دهخدا، ج ۱۴.
- ۲۴ - سجادی، سیدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۷ و لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۳.
- ۲۵ - رک: منتهی‌الارب، واژه حق.
- ۲۶ - رک: کشف اصطلاحات الفنون.
- ۲۷ - ابن‌سینا، الاشارات و التنبیها، نشر البلاغه قم، ۱۳۷۵، ص ۹ و ترجمه اشارات و تنبیهات، ملک‌شاهی، سروش، ۱۳۶۸.
- ۲۸ - رک: دهخدا، لغت‌نامه، ج ۶.
- ۲۹ - نهج البلاغه، خطبه‌های ۱، ۱۰۴ و ۱۱۸.
- ۳۰ - مطهری، مرتضی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۴، صدرا.
- ۳۱ - دیوان‌الإمام علی^(ع).
- ۳۲ - ملاصدرا، اسفار، ج ۹.
- ۳۳ - «و لا تقف ما لیس لک به علم، انّ السّمع و البصر و الفؤاد کلّ اولئک کان عنه مسئولاً»، سوره اسراء، آیه ۳۶.
- ۳۴ - شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰.
- ۳۵ - وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۱۱: «... اخرج من المسجد رسول الله یا لعنه رسول الله ...»
- ۳۶ - نهج البلاغه، خطبه‌های ۳ و ۵۷ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و نامه‌ی ۵۴ و ابن ابی‌الحدید، ج ۴.
- ۳۷ - بحارالانوار، ج ۳۲ ص ۴۰۶، و شرح ابن ابی‌الحدید، ج ۳.
- ۳۸ - کافی، ج ۳، ص ۵۴۰، بحارالانوار، ج ۴۱.
- ۳۹ - فبشر عبادی الذین یستمعون القول و فیتعبون احسنه، سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۱۸، بقره، آیه‌ی ۱۱۱.
- ۴۰ - سفینه‌البحار، ج ۱، ص ۶۷۱ و بحارالانوار، ج ۴۱.
- ۴۱ - خانی، علی‌اکبر، ویژگی‌های جامعه‌ی مطلوب از دیدگاه علی علیه‌السلام، فصلنامه‌ی دانشگاه آزاد اسلامی، سال دوم، شماره‌ی ۵.
- ۴۲ - تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۳۵۷، و ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۰۷، و رجوع به: صلواتی، محمود، خارج‌گیری، نشر دانش.
- ۴۳ - سروش محمد، دانشنامه امام علی^(ع)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۵.
- ۴۴ - علیخانی، علی‌اکبر، نظام سیاسی و توسعه سیاسی از دیدگاه علی علیه‌السلام، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
- ۴۵ - سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۲۶ (قال فانها محرمة علیهم اربعین سنه یتیهون فی الارض فلاتأس علی القوم الفاسقین).
- ۴۶ - «العدل فوز و کرامه - الانصاف افضل فضائل - العدل افضل سجه، الانصاف افضل الشیم، أسنی المواهب العدل» عبدالکریم بن محمد یحیی قزوینی، بقا و زوال دولت، به کوشش رسول جعفریان، کتابخانه مرعشی نجفی، قم، ۱۳۷۱.
- ۴۷ - العدل مأنوس بها، العدل تتضاعف البرکات، - شرح غررالحکم و درالکلم، جمال‌الدین محمد خوانساری، تصحیح سید جلال‌الدین ارموی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.
- ۴۸ - «العدل رأس الايمان و جماع الاحسان»، همان، ج ۲.

- ۴۹ - «ملاک السیاسیه العدل»، همان ج ۶.
- ۵۰ - «العدل اقوی اساس»، همان، ج ۱.
- ۵۱ - «جعل الله سبحانه العدل قوام الانام و تنزیها من المظالم و تسنیه للإسلام»، همان، ج ۳.
- ۵۲ - «العدل نظام الامر»، همان، ج ۱، ص ۱۹۸، و «العدل قوام الرعیه و جمال الولات»، همان، ج ۲.
- ۵۳ - طبری، تاریخ، ج ۶.
- ۵۴ - ابونصر بن مزاحم منقری، وقعه الصفین، ترجمه‌ی پرویز اتابکی، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
- ۵۵ - تاریخ طبری، ج ۶.
- ۵۶ - عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی اندیشه سیاسی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۴.
- ۵۷ - نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۷، نامه‌ی ۶۱ و حکمت ۴۸.
- ۵۸ - نهج البلاغه، خطبه‌ی ۹۲ و مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲.
- ۵۹ - آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی - کیهان، ۷/۱/۷۹.
- ۶۰ - سبحانی، جعفر، معالم الحکومه الاسلامیه، امیرالمومنین^(ع)، اصفهان، ۱۴۰۱ هـ. ق.
- ۶۱ - طبری، تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۳۴۵ و ابن اثیر، ج ۳.
- ۶۲ - حرالعاملی محمد، ۱۴۰۳ق، وسائل الشیعه، ج ۱۶.
- ۶۳ - نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۱۶ و مطهری مرتضی، سیری در نهج البلاغه، صدرا، ۱۳۶۳.
- ۶۴ - حرالعاملی محمد، وسایل الشیعه، ج ۱.
- ۶۵ - جعفری، محمدتقی، حکمت اصول سیاسی اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
- ۶۶ - رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی^(ع)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵، به نقل از افلاطون.

تعیین نوع دانش و مهارت‌های مدیریتی مورد نیاز مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی

محمد رضا مردانی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱/۱۷

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۳/۱۰

صفحات مقاله: ۲۰۵-۲۳۴

چکیده

هدف این مقاله بررسی نوع دانش و مهارت‌های مدیریتی مورد نیاز مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی است. در این پژوهش با استفاده از مدل کوئین^۲ و همکاران، وظایف، نقش‌ها و مهارت‌های مدیریتی با رویکرد روابط انسانی مشخص شده است. سپس دانش و مهارت مدیریتی مورد نیاز مدیران فرهنگی با توجه به مدل مذکور و ویژگی‌های بسیج دانشجویی و مباحث فرهنگ و رهبری به عنوان موضوع مدیریت فرهنگی به دست آمده است. در پژوهش حاضر که پژوهش کاربردی است از روش‌های توصیفی و پیمایشی استفاده شده است. از مدیران و مسئولین فرهنگی با تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر که حداقل ۵ سال سابقه مدیریتی در مجموعه بسیج دانشجویی داشته‌اند به عنوان جامعه آماری استفاده شد. همچنین با توجه به نتایج به دست آمده مشخص گردید که رویکرد روابط انسانی، رویکرد کارآمد در تعیین دانش مهارت مورد نیاز مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی می‌باشد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که اصلی‌ترین مهارت‌های مورد نیاز مدیران فرهنگی مهارت‌های انسانی است. مهارت‌های ادراکی (مفهومی) در درجه دوم اهمیت و مهارت‌های فنی در جایگاه پایین‌تر قرار دارند. دانشی و مهارت‌های انسانی مدیریتی مورد نیاز مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی با شاخص‌های (ارتباط مؤثر - تصمیم‌گیری مشارکتی - مخاطب‌شناسی - گروه‌سازی و مدیریت گروه - تشخیص و حل مسأله - مدیریت تغییر - حل تضاد و تصمیم‌گیری) به ترتیب اهمیت مورد تأکید قرار گرفت.

۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع).

کلید واژگان

مدیریت فرهنگی، بسیج دانشجویی، مهارت‌های مدیریتی، روابط انسانی و دانش مدیریتی

مقدمه

فقدان سیاست‌های فرهنگی، اهداف و راهبردهای بلندمدت، برنامه‌های اثربخش و فراگیر، عدم بهره‌گیری از شیوه‌های نو، تجهیزات و فناوری روز و کافی در شناخت صحیح از نیازهای فرهنگی جامعه و نیز به کارگیری شیوه‌های نادرست، اولویت ندادن به مسائل بنیادی و عمیق فرهنگی و سطحی‌نگری و مهم‌تر از همه فقدان مدیریتی کارآمد در عرصه‌های فرهنگی موجب اتلاف وقت و به هدر رفتن سرمایه‌های فرهنگی می‌شود. امروزه به منظور افزایش کارآمدی در سازمان‌های غیرانتفاعی و دولتی چاره‌ای جز به کارگیری تکنیک‌های برنامه‌ریزی و برنامه‌های راهبردی نمی‌باشد هرچند که کارکرد اینگونه ابزار در سازمان‌های خصوصی و فرهنگی تفاوت زیادی دارد. (مرکز طرح و برنامه صدا و سیما، تهران، ۱۳۸۸) در حقیقت باید به این مطلب اشاره کرد که برنامه‌ریزی به عنوان اصلی‌ترین وظیفه مدیران طراحی چشم‌انداز مطلوب سازمان و یافتن راه‌های تحقق آن می‌باشد. (سیدجوادین، ۱۳۸۷: ۹۲)

دانشگاه‌ها به عنوان مراکز فرهنگ‌ساز جامعه با محیطی جوان، حساس، برانگیزنده، و پرانرژی محل تضارب افکار و اندیشه‌ها هستند و دانشجویان به عنوان قشر فهیم و مدیران آینده هر کشور از مهم‌ترین سرمایه‌ها و منابع فرهنگی جامعه به شمار می‌آیند. دستاوردهای مراکز آموزشی بنیان سرمایه فکری هر جامعه را می‌سازند. توجه به بحث سرمایه انسانی و فکری با توجه به مفاهیم مرتبط با آن دیر زمانی است که موضوع بحث علم اقتصاد و از سوی دیگر مدیریت منابع انسانی قرار دارد. (خاونکار، ۱۳۸۷: ۶۳)

امروزه در سازمان‌ها به منابع انسانی به عنوان مهم‌ترین منابع سازمان نگریسته می‌شود و آنها به خوبی دریافته‌اند که مهم‌ترین عامل کسب مزیت رقابتی، منابع انسانی سازمان هستند، از این رو امروزه توجه به مبحث تعهد و وفاداری منابع انسانی به سازمان و انجام هرچه بهتر نقش‌های اختصاص یافته به آنها و حتی وظایف فرائقشی توسط منابع انسانی یکی از دغدغه‌های جدی مدیران سازمان‌ها می‌باشد. (Organization Management, 2007: 326-357)

ابعاد وسیع و عمیق فرهنگ و تفکر بسیجی و شناخت، تبیین، شناساندن و نهادینه کردن آن به صورت یک فرهنگ عمومی و فراگیر در دانشگاه‌ها ضرورتی مهم است. زیرا دانشگاه‌ها به عنوان مراکز فرهنگ‌ساز و دانشجویان به عنوان مدیران، متخصصان و کارشناسان آینده سهم بسزایی در بسط و گسترش توسعه‌ی فرهنگی کشور دارند.

بسیج دانشجویی باید مدیران خود را که در یکی از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین حوزه‌های مدیریتی فعالیت می‌کنند، کاملاً آماده سازد تا قادر باشند با مدیریتی پویا و مناسب با شرایط و مقتضیات محیطی با سایر مجموعه‌های دانشجویی تعامل نمایند و باید بتوانند در عرصه‌های متنوع حضور داشته باشند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۹/۴) تحقق این امر منوط به وجود مدیران فرهنگی برخوردار از دانش و مهارت‌های مدیریت فرهنگی است. تربیت و پرورش مدیران شایسته جهت تصدی مشاغل فرهنگی در مرحله اول نیازمند شناخت دانش و مهارت‌های مورد نیاز این گروه از مدیران است.

پژوهش حاضر به دنبال تعیین دانش و مهارت‌های مدیریتی مورد نیاز برای مدیریت فرهنگی، ایجاد همسویی و همگرایی در فعالیت‌های فرهنگی و ایجاد نگرش و گرایش لازم برای به کارگیری روش‌های علمی از سوی مدیران امور عرصه فرهنگ در بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشد.

سؤال اصلی در این پژوهش این است که دانش و مهارت‌های «مدیریتی» مورد نیاز مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها را با کدام یک از رویکردهای چهارگانه مدیریتی می‌توان تعیین کرد؟ به عبارت دیگر کدام یک از رویکردهای مدیریتی شرایط و شاخص‌های مربوط به فضای حاکم بر بسیج دانشجویی در دانشگاه‌ها انطباق بیشتری دارد. پرسش‌های فرعی که در این مقاله به آنها پاسخ داده می‌شود عبارتند از:

- ۱ - دانش مدیریتی مورد نیاز مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها کدام است؟
- ۲ - مهارت‌های مدیریتی مورد نیاز مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها کدام است؟
- ۳ - دانش مورد نیاز مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها در موضوع فرهنگ و رهبری کدام است؟

دو روش سوم برای دستیابی به نوع دانش و مهارت مورد نیاز مدیران می‌تواند مورد نظر

باشد. روش اول استفاده از طریق شرح شغل است که پس از بررسی وظایف مدیران شاغل به احصاء دانش مهارت پرداخته می‌شود. روش دیگری که معروف به روش علمی است بوسیله «کوئین» و همکارانش برای بررسی و تبیین نوع دانش و مهارت مورد نیاز مدیران ارائه شده است. در پژوهش حاضر برای تأمین این هدف از روش دوم استفاده شده است.

مفاهیم و اصطلاحات تحقیق

۱- دانش و مهارت مدیریتی

کلیه دانستنی‌ها و توانایی‌هایی که مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی برای ایفای مسئولیت‌های خود بدان نیازمند هستند تحت اطلاق نام دانش و مهارت مدیریتی قرار می‌گیرد. در این راستا، مفهوم «دانش» عبارتست از: مخلوط سیالی از تجربیات، ارزش‌ها، اطلاعات موجود و نگرش‌های کارشناسی نظام یافته که چارچوبی برای ارزشیابی و بهره‌گیری از تجربیات و اطلاعات جدید به دست می‌دهد. مفهوم «مهارت» نیز به توانایی پیاده کردن علم در عمل و شایستگی فردی در انجام یک وظیفه شخصی اطلاق می‌گردد. (داونپورت، ۱۳۷۷: ۳۱ و غفاریان، ۱۳۷۹: ۷۵ و زرگرپور، ۱۳۷۵: ۸۰)

۲- مدیریت

مدیریت را می‌توان علم و هنر تشکیل و هماهنگ کردن رهبری، کنترل فعالیت‌های دسته جمعی به منظور نیل به هدف‌های مطلوب در چارچوب یک نظام ارزشی تعریف کرد. (رضایان، ۱۳۸۵: ۸)

۳- فرهنگ و تفکر بسیجی

ضمن تعریف «فرهنگ» به عنوان مجموعه ارزش‌ها، باورها و نهادها، مفهوم «فرهنگ و تفکر بسیجی» مجموعه رفتار، گفتار، روش و اندیشه را شامل می‌گردد که برگرفته از مبانی انقلاب اسلامی و تعالیم حضرت امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری است. ایشار، شهادت، عدالت‌خواهی، حسن سلوک، عشق به ولایت حضور در صحنه‌ها، خیرخواهی، خلوص، تعبد

و معنویت از شاخص‌های این فرهنگ غنی است.

مبانی نظری

روندهای در حال توسعه جهانی، چالش‌های فرهنگی و اجتماعی جدید، افزایش سریع استفاده از فناوری اطلاعات و نیازمندی شدید به تخصص و کسب مهارت از جمله عواملی است که رویکرد حاکم بر فضای اجتماعی و انسانی را تحت تأثیر خود قرار داده است. نقش آموزش به خصوص آموزش مدیریت و مهارت‌های مربوط به آن، در ساختن نیروهای مدیریتی که توانایی فایز آمدن بر چالش‌های نوین را داشته باشد، اهمیت روزافزونی یافته است. (Gill and Laghine, 2002)

به این دلیل ایجاد هماهنگی و توازن بین تغییرات در حال پیدایش محیطی و شاخص‌ها و فعالیت‌های گوناگون در فضای دانشگاه به یکی از اولویت‌های برنامه‌ریزی تبدیل شده است. (Tsiakkios and Pashiardis, 2002) و با توجه به سطوح سه‌گانه برنامه‌ریزی که شامل برنامه‌ریزی راهبردی، میان مدت و عملیاتی می‌باشد. (کریتر، ۱۳۸۷: ۱۴۳)؛ این هماهنگی باید در تمامی این سطوح در نظر گرفته شود.

از جمله مؤلفه‌هایی که در فضای دانشگاه نیازمند ارتقاء و تحول بوده است، مهارت‌های مدیریتی در حوزه فرهنگ می‌باشد. امروزه سازمان‌ها برای موفقیت هرچه بیشتر نیاز به مدیرانی برخوردار از نوعی هوشمندی و در عین حال تعهد فراسازمانی می‌باشند. کارکنان در این حالت می‌بایست فعالیت‌های خلاقانه و خودانگیزی مورد نیاز برای دستیابی به اهداف سازمانی که فراتر از نقش‌های مشخص شده برای آنهاست را انجام دهند. (Balan, 1997: 221)

در همین راستا وظایف، نقش‌ها و مهارت‌های مدیریتی با رویکردهای چهارگانه «هدف منطقی»، «فرایند داخلی»، «روابط انسانی» و «سیستم باز» مورد بررسی قرار گرفته است. در رویکرد هدف منطقی، هدف مدیر بالا بودن کارایی و به دست آوردن سود است. این عقیده جهت‌گیری درست و روشن سازمان را به سمت نتایج کار رهنمون می‌سازد. تأکید اصلی در این رویکرد واضح کردن هدف و تجزیه و تحلیل منطقی و برخورد علمی با مسایل است. این

رویکرد، از برخی نظریه‌های کلاسیک و بخصوص نظریه «مدیریت علمی» آغاز شده است. فردریک تیلور معتقد بود با مطالعه و مهندسی کار و نظام بخشیدن به گام‌های اجرایی وظایف کارگران می‌توان به حداکثر کارایی رسید. (مومنی، ۱۳۸۷: ۲۲) از نظر اینان «علم مدیریت کاربرد یک روش علمی است برای حل مسایلی که در فرایند مدیریت ایجاد می‌شود و در واقع یک سیستم ترکیبی از منابع انسانی، مواد و تجهیزات است». (زرگرپور، ۱۳۷۵: ۴۶-۴۵)

«مینتزرگ» با طرح نظریه نگرش نقش‌های مدیریتی و با مطالعه منظم پنج مدیر اجرایی در سازمان‌های متفاوت به این نتیجه رسید که برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و کنترل جز وظایف مدیریت نیست. بلکه مدیر به فعالیت‌های گوناگون می‌پردازد، در واقع مدیر نقش‌های ۳ گانه ذیل را ایفا می‌کند:

الف) نقش‌های متقابل شخصی (Interpersonal Roles): فعالیت‌هایی است که به روابط بین شخص مدیر و دیگران مربوط می‌شود. اوج این توانمندی امروزه تحت عنوان رفتار شهروندی شناخته می‌شود. رفتار شهروندی سازمانی به عنوان اراده کارکنان برای انجام بیشتر و بالاتر از نقش‌هایی که به آنها واگذار شده است تعریف می‌شود. (organ, 1990)

ب) نقش‌های اطلاعاتی (Informational Roles): فعالیت‌هایی که به کار با اطلاعات و انتقال اطلاعات توسط مدیر مربوط می‌شود.

ج) نقش‌های تصمیم‌گیری (Decision Making Roles): فعالیت‌هایی است که به تصمیم‌گیری مدیر مربوط می‌شود.

نقش و وظیفه دو موضوع جایگزین نبوده و به هم مربوط هستند و آنچه نویسنده اعلام داشته که وظیفه مدیر، برنامه‌ریزی، سازماندهی و... نبوده و مدیر در حقیقت ایفای نقش می‌کند قابل تردید است. ثانیاً نقش‌های مدیر در ارتباط با تعهد و مسئولیت اوست و به مهارت‌های مدیر نزدیک می‌شود.

کوئین برخلاف مینتزبرگ^۱ که تجارب عملی مدیران را بررسی نموده و به نظریه خود رسیده است از راه تجزیه و تحلیل به این نتیجه رسیده است و سپس آن را در مورد عده‌ای از مدیران کنترل کرده است. کوئین و همفکرانش نظریه نقش‌های مدیریتی را به همراه آنچه آنها به آن شایستگی^۲ مدیر می‌گویند، مطرح ساخته است. اینان با مینتزبرگ در روش کار متفاوتند. چرا که این افراد با یک تجزیه و تحلیل نظری و ترکیب برخی نظریه‌های مهم، مدل خود را ارائه نموده‌اند و در واقع کار آن‌ها یک بررسی تاریخی تحلیلی بوده است که بعدها روی مدیران کنترل شده است. لذا در مدل کوئین و با رویکرد هدف منطقی نقش‌های مدیر به صورت «نقش کارگردانی»^۳ و «نقش مولد»^۴ دیده شده که فعالیت‌های مربوط به کارآیی محسوب می‌شود.

الف) نقش کارگردانی

مدیر به عنوان یک کارگردان باید انتظارات سازمان را از طریق فرایندهایی چون برنامه‌ریزی، هدف‌گذاری روشن نماید و گزینه‌ها را انتخاب کرده، وظایف و نقش‌ها را تعریف کرده، مقررات و سیاست‌ها را ایجاد کرده و دستورالعمل بدهد. کسی که این نقش را دارد، رئیس سازمان است. پس «پیش‌قدمی» «هدف‌گذاری» و تفویض اختیار از جمله شایستگی‌های این نقش محسوب می‌گردد.

ب) نقش مولد

دومین نقش مدیر در این رویکرد نقش مولد است که باید وظیفه‌گرا و کارگرا بوده و از انگیزش و انرژی و محرک شخصی فوق‌العاده برخوردار باشد. مدیران در این نقش در افراد

-
- 1 - Mintsberg
 - 2 - Competency
 - 3 - Director Roles
 - 4 - Producer Roles

ایجاد انگیزه نموده تا به اهداف تعیین شده برسند. شایستگی مربوط به این نقش عبارت است از: «ایجاد انگیزش و بهره‌وری شخصی» «تهیج و برانگیختن دیگران» و «مدیریت زمان و تنش»
رویکرد روابط انسانی: از نظر رویکرد روابط انسانی نقش‌های مدیری را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

الف) نقش آموزش دهنده^۱

ب) نقش تسهیل‌کننده^۲ - فعالیت‌های مربوط به روابط انسانی

الف) نقش آموزش دهنده

در این نقش مدیر با توسعه افراد از طریق نگهداری و جهت‌گیری تلفیقی سر و کار دارد. وی در این نقش مفید و مورد توجه، حساس، قابل نزدیک شدن و مهربان است. در اجرای این نقش مدیر در سازمان خوب گوش می‌دهد، نیازهای مشروع و مجاز را حمایت می‌کند، دقت به خرج می‌دهد و به افراد اعتبار و صمیمیت می‌دهد. افراد از نظر او منابعی هستند که بایستی توسعه داده شده و مدیر با ساخت مهارت‌ها، ایجاد فرصت‌های آموزشی و برنامه جهت توسعه فردی آن‌ها این کار را انجام دهد. شایستگی‌های مورد نیاز برای ایفای این نقش عبارت‌اند از: «شناخت خود و دیگران»، «ارتباطات بین فردی» و «پرورش زیردستان»

ب) نقش تسهیل‌کننده

مدیر در این نقش فرایندگراست و به دنبال تلاش و کوشش برای جمع کردن قوت‌ها و ساختن سیستم‌های منسجم کاری و مدیریت در تضادهای بین شخص، به کارگیری تکنیک‌های کاهش تضاد، توسعه روحیه و انسجام، دستیابی به امکانات و روحیه مشارکت و سهیل در حل مسایل گروهی می‌رود. یکی از لوازم مورد نیاز به منظور ارتقا و بهبود انسجام گروهی ایجاد بستر مناسب برای ارتقا تعهد کارکنان به سازمان می‌باشد. از نظر اندیشمندان رفتار سازمانی

1 - Mentor Role

2 - Facilitator Role

تعهد انواع گوناگونی را شامل می‌شود که در یکی از معروفترین این دسته‌بندی‌ها تعهد سازمانی به دو بخش کلی رفتاری و نگرشی تقسیم می‌شود. (کیم و راوی، ۲۰۰۵، ۱۰۹)

مهم‌ترین شایستگی‌ها برای ایفای این نقش عبارت است از:

«گروه‌سازی»، «تصمیم‌گیری مشارکتی»، «مدیریت تضاد»

رویکرد فرایند داخلی: در رویکرد فرایند داخلی «کوئین و همکاران» دو نقش برای مدیر قابل هستند:

الف) نقش هشدار دهنده^۱

در این نقش از مدیر انتظار می‌رود که در واحد تحت امر او چه می‌گذرد، آیا طبق مقررات و روش‌ها کار می‌کند؟ آیا واحد تحت مسئولیت او به سمت اهداف سازمان در حرکت است؟ مدیر در این نقش بایستی همه حقایق و جزئیات را داشته و در تجزیه و تحلیل تبحر داشته باشد. برای ایفای این نقش شایستگی‌های «اضافه بار اطلاعات» تحلیل اطلاعات به صورت انتقادی و ارایه اطلاعات و نوشتن مؤثر مورد نیاز است.

ب) نقش هماهنگ کننده^۲

در این نقش از مدیر انتظار می‌رود که به سازمان بقاء، ساختار و گردش منظم کار را داده و امور را هماهنگ نماید. خصوصیات رفتاری شامل اشکال مختلف تسهیل کردن کار مثل زمان‌بندی، هماهنگی، کوشش‌های کارکنان و همچنین برخورد با مسایل کاری و تلاش در زمینه‌های فناورانه، لجستیکی و خدماتی سازمان است.

مدیر باید دارای شایستگی‌های «برنامه‌ریزی»، «سازماندهی»، «کنترل» باشد. تا بتواند ایفای این نقش را انجام بدهد.

1 - Warrer Role

2 - Coordinator Role Monitor

مدل سیستم باز: در رویکرد سیستم باز مدیر دارای دو نقش و شایستگی‌های مربوط به آن به شرح ذیل است:

الف: نقش مبتکرانه
ب: نقش معامله‌گر

مربوط به انطباق فعالیت‌ها

الف) نقش مبتکر^۱

در این نقش مدیر باید نظرات و آرا و درک مستقیم و شهودی را تقویت نماید و از او انتظار می‌رود خلاق، تصور کننده و باهوش که آینده را می‌بیند، ایجاد کننده ابتکارات و قانع کننده دیگران باشد می‌رود. «زیست با تغییر»، «تفکر خلاق» و «مدیریت تغییر» مهم‌ترین شایستگی‌های مورد نیاز این نقش است.

ب) نقش معامله‌گر^۲

یک معامله‌گر به نگهداری و ابقای حقانیت سازمان در محیط آن و جذب منابع خارج از سازمان توجه دارد. و تصور دیگران، وضعیت ظاهری و شهرت و آبرو برای او موضوعات مهمی هستند. از مدیر به عنوان معامله‌گر انتظار می‌رود که زیرک، سیاسی، مؤثر، با نفوذ و با قدرت باشد. مدیران در این نقش با افراد خارج سازمان به منظور کسب نمایندگی، به دست آوردن منابع و امور دیگر مذاکره می‌نمایند. آنها برای سازمان بازاریابی کرده و به عنوان یک نماینده عمل می‌نمایند. «ایفای این نقش شایستگی‌های ساخت و نگهداری یک مبنای قدرت»، «تفاهم مذاکره‌ای و تعهد» و «ارایه نظارت و ارایه مؤثر شفاهی» مورد نیاز است. «نکته مهم این است که این نقش‌ها پس از تعیین توسط «کوئین و همکاران» مورد تسبب واقع شده و در یک تحقیق در مورد ۷۰۰ مدیر این نقش‌ها ظاهر شده‌اند. به عنوان نتیجه‌گیری دو موضوع در ارتباط با این نقش‌ها مهم تلقی شده است.» (زرگرپور، ۱۳۷۵، ۵۶)

1 - innovator role

2 - Broker Role

۱- مدیر باید توانایی ایفای هر نقش را به صورت حداقل داشته باشد.

۲- مدیر باید بتواند تنظیم مناسبی در جهت تعامل کردن این نقش‌ها در خود به وجود آورد.

مقایسه نقش‌های مدیریتی

در یک مقایسه که در جدول شماره (۱) آورده شده است نظریه «میتزبرگ، کوئین و

دیگران» مقایسه شده است.

جدول شماره ۱ - مقایسه نقش‌های مدیری (نظر میتزبرگ و مدل کوئین و دیگران)

ردیف	رویکرد	نظریه نقش‌های مدیری «میتزبرگ»	نظریه نقش‌های مدیری مدل «کوئین و دیگران»	مقایسه دو مدل	نتیجه نهایی
۱	هدف منطقی	نقش تخصیص منابع	کارگردانی (هدایت‌گر)	این نقش‌ها تقریباً همدیگر را پوشش می‌دهند ولی نقش کارگردانی وسیع‌تر و کامل‌تر دیده شده است.	به‌طور کلی میتزبرگ در این رویکرد نقش جامعی ارائه نموده است.
		نقش رهبر	نقش مولد	در این نقش رهبر بعضی از موارد نقش مولد را پوشش می‌دهد. ولی نظریه کوئین و دیگران کامل‌تر است.	
۲	فرایند داخلی	نقش‌های رهبری و تخصیص منابع	نقش هماهنگ کننده	ترکیب دو نقش تقریباً می‌تواند نقش هماهنگ کنندگی کوئین و دیگران را بیوشاند.	به‌طور کلی مدل میتزبرگ در این رویکرد جامع‌تر است ولی هر دو نظریه شباهت به هم دارند.
		نقش‌های اطلاعاتی - دریافت‌کننده - نشر کننده - سخنگو	نقش هشدار دهنده (مراقب)	تقریباً معادل هم هستند.	
۳	سیستم باز	نقش پیش‌قدم	نقش مبتکر (تحول آفرین)	تقریباً این نقش‌ها شبیه به هم هستند ولی نقش مبتکر جامع‌تر است.	تقریباً هر دو مدل کاملند.
		مذاکره کننده (جلودار - رابط)	معامله‌گر	نقش واحدی توسط میتزبرگ ارائه نشده است ولی در نقشه‌های مذاکره کننده و جلودار و تا حدودی رابط جزئیات را می‌توان یافت.	
۴	روابط انسانی	- -	نقش آموزش دهنده	هیچ نقشی در مدل میتزبرگ دیده نمی‌شود و اساساً میتزبرگ به این نتیجه نرسیده است.	مدل میتزبرگ در این رویکرد جامع نبوده و تا حدودی به آن جواب نداده است.
		نقش آشوب‌زدایی	نقش تسهیل کننده	نقش آشوب‌زدایی میتزبرگ شامل همه موارد تسهیل کننده نمی‌شود و ناقص است.	

کوهن در گونه‌شناسی تعهد سازمانی، برای تعهد سازمانی بر اساس ۲ مؤلفه زمان (قبل از ورود به سازمان و بعد از ورود به سازمان) و اینکه مبنای تعهد وابستگی روانشناختی باشد یا ابزاری، ۴ گونه زیر را معرفی می‌کند. (کوهن، ۲۰۰۷: ۳۳۷)

مهارت‌های مورد نیاز در رویکردهای چهارگانه مدیریتی

نظریه‌های مدیریتی که خود سازنده رویکردها هستند، عموماً از مهارت‌های مورد نیاز مدیران بصورت مستقیم بحثی به میان نیاورده‌اند و مواردی را به عنوان اصول مدیریت و گاهی وظایف مدیر در اداره سازمان مطرح کرده‌اند. چنانچه بخواهیم مهارت‌های مورد نیاز مدیر را با استفاده از نظریه‌های مدیریتی استخراج کنیم، بایستی از وظایف یا نقش‌ها، این مهارت‌ها را استنباط کنیم. جدول شماره ۲ مهارت‌های مورد نیاز در رویکردهای مختلف را نشان می‌دهد.

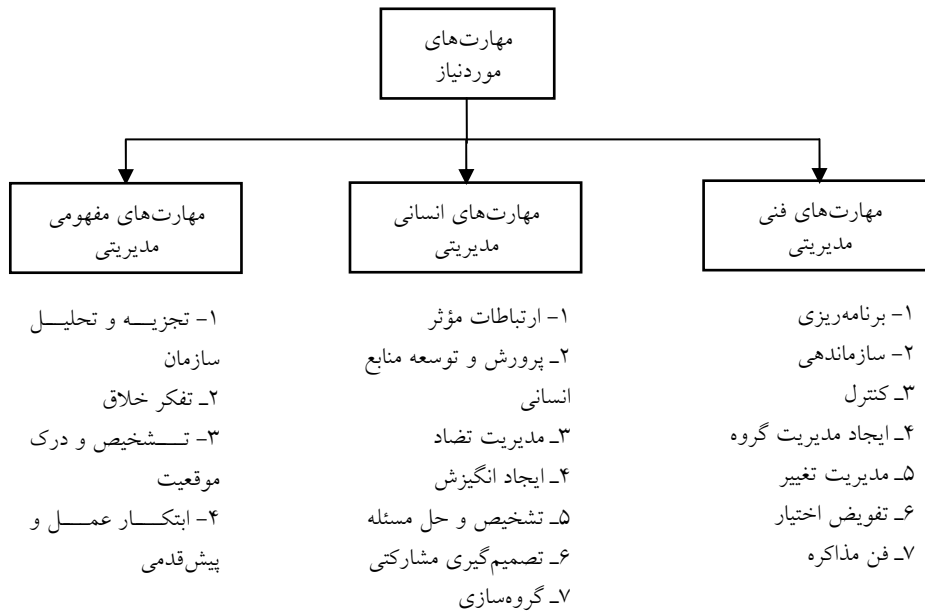
جدول شماره ۲ - مقایسه مهارت‌های مدیریت با رویکردهای مختلف انعطاف‌پذیری

<p>رویکرد روابط انسانی</p> <p>۱ - شناخت خود و دیگران ۲ - ارتباط بین فردی ۳ - تربیت و توسعه زیردستان ۴ - گروه‌سازی ۵ - تصمیم‌گیری مشارکتی ۶ - مدیریت تضاد</p>	<p>رویکرد سیستمی</p> <p>۱ - تغییرات دایمی ۲ - تفکر خلاق ۳ - مدیریت تحول و تغییر ۴ - مذاکره برای تعهد و توافق ۵ - ساخت و نگهداری یک مبنای قدرت ۶ - ارائه نظرات - ارائه مؤثر شفاهی</p>
<p>رویکرد آینده داخلی</p> <p>۱ - کاهش اضافه بار اطلاعات ۲ - تجزیه و تحلیل اطلاعات با تفکر انتقادی ۳ - ارائه اطلاعات نوشتن مؤثر ۴ - برنامه‌ریزی ۵ - سازماندهی ۶ - کنترل</p>	<p>رویکرد هدف منطقی</p> <p>۱ - ایجاد انگیزش و بهره‌وری شخصی ۲ - تهییج و برانگیختن دیگران ۳ - مدیریت زمان و تنش ۴ - در دست داشتن ابتکار عمل ۵ - هدف‌گذاری ۶ - تفویض اختیاری</p>

جمع‌بندی مهارت‌های مدیریتی

با توجه به مدل‌های ارائه شده و تعاریف مهارت‌ها در هر مدل، شباهت بین بعضی مهارت‌های ارائه شده در مدل‌ها حتی در یک مدل و ترکیب بعضی مهارت‌هایی که قابلیت ترکیب دارند، می‌توان جدول زیر را به عنوان جمع‌بندی پیشنهاد نمود.

با توجه به نمودار مهارت‌های مورد نیاز مدیران



مقایسه وظایف، نقش‌ها و مهارت‌های مدیران در رویکردهای مختلف در جدول ۳ بر مبنای مدل کوئین و همکاران نشان داده شده است.

مهارت های مدیری	نقش های مدیری	وظیفه عمومی	نگرش ها رویکردها	ردیف
<ul style="list-style-type: none"> ۱. کاهش اضافه بار اطلاعات ۲. تجزیه و تحلیل اطلاعات ۳. ارائه اطلاعات، نوشتن مؤثر ۴. برنامه ریزی ۵. سازماندهی ۶. کنترل 	<ul style="list-style-type: none"> ۱. نقش هماهنگ کننده: برنامه ریزی - سازماندهی - کنترل ۲. نقش هشدار دهنده: کاهش اضافه بار اطلاعات تجزیه تحلیل اطلاعات به مؤثر ۳. صورت انتقادی ارائه اطلاعات و نوشتن مؤثر ۵. کنترل و نظارت 	<ul style="list-style-type: none"> ۱. برنامه ریزی و بودجه بندی ۲. سبزماندهی و به کارگیری نیروی انسانی ۳. هدایت و رهبری ۴. هماهنگی ۵. کنترل و نظارت 	فرایندی	۱
<ul style="list-style-type: none"> ۱. تغییر دایمی ۲. تفکر خلاق ۳. مدیریت تحول و تغییر ۴. مذاکره برای تعهد و توافق ۵. ساخت و نگهداری یک مبنای قدرت ۶. ارائه نظرات: ارائه مؤثر شفاهی 	<ul style="list-style-type: none"> ۱. نقش مبتکر: ۲. زیستن با تغییر - مدیریت تغییر - تفکر خلاق ۳. نقش معامله گر: ۴. ساخت و نگهداری یک مبنای قدرت ۵. تفاهم مذاکره ای و تعهد ۶. ارائه نظرات: ارائه مؤثر شفاهی 	<ul style="list-style-type: none"> ۱. هدف گذاری و برنامه ریزی ۲. سازماندهی ۳. اجرا و کنترل ۴. تخصص منابع ۵. شناخت محیط و مدیریت تغییر 	سیستم باز	۲
<ul style="list-style-type: none"> ۱. ایجاد انگیزش و بهره وری شخصی ۲. تهییج و برانگیختن دیگران ۳. هدف گذاری ۴. مدیریت زمان و تنش ۵. در دست داشتن ابتکار عمل ۶. تفویض اختیار مؤثر 	<ul style="list-style-type: none"> ۱. نقش کارگردانی: ۲. پیش قدمی - هدف گذاری - تفویض اختیار ۳. نقش مولد: ۴. ایجاد انگیزش و بهره وری شخصی ۵. تهییج و برانگیختن دیگران ۶. مدیریت زمان و تنش 	<ul style="list-style-type: none"> ۱. برنامه ریزی ۲. سازماندهی ۳. آموزش ۴. کنترل و نظارت بر مبنای تشویق و تنبیه 	هدف منطقی	۳
<ul style="list-style-type: none"> ۱. شناخت خود و دیگران ۲. ارتباطات بین فردی ۳. تربیت و توسعه زیردستان ۴. گروه سازی ۵. تصمیم گیری مشارکتی ۶. مدیریت تضاد 	<ul style="list-style-type: none"> ۱. نقش تسهیل کننده: ۲. گروه سازی - تصمیم گیری مشارکتی - مدیریت تضاد ۳. نقش آموزش دهنده: ۴. شناخت و درک خود و دیگران ۵. ارتباطات بین فردی ۶. پرورش زیردستان 	<ul style="list-style-type: none"> ۱. ایجاد انگیزش و شرایط مناسب جهت کارکنان ۲. برقراری سیستم ارتباطات سازمانی ۳. آموزش ۴. برنامه ریزی و هدف گذاری ۵. مدیریت منابع انسانی 	روابط انسانی	۴

همچنین نیازسنجی یکی از مهم‌ترین وظایفی مدیران فرهنگی است. به طوری که قبل از برنامه‌ریزی فرهنگی باید نیازسنجی صورت گرفته و برنامه‌ها در جهت رفع نیازهای فرهنگی جامعه سوق داده شود.

نیازهای اجتماعی، احترام، شخصیت و خودشکوفایی از مهم‌ترین نیازهای جامعه دانشجویان و جوانان محسوب می‌گردد. عضویت در گروه و ایفای نقش فعال در عرصه فعالیت‌های اجتماعی و کسب مدارج عالی علمی، موفقیت در کشف، اختراع و نوآوری و حضور در صحنه‌های مختلف علمی و فرهنگی، آرمان‌خواهی، استقلال‌طلبی و مبارزه با هرگونه ناهنجاری‌های اجتماعی از ویژگی‌های بارز جوامع دانشجویی است. بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها با برنامه‌ریزی بلندمدت برای ارضای نیازهای فوق یعنی فراهم نمودن زمینه حضور دانشجویان در فعالیت‌های صنفی، اجتماعی و علمی، تخصصی و فرهنگی می‌تواند فرهنگ و تفکر بسیجی را در دانشگاه‌ها نهادینه کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، از نوع کاربردی است. به این معنی که صرفاً به بررسی بیان موضوع دانش و مهارت یا مدیریت پرداخته نشده است، بلکه در کاربردی از آن که تعیین دانش و مهارت مورد نیاز مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی از نظر محتوایی است، بحث می‌کند. که نتیجه آن می‌تواند در تأمین محتوای آموزشی و تدوین برنامه‌ها و الگوهای آموزشی مورد نیاز مدیران فرهنگی تشکل‌های دانشجویی استفاده شود. در این پژوهش با استفاده از موضوعات موجود و شرایط جاری و ویژگی‌های خاص بسیج دانشجویی سؤالاتی مطرح و با بررسی اسناد و مطالعات کتابخانه‌ای و جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌ها به آنها پاسخ داده شده است. از این نظر این تحقیق یک تحقیق توصیفی است که در مواردی برای انجام مطالعات نظری و بررسی چگونگی انجام کار تحقیقی از دیدگاه‌های صاحب‌نظران امور فرهنگی و نیز استادان رشته مدیریت بهره گرفته شده است. همچنین مروری بر تجربیات دو سال گذشته بسیج دانشجویی در خصوص آموزش مدیران فرهنگی و سایر تجارب آموزشی

صورت گرفته است ولی در نهایت به منظور تعیین دانش و مهارت مورد نیاز مدیران فرهنگی از پرسش نامه به عنوان ابزار جمع آوری اطلاعات استفاده شده است. از جهت این تحقیق یک پژوهش پیمایشی نیز محسوب می شود.

همچنین جامعه آماری که در این پژوهش مورد پرسش و بررسی قرار گرفته اند عبارتند از:

۱ - مدیران عالی معاونت های فرهنگی، طرح و برنامه و آموزش نیروی مقاومت بسیج (سازمان بسیج مستضعفین)

۲ - مدیران عالی و ارشد سازمان بسیج دانشجویی کشور

۳ - مدیران ارشد بسیج دانشجویی استان تهران (میانی و اجرایی)

۴ - مسئولین بسیج و مسئولین فرهنگی و اعضای شورای بسیج دانشجویی دانشگاه های تهران که پس از تعریف و تعیین چارچوب جامعه آماری با مراجعه به کارگزینی ستاد نیروی مقاومت و سازمان بسیج دانشجویی و ناحیه بسیج دانشجویی استان تهران مشخص گردیدند. حجم این جامعه آماری ۱۱۰ نفر می باشد.

حجم نمونه آماری

نمونه آماری طرح معادل ۵۰ درصد حجم جامعه آماری است که نصف جامعه آماری پژوهش را تشکیل می دهد. این تعداد برابر با ۵۵ نفر می باشد.

جمع آوری اطلاعات و داده ها

ابزار جمع آوری داده های این پژوهش، پرسش نامه است که از دو قسمت تشکیل شده است. قسمت اول مربوط به اطلاعات فردی نمونه آماری است و قسمت دوم حاوی ۳۲ پرسش ۵ گزینه ای است و یک پرسش کلی که هدف آن پاسخ به پرسش های پژوهش و تعیین دانش و مهارت های مورد نیاز مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه ها است.

روایی و پایایی پرسش‌نامه

برای سنجش میزان روایی پرسش‌نامه از نظرات صاحب نظران در زمینه موضوع پژوهش استفاده گردیده است. بدین منظور پرسش‌نامه مقدماتی طراحی و در اختیار اساتید و خبرگان و تعدادی از اعضای نمونه آماری قرار گرفت. پس از انجام اصلاحات پرسش‌نامه اصلی طراحی و در میان افراد نمونه آماری توزیع گردید.

به منظور تعیین میزان پایایی ابزار تحقیق، با استفاده از نرم‌افزار «spss»، آلفای کرونباخ محاسبه گردید و مقدار آلفا برابر $\alpha = 0.9359$ به دست آمد. البته برای کنترل بیشتر پرسش‌نامه و بالا بردن دقت آن، یک سؤال کنترلی نیز گنجانده شد. (سؤال شماره ۲)

نتایج اصلی از بررسی این سؤال با سؤال اصلی (سؤال شماره ۱) درخصوص انتخاب رویکرد مورد نیاز نشان داد که ضریب همبستگی پیرسون بین این دو سؤال برابر با $r = 0.823$ می‌باشد که حاکی از توجه و دقت پاسخ دهندگان به سؤالات پرسش‌نامه می‌باشد.

روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت تصادفی بوده و مطابق با مراحل زیر انجام گرفت. به منظور نمونه‌گیری از جامعه آماری در مرحله اول، جامعه آماری برحسب متغیرهای پنجگانه و بر اساس چارچوب تعریف شده برای جامعه آماری به شرح ذیل:

الف) گروه سنی

ب) تحصیلات

ج) سابقه آشنایی و همکاری با بسیج دانشجویی

د) سابقه آشنایی و همکاری با سایر مراکز بسیج دانشجویی

ه) سطوح مدیریتی

مورد شناسایی و توصیف قرار گرفت. در مرحله دوم نسبت هر یک از متغیرها بر اساس فراوانی‌های به دست آمده از جامعه آماری برحسب درصد مشخص شد.

در مرحله سوم برحسب درصد و تناسب ویژگی‌های جامعه آماری تعداد نفرات نمونه

آماري مشخص گرديد. در مرحله چهارم با توجه به اينکه دو متغير کليدي و تعيين کننده تحقيق يعنى متغيرهاي «سابقه آشنائي با بسپج دانشجويي و ساير مراکز بسپج» و «سطوح مديريتي» محسوب مي گردند، اعضاي جامعه آماري برحسب اين متغير طبقه بندي شده و از داخل هر طبقه به شيوه تصادفي تعداد نمونه هاي آماري انتخاب شدند.

جدول (۴) نسبت تعيين نمونه آماري را از جامعه آماري نشان مي دهد.

جدول شماره ۴ - نسبت تعيين نمونه آماري از جامعه آماري

سطوح مديريتي		آشنائي و همکاري با ساير مراکز بسپج (برحسب مال)				آشنائي و همکاري با بسپج دانشجويي (برحسب سال)				تحصيلات	گروه سني			متغيرها	
		۱۰سال	۵-۹	۱-۴		۱۰	۵-۹	۱-۴			مقطع ارشد و دکتری	۳۰-۴۰	۴۰-۴۵		۲۳-۳۰
مسئولين و اعضاي شوراي بسپج	مديران ارشد سازمان مرکزي و تهران	۱۰سال	۵-۹	۱-۴		۱۰	۵-۹	۱-۴		دانشجوي ارشدي و دکتری	مقطع ارشد و دکتری	۳۰-۴۰	۴۰-۴۵	۲۳-۳۰	ميزان ويژگي ها
۶۳/۷	۱۲/۷	۲۳/۶	۲۹	۲۰	۵۱	۱۲/۶	۳۲/۸	۵۴/۶	۶۵/۶	۳۴/۶	۲۷/۲	۳۴/۶	۳۸/۲	ميزان ويژگي ها در جامعه آماري بر حسب درصد	
۳۵	۷	۱۳	۱۶	۱۱	۲۸	۷	۱۸	۳۰	۳۶	۱۹	۱۵	۱۹	۲۱	برآورد ويژگي ها در نمونه آماري بر حسب نفر	

یافته‌ها و نتایج

درخصوص تعیین رویکرد کارآمد در مدیریت فرهنگی بسیج دانشجویی با توجه به ویژگی‌های آن که از طرفی دارای نقش و کارکرد تشکلی و نهادی بوده و از سوی دیگر برخوردار از ساختارهای ادوکراتیک (حوزه محوری^۱) می‌باشد و مهم‌تر از آن متکی بر نیروهای داوطلب مردمی است نتایج مندرج در جدول شماره ۵ در رابطه با ۴ رویکرد هدف منطقی، فرایند داخلی، روابط انسانی و سیستم باز حاصل شد.

جدول ۵- بررسی رویکردهای مدیریتی و تعیین رویکرد کارآمد برای مدیریت فرهنگی بسیج دانشجویی

ردیف	رویکردهای مدیریتی در مدل کوئین و همکاران	کاملاً مورد نیاز		نسبتاً مورد نیاز		نظری ندارم		کم‌تر مورد نیاز		مورد نیاز نیست	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	رویکرد هدف منطقی	۳	۶/۴	۱۳	۲۷/۷	۶	۱۲/۸	۱۹	۴۰/۴	۶	۱۲/۸
۲	رویکرد فرایند داخلی	۱۰	۲۱/۳	۱۰	۲۱/۳	۹	۱۹/۱	۲۲	۴۶/۸	۱	۲/۱
۳	رویکرد روابط انسانی	۳۷	۷۸/۷	۶	۱۲/۸	۱	۲/۱	۳	۶/۴	-	-
۴	رویکرد سیستم باز	۳	۶/۴	۱۲	۲۵/۵	۸	۱۷	۱۶	۳۴	۸	۱۷

همانگونه که ملاحظه می‌گردد رویکرد روابط انسانی با اختصاص ۷۸/۷ درصد از پاسخ‌های کاملاً مورد نیاز به خود به عنوان رویکرد اصلی در مدیریت فرهنگی بسیج دانشجویی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و رویکرد هدف منطقی و سیستم باز هر کدام با اختصاص ۶/۴ درصد از پاسخ‌های کاملاً مورد نیاز از کم اهمیت‌ترین رویکردها نسبت به سایر موارد مشخص شده می‌باشد. همچنین رویکرد فرایندی با اختصاص ۲۱/۳ درصد از پاسخ‌های کاملاً مورد نیاز تأیید نشده است.

بنابراین جهت اداره مطلوب فعالیت‌های فرهنگی در بسیج دانشجویی مدیران فرهنگی

۱ - منظور از حوزه محوری یعنی تمرکز فعالیت‌ها در رده حوزه‌های بسیج دانشجویی که در دانشگاه مستقر است.

می‌بایست با دانش و مهارت‌های رویکرد روابط انسانی آشنایی پیدا کرده و وظایف و نقش‌های رویکرد فوق را مورد توجه قرار دهند.

همچنین درخصوص تعیین مهارت‌های اساسی مدیریتی مورد نیاز مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی در ۳ حوزه، مهارت فنی - مدیریتی، مهارت انسانی - مدیریتی و مهارت اداری (مفهومی) - مدیریتی نتایج زیر به دست آمد.

بر اساس داده‌های جدول (شماره ۶) مهارت انسانی با ۸/۹ درصد کاملاً مورد نیاز و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و مهارت مفهومی (ادراکی) نیز با ۱۴/۹ درصد در درجه دوم اهمیت و مهارت فنی با ۶/۴ درصد در طبقه سوم قرار می‌گیرد. این در حالی است که این مهارت‌ها در سازمان‌های کلاسیک و شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی و صنعتی عکس این نتیجه را نشان می‌دهند.

جدول ۶ - نتایج حاصل از بررسی مهارت‌های اساسی مدیریتی مورد نیاز مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها

ردیف	مهارت اساسی مدیریتی	کاملاً مورد نیاز		نسبتاً مورد نیاز		نظری ندارم		کم‌تر مورد نیاز		مورد نیاز نیست	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	مهارت فنی مدیریتی	۳	۶/۴	۱۸	۳۸/۳	۱	۲/۱	۲۵	۵۳/۲	-	-
۲	مهارت انسانی مدیریتی	۳۸	۸۰/۹	۲	۴/۳	۱	۲/۱	۶	۱۲/۸	-	-
۳	مهارت اداری (مفهومی) مدیریتی	۷	۱۴/۹	۲۱	۴۴/۷	-	-	۱۸	۳۸/۳	۱	۲/۱

با توجه به نتایج حاصل از مطالعه و بررسی ادبیات تحقیق اهم وظایف و نقش‌ها و مهارت‌های مدیران در رویکرد روابط انسانی بشرح ذیل می‌باشد. بدیهی است که دانش و مهارت مورد نیاز و مهارت‌های مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی برای ایفا وظایف و نقش‌های فوق تعیین می‌گردد:

الف) اهم وظایف مدیران در رویکرد روابط انسانی بر مبنای مدل تحقیق

- ۱ - ایجاد انگیزش و شرایط مناسب جهت کارکنان و اعضای بسیج دانشجویی
- ۲ - برقراری سیستم ارتباطات سازمانی
- ۳ - آموزش و توسعه منابع انسانی
- ۴ - برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری
- ۵ - مدیریت منابع انسانی

ب) نقش‌های مدیران در رویکرد روابط انسانی بر مبنای مدل تحقیق

- ۱ - نقش تسهیل‌کننده (گروه‌سازی - تصمیم‌گیری مشارکتی - مدیریت تضاد)
- ۲ - نقش آموزش‌دهنده (شناخت خود و دیگران - ارتباطات بین فردی - پرورش زیردستان)

ج) مهارت‌های مدیران در رویکرد روابط انسانی

- ۱ - شناخت خود و دیگران (مخاطب‌شناسی)
- ۲ - تربیت و توسعه زیردستان
- ۳ - ارتباطات بین فردی و سازمانی
- ۴ - گروه‌سازی و مدیریت گروه
- ۵ - مدیریت تضاد
- ۶ - مدیریت تغییر

بسیج دانشجویی که مدیران فرهنگی آن بصورت داوطلبانه و به‌طور موقت برای مدت ۲ الی ۳ سال در پست مدیریت فرهنگی انجام وظیفه خواهند نمود و در ابتدای مراحل تحصیلات عالی که به‌طور یقین رشته‌های مختلف با گرایش‌های متفاوت خواهد بود. همچنین به علت نداشتن تجربه مؤثر و کافی، لذا آمادگی و امکان فراگیری تمام دانش و مهارتی که رویکرد به آن توجه می‌دهد را ندارند. لذا باید در سطح محدود و حول محورهای اصلی این

دانش و مهارت آموزش‌های لازم را ببینند و با دانش و مهارت ضرورت آشنایی پیدا کرده و به مرور زمان مهارت‌های لازم را یاد بگیرند که در قسمت‌های بعدی همین فصل دانش و مهارت لازم برای مدیران فرهنگی تعیین شده است.

دانش مدیریتی مورد نیاز مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها

مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها برای ایفای وظایف و نقش‌های مدیریتی در حوزه مسئولیت خود نیازمند آشنایی با دانش مدیریتی مورد نیاز بوده و با توجه به ویژگی‌های بسیج دانشجویی و نیز سطح مدیران مورد نظر در این تشکل دانشجویی و وظایف فرهنگی و قدرت انجام وظیفه و رشته و مقطع تحصیلی و شرایط و موقعیت دانشگاه‌ها مورد بررسی قرار گرفت و برای تعیین دانش لازم جهت ایفای وظایف و نقش‌های مدیریتی موارد زیر در تحلیل و بررسی انجام گرفته مورد نیاز تشخیص داده شد.

الف) دانش مربوط به انگیزش و نفوذ (تأثیر مثبت در دیگران)

ب) آشنایی با توسعه منابع انسانی (اعضا)

ج) شناخت ماهیت و مراحل و انواع برنامه‌ریزی

د) دانش مربوط به مدیریت منابع انسانی

ه) نیازسنجی فعالیت‌های فرهنگی

و) آشنایی با نیازهای اعضا و مخاطبین (اجتماعی، احترام و خودشکوفایی)

ز) دانش مربوط به مدیریت رفتار فردی و سازمانی

ح) آشنایی با شیوه‌های سازماندهی

ط) دانش ادراک و مسائل مربوط به آن

ک) آشنایی با شیوه‌های کنترل و نظارت

نتایج حاصله از بررسی امتیازات مربوط به هر کدام از عناصر مربوطه به دانش مورد نیاز

مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی:

جدول شماره ۷ - نتایج حاصله در بررسی اهمیت هر کدام از عناصر دانش مدیریتی مورد نیاز

مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها

ردیف	دانش مدیریتی مورد نیاز مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها	کاملاً مورد نیاز		نسبتاً مورد نیاز		نظری ندارم		کم‌تر مورد نیاز		مورد نیاز نیست
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱	دانش مربوط به انگیزش و نفوذ (تأثیر مثبت در دیگران)	۳۴	۷۲/۳	۱۱	۲۳/۴	-	-	۲	۴/۳	-
۲	دانش مربوط به توسعه منابع انسانی	۲۰	۴۲-۶	۲۱	۴۴/۷	۳	۶/۴	۳	۶/۴	-
۳	دانش برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری	۲۸	۵۹/۶	۱۵	۳۱/۹	۲	۴/۳	۲	۴/۳	-
۴	دانش مدیریت منابع انسانی	۱۴	۲۹/۸	۱۳	۲۷/۷	۶	۱۲/۸	۱۰	۲۱/۳	۴
۵	دانش ارزیابی و نظرسنجی فعالیت‌های فرهنگی	۲۲	۴۶/۸	۲۰	۴۲/۶	۴	۸/۵	۱	۲/۱	-
۶	دانش سلسله مراتب نیازهای انسانی	۲۹	۶۱/۷	۱۴	۲۹/۸	۲	۴/۳	۲	۴/۳	-
۷	دانش مدیریت رفتار فردی و سازمانی	۲۲	۴۶/۸	۲۰	۴۲/۶	۱	۲/۱	۴	۸/۵	-
۸	دانش مربوط به شیوه‌های سازماندهی	۱۲	۲۵/۵	۱۶	۳۴	۳	۶/۴	۱۴	۲۹/۸	۲
۹	دانش ادراک و مسائل مربوط به آن	۲۹	۶۱/۷	۱۳	۲۷/۸	۲	۴/۳	۳	۶/۴	-
۱۰	دانش کنترل و نظارت	۱۱	۲۳/۴	۲۱	۴۴/۷	۱۱	۲۳/۴	-	-	۴

نتایج حاصله از جدول شماره (۷) نشان می‌دهد که از میان دانش مدیریتی مندرج در جدول فوق دانش مربوط به نفوذ و انگیزه با ۹۵/۷ درصد مورد نیاز و دانش برنامه‌ریزی و همچنین آشنایی با نیازهای مخاطبین و اعضاء هر دو با ۹۱/۵ درصد مورد نیاز از مهم‌ترین دانش‌های مورد نیاز و دانش مربوط به مدیریت منابع انسانی با ۷۵/۵ درصد مورد نیاز و دانش مربوط به سازماندهی با ۵۹/۵ درصد از کم اهمیت‌ترین عناصر مؤلفه‌های دانش مدیریتی مورد نیاز نسبت به سایر موارد توسط نمونه آماری مشخص گردیده است.

مهارت‌های مدیریتی مورد نیاز مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها

مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها به منظور افزایش کارآمدی و اثربخشی فعالیت‌های بسیج دانشجویی در عرصه‌های فرهنگی نیازمند کسب یکسری مهارت‌های مدیریتی می‌باشند. با توجه به شرایط و ویژگی‌های بسیج دانشجویی برخی از مهارت‌ها ممکن است در این تشکل نسبت به مدیریت سایر سازمان‌های کلاسیک متفاوت باشد. با عنایت به موضوع تحقیق و تأکید پژوهش به رویکرد روابط انسانی، از این رو مهارت‌های مدیریتی مورد نیاز برای تصدی پست مدیریت فرهنگی در بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها با رویکرد روابط انسانی مورد بررسی قرار گرفت و به همین علت ابعاد زیر در تحلیل مهارت‌های مورد نیاز مدنظر واقع شد.

- ۱ - کسب مهارت در تصمیم‌گیری و آشنایی با فنون آن
- ۲ - مهارت در برقراری ارتباطات مؤثر
- ۳ - مهارت لازم در گروه‌سازی و مدیریت رفتاری گروهی
- ۴ - جلب مشارکت دیگران در تصمیم‌گیری
- ۵ - مهارت در حل تضاد بین خود و دیگران و اعضاء با سازمان
- ۶ - مهارت در تشخیص مسأله (مسأله شناسی) و فنون حل مسائل
- ۷ - مهارت لازم در شناخت خود و دیگران
- ۸ - کسب توانایی لازم در ایجاد تغییر و تحول (مدیریت تغییر)

جدول شماره ۸ - نتایج حاصله در بررسی اهمیت هر کدام از مهارت‌های مدیریتی مورد نیاز

مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی

ردیف	مهارت‌های مورد نیاز مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها	کاملاً مورد نیاز		نسبتاً مورد نیاز		نظری ندارم		کم‌تر مورد نیاز		مورد نیاز نیست.
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱	مهارت در تصمیم‌گیری و آشنایی با فنون آن	۴۰/۴	۱۷	۳۶/۲	۱	۲/۱	۶	۱۲/۸	۴	۸/۵
۲	مهارت در برقراری ارتباطات مؤثر	۶۶	۱۴	۲۹/۸	-	-	۲	۴/۳	-	-
۳	مهارت لازم در گروه-سازی و مدیریت رفتار گروهی	۵۱/۱	۱۵	۳۱/۹	۲	۴/۳	۴	۸/۵	۲	۴/۳
۴	تصمیم‌گیری مشارکتی	۵۷/۴	۱۴	۲۹/۸	۱	۲/۱	۵	۱۰/۶	-	-
۵	مهارت در حل تضاد (مدیریت تضاد)	۳۱/۹	۲۳	۴۸/۹	۵	۱۰/۶	۴	۸/۵	-	-
۶	مهارت در تشخیص و حل مسأله (مسأله-شناسی)	۳۶/۲	۲۲	۴۶/۸	۲	۴/۳	۴	۸/۵	۲	۴/۳
۷	مهارت در شناخت خود و دیگران	۵۳/۲	۱۶	۳۴	۲	۴/۳	۴	۸/۵	-	-
۸	مهارت در ایجاد تغییر و تحول (مدیریت تغییر)	۳۴	۲۴	۵۱/۱	۱	۲/۱	۴	۸/۵	۲	۴/۳

نتایج جدول بررسی اهمیت هر کدام از شاخص‌های فوق را در مدیریت فرهنگی بسیج

دانشجویی دانشگاه‌ها نشان می‌دهد.

با توجه به داده‌های جدول شماره (۸) نظر افراد نمونه آماری نسبت به تعداد هشت گویه مربوط به مهارت‌های انسانی مدیریت مهارت ارتباطات مؤثر با فراوانی ۹۵/۸ درصد پاسخ‌های مورد نیاز و مهارت‌های تصمیم‌گیری مشارکتی و شناخت خود و دیگران هر دو با ۸۷/۲ درصد فراوانی پاسخ‌های مورد نیاز از مهم‌ترین مهارت‌های مدیریتی در موفقیت مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی و نیز مدیریت تضاد با کسب ۸۰/۶ فراوانی پاسخ‌های مورد نیاز از کم اهمیت‌ترین

عناصر نسبت به سایر مهارت‌ها بشمار می‌رود.

اگر چه تمام شاخص‌های مربوط به مهارت‌های مدیریتی از نظر نمونه آماری مورد تأیید قرار گرفته ولی برقراری ارتباطات مؤثر در توفیق و اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی فوق‌العاده مؤثر است و همچنین مشارکت در تصمیم‌گیری نیز دارای اهمیت است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف این پژوهش تعیین رویکرد مدیریتی حاکم بر فضای بسیج دانشجویی و نوع دانش و مهارت‌های «مدیریتی» مورد نیاز مدیران فرهنگی در بسیج دانشجویی بوده است. همانطور که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد رویکرد روابط انسانی از بین ۴ رویکرد مدیریتی بررسی شده، بیش از سایر رویکردها مورد تأکید قرار گرفته و با ویژگی‌های خاص بسیج دانشجویی نیز سازگاری بیشتری دارد. با توجه به نتایج حاصله رویکردهای مدیریتی مناسب با فضای بسیج دانشجویی به ترتیب اولویت عبارتند از: رویکرد روابط انسانی، رویکرد فرایند داخلی، رویکرد هدف منطقی و رویکرد سیستم باز.

نتایج حاصل از تحقیق درخصوص مهارت‌های مدیریتی نشان داد که مهارت‌های مدیریتی مورد نیاز مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی را غالباً مهارت‌های انسانی - مدیریتی تشکیل می‌دهد. همچنین یافته‌ها نشان داد که مهارت‌های فنی مدیریتی با سطح معنی‌داری ۳۰۶٪ کاربرد چندانی در مدیریت فرهنگی بسیج دانشجویی ندارد. اما مهارت‌های ادراکی (مفهومی) مدیریتی با سطح معنی‌داری ۰۵٪ تقریباً مورد تأیید قرار گرفته است. بنابراین با توجه به جایگاه مدیریت فرهنگی بسیج دانشجویی و لزوم درک کافی و شناخت مسائل پیرامونی لازم است مؤلفه‌ها و شاخص‌های مهم مهارت‌های ادراکی مانند تفکر خلاق، تشخیص و درک موقعیت و ابتکار عمل مورد توجه قرار گیرد. بر همین اساس مهارت‌های مدیریتی به ترتیب اولویت عبارتند از: مهارت‌های انسانی مدیریتی، مهارت‌های ادراکی (مفهومی) و مهارت‌های فنی.

همچنین دانش مدیریتی مورد نیاز مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها به منظور بالابردن توان مدیریتی و اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی بسیج دانشجویی تعیین شد که

مؤلفه‌های مربوط به آن با رویکرد روابط انسانی که باید از سوی مدیران فرهنگی بسیج دانشگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد عبارتند از:

- الف) دانش مربوط به انگیزش و نفوذ
- ب) دانش برنامه‌ریزی
- ج) دانش ادراک و مسائل مربوط به آن
- د) دانش ارزیابی و نظرسنجی
- ه) دانش مدیریت و فناوری
- و) دانش توسعه منابع انسانی
- ز) دانش مدیریت منابع انسانی
- ح) دانش کنترل و نظارت
- ط) دانش سازماندهی و شیوه‌های آن

همچنین مهارت‌های مورد نیاز مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی در دانشگاه‌ها با توجه به یافته‌های پژوهش به ترتیب اولویت زیر به دست آمده‌اند:

- الف) مهارت در برقراری ارتباط مؤثر
- ب) مهارت در تصمیم‌گیری مشارکتی
- ج) مهارت در شناخت خود و دیگران (مخاطب شناسی)
- د) مهارت در گروه‌سازی و مدیریت گروه
- ه) مهارت تشخیص و حل مسأله
- و) مهارت در ایجاد تحول (مدیریت تغییر)
- ز) مهارت در حل تضاد (مدیریت تضاد)
- ح) مهارت در تصمیم‌گیری و آشنایی با فنون آن

از این رو پیشنهاد می‌شود، با توجه به اهمیت جایگاه دانشگاه و نقش بسیج دانشجویی، پیچیدگی فعالیت در عرصه‌های فرهنگی و گسترش تلاش پنهان و آشکار گروه‌های نفوذ و استحاله با برنامه‌هایی مدون و بلندمدت، آشنایی مدیران فرهنگی با دانش و مهارت لازم برای

نقش آفرینی بهتر ضرورت دارد و دانشجویان باید برای فراگیری و مسئولان برای آموزش این مهارت‌ها تلاش کنند. همچنین مسئولان بسیج دانشجویی باید با استفاده از رویکرد انسانی در عرصه مدیریت بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها جهت ارتقا منزلت اجتماعی و اعتبار بسیج دانشجویی تلاش‌های گسترده‌ای در حوزه شکل‌دهی گفتار و رفتار خود و همچنین کسب مهارت‌های انسانی برای نفوذ در دانشجویان انجام دهند.

همچنین مسئولین بسیج دانشجویی می‌بایست در جهت افزایش مشارکت دانشجویان و اعضای سایر تشکل‌ها و فعالیت‌های بسیج دانشجویی از شیوه‌های ارتباطی مناسب و ارتباط چهره به چهره بهره برد و در مواقع برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی و اجرای برنامه‌های فرهنگی زمینه مشارکت را فراهم نمایند و نظرات و آرا اعضا را محترم شمرده، از شیوه‌های آمرانه خودداری نمایند.

همچنین لازم است در حوزه آموزش مهارت‌های مدیریتی مسئولان و متولیان امور آموزش به طراحی دوره‌های آموزشی مدیران فرهنگی متناسب با یافته‌های این پژوهش اقدام نمایند.

مناسب است مسئولان ذی ربط ساز و کار لازم را برای کسب مهارت‌های فرهنگی و ارتباطی و آشنایی با فن‌آوری روز بویژه در زمینه ارتباطات و اطلاع‌رسانی مانند اینترنت، رسانه‌ها و سایت‌های مختلف، مراکز فرهنگی و سایر ابزارهای جدید برای استفاده مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی فراهم نمایند.

توصیه‌هایی به مسئولین سختکوش بسیج دانشجویی

۱ - مدیران فرهنگی باید از ویژگی‌های رهبری برخوردار باشند تا در انتقال فرهنگ از طریق نفوذ در دیگران توفیق بیشتری یابند. توصیه می‌شود هنگام انتخاب مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی، با انجام تست‌های رهبری کسانی را که ویژگی بیشتری دارند، انتخاب نمایند.

۲ - مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی علاوه بر دانش و مهارت‌های مدیریتی مورد

نیازشان باید دارای دانش لازم در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اعتقادی نیز باشند. از آن جا که فرصت این دانشجویان برای فراگیری دانش در حوزه‌های مختلف در کنار درس‌های کلاسیک‌شان محدود است، باید نسبت به بررسی و تحقق برای تبیین این دسته دانش‌های مورد نیاز اقدام نمود. به گونه‌ای که مباحث آموزشی برای آن‌ها کاملاً اثربخش بوده و از جامعیت و مانعیت لازم برخوردار باشد.

۳ - مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی از میان افراد علاقه‌مند به مسایل فکری فرهنگی و اهل مطالعه و یا کسانی که دوره‌هایی را در این رابطه گذرانده باشند مانند اعضای شرکت‌کننده در دوره طرح ولایت انتخاب نمایند. در این صورت افراد انتخاب شده در حوزه شناختی دارای توانایی بوده و با تقویت جنبه‌های دیگر توفیقات بیشتری می‌یابند.

۴ - با توجه به قرابت و نزدیکی برخی رشته‌های علوم انسانی به مدیریت و دانش و مهارت مدیریت فرهنگی بسیج دانشجویی، در صورت امکان مدیران فرهنگی از میان دانشجویان رشته‌های فوق و با رعایت ویژگی‌ها و شرایط لازم انتخاب شوند. گرچه ممکن است در میان دانشجویان سایر رشته‌ها افراد دارای توانایی‌های بهتر وجود داشته باشند که قطعاً آنان در اولویت خواهند بود.

۵ - به منظور بالا بردن منزلت اجتماعی و جایگاه بسیج دانشجویی و ایجاد جاذبه بیشتر، مدیران فرهنگی بسیج دانشجویی علاوه بر برخورداری از سایر شرایط باید از میان دانشجویان ممتاز علمی انتخاب گردند.

۶ - با توجه به عدم ثبات مدیران فرهنگی به علت فراغت از تحصیل مسئولان بسیج، همواره باید در کنار مدیران فعلی مدیران آینده از نظر تجربی و عملی و دوره‌های نظری تربیت کرد تا در هنگام ترخیص آنان خلاء مدیریتی ایجاد نگردد.

منابع

- ۱ - بیانات مقام معظم رهبری (دام ظلّه) در دیدار با بسیجیان - ۸۸/۹/۴.
- ۲ - دانیورت، تامس اچ، پروساک، لارنس، مدیریت دانش ترجمه حسین رحمان سرشت، نشر سایکو، ۱۳۷۹.
- ۳ - غفاریان، وفا، شایستگی‌های مدیریتی، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۹.
- ۴ - زرگپور، حمید، الگوی آموزش مدیریت در ایران، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- ۵ - الوانی، سیدمهدی، مدیریت عمومی، نشرنی، چاپ هفتم، ۱۳۷۳.
- ۶ - جان ام برایسون؛ برنامه‌ریزی استراتژیک برای سازمان‌های عمومی و غیرانتفاعی، مرکز طرح و برنامه صدا و سیما، تهران، ۱۳۸۸.
- ۷ - رضاییان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، سمت، چاپ نهم، تهران، ۱۳۸۵، ص ۸.
- ۸ - خاوندکار، جلیل، سرمایه فکری مدیریت توسعه و مدل‌های سنجش؛ مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران، تهران، ۱۳۸۷.
- ۹ - مومنی، هوشنگ، نگره‌های مدیریت، ستاره سپهر، تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۰ - سیدجوآدین، سیدرضا، دانش مسائل روز در زمینه مدیریت مؤسسات تولیدی خدماتی و طرح‌های عمرانی، زمزمه نور، تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۱ - کریتنر رابرت، اصول مدیریت، ترجمه داور ونوس و هرداد پرچ، مؤسسه کتاب مهربان نشر، تهران، ۱۳۸۷.
- 12 - Tsiakkiros, A and P.pashiadis (2002); Strategic Planning and Education The case of Cyprus: International Journal of Educational Management, VOL.16, NO.1.
- 13 - Gill A. and S.lashine (2003); Educational Management, VOL, 17, NO.5.
- 14 - Pare1 Guy & tremblay Michel: the influence of high involvement human resource practices, procedural justice, organizational commitment and citizenship behaviors on information technology professionals' turnover intention, group & organization management, 2007.
- 14 - Cohen aaron: commitment before and after: An evaluation and reconceptualization of organizational commitment, human resource management review, 2007.
- 15 - Bolon douglas: organizational citizenship behavior among hospital employees: a multidimensional analysis involving job satisfaction and organizational commitment, hospital & health services administration, 1997.
- 16 - Organ dennis, farh jiing, zhong chen: organizational citizenship behavior in the People's Republic of China, organization science, 2004.
- 17 - Kim won, jung & Rowley chris: Employee Commitment: a Review of the Background, Determinants and Theoretical Perspectives, Asia Pacific Business Review, Vol11, 2005.

Determining the Type of Managerial Skills and Knowledge Required by the Cultural Managers of the Student Basij

MohammedReza Mardani

ABSTRACT

This article aims at determining the type of managerial skills and knowledge required by the cultural managers of the Student Basij. Using the Queen (and others) model, this research establishes the managerial skills, functions, and roles with human relations approach. Then, it determines the managerial skills and knowledge that cultural managers need by considering the above-said model, the characteristics of the Student Basij, and subjects of culture and leadership as belonging to the subject of cultural management. As an applied research, the present research uses the descriptive and survey methods. Cultural authorities and managers with postgraduate education and at least a five year managerial experience in Student Basij have been used as a statistical community. Also, considering the achieved results, it found out that the human relations approach is an effective one in determining the skills and knowledge required by cultural managers of the Student Basij. The results achieved by this research reveal that human skills are the main skills that cultural managers need. Conceptual skills are of the second priority and the technical skills are of a lower status. The human managerial skills and knowledge required by the cultural managers of Student Basij with factors like effective relationship, audience studies, group making and group management, problem diagnosis and solution, change Management, conflict solution and decision making are emphasized in order of importance.

Key Words: *cultural management; Student Basij; managerial skills; human relationship and managerial knowledge*

bases. Human values are the origin of policy, strengthening it's values, so that any kind of effort made beyond this framework is deemed as an act of following the caprices and going in the way of loss. This article has been written by the author who was supported by researching and analyzing the content of Nahjul-Balagha.

Key Words: *policy; national authority; realism; perfection seeking; God-centeredness and humanitarianism*

The Status of Policy in National Authority from Imam Ali's Point of View

Mohammad Bagher Baba'ee

ABSTRACT

The extent of national authority counts as the most important factor for assessing countries' capability, the most influential factors of which are political, economical, social, cultural, and military parameters. There is a synergetic interaction between these parameters. The fundamental questions in this interaction are "what factors have a major role and which parameters should statesmen give the most role and invest in developing its elements?", "which parameter should be given priority of investment and development to increase national authority and power?", "What method can be used to determine the priority among them?", "considering the specificity of the Islamic Republic of Iran and its governance as a model, which parameter they should give priority to in investing?", "what is the status of policy in this interaction?", "what logical relation can policy have with other parameters?". The content analysis in the discourses, letters, and short statements left from Imam Ali (PBUH) reveal that he used to give much more priority to the element of culture during his reign (which is a model for the Islamic Republic of Iran), which meant that he developed the theoretical and value-oriented underpinnings in other parameters of national authority, in a way that God-centeredness, realism, perfection seeking, and humanitarianism gave shape, identity, and direction to his political, economical, social, and military behaviors during his reining period. And policy here was no exception, with his political behaviors, verdicts, and decisions being originated from the above said

The Role of the Main Factors and Components of Passive Defense in the Country's Security

Abbas Mehri

ABSTRACT

This article addresses the role of passive defense in the security of the country. Also, it tries to establish the relationship between the two variables of passive defense and security by collecting library information and field survey, and to put the results of the research to test through using the Likert scale statistics, and two-variable student t-statistics.

From the results gained by asking questions from the scholars and experts, it follows that the factors and components of passive defense and those of the Country's security have been explored, and the effects of the variables such as the fortification and strengthening, positioning, camouflage, deception, warning systems, and mobility on the country's security were proved. However, the effects of the variables like covering, division, and dispersion were not meaningful. Finally, the importance of the components of passive defense and security were explained and suggestions, as were required, were offered.

Key Words: *passive defense; the center of gravity; decentralization; the strategy of survival; security*

An Explanation of I.R.I Operational Scenes During the Eight Years of the Holy Defense

Hadi MoradPiri

ABSTRACT

In achieving their targets, the Islamic Revolution of Iran and Iraq selected different zones for their scenes of operations where offensive and defensive operations were carried out, but these operations were unfortunately not formulated. So, considering the fact that Iraq itself had begun the war, and imposed the above said scenes on Islamic Republic of Iran, this article seeks to explain the scenes where land and sea operations were carried out, trying, in so doing, to use various sources and documents from defense and scientific centers.

Key Words: *scene; scene of operations; war; operation. The Holy Defense*

Formulating & Assessing Military Strategies Based on Analytical SWOT Method

S'aeed Kafee

ABSTRACT

Formulating and assessing military strategies is a complex process requiring a systematic approach for adequately analyzing factors in internal and external environments. These factors can be qualitative and quantitative. Technological advancements have had a wonderful effect in military strategies: command and control, air surveillance, artillery techniques, armor vehicles, and the like. However, in any case, commanders have no more than a single responsibility, namely to gain victory in war. They should be more resilient in formulating strategies.

Due to the considerable complexity of the battlefield for formulating and assessing strategies, commanders need a systematic approach in order to adequately analyze the internal and external factors. This research focuses on the necessity of analytical devices in the battlefield, especially on the basis of operational strategic planning and decision making.

For this reason, the use of analytical SWOT method (strengths, weaknesses, opportunities, and threats) has been set forth as a method for formulating and assessing strategies in the battlefield. Despite the fact that there are applications as related to using analytical hierarchical processes (AHP) in the literature relating to analytical SWOT method, a model with new structure has been developed by Quantified SWOT analytical method in order to obtain the benefits of this approach.

Key Words: *analytical SWOT method; analytical hierarchical processes (AHP); military strategies; formulating and assessing a strategy*

Technology Revolution and Its Impact on the International Policy

S'aeed Vosoghee
Ehsan Sheykhoon

ABSTRACT

Today, with the deep changes taken place in the world of policy, everybody is trying to answer the question of what factors have caused the world's policy to be caught by such changes. Undoubtedly, one of these factors is the appearance of modern technologies or the technology revolution. The modern technology especially in the present world has caused many of the political equations of the past to be disrupted by bringing out a revolution in information, and subsequently in communications, such that a few of the terms and concepts in the science of policy need to be redefined. Due to such informational and communicational revolution, people have achieved more skill capability and skill than before, so that they have become more able to have a determining voice in their political destiny, as well as in that of others. Thus, the space and time intervals are getting smaller with a wonderful speed, the interdependence between the entities are increasing, their style of life is changing, and the process of globalization is developing. It is at this predicament that the policy of the world is dying amid stability and change.

Key Words: *technology; revolution in information and communication; revolution in skills; micro-technology; biotechnology; nanotechnology*

The Role of American Congress in Exerting Strategic-Security Considerations Associated with Technology Export Control Policy

Seyyed Asghar Keyvan Hosseini

ABSTRACT

There has been some level of “inter-organizational involvement and coordination” in U.S. foreign decision-making revolving around technology export. In other words, along with the Executive Branch, the Congress has been trying to contribute to the administrative conditions required for advancing the objectives involved in controlling the export of technology items, by introducing and adopting legislation related to this issue. This interactive paradigm between America’s administrative and legislative components suggests a specific effect of an inter-organizational involvement system in the country, an interactive involvement that, beyond partisan and profit seeking concerns and in some cases even to the point of relative consensus, has acquired identity and meaning on the basis of diplomatic behavior guidelines. This article tries to address how the Congress played a role in relation to the subject under discussion (the export of technology) in the periods before the Cold War, during, and after the Cold War. The main hypothesis, which is meaningful on the basis of proving the paradigm of cooperation between the Congress and the Executive Branch, will be provable during examining the events associated with the aforementioned periods of time.

Key Words: *technology export control policy; export administration act; export containment act; Trading With Enemy Act; Symington Amendment*

Table of Contents

The Journal of Defense Policy, Vol. 18, Serial No. 70, Spring 2010

Title	Page
Articles	
The Role of American Congress in Exerting Strategic-Security Considerations Associated with Technology Export Control Policy.....	9
<i>Seyyed Asghar Keyvan Hosseini</i>	
Technology Revolution and Its Impact on the International Policy.....	31
<i>S'aeed Vosoghee</i> <i>Ehsan Sheykhoon</i>	
Formulating & Assessing Military Strategies Based on Analytical SWOT Method	59
<i>S'aeed Kafee</i>	
An Explanation of I.R.I Operational Scenes During the Eight Years of the Holy Defense	81
<i>Hadi MoradPiri</i>	
The Role of the Main Factors and Components of Passive Defense in the Country's Security.....	119
<i>Abbas Mehri</i>	
The Status of Policy in National Authority from Imam Ali's Point of View.....	165
<i>Dr. Mohammad Bagher Baba'ee</i>	
Determining the Type of Managerial Skills and Knowledge Required by the Cultural Managers of the Student Basij.....	205
<i>MohammedReza Mardani</i>	
English Abstracts	
<i>Seyyed Saadat Hosseini Damabi</i>	

***Editorial, Advisory and Examiner Board of
The Journal of Defense Policy***

Editorial Board

Dr. Ali Akbar Ahmadiyan	Dr. Mohammad Ibrahim Sanjaghi
Dr. Mohammad Hossein Afshordi	Dr. Seyyed Yahya Safavi
Dr. Homayoon Elahi	Ali Reza Farshchi
Dr. Bahador Aminian	Dr. Jahangir Karami
Dr. Hossein Hosseini	Dr. Manoocher Mohammadi
Dr. Hossein Dehghan	Sayyed Hossein Mohammadi Najm

Examiner Board

Dr. Hossein Ardestani	Dr. Hossein Zarif Manesh
Seyyed Ali HosseiniTash	Dr. Asghar Gha'edan
Dr. Mohsen Rezaee	GholamReza Mehrabi
Akbar RamezanZade	Dr. Parviz Mir Abbasi
Dr. Allah Morad Seif	

Advisory Board

Dr. Hadi Morad Piri	MohammadHossein Ghanbari Jahromi
Seyyed KamaloddinMohammad Rafi'ee	Ahmad MohammadZadeh
Dr. MohammadAli Sobhani	Dr. Abbas Mehri
Ahmad GholamPur	Mahdi NattaghPour

In the Name of God, the Compassionate, the Merciful

The Journal of Defense Policy

***The Scientific and Promotional Journal for
The Center for Defense Security, Imam Hossein (PBUH)
Comprehensive University***

Vol. 18, No. 2, Spring 2010, Serial No. 70 (ISSN-1025-5087)

Proprietor: Imam Hossein
Comprehensive University, the
Centre for Defense Studies and
National Security

Chairman Manager: Ali Reza Farshchi

Editor: Dr. Seyyed Yahya Safavi

Managing Editor: Ali Ghanbarzadeh

Typesetter and Typographer: Hossein
Sarmadi

Observer of Publication: Andishgah-e
Elmo-San'ate Jahan-e Moaser

Lithograph, Publication and Bookbinding:
Shakib Publications

Address: the Centre for Defense Studies
and National Security; Imam
Hossein^(PBUH) Comprehensive
University

Tel: +9821-77105765

Fax: +9821-77105747

P. O. Box: 16765-3459 Tehran, Iran

Book Store: the Centre for Defense
Studies and National Security; Imam
Hossein^(PBUH) Comprehensive
University; Shahid Babaie Exp way,
Tehran, Iran.

Tel: +9821-77105741 & 42